

فصلنامه گنجینه اسناد

سال سی و دوم، دفتر چهارم، زمستان ۱۴۰۱
شماره پیاپی ۱۲۸
شاپا (شماره استاندارد بین‌المللی پیاپیها): ۱۰۲۳-۳۶۵۲
شاپای الکترونیک: ۲۵۳۸-۲۲۶۸



فصلنامه تحقیقات تاریخی مطبوع آیین‌نامه نشریات علمی مورخ ۱۳۹۸/۲/۹ به شماره
۱۱/۲۵۶۸۵ فقط عنوان «علمی» برای نشریات علمی-پژوهشی ذکر می‌شود.
و مطالعات آرشیوی

صاحب امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران-پژوهشکده اسناد
مدیرمسئول: دکتر غلامرضا عزیز greazizi@gmail.com

سر دبیر: دکتر سعید رضائی شریف آبادی srezaei@alzahra.ac.ir

هیئت تحریریه

دکتر ری ادموندسون، مدرس برنامه حافظه جهانی یونسکو، استرالیا / دکتر تری ایستوود، استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا، کانادا / دکتر فریبرز خسروی، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر سعید رضائی شریف آبادی، استاد دانشگاه الزهرا / دکتر سید امیرمسعود شهرام‌نیا، دانشیار دانشگاه اصفهان / دکتر غلامرضا فدائی، استاد دانشگاه تهران / دکتر عبدالحسین فرج پهلوی، استاد دانشگاه شهید چمران اهواز / دکتر حسین میرجعفری، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر مرتضی نورائی، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر نرگس نشاط، استاد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر محمدباقر وثوقی، استاد دانشگاه تهران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
پژوهشکده اسناد

دبیر اجرایی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی m.sadat@yahoo.com

مترجم: دکتر ابراهیم افشارزنجانی

ویراستار انگلیسی: ری ادموندسون

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

صفحه آرا: مرتضی میرزائی

ویراستار فنی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی

چاپ و صحافی: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان گنجینه اسناد ملی ایران، طبقه هفتم.

صندوق پستی ۶۵۵-۱۹۹۳۵ | تلفن: ۰۲۱ ۸۱۶۲۵۵۵۴

وبگاه: ganjineh.nlai.ir

پیام‌نگار: ganjinehasnad@gmail.com

فروشگاه: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، فروشگاه کتاب، تلفن: ۸۱۶۲۳۳۱۵

این نشریه در SID, ISC, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال (نظام نمایه سازی مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری) نمایه می‌شود.

www.ISC.gov.ir | www.sid.ir | www.ricest.ac.ir | www.researchgate.net | Scholar.google.com



وهرست مطالب

گنجینه اسناد

(علمی)

سال ۳۲، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۱

شماره پیاپی ۱۲۸

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲

شاپا(الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸



تحقیقات تاریخی

- ۶-۴۵(۴۰) بازنگری در تاریخ و زمان بندی حکومت فرترکه‌ها در پارس / فضل‌الله براقی، سید صاحب برزین
- ۴۶-۷۶(۳۱) بررسی روند و رویکردهای برگزاری مراسم «هزاره فردوسی» ۱۳۱۳ ش در جهان / علی محمد طرفداری
- ۷۸-۱۱۰(۳۳) چرایی و چگونگی تجارت دریایی مردم بوشهر با هندوستان(۱۳۰۵-۱۳۵۰ ش) / غلامحسین نظامی
- ۱۱۲-۱۳۷(۲۶) موزه سلسله پهلوی: نمایش ایدئولوژی دولت پهلوی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی / مرضیه بازیز، اصغر محمدمرادی، غلامحسین معباریان

مطالعات آرشیوی

- ۱۳۸-۱۶۸(۳۱) پژوهش‌های مرتبط با هستی‌شناسی در حوزه موزه / عبدالحسین فرج‌پهلوی، فریده عصاره، زینب فری‌زاده
- ۱۷۰-۱۹۶(۲۷) کاربردپذیری ابزارهای کمک جستجو در نرم‌افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از دیدگاه کاربران / مونا السادات موسوی، سمیه جعفری باقی‌آبادی، سپیده فهیمی‌فر

شرایط پذیرش مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد، و مطالعات آرشیوی باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه، پذیرفته می‌شود.
۲. در پذیرش مقالات، اولویت با مقالات پژوهشی است.
۳. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله، بر عهده نویسنده است.
۴. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

ضوابط تهیه مقاله

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۳ Blotus تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده ساختار یافته فارسی و انگلیسی مقاله، هر کدام حداکثر در ۲۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۵ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام نگار و وابستگی سازمانی در پانویست ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (A.P.A) است.

ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. مقالاتی که در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند، مسترد می‌شوند.

نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:

- ساکما (sākma): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

- مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.

- کهام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- استادوخ (estādux): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

- مُتما (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- ساکماق (sākmaq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

- مپس (maps): مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

- کمشا (kamšā): کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان.

- ماد (mād): موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

- مَکَم (mokamem): مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک.

کوتاه‌تنتها



The History and Timing of the Fratarakain Persis: An Analytical Review

Fazlollah Boraghi¹ | Seyyed Saheb Barzin²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: The purpose is to identify the political situation of the local rulers of Persis and their degree of independence in the Seleucid period, as well as their relationship with the Seleucids.

Method and Research Design: Library resources and some archeological data, especially the coins of the local rulers of Persis were investigated, analyzed, and described using historical method to answer the following questions: To what extent was Persis under the authority of the Seleucids? when did the Frataraka become independent and who was the first ruler that minted coins, and how was the sequence of subsequent rulers?

Findings and Conclusion: According to coins data the first Frataraka ruler minted coins at the time of Seleucus I. The result revealed that Ardaxšīr was the first Frataraka ruler of Persis and Vahbarz, Baydād, and Vādfradād were the subsequent Frataraka rulers, respectively.

Citation: Boraghi, F., & Barzin, S. S. (2022). A review of the history and timing of the rule of the Fraterkeh in Persia. *Ganjine-ye Asnad*, 32(4), 6-45 | doi: 10.30484/ganj.2022.2954

1. Assistant Professor, Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran, (Corresponding Author)

Fboraghi@pnu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran

s.barzin@pnu.ac.ir

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«128»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier (DOI): 10.30484/ganj.2022.2954

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.4, Winter 2023 | pp: 6 - 45 (40) | Received: 21, Jan. 2022 | Accepted: 6, Mar. 2022

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

بازنگری در تاریخ و زمان بندی حکومت فرترکه‌ها در پارس

فضل الله براقی^۱ | سید صاحب برزین^۲

چکیده:

هدف: هدف این پژوهش شناخت وضعیت سیاسی شاهان محلی ایالت پارس و میزان استقلال آنها در زمان حکومت سلوکیان و نیز ارتباط آنان با حکومت سلوکیان است.

روش/ رویکرد پژوهش: این پژوهش با روش تاریخی و با شیوه توصیفی تحلیلی و با تکیه بر آثار پراکنده نوشتاری و بعضی از داده‌های باستان‌شناسی و خصوصاً سکه‌های شاهان محلی این دوره سعی دارد تا به دو سؤال پاسخ دهد: نخست ایالت پارس تا چه اندازه زیر سلطه حاکمیت سلوکیان قرار داشت؟ و دوم زمان استقلال این ایالت و نخستین فرترکه که اقدام به ضرب سکه نمود چه کسی بود و ترتیب و توالی شاهان بعدی چگونه بوده است؟

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: شواهد سکه‌شناسی نشان می‌دهد که نخستین فرترکه در دوره سلوکوس اول، اقدام به ضرب سکه کرده همچنین این شواهد، توالی فرترکه‌های پارس را تغییر داده و اردشیر را اولین فرترکه پارس معرفی می‌کند؛ بر همین اساس، فرترکه‌های پس از او به ترتیب وهوبرز، بگدات و وادفرداد یکم می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: پارس، فرترکه، سکه‌های پارس، سلوکیان، هخامنشیان.

استناد: براقی، فضل‌الله؛ برزین، سیدصاحب. (۱۴۰۱). بازنگری در تاریخ و زمان بندی حکومت فرترکه‌ها در پارس. *گنجینه اسناد*، ۳۲ (۴)، ۴۵-۶. doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲.۲۹۵۴

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Fboraghi@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور تهران، ایران

s.barzin@pnu.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۲۸

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲.۲۹۵۴

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۱ | صص: ۶-۴۵ (۴۰)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

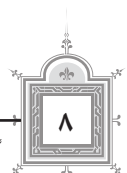
پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی، سرزمین‌های هخامنشیان، به دست فاتحان مقدونی افتاد. یکی از این ایالت‌ها پارس بود که خاستگاه هخامنشیان بود و از مهم‌ترین مراکز آیینی و سیاسی پارسیان به‌شمار می‌رفت. پس از مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ پ.م، عرصه قدرت، شاهد مبارزات شدید میان جانشینان او بود. سرانجام سلوکوس اول (نیکاتور) (۳۱۲-۲۸۰ پ.م) با غلبه بر بعضی از مدعیان سلطنت، وارث تاج و تخت اسکندر در بخش وسیعی از سرزمین ایران از جمله در سرزمین پارس شد. احتمالاً گرفتاری جانشینان سلوکوس اول در غرب موجب شد تا به تدریج حکام محلی پارس موفق شوند دوباره قدرت را به دست بگیرند و در مقابل موج یونانی مآبی مقاومت کنند.

مورخان ابتدا از اوضاع سیاسی و فرهنگی پارس در دوران حاکمیت سلوکیان اطلاع زیادی نداشتند. یکی از منابعی که به مورخان در شناخت بیشتر دوران سلوکیان و موقعیت و قدرت‌گیری شاهان محلی در پارس (فرترکه‌ها) کمک کرد، سکه‌های پارس بودند که با پیداشدنشان اطلاعات خوبی از حضور داشتن و یا حضور نداشتن پادشاهان سلوکی در پارس، شاهان و حاکمان محلی پارس (فرترکه‌ها)، خط، دین، پوشش و اعتقادات این شاهان محلی به دست دادند و به شناخت عصری که آن را «هلنیستی» یا «یونانی مآبی» نامیده‌اند، کمک شایانی کردند. این سکه‌ها نشان می‌دهند در زمانی که فرهنگ هلنیستی، حکومت‌های پارتی، الیمایی و خاراسن را تحت نفوذ خود قرار داده بوده‌است، شاهان پارسی به دنبال احیای میراث هخامنشی بوده‌اند و با حفظ آن در انتقال این فرهنگ به دوران ساسانی کوشیده‌اند (Potts, 2007, pp 273-300).

تلاش بر آن است تا با استفاده از شیوه تحقیقات تاریخی و با تکیه بر آثار پراکنده نوشتاری و بعضی از داده‌های باستان‌شناسی و خصوصاً سکه‌های شاهان محلی این دوره، به موضوع پژوهش پردازیم. ابتدا به حاکمیت سلوکیان بر ایران پس از مرگ اسکندر اشاره‌ای می‌شود و سپس اوضاع پارس در آن دوره بررسی می‌شود.

۲. بیان موضوع

تاکنون مورخان و باستان‌شناسان تحقیقات متعدد ولی پراکنده‌ای، درباره شاهان محلی پارس انجام داده‌اند. هر چند که منابع یونانی، گزارش‌های مفصلی از لشکرکشی اسکندر به ایران و خصوصاً فتح سرزمین پارس ارائه کرده‌اند، ولی در رابطه با اوضاع سرزمین پارس پس از مرگ اسکندر و فرمانروایی سلوکیان بر پارس سکوت کرده‌اند و تنها در چند دهه اخیر با پیداشدن تعدادی سکه و انجام چند کاوش باستان‌شناسی بود که امکان شناخت بیشتر از اوضاع



سیاسی و تحولات فرهنگی سرزمین پارس در دوران حاکمیت سلوکیان بر ایران میسر شد. حفاری‌های باستان‌شناسی در چند سال اخیر در مناطقی از فارس از جمله شهرستان لامرد و مَهر در کرانه‌های خلیج فارس و نورآباد ممسنی، تنگ بلاغی [تنگه بلاغی] و منطقه باستانی یرج هم اطلاعات خوبی درباره توالی هنر هخامنشی در این دوران به دست داد. با وجود این تاکنون مطالعه مستقلی به صورت خاص درباره تاریخ و زمان بندی حکومت فرترکه‌ها در پارس و اوضاع سیاسی این ایالت در دوران حاکمیت سلوکیان انجام نشده است.

به همین دلیل در این پژوهش سعی می‌شود تا تاریخ و زمان بندی حکومت فرترکه‌ها در پارس با دقت بیشتری بازنگری شود و به این دو پرسش پاسخ داده شود که:

ایالت پارس تا چه اندازه زیر سلطه حاکمیت سلوکیان قرار داشت؟

زمان استقلال ایالت پارس کی بود و نخستین فرترکه‌ای که سکه ضرب کرد چه کسی

بود و ترتیب شاهان بعدی چگونه بود؟

فرضیه‌هایی نیز که در این مقاله به دنبال اثبات آن‌ها هستیم برپایه همین پرسش‌ها

استوار است:

فرضیه نخست این که شاهان این ایالت استقلال حداکثری داشته‌اند.

فرضیه دوم تغییر در فرضیه پیشین (بر تخت نشینی بگدات به عنوان اولین فرترکه

شناخته شده در پارس) است؛ زیرا آن گونه که شواهد نشان می‌دهند توالی شاهان در پارس

به گونه‌ای دیگر بوده است.

۳. پیشینه پژوهش

درباره تاریخ و زمان بندی حکومت فرترکه‌ها در پارس، دانشمندان تحقیقات مفیدی را از روی سکه‌ها انجام داده‌اند که براساس آن درباره تاریخ شروع ضرب سکه‌های پارس به دست شاهان محلی، دو نظریه کلی وجود دارد: گروهی همچون «هرتسفلد» (۱۹۳۵)، «نیوئل» (۱۹۳۸)، «استروناخ» (۱۹۷۸)، «مورکهل» (۱۹۹۱) و «انگلز» (۲۰۱۳) معتقدند که این سکه‌ها در مرحله قدیمی‌تر و قبل از ریشه‌دوانیدن یونانی مآبی در ایران ضرب شده‌اند و گروهی دیگر همچون «آلرام» (۱۹۸۶) معتقدند که ضرب سکه‌ها بدون انقطاع، از زمان «بغداد» (اردشیر اول) تا پایان حکومت اردشیر چهارم، و بابک و شاپور ساسانی ادامه پیدا کرده است. به بیان دیگر ضرب سکه‌های پارس از اواسط قرن دوم قبل از میلاد شروع شده است. عده‌ای همچون «دمورگان» (۱۹۲۳)، «ویسهوفر» (۱۹۹۴ و ۲۰۱۰) آخرین دهه‌ها از سده سوم پیش از میلاد یعنی حدود ۲۲۰ تا ۲۱۰ پ.م را پیشنهاد داده‌اند و کسانی همچون «کالیری» (۱۹۹۸)، «هرنیک» و «اُورلت» (۲۰۰۸) از نخستین دهه تا میانه سده دوم یعنی حدود ۱۹۰ تا ۱۴۰ پ.م را مدنظر دارند.



هیل (۱۹۲۲)، آلرام (۱۹۸۶)، سلوود (۲۰۱۱)، هور (۲۰۰۸) و ... هم‌چنین توانسته‌اند با مطالعه و بررسی سکه‌های به‌دست‌آمده از شاهان محلی پارس، تا حدود زیادی شاهان این دوران و توالی آن‌ها را شناسایی کنند. هم‌چنین «مری بویس» (۱۹۹۱) موفق شد تحقیقاتی دربارهٔ اوضاع دینی سرزمین پارس انجام دهد. «ویسهوفر» (۱۹۹۴، ۲۰۱۰)، «آلتهایم» (۱۹۷۰) و ... دربارهٔ تاریخ سیاسی و «پاتس» (۲۰۰۷)، «هرنیک» (۲۰۰۸) و ... دربارهٔ نمادشناسی سکه‌های این دوران تحقیق کرده‌اند.

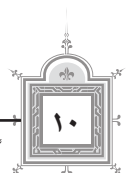
۴. ضرورت پژوهش

گرچه نگاه و نگرش باستان‌شناسان در دهه‌های اخیر دربارهٔ شاهان محلی پارس (فرترکه‌ها) در دورهٔ سلوکیان زیاد است، ولی به‌دلیل نبود مدارک و مستندات، توجه به حکومت‌های محلی این دوره، ناچیز است. در این تألیفات که به‌صورت کتاب، مقاله و رساله منتشر شده‌اند، مطالب و نظرات دربارهٔ موضوع فرترکه‌ها متفاوت است.

پژوهش سعی دارد با بررسی سکه‌های کشف‌شده از حکومت‌های محلی آن دوره و نظریه‌های متقدم و متأخر دانشمندان و باستان‌شناسان در این زمینه، زمان‌بندی حکومت فرترکه‌ها را بازنگری کند و بخشی از اعتقادات، خطوط، دین، حضورداشتن و یا حضورنداشتن حاکمان سلوکی در این برهه‌ها در پارس را فراروی محققان قرار دهد.

۵. اسکندر و جانشینان او

پس از قتل داریوش سوم توسط «بسوس»، ساتراپ بلخ، تعدادی از عالی‌رتبه‌ترین سرداران داریوش به اسکندر پیوستند. اسکندر که اکنون نقش پررنگ انتقام‌گیرندهٔ خون داریوش را بازی می‌کرد، با سخاوتمندی، این نجبای ایرانی را پذیرا شد (بویس و گرنر، ۱۳۷۵، ص ۴۰). این نخستین اقدام اسکندر برای مشروعیت‌بخشی به جانشینی شاهان هخامنشی بود. او دستور داد تا جسد داریوش را به مادرش «سی‌سی گامبریس» تحویل دهند و با تمام احترامات، در نزدیکی تخت جمشید به خاک بسپارند (Arrian, 1949, pp 1, 3-22; Diodorus of Siculus, 1963, pp 3, 17-73; Plutarch, 1971, pp 3-43). هم‌چنین برادر داریوش، «اکسیاترس» را که به او ملحق شده بود، در حلقهٔ ملتزمان شخصی‌اش وارد کرد و ادارهٔ پارس را به فردی بومی به‌نام «فراسائورتس» سپرد (Arrian, 1949, pp 3, 11-18). در رویدادی دیگر، اسکندر و نجبای مقدونی با زنان اشراف ایرانی ازدواج کردند و در مجلسی که در شوش برپا شده بود خطبهٔ عقد هشتاد عروس و داماد خوانده شد (Arrian, 1949, pp 4, 4-7; Diodorus of Siculus, 1963, pp 1, 17, 67-107; Plutarch, 1971, pp 3, 70). اسکندر کوشید تا با ازدواج با



شاه‌دخت‌های ایرانی «استاتیرا» و «پریساتیس» احترام و اعتبار بیشتری نزد پارسیان کسب کند (ویسهوفر، ۱۳۸۸، صص ۲۳-۲۵). گفته می‌شود در همین ایام، ساتراپ جدید پارس به نام «ارکینس» به اتهام اعدام افراد زیادی از ایرانیان و بی‌حرمتی به پرستشگاه‌ها و تاراج آرامگاه‌های پادشاهان هخامنشی خصوصاً کوروش، اعدام شد (Quintus Curtius, 1962, pp 10, 137). پس از آن اسکندر برای دلجویی از پارسیان، «پیوکستاس» یونانی را که در نزد پارسیان از احترام فراوانی برخوردار بود، به عنوان ساتراپ پارس انتخاب کرد؛ فردی که به دلیل مقبولیت نزد ایرانیان توانست در سال بعد بیست هزار نیزه‌ور، کمان‌دار و فلاخن‌انداز پارس را در اختیار شاه مقدونی بگذارد. مشابه این امر را دیگر چه پس از «پیوکستاس» و چه در زمان سلوکیان و اشکانیان مشاهده نمی‌کنیم که پارسیان آگاهانه سپاهی تا این اندازه قدرتمند را در خدمت بیگانه‌ای وارد میدان کنند (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۲۵).

پس از مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ پ.م نبرد بر سر جانشینی او در میان سردارانش آغاز شد. پارس در این زمان، هم‌چنان در دست «پیوکستاس» یونانی باقی ماند. «دیودور» می‌نویسد: در سال ۳۱۶ پ.م سرداران اسکندر در تخت جمشید، جلسه تشکیل دادند تا ساتراپ‌های شاهنشاهی هخامنشی را بین خود تقسیم کنند (Diodorus of Siculus, 1963, pp 17, 70-73)؛ (هرتسفلد، ۱۳۸۱، ص ۲۸۲). در این مجلس، «پیوکستاس» که در گردهمایی تقسیم امپراتوری در بابل (۳۲۳ پ.م) در مقام خود باقی مانده بود، توسط «آنتیگونوس» از فرمانداری پارس خلع شد. دلیل این امر را می‌توان ترس «آنتیگونوس» از قدرت روزافزون «پیوکستاس» بیان کرد؛ زیرا او در نبرد علیه «پیتون» توانسته بود بیشترین نیرو را وارد میدان کند و باعث پیروزی قوای مشترک شود. «پیوکستاس»، پارسیان را دوباره بازسازی کرده بود و دسته جوانانشان را دوباره به سپاه سلوکیان ملحق کرده بود (Altheim and Stiehl, 1970, pp 564-583; Bevan, 1902, p42). در این بین شخصی «تسپوس»^۱ نام (چیش پیش) نام -که در آن زمان رهبر اشراف ملی‌گرا در پارس بود- با این امر مخالفت کرد و اعلام داشت که پارسیان شهرت مقدونی دیگری را نخواهند پذیرفت. این امر اگرچه به قیمت جان او تمام شد، ولی برای نخستین بار اعتراض مستقیم پارسیان و ایستادگی شان در مقابل مقدونیان را نمایان کرد. شخصی به نام «اکسیلیپودوروس»^۲ جانشین «پیوکستاس» شد؛ ولی او هم مدت زیادی در سمتش باقی نماند و در سال ۳۱۲ پ.م، «اواگرس» جای او را گرفت. سرانجام، پیروزی سلوکوس اول (۳۱۲-۲۸۰ پ.م) بر نیروهای «نیکاتور» در ماد و کشته شدن «اواگرس» در نبرد، سلوکوس را فرمانروای بلامنازع پارس کرد (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۳۲).

1. Thespius
2. Asklepiodoros



۶. شاهان پارس در دوره سلوکیان

قلمرو امپراتوری سلوکی در زمان «سلوکوس اول» (۳۱۲-۲۸۰ پ.م)، گسترش یافت. «سلوکوس» علاوه بر تصرف پارس و ماد، سرزمین بابل را در سال ۳۱۲ پ.م تصرف کرد و خیلی زود بخش‌های دیگری از ایران و سپس سوریه و بین‌النهرین (۳۰۱ پ.م) و کیلیکیه (۲۹۶ پ.م) را هم به آن افزود. او پس از جنگ «کورپدیون» (۲۸۱ پ.م) فرمانروای آسیای صغیر به‌استثنای «پونتوس»، «بیتی‌نیه» و بعضی از شهرهای یونانی شد؛ ولی در نخستین ایام حکومتش، هند را از دست داد (روستوفتروف، ۱۳۸۰، ص ۳۷). در هر حال، پس از مرگ «اواگرس»، پارس تحت سلطه سلوکوس درآمد و نیروهای پارسی «اواگرس» به سلوکوس پیوستند. کشف دفینه کوچکی از چهاردرآخمی‌های سلوکوس اول در کنار چند سکه از شاهان محلی، نشان از حضور سلوکوس در پارس می‌دهد؛ هر چند پس از سلوکوس، نشانی از حضور مستقیم سلوکیان در پارس نیست. با توجه به شناسایی نشدن سکه جدیدی از سلوکیان در پارس، به نظر می‌رسد که پس از او جانشینانش موفق نشده‌اند موقعیت خود را در این ایالت تقویت و سکه ضرب کنند. شاید وسعت قلمرو وسیع سلوکیان در این دوره، باعث شده باشد که جانشینان سلوکوس، همواره در جنگ‌های پی‌درپی در شرق و غرب که در واقع راه‌های بازرگانی از آنجاها می‌گذشت، درگیر شوند و برای پرداختن به سرزمین پارس که خارج از حوزه جاده بازرگانی بود، فرصتی نداشته باشند. برای نمونه آنتیوخوس اول (۲۸۱-۲۶۱ پ.م) در بیست سالی که به‌تنهایی سلطنت کرد، آنچنان در جنگ در آسیای صغیر درگیر بود که حتی یک‌بار هم به ایران مراجعت نکرد (بویس و گریر، ۱۳۷۵، ص ۳۵). شاید همین گرفتاری سلوکیان در شرق و غرب باعث شد تا در پارس، حکام محلی موفق شوند که به تدریج قدرت را به دست بگیرند و در مقابل موج یونانی‌مآبی مقاومت کنند. هر چند وجود معبد بزرگ آناهیتا در سرزمین پارس و گسترش اندیشه زرتشتی‌گری در این سرزمین در دوره اشکانیان، و ظهور ساسانیان از پارس همگی از حضور اشراف ایرانی و گسترش موج ایرانی‌گری در این سرزمین پس از سقوط هخامنشیان نشان داشت، ولی به دلیل نبود شواهد کافی، مورخان اطلاع زیادی از اوضاع سیاسی و فرهنگی پارس در دوران حاکمیت سلوکیان نداشته‌اند. با پیداشدن تعدادی سکه از شاهان محلی پارس، دوره جدیدی از مطالعه درباره این سرزمین در سال‌های اخیر آغاز شده‌است که نشانگر حاکمیت سلسله‌های محلی ایرانی در پارس طی حاکمیت سلوکیان بر ایران پس از سلوکوس و در دوره اشکانیان است. طبق اسناد به‌دست‌آمده از پارس، خصوصاً داده‌های باستان‌شناسی و سکه‌های یافت‌شده، سه سلسله از شاهان محلی در سه دوره متوالی بر پارس حکومت می‌کرده‌اند. نخست شاهانی که هم‌زمان با دوره سلوکی



هستند و عنوان Frataraka (فرترکه) به معنی «رهبر، پیشرو، فرماندار» را دارند. گروه دوم شامل شاهانی می‌شوند که به احتمال زیاد در زمان سلوکیان می‌زیسته‌اند، ولی عنوان MLK (شاه) را دارند و سرانجام گروه سوم که همگی در دوره اشکانیان حکومت می‌کرده‌اند و لقب MLK را دارا هستند.

۷. فرترکه‌ها

فرترکه از واژه پارسی باستان Fratara به معنای «رهبر و پیشرو» گرفته شده است. هم‌چنین عده‌ای آن را به شکل فرتدار (Frätadāra) نوشته‌اند و به «پرستار آتش» ترجمه کرده‌اند (هرتسفلد، ۱۳۸۱، ص ۲۸۲). عده‌ای هم آن را به صورت فرتیکرا (Fertikarā) ذکر کرده‌اند (گوتشمید، ۱۳۷۳، ص ۲۳۵) و گروهی نیز فراتاکارا (Frätākārā) به معنی «آتش‌ساز» می‌دانند (مشکور، ۱۳۷۴، ص ۲۰۰). «ایتو» با مطالعه پایپروس‌های مربوط به دوره هخامنشی که در ناحیه «الفانتین» مصر به دست آمده بود، این لقب را معادل «فرمانده» یا «فرماندار» و یا «فرمانده دژ» دانست (Ito, 1976, pp 47-66). «ناستر» با تحلیل دو واژه فرتکر (Frataraka) و فرتدار (Fratadāra) که اولی به عنوان کسی که آتش می‌افروزد و دومی کسی که از آتش نگهداری یا آن را حمل می‌کند و مقایسه آن با فرترکه (Frataraka) در پایپروس‌های «الفانتین» مصر، عنوان «صاحب‌منصب» یا «فرمانده دژ» را مناسب‌تر می‌داند تا عنوان‌های به شدت مذهبی را (Naster, 1968, pp 14-80). در این پایپروس‌ها فرمانده (byry, birtā) دژ (Yēb) الفانتین، Prtrk=Frataraka نامیده می‌شود که از نظر ریشه‌شناسی، کلمه‌ای یونانی است و پسوند معمولی ka- دارد که به (مسئول، فرمانده) قابل ترجمه است. «هیئتس» و «شهبازی» عنوان می‌کنند که در زمان هخامنشیان، این لقب برای صاحب‌منصبان هخامنشی که زیردست ساتراپ بوده‌اند ولی قدرت زیادی داشته‌اند به کار می‌رفته است (Hinz, 1979, p112؛ شهبازی، 1380، صص 30-34).

به نظر می‌رسد این حکام که از خاندان‌های بانفوذ زمان هخامنشیان بودند موفق شدند که در روزگار سلوکیان، حکومت پارس را در دست گیرند (بویس و گرنر، ۱۳۷۵، ص ۱۳۴). تاریخ این حرکت، چندان قطعی نیست؛ ولی می‌تواند در دوره حکومت آنتیوخوس اول (۲۸۰-۲۶۱ پ.م) بوده باشد؛ چراکه نخستین سلوکیان عمدتاً نگران امنیت جاده‌های تجاری به بلخ و آسیای دور از مسیر سرزمین ماد بودند و به آنچه در پارس می‌گذشت کمتر توجه داشتند (سلوود، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸). سکه‌هایی با قدمت ۲۲۰ پ.م که به سلوکوس تعلق دارند و به احتمال قوی در تخت جمشید یا پاسارگاد ضرب شده‌اند، نشان‌دهنده سلطه مستقیم سلوکیان حداقل تا ۲۸۰ پ.م هستند (Potts, 2004, p354).



۸. سکه‌های شاهان پارس در دوره سلوکیان

در مجموع به نظر می‌رسد در زمان حاکمیت سلوکیان، چندین تن با نام‌های پارسی بر پارس حکومت می‌کرده‌اند که عنوان فترکه داشته‌اند. پیش‌تر ترتیب این حاکمان را این‌گونه می‌دانستند: ۱- بیداد (Baydād/bgdt)؛ ۲- اردشیر اول (Ardaxštr/rthštry I)؛ ۳- وهوبرز (Oborzoz/ahburz)؛ ۴- وادفردات اول (Autophradates/wtprdt/vādfradād I). پیش‌از این اکثر پژوهش‌گران، «وهوبرز» را جانشین «بغداد» عنوان می‌کردند، ولی «آلرام» پیشنهاد داد که اردشیر اول، جانشین «وهوبرز» بوده‌است (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۸۰). این امر از واقعیتی استنتاج می‌شود که مهر شناسایی در قیاس با رویه (سبک) نوع Ia^۱ اردشیر و Ia وهوبرز مناسب است و میزان استفاده از علامت‌ها و نشان‌های خاص نیز به‌تنهایی بر این توالی دلالت دارد. روی سکه اردشیر اول، او را با تیاری (تاج) به‌جلو کشیده‌شده، یعنی همان سرپوش یکپارچه از جنس نمد و از پیشانی بیرون‌زده با حفاظ گردن و گونه‌ها نشان می‌دهد؛ در حالی که اردشیر در پشت سکه، مشابه سکه‌های سری دوم بغداد، در برابر سازه‌ای [معبدگونه] نمایانده شده‌است (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۸۱). «هوور» اعتقاد دارد که ممکن است «بغداد»، اولین شاه پارس نباشد که از او سکه در دست داریم. او به این نتیجه رسیده که احتمالاً اولین فترکه پارس، «اردشیر» بوده‌است که سکه‌های خود را روی سکه‌های حاکمان سلوکی ضرب کرده‌است و حاکمان پس از اردشیر را به ترتیب «وهوبرز» و «بغداد» می‌داند (Hoover, 2008, pp 209-230). «سرخوش کرتیس» احتمال می‌دهد که «وهوبرز» و «بغداد»، شاهان هم‌زمان و رقیب بوده‌اند که حتی در مرحله‌ای بر روی سکه‌های یکدیگر سکه ضرب کرده‌اند (Sarkhosh Curtis, 2010, pp 379-396). گروه دوم از این حکام محلی، احتمالاً پس از شکست «آنتیوخوس سوم» در «مغنیسیا» (۱۹۰ پ.م)، ضرب سکه را شروع کرده‌اند. این حکام، احتمالاً به دلیل بسط قدرت و قلمروشان در این دوره، لقب MLK را که هُزوارش^۲ واژه آرامی «شاه» است برای خود گزیده‌اند؛ ولی بر روی سکه‌هایشان هم‌چنان به سبک چهار فترکه پیشین، در مقابل بنایی محراب‌گونه (؟) ایستاده‌اند. این شاهان عبارت‌اند از: ۱- شکندات (šyknđt)؛ ۲- وادفرداد دوم (Wtprdt MLK)؛ ۳- داریوش اول (d>ryw MLK) (سلوود، ۱۳۸۹، ص ۱۹۴). «یوستی» برای شاهان این دوره، چهار تن را پیشنهاد می‌کند: ۱- منواز (Manawaz)؛ ۲- تیردای (Tirdāi)؛ ۳- تیرداد (T...tā)؛ ۴- زاتاردات (Zatārdāt) (یوستی، ۱۳۸۲، ص ۱۵). به احتمال زیاد، «زاتاردات» که «یوستی» از او نام می‌برد، همان «وادفرداد دوم» باشد. دوره این شاهان، احتمالاً تا زمان پیروزی «مهرداد اول» (۱۷۴-۱۳۶ پ.م) بر «دمتریوس دوم» (۱۴۵-۱۳۹ پ.م) در سال ۱۳۹ پ.م که با نیروهای کمکی از «الیمائیس» و «پارس» انجام شد، به طول می‌انجامد. پارس از این زمان

۱. شماره سکه‌ها براساس نوع آن‌ها
۲. هُزوارش یا آروارش در نوشته‌های پهلوی به واژه‌ها یا بخش‌هایی از یک واژه گفته می‌شد که به زبان آرامی و به خط پهلوی نوشته می‌شد، ولی هنگام خواندن، برابر پارسی میانه آن‌ها تلفظ می‌شد.



به بعد، به احتمال فراوان، تحت نفوذ و سلطه پارتیان قرار می‌گیرد که البته می‌تواند استقلال خود را در این دوره هم همچنان حفظ کند و به مرکزی سیاسی و مذهبی برای قیام علیه حاکمیت اشکانیان و در نهایت تشکیل شاهنشاهی ساسانیان به مرکزیت پارس بیانجامد.

همان‌گونه که اشاره شد، به نظر می‌رسد در طول فرمانروایی سلوکیان، سرزمین پارس به عنوان خاستگاه و مرکز سیاسی و فرهنگی امپراتوری هخامنشیان توانست تا حدود زیادی استقلال خود را حفظ کند. ضرب سکه توسط حاکمان محلی می‌تواند یکی از دلایل استقلال حاکمان پارس بوده باشد. موضوع مهم درباره سکه‌های پارس، تاریخ شروع ضرب آنهاست که ذهن دانشمندان زیادی را به خود مشغول کرده است. دو نظریه کلی برای تاریخ شروع ضرب سکه‌های پارس وجود دارد. یکی از آنها تاریخ متقدم نام دارد و از حدود سال ۲۵۰ قبل از میلاد آغاز می‌شود و دیگری تاریخ متأخر است که از حدود سال ۱۴۰ قبل از میلاد آغاز می‌شود. نظریه تاریخ متقدم به دلیل نبودن هیچ‌گونه نوشته یونانی بر روی سکه‌های پارس، برخلاف نمونه‌های «الیمایی» یا «خاراکن»، بر این است که ضرب این‌گونه سکه‌ها در مرحله قدیمی‌تر و قبل از ریشه‌دواندن یونانی مآبی در ایران آغاز شده است (رضاخانی، ۱۳۹۱، صص ۲۹-۳۲). این نظریه‌ای بود که «هیل» (۱۹۲۲) در کتابش به آن پرداخته است و از طرف دانشمندانی مانند «هرتسفلد» (۱۹۳۵)، «نیوئل» (۱۹۳۸)، «استروناخ» (۱۹۷۸)، «مورکهل» (۱۹۹۱)، «کُخ» (۱۹۸۸)، «هور» (۲۰۰۸)، «دیتریش کلوزه» و «ویلهم موزلر» (۲۰۰۸)، «سرخوش کرتیس» (۲۰۱۰) و «دیوید انگلز» (۲۰۱۳) نیز حمایت شده است. نظریه تاریخ متأخر که از طرف «آلرام» در سال ۱۹۸۶ ارائه شد، بر این مبناست که هیچ‌گونه انقطاعی در ضرب سکه‌های پارس دیده نمی‌شود و این سکه‌ها از زمان شروع (بغداد یا اردشیر اول) تا پایان، یعنی حکومت اردشیر چهارم و بابک و شاپور ساسانی، همه بخشی از یک مجموعه پیوسته هستند (رضاخانی، ۱۳۹۱، ص ۳۱).

«آلرام» با این استدلال که اگر تاریخ متقدم را با موضوع پیوستگی نقش و سبک سکه‌ها منطبق کنیم، نمی‌توانیم برای مدتی (حدود ۵۰۰ سال) یعنی از ۲۵۰ قبل از میلاد تا حدود ۲۱۰ بعد از میلاد به قدر کافی سکه بیابیم، پیشنهاد می‌کند که مانند سکه‌های «الیمایی» و «خاراکن»، ضرب سکه‌های پارس از اواسط قرن دوم قبل از میلاد شروع شده است (Alram, 1986). در این بین عده‌ای چون «دمورگان» (۱۹۲۳) و «ویسهوفر» (۱۹۹۴، ۲۰۱۰) آخرین دهه‌ها از سده سوم یعنی حدود ۲۲۰ تا ۲۱۰ پ.م را پیشنهاد داده‌اند و کسانی چون «آلرام» (۱۹۸۶)، (Alram and Gyselen, 2003)، «کالیری» (۱۹۹۸) و «هرنیک و اُورلت» (۲۰۰۸) از نخستین دهه تا میانه سده دوم یعنی حدود ۱۹۰ تا ۱۴۰ پ.م را مدنظر دارند.



الف. اردشیر

با وجود پژوهش‌های پیشین و نظریه‌ای که «بگدات» را نخستین فرترکه می‌دانست، «انگلز» نشان داد که نخستین سکه یافت شده که به احتمال فراوان در اواخر دوران «سلوکوس اول» و یا اوایل سلطنت «آنتیوخوس اول» ضرب شده‌است، به «اردشیر» تعلق دارد (En-gels, 2013, p37). نزدیکی سکه‌های او با سکه‌های «بگدات»، «آلرام» را بر این داشت تا عنوان کند که این دو شاه، بر سر قدرت در رقابت بوده‌اند و سکه‌های این دو، به‌طور هم‌زمان در بین مردم پخش شده‌است. در سکه‌های «اردشیر»، او با تیاری نمدی یکپارچه که از پیشانی جلوزده‌است نمایان شده‌است (ویسهوفر، ۱۳۸۸: ص ۸۰). پشت این سکه، فرمانروا را نشان می‌دهد که همچون سکه‌های «بگدات» درمقابل بنایی ایستاده‌است. نکته جالب در سکه‌های اردشیر، کلمه *br prs* است که برای نخستین بار بر روی سکه‌های او پدیدار می‌شود.^۱ نام پرسپولیس در اواسط سده پنجم پیش از میلاد و در نوشته‌های آرامی به‌صورت *prs-byrt* آمده‌است. می‌دانیم که پرسپولیس نامی است یونانی - به معنی «شهر پارسیان»، و در شکل کهن تر آن، به‌صورت آمده‌است که «به دژ پارسیان» ترجمه شده‌است و با *prs-byrt* آرامی تطبیق می‌کند (Altheim and Stiehl, 1970, pp 504-583). در هر حال، استفاده از این واژه که احتمالاً به پایتخت کهن پارسیان در پارس و دوران عظمت گذشته پارسیان اشاره دارد، به‌خوبی می‌تواند زنده‌بودن احساسات ملی‌گرایی و قدرت فرترکه‌ها در پارس این دوره را نشان دهد که احتمالاً با تکیه بر ملی‌گرایی، توانسته‌اند با زنده‌نگه‌داشتن خاطرات گذشته، بر سرزمین پارس فرمانروایی کنند.

۱. درباره این واژه نظریات مختلفی وجود دارد، عده‌ای آن را برابر با «پسر پارس» می‌دانند (Itô, 1976, pp 53-54; Wieshöfer, 1994, 109, not.61; Engels, 2013, pp 38-39). جایی «پسر فراد» آورده شده‌است (Leu Bank AG). (1987, p71; Gholami, 2020, p137) و در نهایت بویس و گرنر به‌طور سنتی خوانش «فرترکه پارس» را قبول دارند (Boyce & Grenet, 1991, Vol. 3, p113).



تصویر ۱

سکه اردشیر
Ref: <https://CoinArchives.com/kings of Persis>

ب. وهوبرز

سکه‌های بعدی به «اُبرزوس» (Oborzos) تعلق دارد که احتمالاً شکل یونانی نام کهن «وهوبرز» (Vahobarz) است که به معنی «نیک‌بالا، خوش‌اندام» است (شهبازی، ۱۳۸۰، ص ۳۱). بر روی سکه، صورت «وهوبرز» با تیاری آراسته به دیهیم جلوزده نمایان است و در پشت

سکه، او در مقابل همان سازه پیشین با درفش تصویر شده است. «غلامی» به خوبی نشان داده است که «وهوبرز» تعداد زیادی از سکه‌های خود را بر روی سکه‌های «اردشیر» ضرب کرده است و به این ترتیب او را جانشین «وهوبرز» می‌داند (Gholami, 2020, p146). این شاه احتمالاً باید همان «برزوس» باشد که «پلیانوس» از کشته شدن سه هزار یونانی به دست او به انتقام کشته شدن سه هزار پارسی سخن می‌گوید. او نقل می‌کند: «سیئلس» در اندیشه کشتن سه هزار پارسی‌ای بود که سر به شورش برداشته بودند و وانمود کرد که نامه ناخوشایند تهدیدآمیزی از سلوکوس دریافت کرده است. او با اعلام اینکه در یاری به شاه باید پیش دستی کنند، آن‌ها را در دهکده‌ای به نام «راندا» گردهم آورد؛ ولی با سواران و نیروهایی که از قبل تجهیز کرده بود، همه سه هزار پارسی را تا نفر آخر از دم تیغ گذراند (Pliny, 1961, V. II, p39). او در ادامه و در بند بعدی از اقدام انتقام‌جویانه «برزوس» سخن می‌گوید که سه هزار کاتی‌کی (مستعمره‌چی) ساکن در پارس را به ناحیه‌ای به نام «کماستوس» هدایت می‌کند و در خانه‌های روستا جای می‌دهد و به میزبانان می‌سپارد که آن‌ها را کاملاً مست کنند و سپس همه آن را به قتل می‌رساند (Pliny, 1961, V. II, p40). هرچند که در اصل این روایت هم تردید وجود دارد و مشخص نیست پلیانوس کدام سلوکوس را مدنظر داشته است، ولی در هر حال اگر اصل روایت هم درست باشد، به نظر می‌رسد این حادثه باید در اواخر حکومت سلوکوس دوم (۲۴۶-۲۲۶ پ.م) اتفاق افتاده باشد.



تصویر ۲

سکه وهوبرز

www.wildwinds.com/coins/greece/persis

بر پشت سکه‌ای منحصر به فرد از وهوبرز، او در شمایل‌ی مانند شاهنشاه هخامنشی نشان داده می‌شود که اسیری یونانی را ذبح می‌کند؛ یونانی بودن این اسیر از روی سپرش مشخص شده است. بر روی این سکه برای نخستین بار شاهد واژه *krny* هستیم؛ این لقب ظاهراً از کلمه یونانی *σὺναρακ* اخذ شده است که به معنی داشتن قدرتی فوق‌العاده است. همین عنوان را داریوش دوم هخامنشی، به پسرش کوروش جوان داده بود که بر تعدادی سرزمین در آسیای صغیر فرمانروایی می‌کرد. احتمالاً «وهوبرز» این لقب را به دلیل یادآوری

لقب یونانی $\varsigma\theta\nu\nu\alpha\rho\alpha\kappa$ در زمان هخامنشی برای خود برگزیده باشد (Shayegan, 2011, p176)؛ زیرا این لقب، در مقابل لقب متواضعانه فرترکه، از قدرت بسیار زیاد او خبر می‌دهد. شاید این رویداد، با کشتن سه هزار «کاتی‌کی» مقدونی نیز هم‌زمان بوده باشد. این اتفاق، بین سال‌های ۲۰۵ تا ۱۹۰ پ.م روی می‌دهد که در آن «وهوبرز» احتمالاً حوزة فرمانروایی خود را تا حدود «خاراسن» گسترش می‌دهد (Shayegan, 2011, p176). ارشک اول (۲۵۰-۲۴۸ پ.م) یا تیرداد اول (۲۴۸ تا ۲۱۴ پ.م) در پی قیام خود برضد سلوکیان، در یکی از سکه‌هایش از واژه $\kappa\nu\nu\gamma$ استفاده می‌کند. «سلوود» این لقب را با واژه یونانی ($\alpha\tau\tau\nu\sigma\tau$ Strat- egos) یکی دانسته است و به معنای «فرمانروای مطلق» می‌داند (سلوود، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷). احتمال دارد استفاده از این سکه در دوره ارشک یا تیرداد اول، با به‌کار بردن این واژه نزد «وهوبرز» هم‌زمان باشد که هر دو شاه، به‌نوعی با بسط قدرت خویش القاب خویش را نیز بزرگوارانه‌تر کرده‌اند.



تصویر ۳

سکه کم‌یاب و منحصر به فرد وهوبرز
<https://www.numisbids/oriental>
Greek

در همین ایام بود که «آندراگوراس» شهرت پارت، به‌نشانه استقلال به‌نام خود سکه ضرب کرد؛ ولی چندی بعد به‌دست «اشک»، از بین رفت. نکته قابل تأمل در این میان، طرح سکه‌ای است که او ضرب کرده است. این سکه با سکه‌ای نادر به‌دست آمده از «وهوبرز» نزدیکی بسیاری دارد. گمان می‌رود که در پشت پرده این اقدامات مشابه ایدئولوژی یکسانی در میان سران شورش وجود داشته است.

۱. استاتر کلمه‌ای یونانی به معنای وزن درمیان یونانیان بود که از حدود سال ۵۰ میلادی در شهرهای تحت نفوذ یونانیان به دو صورت طلا و نقره انتشار یافت.



تصویر ۴

سکه استاتر طلا و وهوبرز، سردار شورش پارس
<https://www.numisbids/oriental>
Greek

تصویر ۵

سکه آندراگوراس شهر ب سلوکوی پارت
<https://www.numisbids/oriental>
Greek



از طرفی این وقایع، با روایت «پلیانوس» نیز همخوانی دارد. در داستان «ابروزس»، او از شاهی با عنوان «سلوکوس» یاد می‌کند؛ ولی مشخص نیست کدام سلوکوس را مدنظر داشته‌است. اگر زمان شورش «بگدات» را، پس از مرگ سلوکوس یکم و شروع فرمانروایی آنتیوخوس یکم یعنی سال‌هایی بین ۲۸۰ تا ۲۷۰ پ.م بدانیم، بگدات و اردشیر روی هم‌رفته ۲۵ تا ۳۰ سال حکومت نیمه‌مستقل داشته‌اند که تقریباً منطقی به نظر می‌رسد. از روایت، این چنین برمی‌آید که زمان شورش وهوبرز، سلوکوس دوم (۲۴۶-۲۲۵ پ.م) بر تخت نشسته بوده‌است که اگر این تاریخ‌ها را با رویدادهای هم‌زمان معادل‌سازی کنیم، شورش آندراگوراس و برادران ارشک را نیز دربر می‌گیرد.

ج. بگدات

پیداشدن سکه‌ای از «بگدات» که بر روی سکه فرترکه پیشین مجدداً ضرب شده بود، «انگلز» را بر آن داشت تا «بگدات» را جانشین و یا شاه معاصر «وادفرداد یکم» بداند (Engels, 2013, pp 42-49). علت این امر، شباهت سکه‌های «بگدات» از لحاظ سبک، با سکه‌های سلوکی و از سوی دیگر نوع ضرب متفاوت با دوره‌های بعد از این سکه است (سلوود، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸). دو نوع سکه از «بَعْدَات» در دست است: در یک گونه از این سکه‌ها، تصویر صورت شخص حاکم با وقار و متانت و با چیره‌دستی خاصی حک شده‌است. در این تصویر، شخص حاکم بر روی بلوز و شلوار خود نیم‌تنه کوتاه (بشلیک یا همان تاج ساتراپی) پوشیده‌است که لباس معمولی دودمان آنان است و نیم‌تاجی مزین با سربند حکمرانان یونانی را بر سر دارد (بویس و گرتر، ۱۳۷۵، ص ۱۳۵). این گونه سرپوش، در دوره هخامنشی و سلوکی با عنوان سرپوش ساتراپی نیز شناخته می‌شده‌است (Hill, 1922, p195). در پشت سکه، شاه در حالی که بر روی تخت نشسته‌است، گل و عصایی بلند در دست دارد که یادآور تمثال مشهور داریوش و یا خشایارشا در پرسپولیس است (سلوود، ۱۳۸۹، ص ۱۸۹؛ بویس و گرتر، ۱۳۷۵، ص ۱۳۵؛ سرافراز و آورزمانی، ۱۳۹۱، ص ۷۵). در مقابل او، پرچم شرابه‌داری^۱ را می‌بینیم که دور آن کتیبه‌ای آرامی به چشم می‌خورد که بر رویش عنوان: *bdgtk prtk' zy Lhy* «بَعْدَات فرمانروای

۱. شرابه: طره و منگوله‌ای است که در جامه‌های سلاطین به کار می‌رفت و به صورت آویزان به‌همایش درمی‌آمد.



خدایان» نوشته شده است. در برخی از سکه‌ها عنوانِ «بَعْدَاتِ bδgt prtrk' zy LHY' BR bgwkr» نوشته شده است. فرترکه خدایان، پسر بگورت» آمده است.



تصویر ۶

سکه بغداد بر تخت

Ref: <https://CoinArchives.com/kings of Persis>

پشت نوع دیگری از سکه‌ها، «بغداد» را ایستاده در حال نیایش (?) در برابر سازه‌ای شبیه کعبه زرتشت در نقش رستم، نشان می‌دهد که روی آن سازه سه شیء نموده شده است و همان درفش نیز در کنار این سازه قرار دارد (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۷۷).



تصویر ۷

سکه بغداد ایستاده در برابر سازه

Ref: <https://CoinArchives.com/kings of Persis>

د. وادفرداد یکم

سکه بعدی به آخرین شاه از دودمان فرترکه «وادفرداد یکم» تعلق دارد. بر پشت سکه‌های این شاه، عبارت 'Wtprdt prtrk 'ZY' LHY' «وادفرداد فرمانده از جانب خدا» حک شده است. این شاه به احتمال زیاد هم‌دوره «آنتیوخوس سوم» است و احتمالاً بین سال‌های ۲۱۰ تا ۱۹۰ پ.م حکمرانی می‌کرده است. بر پشت برخی از سکه‌های «وادفرداد»، شاه در مقابل سازه‌ای قرار دارد که بر فراز آن پیکره اهورامزدا (فر کیانی) نمایان است. با توجه به هم‌زمانی سکه‌های او با سکه‌های بغداد گفته می‌شود که احتمالاً این دو برای مدتی به صورت هم‌زمان فرمانروایی می‌کرده‌اند و در نهایت وادفرداد یکم موفق شد رقیب را حذف کند (Shayegan, 2011, p178). در پشت سر «وادفرداد»، پیکره الهه نایکه^۱ (نایک یا نیکه) در حالی که حلقه‌ای

۱. نایکه: الهه پیروزی در افسانه‌های یونان باستان. او دختر پالاس و استوکس شمرده می‌شود. او بیشتر به عنوان یک نماد شناخته شده است و به صورت دختری بالدار با تاج پیروزی تصویر می‌شود.



از گل بر روی سر شاه گرفته‌است، نشان داده شده‌است. با توجه به اینکه این نماد در میان یونانیان و سپس رومیان نشانه پیروزی و تفوق سیاسی-نظامی به‌شمار می‌رفته‌است، بنابراین استفاده از این نماد توسط او می‌تواند نشان از پیروزی نظامی او بر دشمنانش بوده باشد. مشابه این نماد را در نقوش پیروزی شاپور اول ساسانی (۲۶۱-۲۴۰ پ.م) می‌توان مشاهده کرد. هم‌چنین او تنها کسی است که بر روی سکه‌هایش کمان در دست دارد.



تصویر ۸

سکه وادفرداد یکم

www.wildwinds.com/coins/greece/
persis

۵. شکندات؟

با شکست نیروهای «آنتیوخوس سوم» در «مغسیا» (۱۹۰ پ.م)، سقوط دولت سلوکی سرعت یافت. این شکست، بازخوردهای فراوانی در میان بعضی از ساتراپ‌ها از جمله پارس، خراسن، الیمایی داشت؛ به‌گونه‌ای که هر کدام، شروع کردند به بسط قدرت در ایالت خویش. پس از کشته‌شدن «آنتیوخوس سوم» در حال غارت معبد الیمایی در سال ۱۸۷ پ.م، دوره تازه‌ای از ضرب سکه در بین شاهان پارس به‌وجود آمد. شاهد استفاده از عنوان MLK بر روی سکه فرمانروایان پارس در این دوره هستیم که از هژوارش واژه آرامی «شاه» به‌جای لقب فرترکه استفاده می‌کنند. هر چند «آلتهایم» معتقد است که احتمالاً در این زمان، مهرداد موفق شد پارس را فتح کند و اوضاع داخلی آنجا را سر و سامان دهد و به‌جای سلسله محلی، شاهان دست‌نشانده اشکانی را در آنجا به حکومت بگمارد (Altheim and Stiehl, 1970, pp 564-583)، ولی استفاده از عنوان کاملاً استقلال‌طلبانه «شاه» توسط حاکمان پارس در این زمان، تشدید عرق ملی و حس وطن‌پرستی در بین پارسیان در دوران یونانی‌مآبی را نشان می‌دهد. حقیقت امر این است که یونانیان می‌کوشیدند تا با ایجاد شهرهایی با جمعیت یونانی، حضور و سلطه خود را مستحکم‌تر کنند؛ این موضوع در فارس، بیشتر ملموس است و یونانیان حتی در اوج قدرت «آنتیوخوس سوم» با وجود نفوذ فرهنگی خاص در ماد، سیاست متفاوتی برای خاستگاه امپراتوری پارس اتخاذ کردند.



بقایای سفال‌های سبک هلنی به‌دست‌آمده در تل تخت پاسارگاد و محوطه تل ضحاک در جنوب غرب شیراز (فسا) نشان می‌دهد که سلوکیان کولونی‌هایی در منطقه تأسیس کرده‌اند (Callieri, 1995, pp 82, 84; Callieri and Askari, 2013, p695). گرچه به‌نظر می‌رسد یکی از سرداران «آنتیوخوس» توانست در نبردی یک‌روزه در سواحل خلیج فارس، پارس‌ها را شکست دهد، ولی درست در همان زمان، آنتیوخوس چهارم با سپاهیان از مناطقی در پارس که در خطر تجزیه بود، عقب‌نشینی کرد. او درحالی‌که قصد داشت معبدی را در این منطقه غارت کند، با مقاومت مردم مجبور به عقب‌نشینی ننگ‌آوری شد (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۷۵). این رویداد به‌احتمال فراوان، در زمان اولین شاه از این دودمان یعنی «شکندات» (حدود ۱۸۵ تا ۱۷۳-۱۷۴) پیش از میلاد اتفاق افتاده‌است. در روی سکه‌های «شکندات»، شاه با ریشی کوتاه نشان داده می‌شود که تاجی بر سر دارد و برخلاف تصاویر پیشین قسمت بناگوش تیرای سابق حذف شده و بر فراز آن عقابی نگاشته شده‌است. در پشت سکه‌های او نیز در مقایسه با سازه‌های فرتکه تغییراتی در سازه به‌وجود آمده‌است. این سازه جدید بیشتر به محراب قربانی شبیه است؛ پیکری بالدار در بالای آن قرار دارد و شاه در کنار سازه در حال نیایش است. در سمت راست سازه نیز، پرچمی برافراشته شده‌است که پرندای (عقاب یا شاهین) بر فراز آن نشسته است (Rezakhani, 2011, p248).



تصویر ۹

سکه شکندات (?)

Ref: [https://CoinArchives.com/kings of Persis](https://CoinArchives.com/kings_of_Persis)

و. وادفرداد دوم / داریو یکم / وادفرداد سوم

شاه بعدی از این دودمان، «وادفرداد دوم» است که بر پشت سکه‌هایش 'wtprdf MLK «وادفردادشاه» نامیده شده‌است. در این سکه‌ها، شاه هم‌چنان به‌مانند سکه‌های شاهان پیشین، رو به سمت راست دارد و در پشت سکه، در مقابل سازه محراب‌مانند ایستاده‌است؛ درحالی‌که در سمت راست بنا، پرندای بر روی چهارپایه‌ای نشسته است. تصویر شاه بر روی برخی از سکه‌ها، با چهره‌ای سالخورده نمایان است؛ درحالی‌که سکه‌هایی از دوران جوانی او نیز در دست است.



تصویر ۱۰

سکه وادفرداد دوم
www.wildwinds.com/coins/greece/persis



شاه بعدی، «داریوش اول» است که بر سکه‌هایش عبارت «daryw MLK» «داریوش شاه» درج شده است. سکه‌های او تمام خصوصیات سکه‌های «شکندرات» را داراست؛ ولی بر تاج شاه هلال ماه قرار دارد. دوران فرمانروایی داریوش اول به احتمال فراوان، بین سال‌های ۱۷۰ تا حدود ۱۵۰ پ.م است.

تصویر ۱۱

سکه داریو یکم
<https://www.numisbids/oriental>
Greek



آخرین شاه از این دودمان، «وادفرداد سوم» است که به احتمال فراوان بین سال‌های ۱۵۰ تا ۱۳۹ پ.م حکمران پارس بوده است. درباره دوران و چگونگی حکومت این شاه اطلاعاتی در دست نیست؛ تنها تعدادی سکه وجود دارد که از روی آن‌ها می‌توان هویت این شاه را تشخیص داد. شاه در روی سکه با صورت ریش‌دار به طرف راست می‌نگرد و تاجی بر سر دارد، در حالی که هلال ماهی در بخش بالا قرار گرفته است. در پشت سکه، آتشکده در وسط و انسان بالدار در سمت بالای آن قرار دارد؛ در حالی که وادفرداد در سمت چپ ایستاده و بازوی خود را بالا آورده است و در سمت راست، ستونی توسط عقاب برافراشته شده است. از دوران زندگی این شاه، اطلاعاتی در دست نیست؛ ولی به احتمال فراوان او همانی است که «دمتریوس دوم» سلوکی را به همراه قوایی از الیمایی در نبرد سال ۱۳۹ پ.م در مقابل مهرداد یکم اشکانی یاری رسانده است. از آنجا که اکثر حاکمان محلی در الیمایی، خاراسن و پارس با وجود استقلال بیشتر، هنوز هم به شاه سلوکی وفادار بودند، او

را در برابر شاه نوپای اشکانی یاری کردند (Wenke, 1981, p306). با شکست دمتریوس در جنگ، پارس و الیمایی تحت نفوذ کامل پارتیان درمی آیند و شاهانی که پس از وادفرداد سوم بر تخت می نشینند، از اصول سکه زنی اشکانی پیروی می کنند. چهاردرآخم، واحد اصلی پول فرترکه‌ها، آخرین بار نزد وادفرداد سوم نمودار می شود و از آن زمان به بعد درآخم به عنوان واحد اصلی پول جدید به جریان انداخته می شود (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۸۴).



تصویر ۱۲

سکه وادفرداد سوم
www.wildwinds.com/coins/greece/
persis

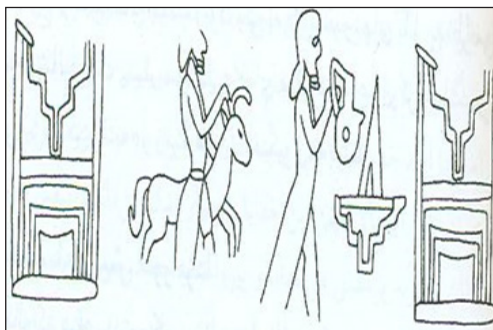
۹. تداوم سنت های هخامنشی در سکه های فرترکه / ملکا

۱- سازه

تاکنون محققان بسیاری پیکرنگاری سکه های پارسی را بررسی کرده اند. درباره سازه پشت سکه های فرترکه، نظریاتی از قبیل آتشکده، آتشگاه یا مخزنی برای آتش مقدس، آرامگاه، برج تاج گذاری، پی و شالوده خانه و یا جایگاهی برای وسایل زرتشتیان، برج قربانگاه، محرابه آتش وجود دارد. «پاتس» باور دارد که ساختمان روی سکه های فرترکه، با زندان سلیمان در پاسارگاد و کعبه زرتشت و آرامگاه مقدس شاهان هخامنشی در نقش رستم قابل قیاس است (Potts, 2007, pp 271-300). ولی دلیل کسانی که این بنا را آتشگاه می دانند، سه شی قرار گرفته بر بالای این سازه بر سکه هاست. این عده، سه شی بر فراز سازه را سه آتش مقدس، آتش موبدان و روحانیون (آتور فرنیغ)، آتش ارتشتاران (آتور گشسب)، و آتش واستریوشان (آتور برزین مهر) می دانند (سلوود، ۱۳۸۹، ص ۱۹۱؛ شهبازی، ۱۳۸۰، ص ۳۳). «تیلیا» ولی معتقد است که تصویر سازه روی سکه ها، بیشتر به جان پناه شباهت دارد (Tilia, 1972, p78). او نخستین کسی بود که کاربری این سه شی را جان پناه اعلام کرد که مشابه آن ها را پیشتر در پارسه (تخت جمشید) یافته بود و حتی موفق شده بود سکوی دیوار جنوب و غرب و هم چنین کاخ H را بر فراز تختگاه پارسه بازسازی کند. «تیلیا» در کتاب خود (۱۹۷۲)، به کاخی اشاره می کند که در آنجا قرار داشته و متعلق به خشایارشا یکم بوده است و پس از ویرانی های اسکندر، کاربری آن تغییر کرده است. به ادعای او، این مکان اقامتگاهی برای یکی از حاکمان پرسیس می شود که بر بالای تپه ای ساختمانی بنا



شده است. اگر این نظریه درست باشد، عده‌ای بر این باورند که این همان ساختمانی است که بر روی سکه‌های فرتکه کار شده است (Haerinc and Overlaet, 2008, pp 207-233). ظهور مرد بالدار بر سکه‌های «وادفرداد اول» درحالی که کمانی در دست دارد، باعث شد تا عده‌ای قبول کنند که فَرْتَرکه‌ها می‌خواستند، نقش داریوش بر بالای مقبره را به‌نمایش بگذارند که در آنجا تثلیث شاه، محرابه آتش، مرد بالدار، نمایان شده است (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۸۲؛ شهبازی، ۱۳۸۰، ص ۳۴). البته باید به وجود تصویر کمان بر روی این سکه‌ها اشاره کرد که بر سکه‌های «وادفرداد اول» دیده می‌شود. در حال، درحالی که «پاتس» معتقد است که این سازه احتمالاً انعکاس و تصویری از بنای مکعب‌شکل نقش رستم (کعبه زرتشت) به‌عنوان جایگاهی مقدس است، «هرنیک» بر این باور است که ساختمان پشت سکه‌ها، محراب‌های آتش داخلی را نشان می‌دهد و با جایگاه‌های مقدس یونانی و رومی قابل مقایسه است؛ مانند: «آرپایس» که در روم است (Haerinc and Overlaet, 2008, pp 207-233). البته شکل این سازه در زمان سه شاه پس از فرتکه‌ها که عنوان MLK (شاه) داشتند، تغییر می‌کند؛ ولی در مجموع شکل بنا، یادآور محراب‌های آتش و قربانی در زمان هخامنشیان است. دو نقش مُهر از دوره هخامنشی، سازه‌ای را نشان می‌دهد که با سازه حک شده بر سکه‌های این دوره شباهت بسیاری دارد.



تصویر ۱۳

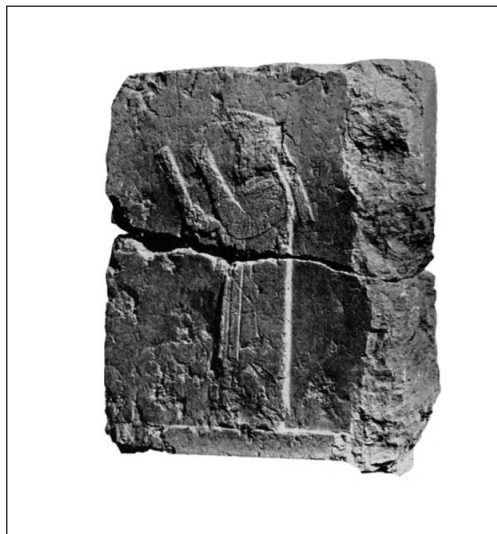
مهر شماره (۱)
(Garrison and Cool Root, 2001,
Vol 117. p215)



تصویر ۱۴

مهر شماره (۲)
(Garrison and Cool Root, 2001,
Vol 117. p215)

از طرفی در نزدیکی صفت تخت‌جمشید، معبدی بنا شده بود که در آن ایزدان کهن ایرانی پرستش می‌شد که «هرتسفلد» این مکان را بانام معبد فرترکه‌ها معرفی می‌کند (هرتسفلد، ۱۳۸۱، ص ۲۸۱). این نیایشگاه شامل چندین اتاق متعدد و پایه‌ستون‌هایی به‌سبک هخامنشی است که می‌توانسته‌است برای پارسیان در کسب مشروعیت دینی و حفظ وحدت ملی نقش مهمی ایفا کند. نزدیکی این معبد به تخت‌جمشید و هم‌چنین استفاده از مصالح و ادامه هنر معماری هخامنشی در ساخت این بنا، تلاش فرترکه‌ها در به‌دست‌آوردن وجهه فرمانروایی را بیان می‌کند.



تصویر ۱۵

نقش فرترکه بر دیوار درگاه معبد موسوم
به فرترکه (هرتسفلد، ۱۳۸۱، ص ۱۸۹)

۲- شاهین یا عقاب / درفش

بر سکه‌های فرترکه پرچمی وجود دارد که بر بالای آن عقابی نشسته است؛ به‌نظر می‌رسد این دو عنصر، به نمادی در کنار هم بدل شده بودند. نماد انسان بالدار هخامنشی، از نیم‌تنه پادشاه و بدن عقاب یا پرنده‌ای همانند آن ساخته شده بود و این به‌روشنی نشان‌دهنده آن است که مفهوم ایرانی پادشاه، با پرنده‌گان پیوندهای زیادی دارد. احتمالاً این سنت در زمان هخامنشیان نیز وجود داشته است و به هدف فرمانروایی نیز بسیار نزدیک بوده و در قالب فرّه ایزدی در نماد پرنده‌ای (شاهین یا عقاب) با مقام شاهی در پیوند بوده‌است (شهبازی، ۱۳۹۰، ص ۸۵). همان‌گونه که عقاب یا شاهین نمادی از فرّه و شکوه خدادادی است، پیوند او با خاندان هخامنشی نیز جالب‌توجه است؛ زیرا بنابر روایتی، هخامنش را عقابی پرورش داده است (شهبازی، ۱۳۹۰، ص ۲۲). «هرودوت» می‌آورد: «هر لشکر پارسی در

دوره هخامنشی، پرچم خاص خود را داشت» (هرودوت، ۱۳۴۰، ج ۴، ص ۹۶). «گزنفون» نیز می نویسد: «عَلَم پادشاهی ایران، عقابی زرین بود که بر روی نیزه نصب کرده بودند و همه افسران عالی رتبه، بر بالای چادرهای خود پرچم‌هایی مخصوص به خود داشتند که با آن شناخته می شدند» (گزنفون، ۱۳۵۰، ص ۸۳). هخامنشیان مانند نیاکان آریایی خود، پرنده نیرومندی مانند عقاب و شاهین را که نشانه برتری و شکوهمندی و پیروزی و حمایت در ادوار گذشته بود مظهر شاهی تلقی کردند و پرچم‌های خود را به آن مزین کردند (بیانی، ۱۳۵۱، صص ۱۱-۶۶). عقاب به احتمال فراوان، با وارغن (Varθyna) پرنده شکوه آور در اوستا در پیوند است (Luschey, 1972, vol 5, pp 257-260). در اوستا فرّه شاهی، ریخت‌های گوناگونی به خود گرفته است که یکی از آن‌ها پرنده‌ای به نام وارغن (vayayana) یا شاهین است که با ورثرغنه (vraθrayana) خدای جنگ ایرانیان - که خود بخشنده فرّه هم هست - پیوند دارد^۱ (دوست‌خواه، ۱۳۷۰، اوستا، یشت چهارم، بهرام‌یشت، بند ۳۵). این عقاب بسیار مشابه نمونه‌هایی در اثر مهرهای تخت جمشید است که به توالی رسمی کهن اشاره دارد؛ ولی درفش که صفحه‌ای چهارگوش آراسته به ستاره چهارپر و چهارآویز زنگوله دار دارد (Hill, 1922, p103) و تصویرکردن آن بر سکه - جایی که مهم‌ترین علائق قومی و دینی فرمانروا را نشان می‌دهد - بیانگر اهمیت و رمز آن است و ریختش به‌ویژه اختر تزیینی و آویزهای چهارگانه‌اش یادآور درفش‌های هخامنشی است (شهبازی، ۱۳۹۰، ص ۲۳). هم‌چنین در کاوش‌های «علی سامی» در تخت جمشید، پلاکی آبی‌رنگ کشف شد که عقابی بال‌گشوده را نشان می‌دهد که بر سر او گویی نقش بسته است (Sami, 1970). «ویکاندر» استفاده از پرچم را امری رایج میان قبایل هند و ایرانی می‌داند که در قالب نمادی مذهبی، سلطنتی و یا نظامی به کار می‌رفته است (Wikander, 1938, pp 60-62). در صحنه باریابی در خزانه تخت جمشید، در پشت سر سلاح‌دار شاه، دو سرباز دیگر هستند که در دست یکی نیزه‌ای بلند و در دست دیگری، صفحه‌ای مربع‌شکل - به احتمال زیاد درفش - دیده می‌شود که البته نقشی بر آن بسته نشده است (Nylander, 1983, p26)؛ ولی نزدیکی نشان پرچم فرترکه با پرچمی از تمدن اورارتو که انسان یا فرشته‌ای بالدار در پلاک یا صفحه‌ای فلزی (برنزی) نقش بسته است، انکارنشدنی است و شاید به گونه‌ای تأثیرپذیری هنر هخامنشی از هنر اورارتو را نشان می‌دهد (Tašyürek, 1978, pp 940-955). در ایران دوره هخامنشی، استفاده از پرچم‌های امپراتوری پارسیان رایج بوده است (شهبازی، ۱۳۹۱، ص ۹۷). در موزاییک پمپی که مربوط به نبرد داریوش سوم و اسکندر مقدونی است نیز، پرچمی به نمایش درآمده که بر بالای آن، پرنده‌ای نقش بسته است که عده‌ای آن را خروس^۲ و پاره‌ای دیگر عقاب دانسته‌اند^۳ (Ackerman, 1916, p2767). این احتمال وجود

۱. هم‌چنین برای اطلاع بیشتر در این مورد نک به:

Stricker. B. H. (1963-64). "Varθyna, the falcon". II, 7, PP 310-317.

۲. در اوستا از خروس به عنوان پرنده مقدس نام برده شده است و یونانیان آن را پرنده ایرانی نام‌گذاری کرده بودند

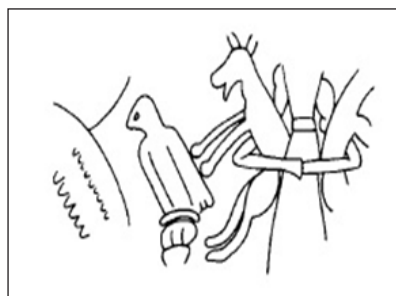
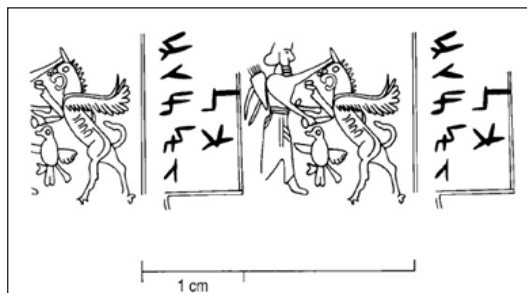
(Nylande, 1983, p44; Sarre, 1903, p348).

۳. فردیناند یوستی فردریش زاره و اسکار مان با مقایسه نقش پرچم در سکه‌های فرترکه و موزاییک نبرد داریوش سوم و اسکندر آن را همان درفش کابوایی و اساطیری ایران معرفی کرده‌اند

(Sarre, 1903, p350; Mann, 1916, pp 3-5; Justi, 1895, p186).



دارد که شاهان محلی پارس، چهار اثر عمده رمزی یعنی کمان، آتش، درفش و نماد فرّ کیانی را از هخامنشیان به میراث گرفته بودند تا بتوانند درمقابل مقدونیان بیگانه مسلط بر پارس، و جهه ملی و دینی متقاعدکننده‌ای بیابند (شهبازی، ۱۳۸۰، ص ۴۰).



1. PFS: prefeasibility study

تصویر ۱۶

Garrison and Cool Root, 1984)
(p304, PFS' 266

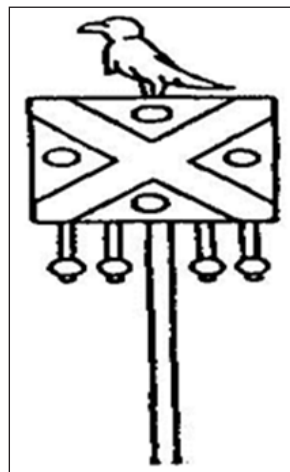
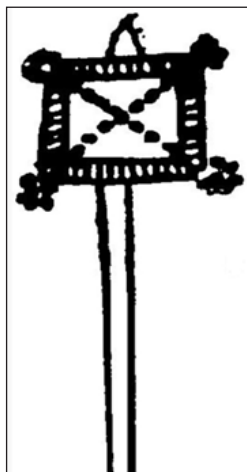


تصویر ۱۷

نقش عقاب بال‌گشوده که از
کشفیات سامی در تخت جمشید
است (<https://fa.nody.ir>)
سامی، ۱۳۳۸، ج ۴، ص ۳۳۶.

تصویر ۱۸

شبهات پرچم کار شده بر روی
سکه‌های فرترکه (راست) و پرچم
اورارتویی (چپ)
Ref: www.Iraniconline.org/Draft



۳- خط و زبان

از کتیبه‌های آرامی که در میان هزاران گل‌نشته یافت شده از باروی تخت‌جمشید در دست داریم، می‌دانیم که این خط حداقل از زمان داریوش اول (۵۲۲-۴۸۶ پ.م) در پارس استفاده می‌شده است. اختراع خط پارسی باستان توسط این شاه هخامنشی نیز، نتوانست انتظارات دیوان‌سالاران هخامنشی را برآورده کند؛ تا اینکه بالاخره از دوره اردشیر اول، در دیوان هخامنشی، خط آرامی جایگزین خط پارسی باستان شد (Bea, 2004, pp 1-20). استفاده از این خط از همان ابتدای حکومت شاهان محلی پارس، بسیار پراهمیت است؛ هر چند تاکنون مشکلاتی در ترجمه نوشته‌های آرامی سکه‌های فرترکه‌ها وجود داشته است و منشأ آن‌ها به درستی مشخص نیست، ولی «گرین فیلد» به کتیبه‌های ناخوانا از یکی از شاهان پارس اشاره کرده است و با تکیه بر آن، خط مورداستفاده این شاهان را فارسی باستان متأخر و یا فارسی میانه قدیم می‌داند (گرین فیلد، ۱۳۹۰، ص ۸۵۱). هم‌چنین «بیوار» و «شاکد» از این خط، بانام آرامی پارسی یاد می‌کنند (Bivar & Shaked, 1964, p282). در سال ۱۹۲۳م «هرتسفلد» موفق شد کتیبه‌ای را در مقبره داریوش کشف کند که تا آن زمان به نظر نرسیده بود. نوع خط این کتیبه آرامی بود؛ ولی به علت آسیب فراوان ناخوانا بود. خواندن دو کلمه $xšaya\theta ya\ vazaraka$ که به پارسی باستان به معنای «شاه بزرگ» است و کلمه (مه‌یا) یا mahyan که ترجمه پارسی باستان آن «در این ماه» معنی می‌دهد، ثابت می‌کند که این کتیبه به خط آرامی، ولی به زبان پارسی باستان است (هرتسفلد، ۱۳۵۴، ص ۹۱). هم‌چنین در این کتیبه، کلمه دیگری که خوانا است و شباهت و مباحث بسیاری را نیز مطرح کرده است واژه SLWK است که «هیننگ» آن را صورت نام «سلوکوس» و این کتیبه را نه هخامنشی

بلکه سلوکی دانسته است. ولی اگر SLWK نام سلوکوس اول نباشد، باید کتیبه را از اواخر دوران هخامنشیان انگاشت (فرای، ۱۳۸۸، ص ۲۵۷). هم چنین می توان این کتیبه را متعلق به شاهان محلی پارس دانست که برای بزرگداشت شاهان هخامنشی، نگاشته بودند. هم چنین در محوطه تلِ تختِ پاسارگاد بر روی جان پناهی کنگره دار، کتیبه ای دوزبانه (سلوکی - آرامی) متعلق به دوران سلوکی یافت شد که خود، بیانگر اهمیت این خط در شروع دوران پسا هخامنشی است و نشانگر تداوم خط آرامی - که خط دیوان سالاران هخامنشی بود - به دوران سلوکی است (استروناخ، ۱۳۷۹، صص ۲۲۱-۲۲۴). در عصری که یونانی زبان نوشتاری و برتر امپراتوری سلوکی بود، آرامی هم چنان در استان ها و امیرنشین هایی مانند ارمنستان، سغد، خوارزم و پارس رواج داشت (استروناخ، ۱۳۷۹، ص ۲۶۵). ادامه این خط در زمان اشکانیان و رسیدن آن به دوران ساسانی که با تغییر و تحولاتی در آن همراه شد، خط پهلوی میانه ساسانی را به وجود آورد؛ به گونه ای که خط آرامی پیشینه خط فارسی میانه به حساب می آید (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵).

	HEBREW	PHENICIAN	SIDONIAN	ARAMEEN ACHEMÉNIDE	PEHLVI PERSÉPOLITAIN	SASSANIDE
A	א	𐤀	𐤁	𐤀	𐎀	𐎀
B	ב	𐤁	𐤂	𐤁	𐎁	𐎁
G	ג	𐤂	𐤃	𐤂	𐎂	𐎂
D	ד	𐤃	𐤄	𐤃	𐎃	𐎃
H	ה	𐤄	𐤅	𐤄	𐎄	𐎄
U	ו	𐤅	𐤆	𐤅	𐎅	𐎅
Z	ז	𐤆	𐤇	𐤆	𐎆	𐎆
H	ח	𐤇	𐤈	𐤇	𐎇	𐎇
T	ט	𐤈	𐤉	𐤈	𐎈	𐎈
I	י	𐤉	𐤊	𐤉	𐎉	𐎉
K	כ	𐤊	𐤋	𐤊	𐎊	𐎊
L	ל	𐤋	𐤌	𐤋	𐎋	𐎋
M	מ	𐤌	𐤍	𐤌	𐎌	𐎌
N	נ	𐤍	𐤎	𐤍	𐎍	𐎍
S	ס	𐤎	𐤏	𐤎	𐎎	𐎎
C	צ	𐤏	𐤐	𐤏	𐎏	𐎏
P	פ	𐤐	𐤑	𐤐	𐎐	𐎐
O	ק	𐤑	𐤒	𐤑	𐎑	𐎑
R	ר	𐤒	𐤓	𐤒	𐎒	𐎒
S	ש	𐤓	𐤔	𐤓	𐎓	𐎓
C	ק	𐤔	𐤕	𐤔	𐎔	𐎔
P	פ	𐤕	𐤖	𐤕	𐎕	𐎕
O	ק	𐤖	𐤗	𐤖	𐎖	𐎖
R	ר	𐤗	𐤘	𐤗	𐎗	𐎗
S	ש	𐤘	𐤙	𐤘	𐎘	𐎘
T	ת	𐤙	𐤚	𐤙	𐎙	𐎙

تصویر ۱۹

سیر تکاملی خط آرامی و تبدیل آن به خط پهلوی

Ref: www.anthropologyandculture.ir



۱۰. نتیجه

تصمیم اسکندر مبنی بر هلنی کردن آسیا و موج فراگیری که پس از آن در درون ایالات از دست رفته هخامنشی به راه افتاد، در درون سرزمین پارس -جایی که موطن اصلی و خاستگاه هخامنشیان به شمار می‌رفت- متوقف شد. به آتش کشیدن پرسپولیس (تخت جمشید)، خود گواهی بر شکست این سیاست در پارس است. پس از مرگ زود هنگام اسکندر و با روی کار آمدن سلوکیان، می‌توان گفت تنها کسی که توانست در پارس سکه ضرب کند، بنیان‌گذار این سلسله یعنی سلوکوس اول بود. در این زمان حکام محلی پارس، خود را برای رهایی از چنگ سروران مقدونی آماده می‌کردند و پشتوانه آن‌ها، ایدئولوژی احیای شاهنشاهی هخامنشی بود. این ایدئولوژی، از نخستین روز قیام این حکام، کاملاً تعریف شده و برنامه‌ریزی شده بود. استفاده از خط آرامی که خط دیوان سالاری هخامنشیان بود، به کاربردن عنوان‌هایی که در زمان هخامنشی استفاده می‌شد همانند *krny, frataraka* و ...، حمایت از دین که با هجوم موج هلنیستی حفظ آن کاری ضروری به حساب می‌آمد، استفاده از نشان‌ها و نمادهای مقدس هخامنشی مانند درفش، پرچم، پوشش و ...، ساخت بناهایی در ارگ پارسه و همچنین در مجاورت آن، ساخت آرامگاه‌هایی مشابه آرامگاه‌های شاهان هخامنشی در تخت جمشید و نقش رستم و همچنین آرامگاه کوروش در پاسارگاد، همه و همه از عرق ملی و دینی این شاهان به سنت‌های هخامنشی نشان دارد. اگرچه «استرابو» این شاهان را زیر دست سلوکیان می‌داند (استرابو، ۱۳۸۲، ص ۳۲۹)، ولی شواهد و قراین موجود بر امر دیگری گواهی می‌دهند. از طرفی، شواهد سکه‌شناسی تقریباً اثبات کرده است که ضرب نخستین سکه توسط حاکمان محلی پارس، در زمان حکومت سلوکوس یکم انجام شده است که با این حساب می‌توان نظریه تاریخ متقدم را محتمل‌تر از تاریخ متأخر دانست و استقلال این ایالت را مربوط به نخستین سال‌های سده سوم پیش از میلاد دانست. این شواهد همچنین توالی فترکه‌های پارس را تغییر می‌دهد و اردشیر را اولین فترکه پارس معرفی می‌کند؛ بر همین اساس فترکه‌های پس از او، به ترتیب وهوبرز، بگدات و وادفداد یکم هستند.

منابع فارسی

کتاب

- استرابو. (۱۳۸۲). *سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان*. (همایون صنعتی زاده، مترجم). تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.
- استروناخ، دیوید. (۱۳۷۹). *پاسارگاد*. (حمید خطیب شهیدی، مترجم). تهران: سازمان میراث فرهنگی، اسنمیت، اریک. ف. (۱۹۵۳). *تخت جمشید، بناها، نقش‌ها، نبشته‌ها*. (عبدالله فریار، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- بریان، پی.یر. (۱۳۸۶). *تاریخ امپراطوری هخامنشیان*. (مهدی سمسار، مترجم). تهران: زریاب.
- بویس، مری؛ گرئر، فرانتر. (۱۳۷۵). *تاریخ کیش زرتشت: جلد سوم: پس از اسکندر گجسته*. (همایون صنعتی زاده، مترجم). تهران: توس.
- تیلیا، ان‌بریت. (۱۹۷۲). *بررسی و مرمت در تخت جمشید و دیگر اماکن باستانی فارس*. (کرامت‌الله افسر، مترجم). رم: ایزمئو.
- دوست‌خواه، جلیل. (گزارش و پژوهش). (۱۳۷۰). *اوستا: کهن‌ترین سروده‌های ایرانیان*. تهران: مروارید.
- رضاخانی، خداداد. (۱۳۹۱). «منبع‌شناسی سکه‌های پارس در دوره یونانی مآبی». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، اسفند شماره ۱۷۸، صص ۲۹-۳۲.
- رضایی باغبیدی، حسن. (۱۳۸۸). *تاریخ زبان‌های ایرانی*. تهران: مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی.
- سامی، علی. (۱۳۳۸). *گزارش‌های باستان‌شناسی*. مجلد چهارم. شیراز: چاپ موسوی.
- سرفراز، علی‌اکبر؛ آوزمانی، فریدون. (۱۳۹۱). *سکه‌های ایران: از آغاز تا دوران زندگی*. تهران: سمت.
- سلوود، دیوید. (۱۳۸۹). «دولت‌های کوچک جنوب ایران (براساس سکه‌شناسی)». چاپ‌شده در کتاب: *تاریخ ایران کمبریج، جلد سوم: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، قسمت اول. (احسان یارشاطر، گردآورنده؛ تیمور قادری، مترجم). تهران: مهتاب.
- شهبازی، علی‌رضا شاپور. (۱۳۹۰). *جستاری درباره یک نماد هخامنشی (فروهر، اهورامزدا یا خورنه؟)*. (شهرام جلیلیان، مترجم). تهران: شیرازه.
- شهبازی، علی‌رضا شاپور. (۱۳۹۱). *جستارهای ایران‌شناسی*. (ابراهیم موسی‌پور، کوشش‌گر و ویراستار). تهران: کتاب مرجع.
- فرای، نلسون ریچارد. (۱۳۸۸). *تاریخ باستانی ایران*. (مسعود رجب‌نیا، مترجم؛ منوچهر امیری، ویراستار). تهران: علمی و فرهنگی.
- گزنفون. (۱۳۵۰). *سیرت کوروش کبیر*. (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: چاپ‌خانه بانک بازرگانی ایران.
- گوتشمید، آلفرد. (۱۳۷۳). *تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان*. (کیکاوس جهاننداری، مترجم و حاشیه‌نویس). تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.



- مشکور، محمدجواد. (۱۳۷۴). *تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان "پارتیان" یا پهلوانان قدیم*. تهران: دنیای کتاب.
- ویسهوفر، ژوزف. (۱۳۸۸). *تاریخ پارس از اسکندر مقدونی تا مهرداد اشکانی*. (هوشنگ صادقی، مترجم). تهران: فرزاد.
- هرتسفلد، ارنست امیل. (۱۳۸۱). *ایران در شرق باستان*. (همایون صنعتی زاده، مترجم). کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- هرتسفلد، ارنست امیل. (۱۳۵۴). *تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی*. (علی اصغر حکمت، مترجم). تهران: انجمن آثار ملی.
- هرودوت. (۱۳۴۰). *تواریخ*. (ج ۴). (هادی هدایتی، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
- یوستی، فردیناند. (۱۳۸۲). *نام‌نامه ایرانی*. تهران: اساطیر.

مقاله

- بیانی، ملک‌زاده. (۱۳۵۱). «شاهین نشانه فرّه ایزدی». *بررسی‌های تاریخی*، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۱، شماره ۳۸، صص ۱۱-۴۶.
- روستوفتروف. م. (تابستان ۱۳۸۰). «سیاست فراگیر سلوکیان». (نادر میرسعیدی، مترجم). *رشد آموزش تاریخ*، شماره ۶، صص ۳۶-۴۰.
- شهبازی، علی‌رضا شاپور. (فروردین ماه ۱۳۸۰). «وهویرز، پادشاهی از ایران باستان». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، دوفصل‌نامه علوم انسانی به زبان فارسی، انگلیسی، سال سیزدهم و چهاردهم، شماره ۱-۲ (پیاپی ۲۷).
- شهبازی، علی‌رضا شاپور. (۱۳۶۵). «درفش». *ایرانیکا*، ج ۷، صص ۳۱۲-۳۱۵. www.Iranicaonline.org/Draft
- گرین فیلد، جی. سی. (۱۳۹۰). «آرامی در امپراطوری هخامنشی». (تیمور قادری، مترجم). چاپ‌شده در کتاب: *تاریخ کمبریج دوره‌های ماد و هخامنشی*. (ج ۱). (بخش ۲). تهران: مهتاب.

منابع لاتین

- Ackerman, Phyllis. (1916). "Standards, Banners and Badges". *Survey of Persian Art*, VI, pp 276-282.
- Alram, Michael. (1986). *Nomina propria Iranica in nummis: Iranisches Personen-namenbuch*. Vienna.
- Alram, Michael; Gyselen, Rika. (2003). *Sylloge Nummorum Sasanidarum. Band I:*



- Ardashir I - Shapur I*. Paris, Berlin, Wien.
- Altheim, Franz; Stiehl, Ruth. (1970). "Geschichte Mittelasiens im Altertum". *Walter de Gruyter & Co Berlin*, pp 564-583.
- Arrian. (1949). *History of Alexander and Indica (Anabasis Alexanderi)*. (E. Iliff Robson, trans.). Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Bea, Chul-hyun. (2004). "Aramaic as a lingua franca during the Persian Empire (538-333 B.C.E)". *Journal of Universal language*, 5(1), pp 1-20.
- Bevan, Edwyn Robert. (1902). *The house of Seleucus*. (Vol. 1). London: Edward Arnold Publication.
- Bivar, A. D. H; Shaked, Shaul. (1964). "The Inscriptions at Shīmbār". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 27(2), pp 265-290.
- Boyce, Mary; Grenet, Frantz. (1991). *A history of Zoroastrianism, Vol. 3: Zoroastrianism under Macedonian and Roman Rule*. Leiden.
- Callieri, Pier Francesco. (1995). "Une borne routière grecque de la région de Persépolis (information), remarques additionnelles de M. Paul Bernard". In: *Comptes-rendus des séances de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres*, 139e année (1), pp 65-95.
- Callieri, Pier Francesco. (1998). "Proposito di un'iconografia monetale dei dinasti del Fars post-achemenide". *Ocnus*, 6, pp 25-38.
- Callieri, Pier Francesco; Askari Chaverdi, Alireza. (2013). "Media, Khuzestan, and Fars between the end of the Achaemenids and the rise of the Sasanians". *OHAI*, pp 690-717.
- de Morgan, J. (1923). *Manuel de Numismatique Orientale de L'Antiquite et du Moyen Age*. Paris: P. Geuthner.
- "Diodorus of Siculus". (1963). (C. B. Welles, trans.). In twelve vols. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Engels, David. (2013). "A New Frataraka Chronology". *Latomus*, 72, pp 28-82.
- Garrison, Mark; Cool Root, Margaret. (1984). *Seals On The Persepolis Fortification Tablets, Volume 1: Images of Heroic Encounter*. Part 1. Chicago: Oriental Institute Publication.



- Garrison, Mark. B; Cool Root, Margaret. (2001). the oriental institute of the University of Chicago. Vol 117.
- Gholami. K. (2020). "A New Frataraka Chronology and Coinage". *Ancient Iranian Numismatics in Memory of David Sellwood*.
- Haerinck, Ernie; Overlaet, Bruno. (2008) "Altar Shrines and fire Altars? Architectural representations on Frataraka Coinage". Brussels: Ghent University, PP 207-233.
- Herzfeld, Ernst E. (1935). *Archaeological History of Iran*. london.
- Hill, George Francis. (1922). *Catalogue of the Greek Coins in the British Museum: Arabia, Mesopotamia and Persia*. London.
- Hinz, Walther. (1976-1979). *Darius und die Perser. Eine Kulturgeschichte der Achaemeniden*. Berlin: Baden.
- Hoover, O. D. (2008). "Appendix 5: Overstruck Seleucid Coins" in: A. Haughton; C. Lorber; O. Hooser (eds.) *Seleucid Coins. A Comprehensive Catalogue, Part 2: Seleucus IV through Antiochus XIII*. 2 vol. New York and Lancaster: American Numismatic Society. pp 209-230.
- Itô, Gicyô. (1976). Gathika XIV-XV. "Syenian frataraka and Persian pratarak". *New Iranian Elements in Ancient Aramaic in Orient*, 12, pp 47-66.
- Justi, Ferdinand. (1895). *Iranisches Namenbuch*. Marburg: NG Elwert.
- klose, Dietrich. O. A; Müsseler, Wilhelm. (2008). *Statthalter, Rebellen, Könige. Die Münzen aus Per se polis von Alexander dem Grossen zu den Sasaniden*. münchen.
- Koch, H. (1988). "Herrscher in der Persis unter den Seleukiden und Parthern". *Die Welt des Orients*, 19, pp 84-95.
- LEU BANK AG. (Zurich, 12 Mai 1987). "Antike munzen; Kelten – Griechen – Literatur". pp. 85, nn. 499, tavv. 29 + 1 ingrandimenti. ril. ed. buono stato.
- Luschey, H. (1972). "Ein königliches Embelm". *AMI*, 5, pp 257-260.
- Mann. O. (1916). "Kāveh o derafs-e Kāvīānī". *Kāveh*, 1(24), pp 3-5.
- Mørkholm, Otto. (1991). *Early Hellenistic Coinage from the Accession of Alexander to the Peace of Apamea (336-188 B.C.)*. (ed. By Ph. Grierson / U. Wester mark), Cambridge.



- Naster, P. (1968). "Faratakara, farataraka outrataclara?". *Iran*, 8, pp 74-80.
- Newell, Edward Theodore. (1938). *The Coinage of the Eastern Seleucid Mints*. New York.
- Nylander, C. (1983). "The standard of the Great king – a problem in the Alexander Mosaic". *Opuscula Romana*, 14/2, pp 19-37.
- Pliny. (1961). *Natural History*. Vol II. Harvard University Press. William Heinemann.
- Plutarch. (1971). Plutarch's lives. (Bernadotte Perrin, trans.). In eleven vols. Cambridge, Massachusetts: Harvard University press.
- Potts, D. T. (2004). *The archaeology of Elam, formation and transformation of an ancient Iranian state*. London: Cambridge University Press.
- Potts, D. T. (2007). "Foundation Houses, Fire Altars and the Faratraka and: interpreting the iconography of some post – Achaemenid Persian coins". *Iranica Antiqua*, 42, PP 271-300.
- Quintus Curtius. (1962). *History of Alexander*. (John C. Rolfe AND Litt. D, trans.). In two vols. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Rezakhani, KH. (2011). *Numismatic Art of Persia. The Sunrise Collection, Part I: Ancient – 650 BC to AD 650*. (Editor and Cataloger: R. Nelson, Bradley). Classical Numismatic Group. Inc. Lancaster / London.
- Sami, Ali. (1970). *Persepolis (Takht-I-Jamshid)*. (R. Sharp, trans.). Musavi printing office. Shiraz
- Sarkhosh Curtis, Vesta. (2010). "The Farataraka coins of Persis: Bridging the Gap between Achaemenid and Sasanian Persia". In: (John Curtis and St. John Simpson, eds). *The World of Achaemenid Persia: History, Art and Society in Iran and the Ancient Near East*. London: I. B. Tauris. pp 379-396.
- Sarre, F. (1903). "Die altorientalischen Feldzeichen, mit besonderer Berücksichtigung eines unver-öfentlichten stücks". *Kilo*, 3, pp 331-371.
- Sellwood, D. (2011). Parthian Coins. In: (Ehsan Yarshater, (ed.)). *The Cambridge History of Iran, Volume 3: The Seleucid, Parthian and Sasanid Periods, Part 2*, 1983, pp 299–321.
- Stronach, David. (1978). *Pasargadae: A Report on the Excavations Conducted by the*



British Institute of Persian Studies from 1961-1963. oxford.

Shayegan, M. Rahim. (2011). *Arsacids and Sasanians: Political Ideology in Post-Hellenistic and Late Antique Persia.* Cambridge: Cambridge Press.

Stricker. B. H. (1963-64). "Varəyna, the falcon". II. *Iranica*, 7, PP 310-317.

Taşyürek. O. A. (1978). "Darstellungen des Urartischen Gottes Haldi". In: (Sencer Şahin; Elmar Schwertheim and Jörg Wagner, eds). *Studien zur Religion und Kultur kleinasiens.* Festschrift für Friedrich Karl Dörner zum 65. Geburtstag am 28. Februar 1976, Volume 2. Leiden. pp 940-955.

Tilia, Ann Britt. (1974). "Discovery of an Achaemenian Palace Near Takht-i Rustam to the North of the Terrace of Persepolis". *Iran*, Vol. 12, pp 200-204.

Wenke, Robert J. (1981). "Elymeans, Parthians, and the evolution of Empires in south-western Iran". *Journal of the American Oriental Society*, 101(3), pp 303-315.

Wiesehöfer, Josef. (1994). *Die 'Dunklen Jahrhunderte' der Persis: Untersuchungen zu Geschichte und Kultur von Fārs in frühhellenistischer Zeit (330-140 v. Chr.)*. München.

Wiesehöfer, Josef. (2010). "Fratataka Rule in Early Seleucid Persis: A New Appraisal". In: (Erskine, Andrew and Jones, Lloyd Llewellyn (eds)), *Creating a Hellenistic World.* Swansea. pp 107-21.

Wiesehöfer, J. (1991). "PRTRK, RB HYL' und MR' ". In (H. Sancisi-Weerdenburg and A. Kuhrt, eds.). *Achaemenid History VI: Asia Minor and Egypt: Old Cultures in a New Empire.* Leiden, pp. 305-309.

Wikander. Stig. (1938). "Der arische Männerbund: Studien zur indo-iranischen Sprach- und Religionsgeschichte". *Lund, Iranica.*

منابع اینترنتی

<https://CoinArchives.com/kings of Persis>

<https://Fa.nody.ir>

<https://www.numisbids/oriental Greek>

www.anthropology and culture.ir

www.wildwinds.com/coins/greece/persis



English Translation of References

Books

- Alram, Michael. (1986). *Nomina propria Iranica in nummis: Iranisches Personennamenbuch*. Vienna.
- Alram, Michael; Gyselen, Rika. (2003). *Sylloge Nummorum Sasanidarum. Band I: Ardashir I - Shapur I*. Paris, Berlin, Wien.
- Arrian. (1949). *History of Alexander and Indica (Anabasis Alexanderi)*. (E. Iliff Roberson, trans.). Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Bevan, Edwyn Robert. (1902). *The house of Seleucus*. (Vol. 1). London: Edward Arnold Publication.
- Boyce, Mary; Grenet, Frantz. (1991). *A history of Zoroastrianism, Vol. 3: Zoroastrianism under Macedonian and Roman Rule*. Leiden.
- Boyce, Mary; & Grenet, Frantz. (1375/1996). *“Tārix-e kiš-e Zartošt: Jeld-e sevvom: Pas az Eskandar-e Gojasteh”* (A history of Zoroastrianism). Translated by Homayoun Sanatizadeh. Tehran: Tus. [Persian]
- Briant, Pierre. (1386/2007). *“Tārix-e emperāтури-ye Haxāmaneshiyan”* (From Cyrus to Alexander: A history of the Persian Empire). Translated by Mehdi Semsar. Tehran: Zaryāb. [Persian]
- de Morgan, J. (1923). *Manuel de Numismatique Orientale de L'Antiquite et du Moyen Age*. Paris: P. Geuthner.
- “Diodorus of Siculus”*. (1963). (C. B. Welles, trans.). In twelve vols. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Doustkhah, Jalil. (Report & research). (1370/1991). *“Avestā: Kohan-tarin-e sorudehā-ye Irāniyan”* (Avesta: The ancient Iranian hymns texts). Tehran: Morvārid. [Persian]
- Frye, Nelson Richard. (1388/2009). *“Tārix-e bāstāni-ye Irān”* (The history of ancient Iran). Translated Masoud Rajabnia. Edited by Manouchehr Amiri. Tehran: Elmi Farhangi. [Persian]
- Garrison, Mark B; & Cool Root, Margaret. (2001). the oriental institute of the University of Chicago. Vol 117.
- Gutschmid, Alfred. (1373/1994). *“Tārix-e Irānvamamālek-e hamjavār-e ānaz za-*



- man-e Eskandartāenqerāz-e Aškāniyān*” (Geschichte Irans und seiner nachbarlander) [History of Iran and its neighboring countries]. Translated and annotated by Keykavous Jahandari. Tehran: Mo’assese-ye Matbu’āt-e ‘Elmi.[Persian]
- Haerinck, Ernie; & Overlaet, Bruno. (2008) “Altar Shrines and fire Altars? Architectural representations on Frataraka Coinage”. Brussels: Ghent University, pp. 207-233.
- Herodotus. (1340/1961). “*Tavārix*” (The histories of Herodot) (vol. 4). Translated by Hadi Hedayati. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran).[Persian]
- Hertzfeld, Ernest Emile. (1381/2002). “*Irāndaršarq-e bāstān*” (Iran in the Ancient East). Translated by Homayoun Sanatizadeh. Kermān: Dānešgāh-e Šahid Bāhonar.[Persian]
- Hertzfeld, Ernest Emile. (1354/1975). “*Tārix-e bāstāni-ye Irān bar bonyad-e bāstānšenāsi*” *daršarq-e bāstān*” (Archaeological history of Iran). Translated by Ali Asghar Hekmat. Tehran: Anjoman-e āsār -e Melli.[Persian]
- Herzfeld, Ernst E. (1935). *Archaeological History of Iran*. London.
- Hill, George Francis. (1922). *Catalogue of the Greek coins in the British Museum: Arabia, Mesopotamia and Persia*. London.
- Hinz, Walther. (1976-1979). *Darius und die Perser. Eine Kulturgeschichte der Achaemeniden*. Berlin: Baden.
- Justi, Ferdinand. (1895). *Iranisches Namenbuch*. Marburg: NG Elwert.
- Justi, Ferdinand. (1382/2003). “*Nām-nāme-ye Irāni*” (Iranisches Namenbuch) [Iranian name book]. Tehran: Asātir.[Persian]
- Klose, Dietrich. O. A; & Müsseler, Wilhelm. (2008). *Statthalter, Rebellen, Könige. Die Münzen aus Per se polis von Alexander dem Grossen zu den Sasaniden*. München.
- Mashkour, Mohammad Javad. (1374/1995). “*Tārix-e siyāsivaejtemā’ee-ye Aškāniyān*” “*Pārtiyān*” *yāpahlevānān-e qadim*” (Political and social history of the Parthians or ancient warriors). Tehran: Donyā-ye Ketāb.[Persian]
- Mørholm, Otto. (1991). *Early Hellenistic Coinage from the Accession of Alexander to the Peace of Apamea (336-188 B.C.)*. (ed. By Ph. Grierson / U. Westermark), Cambridge.



- Newell, Edward Theodore. (1938). *The coinage of the Eastern Seleucid mints*. New York.
- Pliny. (1961). *Natural history*. Vol II. Harvard University Press. William Heinemann.
- Plutarch. (1971). *Plutarch's lives*. (Bernadotte Perrin, trans.). In eleven vols. Cambridge, Massachusetts: Harvard University press.
- Potts, D. T. (2004). *The archaeology of Elam, formation and transformation of an ancient Iranian state*. London: Cambridge University Press.
- Quintus Curtius. (1962). *History of Alexander*. (John C. Rolfe AND Litt. D, trans.). In two vols. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Rezaei Baghbidi, Hasan. (1388/2009). "*Tārix-e zabān-hā-ye Irāni*" (History of Iranian languages). Tehran: Markaz-e Pažyheš-hā-ye IrānivaEslāmi (Center for the Great Islamic Encyclopedia). [Persian]
- Rezakhani, KH. (2011). *Numismatic art of Persia. The sunrise collection, Part I: Ancient – 650 BC to AD 650*. (Editor and Cataloger: R. Nelson, Bradley). Classical Numismatic Group. Inc. Lancaster / London.
- Sami, Ali. (1338/1959). "*Gozāreš-hā-ye bāstānšenāsi*" (Archaeological reports) (vol. 4). Širāz: Čāp-e Musavi. [Persian]
- Sami, Ali. (1970). *Persepolis (Takht-I-Jamshid)*. (R. Sharp, trans.). Musavi printing office. Shiraz
- Sarfraz, Ali Akbar; & Avarzamani, Fereydoun. (1391/2012). "*Sekke-hā-ye Irān: Az āqāztādwārān-e Zandiyeh*" (Iranian coins from the early beginning to Zand dynasty). Tehran: SAMT (Sāzmān-e Motāle'evaTadvin-e Kotob-e 'Olum-e Ensāni-ye Danešgāh-hā) (The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Islamic Sciences and the Humanities). [Persian]
- Schmidt, Erich Friedrich. (1953). "*Taxt-e Jamšid, banā-hā, naqš-hā, nebešte-hā*" (Persepolis I: Structures, reliefs, inscriptions). Translated by Abdullah Faryar. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Shahbazi, Alireza Shapour. (1390/2011). "*Jostāridarbāre-ye yeknamād-e Haxāmaneši (Fravahr, AhurāyāXvarenah?)*" (An Achaemenid symbol. I: A Farewell to 'Fravahr'; 'Ahuramazda' and 'Farnah' (God given) Fortune'). Translated by Shah-



- ram Jalilian. Tehran: Širāzeh.[Persian]
- Shahbazi, Alireza Shapour. (1391/2012). *“Jostār-hā-ye Irān-šenāsi”* (A history of Iranian historiography). Reviewed and edited by Ebrahim Mousapour. Tehran: Ketāb-e Marja.[Persian]
- Strabo. (1382/2003). *“Sarzamin-hā-ye zir-e farmān-e Haxāmenšiyān”* (The geography of Strabo). Translated by Homayoun Sanatizadeh. Tehran: Bonyād-e Moqūfāt-e MahmudAfsār-e Yazdi (Dr. Mahmoud Afshar Foundation). [Persian]
- Stronach, David. (1379/2000). *“Pāsārgād”* (Pasargadae: A report on the excavations conducted by the British Institute of Persian studies from 1961 to 1963). Translated by Hamid Khatib Shahidi. Tehran: Sāzmān-e Mirās-e Farhangi (Organization of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism).[Persian]
- Stronach, David. (1978). *Pasargadae: A report on the excavations conducted by the British Institute of Persian Studies from 1961-1963*. oxford.
- Shayegan, M. Rahim. (2011). *Arsacids and Sasanians: Political ideology in post-Hellenistic and late antique Persia*. Cambridge: Cambridge Press.
- Tilia, Ann Britt. (1972). *“Barresi vamarem matdarTaxt-e Jamšidvadigaramāken-e bāstāni-ye Fārs”* (Studies and restorations at Persepolis and other sites of Fars). Translated by Karamatollah Afsar. Rom: Izmeò.[Persian]
- Wiesehöfer, Josef. (1994). *Die 'DunklenJahrhunderte' der Persis: UntersuchungenzuGeschichte und Kultur von Fārs in frühhellenistischer Zeit (330–140 v. Chr.)*. München.
- Wiesehofer, Josef. (1388/2009). *“Tārix-e PārsazEskandar-e MaqdunitāMehrdvd-e Aškāniyān”* (Die dunklenjahrhunderte der Persis: Untersuchungenzugeschichte und kultur von Fars) [The dark centuries of Persis: Studies in the history and culture of Fars]. Translated by Houshang Sadeghi. Tehhnan: Farzān.[Persian]
- Xenophon. (1350/1971). *“Sirat-e Kuroš”* (Cyropaedia). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: Čāpxāne-ye Bānk-e Bāzargāni-ye Irān.[Persian]



Articles

- Ackerman, Phyllis. (1916). "Standards, Banners and Badges". *Survey of Persian Art*, VI, pp. 276-282.
- Altheim, Franz; Stiehl, Ruth. (1970). "Geschichte Mittelasiens im Altertum". *Walter de Gruyter & Co Berlin*, pp. 564-583.
- Bayani, Malekzadeh. (1351/1972). "Šāhinnešāne-ye farre-ye Izadi" (Falcon as a symbol of Khvarenah). *Barresi-hā-ye Tārixī*, Farvardin (April) & Ordibehešt (May) 1351/1972, 38, pp. 11 - 46. [Persian]
- Bea, Chul-hyun. (2004). "Aramaic as a lingua franca during the Persian Empire (538-333 B.C.E)". *Journal of Universal Language*, 5(1), pp. 1-20.
- Bivar, A. D. H. & Shaked, Shaul. (1964). "The inscriptions at Shīmbār". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 27(2), pp. 265-290.
- Callieri, Pier Francesco. (1995). "Une borne routière grecque de la région de Persépolis (information), remarques additionnelles de M. Paul Bernard". In: *Comptes-rendus des séances de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres*, 139e année (1), pp. 65-95.
- Callieri, Pier Francesco. (1998). "Proposito di un' iconografia monetale di dinasti del Fars post-achemenide". *Ocnus*, 6, pp. 25-38.
- Callieri, Pier Francesco; & Askari Chaverdi, Alireza. (2013). "Media, Khuzestan, and Fars between the end of the Achaemenids and the rise of the Sasanians". *OHAI*, pp. 690-717.
- Engels, David. (2013). "A New Frataraka Chronology". *Latomus*, 72, pp. 28-82.
- Gholami, K. (2020). "A new Fratarakachronology and coinage". *Ancient Iranian Numismatics in Memory of David Sellwood*.
- Greenfield, J. C. (1390/2011). "Ārāmidarempērāturi-ye Haxāmanšī" (Aramaic in the Achaemenian Empire). Translated by Teymour Ghaderi. In "*Tārix-e Kambrijdowre-hā-ye Mādva Haxāmanēši*" (The Cambridge History of Iran) (vol. 1) (part 2). Tehran: Mahtāb. [Persian]
- Hoover, O. D. (2008). "Appendix 5: Overstruck Seleucid Coins" in: A. Haughton; C. Lorber; & O. Hoover (Eds.) *Seleucid coins. A comprehensive catalogue, Part*



- 2: Seleucus IV through Antiochus XIII.** 2 vol. New York and Lancaster: American Numismatic Society. pp. 209-230.
- Itô, Gicyô. (1976). Gathika XIV-XV. "Syenianfrataraka and Persian pratarak". *New Iranian Elements in Ancient Aramaic in Orient*, 12, pp. 47-66.
- Koch, H. (1988). "Herrscher in der Persis unter den Seleukiden und Parthern". *Die Welt des Orients*, 19, pp. 84-95.
- LEU BANK AG. (Zurich, 12 Mai 1987). "Antikemunzen; Kelten – Griechen – Literatur". pp. 85, nn. 499, tavv. 29 + 1 ingrandimenti. ril. ed. buonostato.
- Luschey, H. (1972). "Ein königliches Embelm". *AMI*, 5, pp. 257-260.
- Mann, O. (1916). "Kāveh o derafs-e Kāvīān". *Kāveh*, 1(24), pp. 3-5.
- Naster, P. (1968). "Faratakara, faratarakaoutrataclara?". *Iran*, 8, pp. 74-80.
- Nylander, C. (1983). "The standard of the Great king – a problem in the Alexander Mosaic". *Opuscula Romana*, 14/2, pp. 19-37.
- Potts, D. T. (2007). "Foundation houses, fire altars and the Faratraka and: interpreting the iconography of some post – Achaemenid Persian coins". *Iranica Antiqua*, 42, pp. 271-300.
- Rezakhani, Khodadad. (1391/2013). "Manbaʿ-šenāsi-ye sekke-hā-ye Pārsdardowre-ye Yunāni-maʿābi" (The etymology of Persian coins in Hellenistic Period). *Ketāb-e Māh-e Tārixva Joqrāfiā*, Esfand / March, 178, pp. 29 – 32. [Persian]
- Rostoftzov, M. (Tābestān 1380/Summer 2001). "Siyāsat-e farāgir-e Solukiyān" (The comprehensive policy of the Seleucids). Translated by Nader Mirsaedi. *Rošd-e Āmuzeš-e Tārix*, 6, pp. 36 – 40. [Persian]
- Sarkhosh Curtis, Vesta. (2010). "The Farataraka coins of Persis: Bridging the gap between Achaemenid and Sasanian Persia". In: (John Curtis and St. John Simpson, Eds). *The World of Achaemenid Persia: History, art and society in Iran and the Ancient Near East*. London: I. B. Tauris. pp. 379-396.
- Sarre, F. (1903). "Die altorientalischen Feldzeichen, mit besonderer Berücksichtigung eine sunver-öffentlichenstücks". *Kilo*, 3, pp. 331-371.
- Sellwood, David. (1389/2010). "Dowlat-hā-ye kučak-e jonub-e Irān (Bar asās-e sekke-šenāsi)" (Introduction to the coinage of Parthia.). In *"Tārix-e Irān Kambrij, jeld-*



- e sevvom: Az Solukiyāntāforupāši-ye dowlat-e Sāsāniyān*” (The Cambridge history of Iran) (1st part). Compiled by Ehsan Yarshater. Translated by Teymour Ghaderi. Tehran: Mahtāb.[Persian]
- Sellwood, D. (2011). Parthian coins. In: (Ehsan Yarshater, (Ed.)). *The Cambridge History of Iran, Volume 3: The Seleucid, Parthian and Sasanid Periods, Part 2*, 1983, pp. 299–321.
- Shahbazi, Alireza Shapour. (Farvardin 1380/April 2001). “Wahobarz, pādešāhiazIrān-e Bāstān” (Wahbarz, a king from ancient Iran). *Majalle-ye Bāstān-šenāsivaTārix, Do-Fasl-nāme-ye ‘Olum-e Ensāni*, 13th& 14th year (1-2) (series 27).[Persian]
- Shahbazi, Alireza Shapour. (1365/1986). “Darafs” (Darfash). *InIranica*(vol. 7)(pp. 312 – 315). Retrieved from www.Iranicaonline.org/Drafš. [Persian]
- Stricker. B. H. (1963-64). “Varəyna, the falcon”. II. *Iranica*, 7, pp. 310-317.
- Taşyürek. O. A. (1978). “Darstellungen des Urartischen Gottes Haldi”. In: (Sencer Şahin; Elmar Schwertheim&Jörg Wagner, Eds). *Studienzur Religion und Kultur kleinasiens*. Festschrift für Friedrich Karl Dörner zum 65. Geburtstag am 28. Februar 1976, Volume 2. Leiden. Pp. 940-955.
- Tilia, Ann Britt. (1974). “Discovery of an Achaemenian palace near Takht-i Rustam to the north of the terrace of Persepolis”. *Iran*, Vol. 12, pp. 200-204.
- Wenke, Robert J. (1981). “Elymeans, Parthians, and the evolution of Empires in south-western Iran”. *Journal of the American Oriental Society*, 101(3), pp. 303-315.
- Wiesehöfer, Josef. (2010). “Fratarakarule in early Seleucid Persis: A new appraisal”. In: (Erskine, Andrew and Jones, & Lloyd Llewellyn (Eds)), *Creating a Hellenistic world*. Swansea. pp. 107–21.
- Wiesehöfer, J. (1991). “PRTRK, RB HYL’ und MR’”. In (H. Sancisi-Weerdenburg& A. Kuhrt, Eds.). *Achaemenid history VI: Asia Minor and Egypt: Old cultures in a new empire*. Leiden, pp. 305-309.
- Wikander. Stig. (1938). “Der arische Männerbund: Studien zur indo-iranischen Sprach- und Religionsgeschichte”. *Lund, Iranica*.



Online sources

<https://CoinArchives.com/kingsof Persis>

<https://Fa.nody.ir>

<https://www.numisbids/oriental Greek>

www.anthropology and culture.ir

www.wildwinds.com/coins/greece/persis





Investigating the process and approaches of holding "Hazara Ferdowsi" ceremony in 1933 in the world

AliMohammad Tarafdari¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: The purpose isto investigate,identify, and analyze the main approaches in Ferdowsi Millennial ceremony in the most important capitals and cities around the world, based on the records and resources related to this period, along with analyzingthe effectof such ceremony at the global level.

Method and Design Research: Library resources and archival records were studied and analyze-dusing historical method in a descriptive and analytical way.

Findings and conclusions: The Pahlavi government tried to provide an international image for its sovereignty, celebrating Ferdowsi Millennialin the countries around the world and then increase its national prestige in other countries of the world. Moreover, the ceremony helped to demon-strate an image of efficient governance and the country progress.

Keywords: Reza Shah;The Ferdowsi Millennial; Shahnameh Studies; Nationalism.

Citation: Tarafdari, A. M. (2022). Investigating the process and approaches of holding "Hazara Ferdowsi" ceremony in 1933 in the world. *Ganjine-ye Asnad*, 32(4), 46-76.

doi: 10.30484/ganj.2022.2956

1. Assistant Professor of History,
National Library and Archives of Iran,
Tehran, Iran

tarafdary@yahoo.com

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«128»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2022.2956

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.4, Winter 2023 | pp: 46 - 76 (31) | Received: 2, Jan. 2022 | Accepted: 8, Mar. 2022

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیبیوی

مقاله پژوهشی

بررسی روند و رویکردهای برگزاری مراسم «هزاره فردوسی» ۱۳۱۳ ش در جهان

علی محمد طرفداری^۱

چکیده:

هدف: بررسی و تحلیل چرایی، چگونگی و شناسایی رویکردهای اصلی در برگزاری مراسم هزاره فردوسی در مهم‌ترین پایتخت‌ها و شهرهای جهان بر مبنای اسناد و منابع مربوط به این دوره، همراه با تحلیل نتایج حاصل از برگزاری مراسم مذکور در سطح جهانی است.

روش/رویکرد پژوهش: نوشتار حاضر با روش تاریخی و با شیوه توصیفی تحلیلی و با استفاده از اسناد و مدارک آرشیبیوی و منابع کتابخانه‌ای نوشته شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: حکومت پهلوی درصدد بود تا از طریق برگزاری مراسم هزاره فردوسی در کشورهای جهان، برای حاکمیت خود وجهه‌ای بین‌المللی فراهم آورد و از این طریق بر اعتبار ملی خود در سایر کشورهای جهان بیفزاید، و در عین حال به کمک این مراسم، تصویری از یک حاکمیت کارآمد را به نمایش بگذارد و خود را عامل پیشرفت کشور نشان دهد.

کلیدواژه‌ها: رضاشاه، هزاره فردوسی، شاهنامه پژوهی، ملی‌گرایی.

استناد: طرفداری، علی محمد. (۱۴۰۱). بررسی روند و رویکردهای برگزاری مراسم «هزاره فردوسی»

۱۳۱۳ ش در جهان. گنجینه اسناد، ۳۲(۴)، ۴۶-۷۶ | ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۵۶ | doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۵۶

۱. استادیار تاریخ، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران
tarafdary@yahoo.com



گنجینه اسناد

۱۲۸

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۵۶

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۱ | صص: ۴۶ - ۷۶ (۳۱)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

برپایی هزاره فردوسی و بزرگداشت هزارمین سال تولد حکیم ابوالقاسم فردوسی سراینده شاهنامه در مهر ۱۳۱۳، از برجسته‌ترین و ماندگارترین نموده‌های ملی‌گرایی در حکومت پهلوی اول است که با حضور شخص رضاشاه و مهم‌ترین رجال سیاسی و فرهنگی این حکومت و گروه کثیری از مهمانان خارجی همراه با احداث و افتتاح آرامگاه فردوسی در شهر توس به اجرا درآمد و فصل نوینی را در بازنمایی زندگی و زمانه فردوسی و مطالعات شاهنامه‌شناسی در سطح ملی رقم زد. این مراسم در دو سطح ملی و بین‌المللی برگزار شد. در سطح ملی افزون‌بر برگزاری مراسم هزاره فردوسی در تهران، در غالب شهرهای کشور نیز مراسمی برپا شد. در سطح بین‌المللی نیز علاوه بر آنکه کنگره هزاره فردوسی خود به‌عنوان نخستین گردهمایی بین‌المللی ایران‌شناسان جهان در تهران میزبان مشهورترین و برجسته‌ترین ایران‌شناسان و شاهنامه‌شناسان جهان بود، در بسیاری از پایتخت‌ها و شهرهای مهم کشورهای جهان نیز مراسم متعددی از طرف نمایندگان‌های سیاسی، کنسول‌گری‌ها و سفارت‌خانه‌های ایران و با مشارکت و همراهی گسترده مراکز علمی، فرهنگی و دانشگاهی کشورهای میزبان به اجرا درآمد که نقشی مهم در ایجاد وجهه ملی و بین‌المللی برای حکومت پهلوی ایفا کرد. در عین حال این مراسم به‌بهانه بزرگداشت فردوسی و شاهنامه عملاً به‌صورت محلی برای ارائه تصویری کارآمد از حکومت پهلوی و معرفی پهلوی اول به‌عنوان بانی پیشرفت کشور در سطح جهانی درآمد و وجهه‌ای گاه کاملاً تبلیغاتی یافت. این وجه از مراسم جهانی هزاره فردوسی در اسناد و گزارش‌های برجای‌مانده از برگزاری مراسم هزاره فردوسی در پایتخت‌ها و شهرهای کشورهای مبنای پژوهش حاضر به‌وضوح انعکاس یافته‌است.

پیشینه پژوهش: تاکنون برگزاری مراسم هزاره فردوسی در سایر کشورهای جهان و هم‌زمان یا پس‌از برگزاری مراسم جشن و کنگره هزاره فردوسی در تهران و دیگر شهرهای ایران، بر مبنای اسناد و منابع دست‌اول مطالعه و بررسی نشده‌است و اسناد و گزارش‌های آرشیوی مربوط به ابعاد بین‌المللی این رویداد بازخوانی و تجزیه و تحلیل نشده‌اند و از این نظر پژوهش حاضر مطالعه‌ای جدید به‌شمار می‌رود. این مقاله بر مبنای رجوع به منابع و اسناد دست‌اول این دوره و نیز ارزیابی گزارش‌های مربوط به این مراسم، چرایی، چگونگی و رویکردهای اصلی در برگزاری این مراسم در مهم‌ترین پایتخت‌ها و شهرهای جهان را بررسی کرده و کوشیده‌است تا طی بررسی اسنادی و تاریخی، ابعاد گوناگون این مراسم بین‌المللی را به‌تصویر بکشد و نتایج آن را تجزیه و تحلیل کند.



۲. کنگره بین‌المللی هزاره فردوسی

مراسم بزرگداشت هزاره تولد فردوسی و کنگره آن در مهرماه ۱۳۱۳ را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای سده شمسی حاضر در شمار آورد. این مراسم علاوه بر تلاش برای تدارک جایگاه و اهمیتی ملی و بین‌المللی برای حکومت پهلوی اول، به نخستین همایش و گردهمایی ایران‌شناسان و شاهنامه‌پژوهان بنام دنیا تبدیل شد و برای حکومت رضاشاه نقشی سیاسی و به‌ظاهر ملی همچون جشن‌های دوهزاروپانصدساله دوره پهلوی دوم را ایفا کرد. مقدمات برگزاری این مراسم پرطول و تفصیل به جایابی مزار فردوسی در توس و سپس احداث آرامگاهی درخور برای او در آنجا اختصاص یافت. به‌دنبال احداث این آرامگاه معظم گام بزرگ بعدی حکومت پهلوی اول در بزرگداشت فردوسی و شاهنامه‌اش برگزاری مراسم جشن هزاره تولد فردوسی، برپایی کنگره بزرگ فردوسی و درنهایت افتتاح رسمی آرامگاه فردوسی بود که طی آن‌ها برای نخستین بار شاهنامه‌شناسان و ایران‌شناسانی از سراسر جهان برای حضور در این مراسم و به‌ویژه کنفرانس علمی آن در تهران گردهم آمدند. مراسم جشن و بزرگداشت هزارمین سال تولد فردوسی که طی مهرماه ۱۳۱۳ در سراسر کشور برگزار شد، در واقع مهم‌ترین تجلی‌گاه تقدیس فردوسی و شاهنامه به‌عنوان اثری ملی از سوی حکومت پهلوی اول به‌شمار می‌رفت و عملاً از عزم این حکومت برای توجه سراسری به موضوعات ملی و بهره‌گیری تبلیغاتی از آن‌ها برای نشان‌دادن سلطنت رضاشاه به‌عنوان سلطنتی ملی حکایت می‌کرد.

روایت‌شناسی ماجرای برگزاری جشن هزاره فردوسی نیز به‌وضوح از اهمیت بُعد ملی‌گرایی این مراسم در آن دوره حکایت می‌کند؛ زیرا غالب رجال آن عهد هرکدام به‌نوعی خود را بانی و پیشنهاددهنده مراسم مذکور معرفی کرده‌اند. چنان‌که فروغی در سخنرانی در «تالار دارالمعلمین عالی» با عنوان «مقام ارجمند فردوسی» - که به‌مناسبت افتتاح مراسم فروش بلیت‌های بخت‌آزمایی تأمین هزینه‌های برپایی مقبره فردوسی در سال ۱۳۱۲ برگزار شد - در این باره تلویحاً مدعی است که خود کاشف هزارمین سال تولد فردوسی بوده‌است (فروغی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۲۱)؛^۱ ولی علی‌اصغر حکمت باین‌که در خاطره خود درباره موضوع بنای آرامگاه فردوسی فروغی را «لیدر این فکر» معرفی می‌کند، درباب مراسم و کنگره هزاره مدعی است که او این موضوع را پس از اتمام بنای آرامگاه به فروغی پیشنهاد داده‌است (صفایی، ۲۵۳۵، ص ۱۰۰). در کنار روایت حکمت، مهدی‌قلی هدایت برگزاری مراسم هزاره را تحت‌تأثیر عادت فرنگیان در گرفتن جشن‌های تولد و چندده‌سالگی و نیز صدسالگی فوت بزرگان می‌داند و برخلاف مبنای مراسم جشن هزاره فردوسی در واقع امر، بهانه آن را وفات فردوسی می‌گوید و سیدحسین تقی‌زاده را بانی

۱. البته لازم به اشاره است که سال ۱۳۱۳ هیچ تقارنی با هزارمین سال تولد فردوسی یا آغاز یا اتمام شاهنامه نداشته‌است. محمد محیط طباطبایی در این باره نوشته‌است: «با مراجعه به ارقام تاریخی مربوط به ولادت فردوسی و قصد شاهنامه‌سرایی و دو مرحله اتمام و اکمال شاهنامه، هیچ‌یک از این ارقام در دو صورت قمری و شمسی خود و مقایسه آن با عدد ۱۳۱۳ نمی‌تواند ملاکی برای هزاره‌ای از آن سال‌ها باشد» (محیط طباطبایی، ۱۳۶۹، ص ۱۰).

اصلی این فکر معرفی می‌کند (هدایت، ۱۳۴۴، ص ۴۰۴). در این میان چالش برانگیزترین این دعاوی متعلق به یحیی دولت‌آبادی است که ضمن شرح جزئیات این مراسم، خود را نخستین طراح این اندیشه معرفی می‌کند و در خاطرات خود و ذیل ثبت رخدادهای دوره سلطنت رضاشاه می‌گوید: «دیگر از کارها که در این چند سال واقع شد و صدای ایران را در همه جای دنیا بلند کرد و تا یک‌اندازه افتخار آن شامل حال نگارنده است حکایت جشن هزارسالگی فردوسی است» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۴۲۲) و در ادامه مدعی می‌شود که مسئولان امر این ایده او را به سرقت بردند و با کنار گذاشتن او، برنامه بنای آرامگاه و سپس برپایی مراسم جشن هزاره فردوسی را حتی بدون کوچک‌ترین دعوتی از او اجرا کردند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۴، ج ۴، صص ۴۲۲-۴۲۵).

افزون بر جنبه ملی مراسم هزاره فردوسی، وجه بین‌المللی این مراسم هم که با برگزاری مراسم متعدد و گوناگون در کشورهای دیگر جهان تا پایان سال ۱۳۱۳ش تداوم یافت، از همان کنگره هزاره در تهران متجلی شد و ایران‌شناسان غیرایرانی متعددی از کشورهای مختلف از شرق تا غرب جهان در آن حضور یافتند و افزون بر آن دول گوناگون خارجی نیز یا از طریق ارسال نمایندگان سیاسی و علمی خود و یا از طریق ارسال پیام خطاب به دولت ایران و فرستادن هدیه برای شخص پهلوی اول در این کنگره مشارکت کردند. این کنگره «صبح روز پنج‌شنبه ۱۲ مهرماه ... در تالار مدرسه دارالفنون تشکیل» شد و با سخنرانی محمدعلی فروغی در مقام «رئیس‌الوزرا» و علی‌اصغر حکمت به‌عنوان «وزارت معارف» افتتاح شد (سال‌نامه پارس، ۱۳۱۴، صص ۲۲-۲۵) و چنان‌که اشاره شد، به‌صورت نخستین کنگره خاورشناسان در ایران و در عین حال تنها گردهمایی بین‌المللی در دوره پهلوی اول و «نخستین [محل] برخورد فکر ایرانی با ایران‌شناسی بیگانگان در قرن بیستم» (محیط طباطبایی، ۱۳۵۱، ص ۱۰۴) درآمد^۱ و ایران‌شناسان مشهور آن عصر همچون آرتور کریستن سن و هانری ماسه در آن حضور یافتند و حدود یک هفته درباره ارزش حماسی و ملی شاهنامه فردوسی و شناخت افکار و اندیشه فردوسی در تالار مدرسه دارالفنون سخنرانی کردند. «در جلسه اول کنگره، تلگراف مولوتف رئیس شورای کمیساریاهای شوروی و تلگراف وزیر امور خارجه انگلیس مبنی بر شادباش و حاکی از تشکیل جلسات بزرگداشت فردوسی و شاهنامه در لندن گراد و لندن» (صفایی، ۲۵۳۵ الف، ص ۶۴) به‌همراه «سایر تلگرافاتی که از رجال و انجمن‌های فرهنگی و ادبی و رؤسای کشورها در زمینه تبریک به‌مناسبت عید رسمی جشن هزارساله شاعر ملی ایران مخابره شده بود قرائت [و] جواب‌های لازم که از طرف رئیس‌الوزرا و وزیر امور خارجه و خود کنگره صادر گردید نیز خوانده شد» (اطلاعات در یک ربع قرن، ۱۳۲۹، ص ۱۳۳).

۱. البته در دوره پهلوی دوم با قرائت تبلیغاتی، از این رویداد به‌عنوان اقدامی محصول کار شخص پهلوی اول یاد شده است. برای نمونه، مهدی غروی در این باره چنین می‌نویسد: «تجلیل از فردوسی و تشکیل کنگره جهانی شاهنامه‌شناسان در سال ۲۴۹۳ شاهنشاهی (۱۳۱۳ هجری) که بزرگ‌ترین اقدام فرهنگی اعلی‌حضرت رضاشاه کبیر در سطح بین‌المللی بود، نمونه‌ای از قدرشناسی آن مرد بزرگ نسبت به فردوسی نامدار و ملت ایران محسوب می‌گردد» (غروی، ۲۵۳۵، ص ۲۷). ولی در دهه‌های بعد ارزش و اهمیت فرهنگی و جهانی آن چنین توصیف شده است: «جشن هزاره فردوسی به سال ۱۳۱۳ش یکی از رویدادهای مهم فرهنگی قرن و بدون تردید مهم‌ترین و علمی‌ترین کنگره‌ای بود که در ایران معاصر برگزار شد؛ چراکه مشاهیر فرهنگ و ادبی که در آن گرد آمده بودند، هیچ‌گاه و در هیچ جای دیگر جهان معاصر کنار هم نشستند» (ریاحی، ۱۳۸۰، ص ۳۷۴).



در جلسه روز دوم کنگره، سفیر دولت اتحاد جماهیر شوروی و ... وزیرمختار آلمان و عده‌ای از اعضای آن دو سفارت نیز شرکت داشتند. در این جلسه سفیر شوروی پس از ایراد نطقی درباره روابط دوستانه ایران و شوروی و علاقه‌مندی مردم شوروی به بزرگداشت فردوسی، هدایای زیر را برای استفاده ایرانیان و حفظ در موزه ملی به دولت شاهنشاهی اهدا کردند: «۱. یگانه کپیه از مجموعه بشقاب‌های عهد ساسانیان که در موزه لنین گراد حفظ می‌شود و یازده پارچه است؛ ۲. کپیه‌ای از نسخه خطی شاهنامه فردوسی مورخ ۱۳۳۳ م (۷۳۱ ه.ق)؛ ۳. آلبوم‌ها و کتب گران‌بها مربوط به صنایع [هنرهای] ایرانی.» وزیرمختار آلمان «نیز در طی نطق خود از علاقه‌مندی مردم آلمان به ایران و سابقه ممتد پژوهش‌گری دانشمندان آلمانی در بررسی شاهنامه سخن گفت ... در این جلسه دکتر محمد آقاوگلو استاد صنایع [هنرهای] ظریفه خاور نزدیک در دانشگاه میشیگان نیز نسخه‌ای از شاهنامه چاپ دانشگاه میشیگان را برای تقدیم به حضور شاهنشاه و دو نسخه برای حفظ در کتابخانه ملی ایران اهدا کرد و به اطلاع رسانید که این دانشگاه حاضر است دو نفر دانشجوی ایرانی علاقه‌مند را مجاناً در آن دانشگاه بپذیرد» (غروی، ۲۵۳۵، صص ۶۵-۶۶؛ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، بی‌تا، صص ۶-۷). البته افزون‌بر این هدایا، «سفارت کبری شوروی» نیز در همان ایام از وزارت خارجه خواستار مجوز برای واردکردن «چهار صندوق کتاب به‌منظور اهدا به دولت علیه ایران» از طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی «به‌مناسبت جشن هزارمین ساله فردوسی» شد و به‌ویژه تقاضای حمل فوری آن‌ها از «بندر پهلوی» به تهران را مطرح کرد تا «به‌موقع اهدا شوند» (ساکما، ۰۵۱۷۴۴-۳۱۰).

هم‌چنین در جلسه روز سوم یعنی «شنبه ۱۶ مهرماه نمایشگاهی از عکس‌های مربوط به حفاری‌های علمی در ترکستان ترتیب داده شده بود. در این نمایشگاه برای نخستین‌بار نمونه‌هایی از خطوط سغدی نمایش داده شد.» در این جلسه «تلگرافی که پارسیان هندوستان در تبریک جشن هزاره فردوسی به زبان انگلیسی مخابره کرده بودند، به‌وسیله آقای دکتر صدیق قرائت شد.» در همین جلسه عبدالوهاب عزام ترجمه خود از شاهنامه چاپ مصر را به رضاشاه تقدیم کرد و «دو نسخه نیز به آقایان فروغی و حکمت اعطا نمود. استاد حکمت [هم] از این‌که وی به فارسی سخنرانی کرد و سه جلد شاهنامه تقدیم نمود، تشکر کرد.» در جلسات روزهای بعد نیز برنامه‌هایی همچون «نمایشگاهی از عکس‌های آثار تاریخی ایران» از سوی «فرانکلین گنتر مدیر مؤسسه آمریکایی کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران» برگزار شد و هدایایی مانند «یک دوره کامل از حروف سربی [نستعلیق] جدیدی ... که دربار نظام حیدرآباد با صرف ده سال ممارست و تجربه تهیه

کرده بود»، از سوی «پروفسور عبدالکریم حسنی ... از حیدرآباد دکن» به دولت ایران تقدیم شد (غروی، ۲۵۳۵، صص ۶۸-۶۹، ۷۲؛ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، بی تا، صص ۸-۱۰).^۱ این هدیه سلطنتی در قالب «هفت صندوق» و «از طریق قصر شیرین» و طبق مصوبه هیئت وزرا بدون پرداخت «حقوق گمرکی و سایر عوارض» به کشور وارد شد (ساکما، ۰۵۱۷۴۴-۳۱۰).

۳. مراسم هزاره فردوسی در جهان

به مناسبت بزرگداشت فردوسی در ایران در پایتخت‌ها و شهرهای مهم بعضی از کشورهای دیگر همچون واشنگتن، لندن، استکهلم، پاریس، ژنو، بروکسل، رم، برلین،^۲ ورشو، استانبول، مسکو، لنین‌گرا، کیف، مینسک، تفلیس، ایروان، بادکوبه،^۳ تاشکند، استالین‌آباد (دوشنبه)، قاهره، بیروت، بغداد، حجاز [عربستان]، کابل، دهلی، بمبئی و توکیو نیز مجالس متعددی گاه «به ریاست پادشاهان یا رؤسای جمهور» (یغمایی، ۲۵۳۵، ص ۴۱۱) در بزرگداشت مقام فردوسی و شاهنامه برگزار شد و این کشورها علاوه بر اعزام شرق‌شناسانی به ایران، خود نیز هزارمین سال تولد فردوسی را جشن گرفتند (سال‌نامه پارس، ۱۳۱۴، صص ۶۲-۶۳؛ روزنامه اطلاعات، شماره ۲۲۹۶، ۲ مهر ۱۳۱۳). چنان‌که «به مناسبت جشن هزارمین سال تولد فردوسی، در کلیه نقاط افغانستان جشن‌های مفصلی گرفته شد. از جمله در کابل پایتخت افغانستان در سفارت کبرای ایران ضیافت داده شد» (انجمن نامه و کتاب‌خانه مزدیسنان، ۱۳۲۵، ص ۳۴). در شوروی ظاهراً مراسم هزاره فردوسی در سالن تئاتر بزرگ شهر مسکو که استالین نیز در آن حضور داشت، از سایر بزرگداشت‌های فردوسی در دیگر شهرهای شوروی شکوه بیشتری داشت (نفیسی، ۱۳۴۵، ص ۸۰؛ صفایی، ۲۵۳۵، صص ۱۹۵؛ اطلاعات در یک ربع قرن، ۱۷ مهر ۱۳۲۹، صص ۱۳۲-۱۳۳؛ ریاحی، ۱۳۸۰، صص ۳۷۵). در این مراسم طبق مصوبه هیئت وزرا سعید نفیسی به‌عنوان یکی از نمایندگان «دولت شاهنشاهی» ایران حضور داشت (ساکما، ۰۵۱۹۶۳-۳۱۰). البته طبق سندی دیگر، ظاهراً انتخاب سعید نفیسی به‌دستور شخص رضاشاه انجام شده است (ساکما، ۰۳۸۷۳۸-۳۱۰). به مناسبت جشن هزاره فردوسی، در موزه تمدن شرق مسکو هم نمایشگاهی از آثار هنری و باستانی ایران برپا شد (روزنامه اطلاعات، شماره ۲۲۹۶، ۲ مهر ۱۳۱۳) و «در تمام نقاط کشور اتحاد جماهیر شوروی نمایشگاه‌های مخصوصی از آثار و نوشته‌ها و نقاشی‌های ایران باستان به‌نام فردوسی تشکیل شد و هم‌چنین نسخه‌های خطی شاهنامه برای عموم به‌نمایش گذاشته شد. تمام روزنامه‌های اتحاد جماهیر شوروی شرح حال و خدمات شاعر شهیر ایرانی را درج کردند و مقالات مبسوطی در این باره نگاشتند. مسیو

۱. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که سید عبدالکریم حسنی خود به‌عنوان «نماینده دولت اعلی حضرت نظام دکن» در نامه‌ای به «مقام محترم ریاست جلیله دفتر مخصوص شاهنشاهی» درباره این هدیه و علاقه «دولت نظامیه دکن ... به ادبیات و مطبوعات ایران» و زحمات خودش در تهیه آن توضیحاتی داد و پاسخ آن را نیز از دفتر مزبور دریافت کرد (ساکما، ۰۳۸۷۳۸-۳۱۰).
 ۲. گزارش مراسم جشن فردوسی در برلین در مجله انجمن شرق‌شناسی آلمان منتشر شد: "Die Firdosi-Feier in Berlin". (1934). Zeitschrift der Deutschen Morgenlaendischen Gesellschaft, Vol. 88 (N. F. 13), No. 2, PP 111-117
 ۳. نمایندگان ایران برای حضور در مراسم جشن بادکوبه طبق مصوبه هیئت وزرا محمدعلی تربیت و محمود افشار بودند (ساکما، ۰۵۱۹۷۹-۳۱۰).



لوزینسکی دانشمند شوروی قطعات مهمی از شاهنامه را ترجمه کرد و به صورت کتابی منتشر کرد. دانشگاه تفلیس هم شاهنامه را به زبان گرجی چاپ کرد» (انجمن نامه و کتابخانه مزدیسنان، ۱۳۲۵، ص ۳۳). گستردگی مراسم مربوط به جشن هزاره فردوسی در جمهوری‌های مختلف اتحاد جماهیر شوروی به میزانی بود که این مراسم طی سالیان بعد به عنوان بزرگ‌ترین مراسم برگزار شده در سطح بین‌المللی توصیف می‌شدند:

«وقایع جشن هزارساله فردوسی در مهم‌ترین شهرهای اتحاد جماهیر شوروی بهترین تقدیر و تشویق این حکیم بزرگوار بود ... هیچ‌یک از ملل جهان به اندازه ملت‌های اتحاد جماهیر شوروی در این جشن تاریخی حق فردوسی را آن طوری که شایسته مقام او بوده شاید ادا نکرده باشند. منظور این نیست که آن‌ها در این جشن شرکت نکرده و یا نمایندگان آن ملل به کنگره فردوسی اعزام نشدند؛ خیر، مراد این است که ملت‌های اتحاد جماهیر شوروی با وجود تیرگی روابط و با وجودی که بر روی تمایلات سیاسی و اقتصادی انگلوساکسن و در [این] اواخر به منظور تقویت از [دربار] دول نازیسم و فاشیسم، در سرتاسر مرزهای شمالی ما دیوار چین کشیده بودند، مع‌هذا وظیفه مدنی خود را درباره حکیم نامی ایران به‌طور پسندیده انجام دادند» (آذری، ۱۳۲۸، ص ۸).

در جوار شوروی و اروپای شرقی آن عهد یعنی در لهستان نیز به مناسبت هزاره فردوسی، ضمن برگزاری مراسم جشن، مقالاتی درباره فردوسی و ترجمه قسمت‌هایی از شاهنامه منتشر شد (سازمان جشن هنر، مجموعه جشن طوس، ۲۵۳۵، ص ۶۱). جشن هزاره فردوسی در پاریس با ریاست افتخاری ریاست جمهوری وقت فرانسه به نام آلبر لُبرن و در زمان وزیرمختاری حسین علا و «در حضور هزاران نفر از شخصیت‌های فرانسه و اعضای هیئت سیاسی مقیم و عده‌ای از ایرانیان به‌ویژه دانشجویان» برگزار شد و طی آن وزیرمختار ایران «به زبان فرانسوی فصیح نطقی ایراد کرد و توجه همگان را به خود جلب نمود ... در مراسم جشن هزاره فردوسی پل بلوی (از شخصیت‌های محترم فرانسه) با بیانات مؤثر خود درباره شخصیت شاعر بزرگ ایران و تجلیل از مقام او توجه همگان را جلب کرد. استاد هانری ماسه خاورشناس معروف فرانسه نیز سخنرانی جالبی در موزه گیمه ایراد کرد» (عبده، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۱۰). جزئیات بیش‌تر از گزارش جشن‌های هزاره فردوسی در دیگر کشورها و پایتخت‌های مهم جهان را نشریه مزدیسنا و اسناد مربوط این‌گونه روایت و ثبت کرده‌اند:

«در کشور آلمان مانند کلیه ممالک خارجه جشن‌های باشکوهی به افتخار هزارمین سال تولد فردوسی منعقد شد. در برلن جشن مزبور در دانشگاه برلن برگزار شد که در آن عده‌ای از دانشمندان و اعضای عالی‌رتبه آن کشور حضور داشتند. شهردار برلن هم بدین

مناسبت یکی از خیابان‌های بزرگ و معروف شهر برلن را به اسم ایران تبدیل کرد» (انجمن نامه و کتاب‌خانه مزدیسنان، ۱۳۲۵، ص ۳۸). البته براساس گزارش سفارت ایران در برلین به وزارت امور خارجه، این سفارت‌خانه در ابتدا به نام گذاری خیابانی در برلین به نام فردوسی مأمور بود، ولی این امر با وجود همراهی «مصادر امور آلمان از مقامات رسمی و حزبی و اداره سیاست خارجی و اشخاص متنفذ»، به دلیل مشکلاتی چون ناآشنایی آلمانی‌ها با اسم فردوسی و دشواری تلفظ آن و نیز شباهت تلفظ این نام با کلمه‌ای مورد استفاده «اوباش»، در نهایت منتفی شد و به جای آن خیابانی را به نام ایران (پارس) نام گذاری کردند (ساکما، ۱۳۰۱۷۷-۲۹۷). «هم‌چنین در هامبورگ (یکی از بندرهای مهم آلمان) جشن مزبور در دانشگاه هامبورگ گرفته شد که در آن دکتر راین رئیس دانشگاه نطقی درباره عظمت شاعر بزرگ ایرانی و انعقاد جشن هزارمین سال [انجام داد] و آقای پرفسور اشتروما که در ادبیات شرقی بسیار مشهور است، سخنرانی‌ای راجع به تاریخ زندگانی فردوسی ایراد کرد» (انجمن نامه و کتاب‌خانه مزدیسنان، ۱۳۲۵، ص ۳۸). طبق گزارش کنسول‌گری ایران در هامبورگ به وزارت امور خارجه که ترجمه فارسی سخنرانی «دکتر گوستاو آدولف راین» را نیز به ضمیمه دارد، راین در سخنان خود با توجه به سیاست‌های آریانیستی آلمان هیتلری آن زمان در زمینه ایران از یک سو و گرایش رضاشاه به آلمان از سوی دیگر، به بیان مطالبی تبلیغاتی نظیر «دعای بندگان اعلی حضرت همایون شاهنشاه» و تقدیر و ستایش از پهلوی اول و اقدامات و «خدمات او به معارف و تربیت ملت از ایجاد مدارس مقدماتی تا تأسیس مدارس عالی» نیز پرداخت و در پایان صحبت‌های خود را این گونه خاتمه بخشید: «خواهش دارم از جای خود بلند شوید تا سرود ایران را بشنویم... و در مقابل «کنسول» ایران نیز در سخنان خود پس از تمجید از رضاشاه و هم‌سان‌انگاشتن او با فردوسی به عنوان یکی از «مردان بزرگ» که «خداوند توانا در روزهای سخت ... به ما بخشایش فرمود»، به ستایش از «آدلف هیتلر» پرداخت و «سخن خود را با ندای زنده‌باد دستور بزرگ و پیشوای آلمان» به پایان رساند (ساکما، ۱۳۰۱۷۷-۲۹۷؛ ۲۹۷-۳۷۹۸۰-۲۹۷).

نظیر این اتفاقات در تبدیل مراسم هزاره فردوسی به پهلوی‌ستایی مدنظر رضاشاه را در گزارش سفارت ایران در برلین به وزارت امور خارجه درباره جشن فردوسی در شهر لایپزیک هم می‌توان دید:

«آخرین جشن فردوسی در آلمان در شهر لیبزیک صبح ۱۱ آذر [۱۳۱۳] منعقد گردید و جمعیت کثیری از معاریف محترمین و هم‌چنین حاکم شهر در سالون کتاب‌خانه دانشگاه که با فرش‌های ایران و گل و ریاحین تزیین شده بود، حضور به هم رسانیده و پس از ایراد نطق‌های مختصر از طرف حاکم شهر و زمامداران کتاب‌خانه دانشگاه و این بنده راجع به



فردوسی و ترقی و عظمت ایران در عهد اعلی حضرت همایون شاهنشاه ارواحناده، خطابه مبسوط و مفصلی از طرف براون لیش معلم اَلْسِنَه^۱ شرقیه در شهر مزبور راجع به فردوسی ایراد گردید که موجب تمجید و تحسین حضار واقع گردید» (ساکما، ۱۷۷-۰۳۰-۲۹۷).

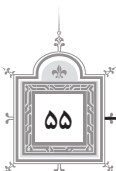
همچنین «شارژه دافر [کاردار] سفارت ایران در پاریس از «افتتاح اکسپوزیسیون^۲ کتابخانه ملی» بدین مناسبت خبر داد و ضمن اشاره به حضور محمدعلی فروغی به عنوان وزیر معارف ایران در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه، بر ذکر نام پهلوی اول و تمجید از او تأکید کرد:

«جشن‌ها و هفته فردوسی در پاریس از ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر ۱۳۱۳) شروع شده [است] و ۲۰ دسامبر (۲۹ آذر) ختم می‌شود. روز ۱۲ دسامبر مطابق ۲۲ آذر [کذا] که شروع به جشن‌ها است، مطابق پروگرام مقرر بود [که] در کتابخانه ملی ... اکسپوزیسیون فردوسی افتتاح [شود] و تا آخر مدت جشن‌ها باقی باشد و ضمناً قرار داده بودند افتتاح اکسپوزیسیون که در واقع افتتاح جشن‌ها است، توسط بنده که شارژه دافر سفارت دولت شاهنشاهی ایران در پاریس هستم به عمل آید ... روز مزبور ساعت مقرر فدوی به اتفاق جناب آقای فروغی (جناب مستطاب اجل آقای علاء، لندن بودند [و] حضور نداشتند) برای افتتاح اکسپوزیسیون به عمارت کتابخانه رفتیم ... در تالار، اکسپوزیسیون به وضع جالب توجهی ترتیب داده شده [بود] و مملو از مدعوین علما و مستشرقین ... و مأمورین عالی‌رتبه فرانسه بود ... هم بنده و هم وزیر معارف در نطق خودمان به اسم مبارک بندگان اعلی حضرت همایون شاهنشاهی رضاشاه پهلوی ارواحناده اشاره نمودیم و مجلس با کف‌زدن‌های طولانی خاتمه یافت» (ساکما، ۱۷۷-۰۳۰-۲۹۷).

این «شارژه دافر» در گزارش دیگری درباره «مجلس جشن در بلدیة [شهرداری] پاریس آورده است:

«روز ۱۷ دسامبر مطابق ۲۶ آذر ... مجلس پذیرایی در بلدیة بود. روز مزبور ساعت مقرر بنده در خدمت جناب مستطاب اجل آقای علاء و جناب آقای فروغی به بلدیة رفتیم ... و ... مسیو پل فور ... اشعاری را که ساخته بود، قرائت کرد ... چند روز بعد هم شورای بلدی پاریس عین اشعار پل فور را که مشارالیه به قلم خود برای هدیه به سفارت دولت شاهنشاهی نوشته [بود] ارسال داشت ...؛ [تا] در صورت اقتضا به عرض خاک پای مبارک بندگان اعلی حضرت همایون شاهنشاهی ارواحناده برسانند و بعد در موزه آثار فردوسی ضبط شود. بدیهی است پل فور شاعر برای اشعاری که ساخته و بعد به قلم خود نوشته و تقدیم نموده [است]، توقع تشویق دارد. موضوعی که به وسیله آن ممکن باشد مشارالیه را راضی نگاه داشت، به نظر انجمن آثار ملی است. به علاوه ابل بنار عضو آکادمی ... اشعاری

۱. اَلْسِنَه (alsane): جمع لسان: زبان‌ها
۲. اکسپوزیسیون: نمایشگاه



سرود و فوق‌العاده مورد توجه واقع شد ... به نظر فدوی مناسب نیست این وظایف فراموش شود و ممکن است سردی و کدورت حاصل نماید؛ این است [که] استدعا دارم مراتب به انجمن آثار ملی یادآور شود، هر طور خودشان مقتضی دانستند وسایل استرضای خاطر آقایان ابل بنار و پل فور را فراهم فرمایند» (ساکما، ۱۷۷-۰۳۰-۲۹۷).

به همین ترتیب نکات مشابه دیگری در گزارش سفارت ایران در ورشو ثبت شده است که بیان نقش پهلوی اول در «ترقیات» ایران آن عهد از زبان مسئولان غیر ایرانی نیز از موضوعات محوری آن به‌شمار می‌رود:

«روز ۱۸ آذرماه [۱۳۱۳] ساعت ۸ بعد از ظهر از طرف انجمن ایران و لهستان و جمعیت ادبا و علما ورشو مجلس جشن هزارساله فردوسی که در آکادمی ورشو ساخته شده، تزیین یافته بود، منعقد گردید. حضار مجلس بالغ بر یک‌هزار نفر و مرکب از هیئت دولت و کور دیپلماتیک^۱ و علما و نویسندگان لهستان و وجوه اعیان ورشو و ارباب جرید بودند. بدو ژنرال یارنوشکه‌ویچ تفصیل مسافرت خود به ایران و اشتراک در جشن‌های فردوسی و مشاهداتی که در باب ترقیات ایران در ظل توجهات دقیق ملوکانه نموده [بود] را با تشکر از مراحم شاهانه که نسبت به مشارالیه ابراز شده بود، اظهار [داشت] و موقعی که از بندگان اعلی حضرت همایونی ارواح‌نفاذ اسم می‌برد، موزیک سلام شاهنشاهی و سرود ملی ایران از طرف یک دسته ارکستر نظامی مُترنم [شد] و عموم حضار قیام نمودند. مجدداً ژنرال به بیانات خود ادامه داده، شرحی از دوستی لهستان با ایران و ترقیات مملکت شاهنشاهی اظهار نمود. پس از خاتمه بیانات ژنرال، مسیو تریا [سرایا (سرگئی)] شاپشال ... پروفیسور زبان فارسی و ترکی در دارالعلم شهر ویلنا ... که مخصوصاً از طرف دارالعلم مزبور [برای] شرکت در جشن با لباس روحانی خود به ورشو آمده بود، خطابه [ای] به زبان فارسی با ترجمه آن به زبان لهستانی قرائت نمود ... مشارالیه در خطابه خود به علایق و سوابق تاریخی بین مملکتین و ملتین ایران و لهستان اشاره نموده و با کمال مسرت ادعیه خالصانه خود و ملت لهستان را برای سلامت و سعادت شاهنشاه معظم ایران و تعالی ملت و ترقیات مملکت شاهنشاهی اظهار داشت» (ساکما، ۱۷۷-۰۳۰-۲۹۷).

«در آمریکا هم مانند سایر ممالک دنیا به مناسبت هزارمین سال تولد فردوسی جشن باشکوهی گرفتند و برای گرفتن این جشن کمیته‌ای ... انتخاب شدند ... این جشن در کتاب‌خانه دانشگاه کلمبیا گرفته شد و در آن رئیس دانشگاه کلمبیا و وزیر مختار ایران و پرفیسور جاکسن مستشرق شهیر بیاناتی راجع به مقام فردوسی و شرح حال شاعر ایراد کردند. هم‌چنین نمایشگاهی از اقسام شاهنامه که در آمریکا تهیه شده بود و نسخ خطی و مینیاتور شاهنامه نمایش داده شد و این آثار برای مدت یک ماه در معرض نمایش عموم

Diplomatic Corps. 1: هیئت دیپلماتیک



قرار داشت» (انجمن نامه و کتابخانه مزدیسنان، ۱۳۲۵، صص ۳۸-۳۹). درباره مراسم جشن هزاره در واشنگتن، در گزارش سفارت ایران در این شهر به وزارت امور خارجه بدین نکته نیز اشاره شده است که در این نمایشگاه «مجسمه نیم تنه فردوسی را [که] جوانی موسوم به آقاییوف ارمنی ... از رعایای ایران درمورد جشن ساخته بود و مورد تمجید عامه [واقع] شد، در همان جا روی میزی گذاشته» بودند. ضمناً این گزارش نیز از ستایش و تمجید پهلوی اول خالی نبوده است و در ادامه می آورد: «و تابلوی بزرگ اعلی حضرت شاهنشاهی ارواحفاده را هم که آقای حسن وزیر با کمال خوبی تهیه کرده بود، در صدر نمایشگاه آثار فردوسی آویخته شده بود که فوق العاده مورد توجه عمومی [واقع] گردیده بود.» به علاوه بر اساس گزارش های سفارت ایران در واشنگتن، جشن ها و مراسم دیگری هم در نیویورک و چند مرکز علمی و دانشگاهی دیگر از سوی سفارت ایران و برخی از ایران شناسان آمریکایی گرفته شد (ساکما، ۱۳۰۱۷۷-۲۹۷).

در انگلستان «جشن مزبور در باشگاه لردها در لندن برگزار شد. در این ضیافت مستشرق معروف مستر دنیسون راس پس از ذکر شرح حال فردوسی قسمتی از اشعار شاهنامه را نیز ترجمه کرد ... هم چنین از عصر دوشنبه ۷ آبان^۱ (۲۹ اکتبر) تا یک هفته جشن ها و ضیافت هایی به یاد حکیم بزرگ و دانشمند ایران فردوسی برپا بود که در آن عده زیادی از بزرگان و دانشمندان و نمایندگان خارجی شرکت داشتند ... و عده زیادی از فضلا و محققین نامی انگلستان در ضیافت ها و جشن های منعقد در لندن به نام شاعر بزرگ ایران (فردوسی) شرکت کردند. در انگلستان نیز به واسطه گرفتن جشن مزبور قسمتی از اشعار فردوسی را ترجمه کرده [اند] و هم چنین کلیه مطبوعات آن کشور مقالات مبسوطی راجع به شاعر ایرانی درج کرده اند» (انجمن نامه و کتابخانه مزدیسنان، ۱۳۲۵، صص ۳۹). هفته مورد اشاره در این جا، طبق توضیحات مفصل سفارت ایران در لندن به وزارت امور خارجه، از سوی مسئولان انگلیسی این مراسم به عنوان «هفته هزارمین سال فردوسی» معین شد و نه از ۱۷ آبان، بلکه «از روز هفتم آبان مطابق ۲۹ اکتبر شروع شد». هم چنین در گزارش سفارت ایران آمده است که «مقارن با شروع هفته فردوسی ضمیمه مجله شرق نزدیک به نام فردوسی منتشر شد ... قریب دوست و پنجاه لیره مخارج طبع این مجله را بر حسب اقدام و خواهش [اعضای انگلیسی] کمیته جشن فردوسی، بانک شاهنشاهی ایران پرداخت» (ساکما، ۱۳۰۱۷۷-۲۹۷).

«در ایتالیا هم مانند کلیه کشورهای اروپا جشن های باشکوهی گرفته شد و کمیته مخصوصی برای این کار تعیین شد ... در رم جشن مزبور در آکادمی سلطنتی ایتالیا برگزار شد و در آن کارلو آلفون (عضو آکادمی سلطنتی) نطقی راجع به مقام فردوسی

۱. در متن اصلی سند ۱۷ آبان ذکر شده است؛ ولی ۱۷ آبان با ۲۹ اکتبر مطابقت ندارد و ۷ آبان با ۲۹ اکتبر مطابق است.



و اهمیت این جشن ایراد نمود. هم‌چنین فرماندار شهر رم یکی از میدان‌های باشکوه پایتخت ایتالیا (رومیة الکبری) را به نام فردوسی موسوم نموده است ... در بروکسل پایتخت بلژیک و هم‌چنین در اغلب شهرهای بلژیک به مناسبت هزارمین سال تولد شاعر بزرگ ایران (فردوسی) جشن‌های باشکوهی گرفته شد» (انجمن نامه و کتاب‌خانهٔ مزدیسنان، ۱۳۲۵، ص ۴۰). در «رپرت سفارت شاهنشاهی در بروکسل» به وزارت امور خارجه این توضیح به قلم وزیرمختار ایران نیز دیده می‌شود که «راجع به اقامهٔ جشن هزارسالهٔ فردوسی، با کمال احترام تصدیق^۱ می‌دهد به طوری که خاطر مبارک مستحضر است در بلژیک مستشرقین متعدد وجود نداشته و بر اثر آن کمیته و یا هیئتی که مخصوصاً متوجه امور ادبی شرق باشد، تاکنون [آذرماه ۱۳۱۳] در این جا تشکیل نگردیده است؛ [بنابراین] قبل از انعقاد جشن هزارسالهٔ فردوسی در بلژیک با وسایل لازمه خاطر اعلی حضرت پادشاه بلژیک و هیئت دولت و عده [ای] از رجال و دانشمندان مملکت را از مقام ارجمند و عالی فردوسی مستحضر [داشتیم].» هم‌چنین در ادامهٔ این «رپرت» نیز به تمجید پهلوی اول در این مراسم اشاره شده و آمده است که در یکی از این مراسم «آقای حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی شرح مبسوطی از تاریخ حیات و اهمیت اشعار فردوسی به فارسی بیان [کرد] و در ضمن نطق مشارالیه به وسیلهٔ فیلم‌هایی که قبلاً تهیه شده بود، عده [ای] از تصاویر قدیمی شاهنامه و مناظر جدید ایران بر روی پردهٔ سینما نمایش داده شد. آقای دولت‌آبادی ایران و ایرانیان را مرهون بذل توجه مخصوص اعلی حضرت همایون شاهنشاهی ارواحنافداه در احیای نام فردوسی و عظمت ترقی تعالی ایران دانست... در خاتمهٔ این گزارش ذکر شده است: «به یادگار این جشن هم اقدام لازم به عمل آمده است که یکی از خیابان‌های بروکسل را به نام فردوسی موسوم نمایند» (ساکما، ۱۳۰۱۷۷-۲۹۷).

«در استکهلم (پایتخت سوئد) جشن باشکوهی به افتخار شاعر ایرانی در موزهٔ استکهلم برگزار گردید که در آن والا حضرت پرنس اوژن (برادر پادشاه سوئد) و هیئت وزرا و نمایندگان خارجی و دانشمندان در آن شرکت داشتند» (انجمن نامه و کتاب‌خانهٔ مزدیسنان، ۱۳۲۵، ص ۴۱). گزارش سفارت ایران در استکهلم حاوی این نکته نیز هست که مراسم «جشن فردوسی شب ۲۱ آبان در موزهٔ ملی» برگزار شد که محل آن در نوع خود کم‌نظیر بوده است؛ زیرا «موزهٔ ملی [از] عالی‌تری [عالی‌ترین] بناهای استکهلم است و غیر از جشن ملی سالیانهٔ نوبل موقع دیگری در آن جا جشن گرفته نمی‌شود و از تاریخ بنای موزهٔ ملی این اولین دفعه بود که جشنی برای خارجه‌ای در آن جا گرفته می‌شد» (ساکما، ۱۳۰۱۷۷-۲۹۷).

«در ترکیه این جشن با شکوه تمام در ساختمان خلق‌اوی (خانهٔ ملت) در آنکارا (پایتخت ترکیه) تشکیل شد. دانشمندان، مستشرقین، رجال سیاسی و روزنامه‌نگاران

۱. تصدیق‌دادن، در سردادن، مزاحم شدن



حضور داشتند ... هم‌چنین در دانشگاه شهر استانبول جشن مجللی برقرار شد که ... کنسول ایران و عده‌ای از نمایندگان خارجی ... و دانشمندان دیگر و دانشجویان ایرانی در آن شرکت داشتند» (انجمن نامه و کتاب‌خانهٔ مزدیسنان، ۱۳۲۵، ص ۴۱). مطابق با گزارش کنسول‌گری ایران در طرابوزان به وزارت امور خارجه، مراسم جشن مفصلی هم به همان سیاق در این شهر ترکیه برگزار شد که طی آن از جمله «فونسول» ایران اشاره می‌کند: «اگرچه قبلاً بالمذاکره با والی [طرابوزان] قرار شده بود موضوع فارس [و] ترک مطرح نشود، ولی باز ناطق» ادعا کرد «اگر ترک‌ها نبودند [فردوسی] شاهنامه را نمی‌توانست تنظیم نماید». این گزارش در ادامه به موضوع تمجید یکی از سخنرانان ترک از پهلوی اول و البته مصطفی کمال آتاترک اشاره می‌کند و می‌آورد: «پس از آن علاء بیگزاده منیربیک که چندی قبل کنفرانسی برعلیه چادر در خلق‌اوی داد، پس از بیانات راجع به مقام فردوسی اشاره کرد که اسم این شاعر عالی‌مقام که تا این اواخر کم‌تر برده می‌شد، از پرتو توجهات اعلی حضرت همیون [همایون] شاهنشاهی است که مثل غازی مصطفی کمال راهنما و پیشوای ملت ایران می‌باشد؛ و بعد غزلی [را] که در موقع تشریف‌فرمایی موکب همیونی [همایونی] به اسلامبول سروده بود و اشعار یکی از شعرای ایران را استقبال [کرده بود]، «ای اسلامبول شاد باش و شاد زی/شاه‌مهمان سوی تو آید همی» خواند». در خاتمهٔ این گزارش «فونسول» ایران بدین نکته نیز پرداخت که سخنان او برخلاف قول ترکان در جراید منتشر نشده است و دربارهٔ علت آن می‌نویسد: «از تحقیقاتی که نمودم معلوم شد از این‌که گفته شد شهرت سلطان محمود به واسطهٔ فردوسی است، خوششان نیامده و انتظار داشتند بنده از ترک‌های امروزه تشکر کنم که یکی از شماها در آن زمان باعث نظم شاهنامه شده [اید] و یکی از اعضای فرقه‌ای خلق‌شناسی نام اظهار می‌کرد شما باید ممنون باشید که نگفتند فردوسی ترک بوده؛ زیرا ما معتقد هستیم که حضرت آدم ترک بوده است [!].» (ساکما، ۱۳۰۱۷۷-۲۹۷).

«در بغداد (پایتخت عراق) و در سایر نقاط این کشور به مناسبت هزارمین سال تولد شاعر ایرانی جشن‌های باشکوهی از طرف ایرانیان مقیم آن کشور گرفته شد ... در کلیه شهرهای هندوستان به مناسبت هزارمین سال تولد فردوسی جشن‌های باشکوهی گرفته شد. یکی از جشن‌های مزبور در کلکته به نحو جالب توجهی برگزار شد که در آن عده‌ای از دانشمندان و پارسیان من جمله دکتر تاگور و وزیر فرهنگ بنگال در آن شرکت داشتند» (انجمن نامه و کتاب‌خانهٔ مزدیسنان، ۱۳۲۵، صص ۴۲-۴۳). البته دربارهٔ عراق اشاره به این موضوع ضروری است که برخلاف روایت مراسم جشن هزاره در بغداد در گزارش فوق، ظاهراً برگزاری مراسم مذکور در آن شهر از سوی سفارت‌خانهٔ ایران، با دشواری‌ها

۱. فرقه‌ای خلق‌شناسی نام: نام فرقهٔ مزبور
خلق‌شناسی بوده است.



و حساسیت‌هایی مواجه بوده است و طبق اسناد موجود وزارت معارف و به‌ویژه برمبنای گزارش سفارت ایران در بغداد در تابستان آن سال و پیش از شروع رسمی مراسم هزاره در مهرماه، این امر حتی موجب گرایش برخی از مسئولان وقت ایران به انصراف از برگزاری جشن هزاره فردوسی در بغداد شده بود. برای نمونه، در یکی از این گزارش‌ها به قلم وزیر مختار ایران در بغداد مورخ ۱۳۱۳/۵/۳۱ در این باب آمده است:

«... ثانیاً، مردم عراق عموماً به فردوسی بدنظرند و از فرط جهل و غرور بی‌جا هم، نمی‌توانند بین مقام ادبی شاعر و آمال سیاسی و ملی او فرق بگذارند و بدین سبب ممکن است یا شرکت نکنند و یا اگر شرکت کنند، دسته مخالفی هم پیدا شود و شروع به قدح فردوسی نماید. ثالثاً، شعرا و نویسندگانی در ولایات عراق نیست که خطابه تهیه کرده و نطقی ایراد کنند و ناچار مجلس باید به‌صرف شربت و شیرینی بگذرد؛ به این جهات شرکت قنسول‌گری‌ها را در جشن مناسب ندیدم. باین حال اگر آن وزارت جلیله [امور خارجه] نظر مخالفی دارند، متمنی است فوراً تلگراف فرمایند تا اقدام لازم به‌عمل آید. در این صورت بهتر است در مدارس ایرانی و به‌وسیله محصلین نهایت با شرکت عراقی‌ها اقدام بشود و قنسول‌گری‌ها هم شرکت کنند» (ساکما، ۰۳۸۷۳۸-۳۱۰).

در اسناد و گزارش‌های کنسول‌گری‌ها و سفارت‌خانه‌های ایران درباره جشن‌ها و مراسم هزاره فردوسی در بعضی دیگر از پایتخت‌ها و شهرهای مهم کشورهای دیگر که تقریباً تا اواخر سال ۱۳۱۳ ادامه داشت، جزئیات دیگری هم به چشم می‌خورد که در نوع خود جالب توجه است و در عین حال و به‌روشنی وجه سیاسی این جشن‌ها و تبدیل آن‌ها به محلی برای ستایش و تبلیغ حکومت پهلوی اول و کسب مشروعیت ملی، سیاسی و بین‌المللی برای سلطنت او به‌بانه بزرگداشت فردوسی را به‌نمایش می‌گذارد. این موضوع از جمله در گزارش‌های موجود از «قونسول‌گری» ایران از مراسم جشن هزاره در کویته، کراچی و بمبئی به وزارت امور خارجه قابل مشاهده است؛ به‌ویژه در گزارش مربوط به بمبئی که جنبه تبلیغاتی این جشن‌ها در جهت تقدیس از سلطنت پهلوی اول، به‌خوبی انعکاس یافته است:

«در محلی که قبلاً در قسمت پایین قونسول‌گری تهیه شده بود، فیلم فردوسی به حضار نمایش داده شد و خیلی جالب توجه گردید. این اقدام قونسول‌گری و پروپاگاندا‌های قبلی که به‌عمل آمده بود، سبب یک هیجان مخصوصی بین پارسی‌ها [زرتشتیان] شده، به‌طوری‌که تا روز بیستم مهر همه‌روزه در مجامع مختلف جشن‌هایی گرفته و جمعیت کثیری دعوت و حاضر شده، نطق‌ها هر یک به‌نوبه خود نطق‌های باحرارتی به‌مناسبت این جشن نموده و با یک احساسات فوق‌العاده نسبت به ذات اقدس بندگان اعلی حضرت

۱. قدح: بدگوی؛ سرزنش؛ عیب‌جویی؛ متضاد مدح.



شهریاری ارواحناده به دعا و ثنای همایونی مشغول [بودند] و فریاد زنده و پاینده باد شاهنشاه عظیم الشان و ناجی ایران اعلی حضرت اقدس پهلوی به آسمان بلند [بود] و عموم با یک شغف و سروری مشغول کفزدن می شدند. مجامع مزبور تلگرافاتی به خاک پای مبارک همایونی ارواحناده تقدیم داشته [اند] و به اضافه از بنده خواسته اند که مراتب جان نثاری و تشکرات قلبی آن‌ها را به پایه سریر^۱ تقدیم دارم ... خیلی به جا و به موقع است نسبت به این اقداماتی که در بمبئی به عمل آمده و احساساتی که پارسی‌ها نشان داده اند، مقرر فرمایند در زمینه همین راپرت‌ها شرحی در جراید طهران مخصوصاً ایران باستان و کوشش و شفق سرخ که به هندوستان بیش تر می آید، خود جراید از خودشان درج و اظهار قدردانی به عمل آورند» (ساکما، ۱۷۷، ۳۰-۲۹۷).

هم چنین در گزارش مربوط به کراچی به برگزاری «جشنی مفصل» از طرف گروه‌های دیگر و به ویژه «انجمن بهایی‌ها» و نیز «پارسیان» این شهر اشاره شده است که هم چنان پهلوی ستایی در آن از جایگاهی محوری برخوردار بوده است:

«برای روز چهارشنبه ۱۱ مهرماه (مطابق با ۳ اکتبر) قونسول‌گری جشن باشکوه مفصلی تهیه نمود ... [که] تاکنون نه در این قونسول‌گری، بلکه در سایر قونسولگری‌های خارجه و سایر جشن‌ها در کراچی نظیر چنین جشنی که از هر جهت آراسته و تکمیل بود، دیده نشده است و به این واسطه فوق العاده جالب توجه واقع گردید و اروپایی‌ها که کم تر در این گونه جشن‌ها حاضر می شوند با خانم‌هایشان حضور به هم رسانیدند. اسکورت جوانان پیشاهنگی پارسیان از درب قونسول‌گری تا صحن پذیرایی به حالت خبردار ایستاده ... روز دوشنبه شانزدهم مهرماه از طرف انجمن بهایی‌ها جشن مفصلی گرفته شد ... در کراچی عده [ای] از زرتشتیان ایرانی و ایرانی‌ها جزء انجمن بهاییان می باشند و عمارت بزرگی در کراچی ساخته اند؛ این جشن را در همان جا برپا کردند. روز سه شنبه ۱۷ مهر از طرف تجار و اصناف بلوچی در هتل [هتل] مصطفی کمال جشن گرفته شد و در آن جا اشعاری در شأن اعلی حضرت همایون شاهنشاهی ارواحناده خوانده شد؛ اشعار فردوسی و خطابه نیز قرائت گردید ... روز بیستم مهرماه از طرف انجمن پارسیان در تالار کاترگ که محل کنفرانس و جلسات انجمن و نمایشات پارسیان می باشد، دعوتی به عمل آمد. تالار مزین به بیرق‌های ایران و انگلیس بود. تمثال مبارک بندگاه [بندگان] اعلی حضرت همایون شاهنشاهی ارواحناده و الاحضرت اقدس ولایت عهد دامت عظمته و عکس فردوسی که دو روز قبل به قونسول‌گری رسید و فوراً آن عکس را پارسیان بزرگ کرده بودند در تالار نظر حضار را جلب می نمود. از طرف پسران و دختران پارسی‌ها و جوانان پیشاهنگی سرودها خوانده شد. ریاست این مجلس را دستور صاحب دکتر داهلا رئیس

۱. پایه سریر: پایه تخت سلطنت شاه



روحانی زرتشتیان عهده دار بودند ... ؛ جشن به سرود ملی ایران و سرود «خدا نگه دار شاه را!» خاتمه یافت در خاتمه معروض می دارد که اگر قونسول‌گری اقدام به جشن نکرده بود، تصور نمی رفت که هیچ گونه اقدامی در کراچی بشود» (ساکما، ۱۷۷-۰۳۰-۲۹۷). در آذرماه سفارت ایران در مصر نیز برنامه‌هایی را ذیل نام «هفته فردوسی» تدارک دید که «دادن کنفرانس‌های فارسی و عربی و فرانسه راجع به ایران عموماً و فردوسی خصوصاً؛ تهیه و تنظیم نمایشگاهی از آثار ادبی و صنعتی [هنری] ایران؛ نمایش فیلم‌ها و پروژکت‌های [تصاویر] مربوط به مملکت، خصوصاً معرفی آثار و ترقیات دوره باعظمت پهلوی ... ؛ و افتتاح و نام گذاری یکی از خیابان‌ها یا پل‌ها و یا باغ‌های معتبر پایتخت به نام فردوسی» از مهم ترین محورهای آن به شمار می آمدند. همین سفارت‌خانه در گزارشی دیگر از برگزاری مراسمی از سوی «جمعیت ارامنه مقیم قاهره» خبر می دهد و در آن اشاره می کند که «در نطق‌های مزبور همه جا حس تقدیر و تحسین ترقیات ایران در تحت توجهات مخصوص بندگان اعلی حضرت همایون شاهنشاهی ارواحناله فداه ابراز شد و قبلاً نیز کمال مراقبت به عمل آمد که عبارات زنده به همسایگان ایران نداشته باشد و مجلس به کمال شکوه و گرمی و کف زدن‌های متوالی و زنده باد اعلی حضرت همایون شاهنشاهی ارواحناله مقارن نیمه شب خاتمه یافت» (ساکما، ۱۷۷-۰۳۰-۲۹۷).^۱

۱. همان جا. لازم به ذکر است که از دیگر وجوه مشترک گزارش‌های کنسول‌گری‌ها و سفارت‌خانه‌های مورد اشاره، بیان این مطلب است که در روزنامه‌ها و «جرایده» کشورها و شهرهایی که میزبان مراسم جشن هزاره بودند، مطالب متعددی درباره فردوسی و شاهنامه منتشر شد و در کنار آن مطالب، مقالات و گزارش‌هایی همراه با تصاویر پهلوی اول در باب «ترقیات» ایران و تحولاتی که با آغاز سلطنت رضاشاه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و ... ایران رخ داد نیز انتشار یافتند. به این ترتیب در حوزه رسانه نیز مطبوعات کشورهای مذکور به بهانه جشن هزاره فردوسی به محلی برای تجدید از سلطنت رضاشاه و اقدامات او تبدیل شدند.

بعد از اختتام جشن‌ها و بزرگداشت‌های مذکور، دولت ایران و به طور خاص «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» در مقام پاسخ و در واقع در مقام قدردانی از این



ردیف	شهر	کشور	تاریخ برگزاری	مقامات شرکت کننده	دستاوردها
۱	کابل	افغانستان	پاییز ۱۳۱۳	مقامات سفارت کبرای ایران؛ مقامات محلی افغانستان	گسترش شاهنامه پژوهی و تقویت پیوندهای ملی، زبانی و فرهنگی بین ایران و افغانستان؛ تبلیغات ملی برای حکومت پهلوی اول
۲	مسکو (و بعضی دیگر از مراکز جمهوری های شوروی مانند لنین گراد، کیف، مینسک، تفلیس، ایروان، بادکویه، تاشکند (دوشنبه)	اتحاد جمهوری شوروی	پاییز ۱۳۱۳	جوزف استالین و برخی از مقامات شوروی؛ ایران شناسان و شاهنامه پژوهان روس؛ نمایندگان حکومت ایران	گسترش شاهنامه پژوهی؛ ترجمه شاهنامه به روسی؛ تقویت پیوندهای ملی، زبانی و فرهنگی بین ایران و بعضی از جمهوری های شوروی؛ برپایی نمایشگاه هایی از آثار هنری ایران و نسخه های خطی شاهنامه؛ تبلیغات ملی برای حکومت پهلوی اول
۳	ورشو	لهستان	پاییز ۱۳۱۳	برخی از مقامات ایرانی و لهستانی؛ ایران شناسان و شاهنامه پژوهان لهستان	گسترش شاهنامه پژوهی؛ نگارش مقالاتی درباره فردوسی؛ ترجمه قسمت هایی از شاهنامه به لهستانی؛ سخنرانی هایی درباره فردوسی از سوی ایران شناسان لهستانی؛ تبلیغات ملی برای حکومت پهلوی اول
۴	پاریس	فرانسه	پاییز ۱۳۱۳	رئیس جمهوری فرانسه آلبر لبرن؛ وزیر مختار ایران حسین علا؛ شخصیت های علمی فرانسوی و ایرانی؛ دانشجویان ایرانی	گسترش شاهنامه پژوهی؛ سخنرانی هایی درباره فردوسی از سوی ایران شناسان فرانسوی؛ برگزاری نمایشگاه ایران؛ تبلیغات ملی برای حکومت پهلوی اول

جدول ۱

جدول مقایسه ای برگزاری مراسم
هزاره فردوسی در جهان



ردیف	شهر	کشور	تاریخ برگزاری	مقامات شرکت کننده	دستاوردها
۵	برلین؛ هامبورگ؛ لایپزیک	آلمان	پاییز ۱۳۱۳	مقامات محلی همچون شهردار برلین؛ مقامات دانشگاه برلین و هامبورگ و لایپزیک؛ ایران شناسان آلمانی؛ مقامات سفارت و کنسولگری ایران	گسترش شاهنامه پژوهی؛ چاپ فرهنگ شاهنامه اثر فریتز وولف؛ نام گذاری یکی از خیابان های بزرگ و معروف شهر برلین به اسم ایران (پارس)؛ تبلیغات ملی برای حکومت پهلوی اول و آدلف هیتلر
۶	واشنگتن؛ نیویورک	ایالات متحده آمریکا	پاییز ۱۳۱۳	مقامات دانشگاه کلمبیا؛ وزیرمختار و مقامات سفارت ایران؛ ایران شناسان آمریکایی	گسترش شاهنامه پژوهی؛ سخنرانی هایی درباره فردوسی از سوی ایران شناسان آمریکایی؛ برگزاری نمایشگاهی از شاهنامه های چاپ آمریکا و نسخ خطی و مینیاتور شاهنامه؛ نمایش مجسمه نیم تنه فردوسی اثر یکی از ایرانیان ارمنی؛ تبلیغات ملی برای حکومت پهلوی اول
۷	لندن	انگلستان	پاییز ۱۳۱۳	مقامات بریتانیایی و ایرانی؛ ایران شناسان مشهور انگلستان؛ نمایندگان بعضی از کشورهای خارجی	گسترش شاهنامه پژوهی؛ نگارش مقالاتی درباره فردوسی؛ ترجمه قسمت هایی از شاهنامه به انگلیسی؛ سخنرانی هایی درباره فردوسی از سوی ایران شناسان بریتانیایی؛ تبلیغات ملی برای حکومت پهلوی اول
۸	رم	ایتالیا	پاییز ۱۳۱۳	اعضای آکادمی سلطنتی ایتالیا؛ شخصیت های علمی و دانشگاهی رم؛ ایران شناسان ایتالیایی	گسترش شاهنامه پژوهی؛ سخنرانی هایی درباره فردوسی از سوی ایران شناسان ایتالیایی؛ نام گذاری یکی از میدان های رم به نام فردوسی؛ تبلیغات ملی برای حکومت پهلوی اول

ادامه جدول ۱

جدول مقایسه ای برگزاری مراسم هزاره فردوسی در جهان



ردیف	شهر	کشور	تاریخ برگزاری	مقامات شرکت کننده	دستاوردها
۹	بروکسل	بلژیک	پاییز ۱۳۱۳	برخی از مقامات و مسئولان سفارت ایران؛ شخصیت های علمی و دانشگاهی بلژیک	گسترش شاهنامه پژوهی؛ نمایش فیلمها و تصاویری از شاهنامه و منظر جدید ایران؛ تبلیغات ملی برای حکومت پهلوی اول
۱۰	لستکهلم	سوئد	پاییز ۱۳۱۳	پرنس اوژن (برادر پادشاه سوئد)؛ هیئت وزرای دولت سوئد؛ برخی از نمایندگان کشورهای خارجی؛ شخصیت های دانشگاهی سوئد	گسترش شاهنامه پژوهی؛ تبلیغات ملی برای حکومت پهلوی اول
۱۱	آنکارا؛ استانبول؛ طرابوزان	ترکیه	پاییز ۱۳۱۳	برخی از مقامات سیاسی ترکیه و ایران؛ ایران شناسان ترک؛ روزنامه نگاران و دانشجویان ایرانی	گسترش شاهنامه پژوهی؛ نگارش مقالاتی درباره فردوسی؛ سخنرانی هایی درباره فردوسی از سوی ایران شناسان و ادبای ترک؛ تبلیغات ملی برای حکومت پهلوی اول و مصطفی کمال آتاترک
۱۲	بغداد	عراق	پاییز ۱۳۱۳	برخی از مقامات سیاسی و علمی عراق و ایران؛ ایرانیان مقیم عراق	گسترش شاهنامه پژوهی؛ تبلیغات ملی برای حکومت پهلوی اول
۱۳	کلکته؛ بمبئی؛ کراچی؛ کویته	هندوستان	پاییز ۱۳۱۳	شخصیت های علمی و فرهنگی هند همچون رابیندرانات تاگور؛ وزیر فرهنگ بنگال؛ برخی از پارسیان هند؛ مقامات کنسولگری ایران	گسترش شاهنامه پژوهی؛ سخنرانی هایی درباره فردوسی از سوی ادبای شبه قاره؛ نمایش فیلم فردوسی در کنسولگری ایران در بمبئی؛ تبلیغات ملی برای حکومت پهلوی اول
۱۴	قاهره	مصر	پاییز ۱۳۱۳	شخصیت های علمی و فرهنگی مصر؛ مقامات کنسولگری ایران	گسترش شاهنامه پژوهی؛ سخنرانی هایی درباره فردوسی از سوی ادبای مصر؛ برگزاری نمایشگاهی از آثار ادبی و هنری ایران؛ نمایش فیلمها و تصاویر مربوط به ایران جدید؛ تبلیغات ملی برای حکومت پهلوی اول

ادامه جدول ۱

جدول مقایسه ای برگزاری مراسم
هزاره فردوسی در جهان



برنامه‌های گوناگون و گاه پرطول و تفصیل در صدد برآمد تا از طریق سفارت‌خانه‌های ایران از بانیان مراسم جشن هزاره فردوسی در دیگر کشورها تشکر کند و از جمله در رم با اهدای «احکام مدال و مدال فردوسی و کتاب خلاصه شاهنامه گردآورده محمدعلی فروغی به پادشاه خدمتاتی که ۱۸ نفر از فضلا و دانشمندان کشور ایتالیا در اوان انعقاد جشن‌های هزاره گوینده بزرگ ایران فردوسی در رم انجام داده بودند»، از افراد و بانیان و سخنرانان این مراسم قدردانی کرد و جالب توجه این‌که در این میان نام بنیتو موسولینی، «رئیس دولت ایتالیا» هم به عنوان «رئیس افتخاری کمیته جشن فردوسی» در میان اسامی این ۱۸ نفر به چشم می‌خورد (ساکما، ۱۷۶، ۳۰-۲۹۷؛ ۳۷۹۸۰-۲۹۷).

۴. نتیجه‌گیری

سلطنت نوظهور پهلوی به سان سایر حکومت‌های عصر جدید بانی تحولات جدید محسوب می‌شد و از این رو به ایدئولوژی و حماسه‌ای متناسب با آن ایدئولوژی نیاز داشت. در دوره پهلوی اول، با توجه به ماهیت عرفی و غیردینی این حکومت و تحولات تاریخی ایران در اواخر عصر قاجار و دوران مشروطه، ناسیونالیسم که به تدریج به ناسیونالیسم شاهنشاهی بدل شد، به ایدئولوژی اساسی و مشروعیت‌بخش این حکومت تبدیل شد و طبعاً حکومت پهلوی با برافراشتن پرچم ملی‌گرایی به دنبال یافتن حماسه‌ای ملی برآمد و در این میان شاهنامه فردوسی عالی‌ترین و برجسته‌ترین حماسه ملی تاریخ ایران به شمار می‌رفت که سلطنت پهلوی می‌توانست از آن بهره‌برداری کند. از این رو، شخص پهلوی اول با وجود نداشتن علاقه فردی به عرصه ادبیات و شعر، خود را علاقه‌مند به شاهنامه و متولی برکشیدن نام و یاد فردوسی نمایاند و روشن‌فکران و رجال فرهنگی و سیاسی و نظامی آن عهد نیز به سهم خود در برافراشتن پرچم ستایش و تقدیس فردوسی و بزرگداشت او و شاهنامه، ضمن رقابت با یکدیگر، به تلاشی حداکثر و هم‌سو با نیاز سلطنت پهلوی و اوامر شاهانه در مسیر تدارک حماسه‌ای ملی برای این حکومت برخاستند و با استفاده و سوءاستفاده از شاهنامه کوشیدند تا مراسم بزرگداشت هزاره فردوسی و شاهنامه را به محلی برای تقدیس و ستایش حکومت پهلوی اول، ارائه تبلیغات گوناگون درباره «ترقیات» و پیشرفت‌های ایران در این دوره و در نهایت تدارک وجهه‌ای ملی و بین‌المللی برای حکومت او تبدیل کنند و در این عرصه و مسیر، برگزاری مراسم هزاره تولد فردوسی و جشن‌ها و برنامه‌های متعاقب آن در کشورهای مختلف تجلی عینی و عملی و نقطه اوج این تلاش سراسری، حکومتی و تبلیغاتی به حساب می‌آمد.

از سوی دیگر، با توجه به حضور نمایندگان سیاسی و شاهنامه‌شناسان و ایران‌شناسان کشورهای دیگر در این قبیل مراسم، گزارش‌های تبلیغاتی عهد پهلوی کوشیدند تا این



مشارکت و توجه بیگانگان و به‌ویژه اروپاییان به شاهنامه فردوسی را سمبل و نشانی از عظمت و اهمیت ایران در سطح جهان و تکریم ایران و سلطنت پهلوی از سوی کشورهای مهم دنیا قلمداد کنند.

منابع

منابع فارسی

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):
۳۱۰-۰۵۱۹۶۳؛ ۳۱۰-۰۵۱۷۴۴؛ ۳۱۰-۰۳۸۷۳۸؛ ۲۹۷-۰۳۷۹۸۰؛ ۲۹۷-۰۳۰۱۷۷؛ ۲۹۷-۰۳۰۱۷۶
۳۱۰-۰۵۱۹۷۹.

کتاب

آذری، س. علی. (۱۳۲۸). *زندگی فردوسی*. تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکا.
اطلاعات در یک ربع قرن. (۱۳۲۹).
انجمن نامه و کتابخانه مزدیسنان. (۱۳۲۵). *فردوسی نامه مزدیسنان*. تهران: نشریه شماره ۱ باشگاه مزدیسنان تهران.
دولت آبادی، یحیی. (۱۳۶۴). *حیات یحیی*. (ج ۴). تهران: فردوس.
ریاحی، محمدامین. (۱۳۸۰). *فردوسی*. تهران: طرح نو.
سازمان جشن هنر، مجموعه جشن طوس. (۲۵۳۵). *فردوسی و ادبیات حماسی: مجموعه سخنرانی‌های نخستین جشن طوس (مشهد تیرماه ۲۵۳۴)*. تهران: سروش.
صفایی، ابراهیم. (۲۵۳۵ الف). *بنیادهای ملی در شهر یاری رضاشاه کبیر*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
صفایی، ابراهیم. (۲۵۳۵ ب). *رضاشاه کبیر در آینه خاطرات*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
عبده، جلال. (۱۳۶۸). *چهل سال در صحنه قضایی، سیاسی، دیپلماسی ایران و جهان*. (ج ۱). تهران: خدمات فرهنگی رسا.
غروی، مهدی. (۲۵۳۵). *شاهنامه فردوسی در نخستین نیم قرن شاهنشاهی دودمان پهلوی*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر و بنیاد شاهنامه فردوسی.
فروغی، محمدعلی. (۱۳۸۷). *مقالات فروغی*. (ج ۲). تهران: توس.
محیط طباطبایی، محمد. (۱۳۶۹). *فردوسی و شاهنامه*. تهران: امیرکبیر.
نفیسی، سعید. (۱۳۴۵). *تاریخ معاصر ایران: از کودتای سوم اسفندماه ۱۲۹۹ تا بیست و چهارم شهریورماه ۱۳۲۰*. تهران: کتاب فروشی فروغی.



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه. (بی تا). *گزارش کنگره هزاره فردوسی، دوازدهم تا شانزدهم مهرماه ۱۳۱۳، مجموعه مقالات و خطابه‌ها*. طهران: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه.
 هدایت، مهدی قلی. (۱۳۴۴). *خاطرات و خطرات*. تهران: زوار.
 یغمایی، اقبال. (۲۵۳۵). *کارنامه رضاشاه کبیر بنیان‌گذار ایران نوین*. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.

مقاله

محیط طباطبایی، محمد. (۱۳۵۱). «ایران‌شناسی و زبان فارسی». چاپ شده در کتاب: *سومین کنگره تحقیقات ایرانی*. (ج ۱). (محمد روشن، کوشش گر). تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

نشریه

روزنامه اطلاعات، (شماره ۲۲۹۶، ۲ مهر ۱۳۱۳).
 سال‌نامه پارس، ۱۳۱۴.

منابع لاتین

“Die Firdosi-Feier in Berlin”. (1934). *Zeitschrift der Deutschen Morgenlaendischen Gesellschaft*, Vol. 88 (N.F. 13), No. 2, PP 111-117.

English Translation of References

Documents

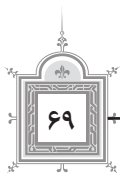
Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran):
 297-030176; 297-030177; 297-037980; 310-038738; 310-051744; 310-051963; 310-051979.[Persian]

Books

Abdeh, Jalal. (1368/1989). “*Āhelsāldarsahne-ye qazāyi, siyāsi, diplomāsi-ye Irānvajahān*” (Forty years in the judicial, political, and diplomatic scene of Iran and the world) (vol. 1). Tehrān: Xadamāt-e Farhangi-ye Rasā.[Persian]
 Anjoman-nāmevaKetābxāne-ye Mazdisnān. (1325/1946). “*Ferdowsi-nāme-ye Mazisnān*” (Ferdowsinameh of Mazdisnan). Tehrān: Našriye-ye Šomāre-ye 1



- Bāšgāh-e Mazdisnān-e Tehrān.[Persian]
- Azari, S. Ali. (1328/1949). *“Zendeġi-ye Ferdowsi”* (Ferdowsi’s life). Tehrān: Šerkat-e Nasabi-ye EqbālvaŠorakā.[Persian]
- Dolat Abadi, Yahya. (1364/1985). *“Hayāt-e Yahyā”* (Yahya’s life) (vol. 4). Tehrān: Ferdows. [Persian]
- “Ettelā’ātdaryek rob’e qarn”* (Information in a quarter of a century). (1329/1950).
- Foroughi, Mohammad Ali. (1387/2008). *“Maqālāt-e Foruqi”* (Foroughi’s articles) (vol. 2). Tehrān: Tus.[Persian]
- Gharavi, Mahdi. (2535/1956). *“Šāhnāme-ye Ferdowsi darnoxostinnim-qarn-e šāhanšāhi-ye dudmāne Pahlavi”* (Ferdowsi’s Shahnameh in the first half century of the Pahlavi dynasty). Tehrān: Vezārat-e FarhangvaHonarvaBonyād-e Šāhnāme-ye Ferdowsi.[Persian]
- Hedayat, Mahdi Gholi. (1344/1965). *“Xāterātvaxatarāt”* (Memories and dangers). Tehran: Zovvār. [Persian]
- Mohit Tabatabaei, Mohammad. (1369/1990). *“Ferdowsi vaŠāhnāmeġh”* (Ferdowsi and Shahnameh). Tehrān: Amir Kabir.[Persian]
- Nafisi, Saeed. (1335/1956). *“Tārix-e mo’āser-elrān: Az kudetā-ye sevvom-e Esfand-māġ 1299 tābišt-o-čāhārom-e Šahrivar-māġ 1320”* (The contemporary history of Iran).Tehrān: Ketāb-foruši-ye Foruqi. [Persian]
- Riahi, Mohammad Amin. (1380/2001). *“Ferdowsi”* (Ferdowsi). Tehrān: Tarġ-e no.[Persian]
- Safayi, Ebrahim. (2535/1956a). *“Bonyād-hā-ye mellidaršahriyāri-ye RezāŠāġ-e Kabir”* (National foundations under the kingdom of Reza Shah the Great). Tehrān: Vezārat-e FarhangvaHonar.[Persian]
- Safayi, Ebrahim. (2535/1956b). *“RezāŠāġ-e Kabir darāyine-ye xāterāt”* (Reza Shah the Great in the mirror of memories). Tehrān: Vezārat-e FarhangvaHonar.[Persian]
- Sāzmān-e Jašn-e Honar, Majmu’-ye Jašn-e Tus (Tus-Festival). (2535/1956). *“Ferdowsi vaadabiyāt-e hamāsi: Majmu’e-ye soxanrāni-hā-ye noxostinjašn-e Tus (MašhadTirmāġ 2534)”* (Ferdowsi and epic literature: Collection of speeches of



- the first Tus festival (Mashhad, July 1955)). Tehrān: Soruš.[Persian]
- Vezārat-e Ma'ārefvaOwqāfvaSanāye'-e Mostazrafeh. (n. d.). "*Gozāreš-e kongere-ye hezāre-ye Ferdowsi, davāzdahomtāšānzdahom-e Mehr-māh 1313, majmu'e-ye maqālātvaxatābe-hā*" (Report of Ferdowsi Millennium Congress, 4th to 8th of October 1934, collection of articles and speeches). Tehrān: Vezārat-e Ma'ārefvaOwqāfvaSanāye'-e Mostazrafeh.[Persian]
- Yaghmaei, Eghbal. (2535/1956). "*Kārnāme-ye Rezāšāh-e Kabir bonyān-gozār-e Irān-e novin*" (The achievements of Reza Shah the Great, the founder of modern Iran). Tehrān: Edāre-ye Koll-e Negāreš-e Vezārat-e FarhangvaHonar.[Persian]

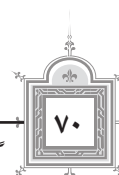
Articles

- "Die Firdosi-Feier in Berlin". (1934). *Zeitschrift der Deutschen Morgenlaendischen Gesellschaft*, vol. 88 (N.F. 13), no. 2, pp. 111-117.
- Mohit Tabatabaei, Mohammad. (1351/1972). "Irān-šenāsvazabān-e Fārsi" (Iranology and Persian language). In Mohammad Roshan (Ed.), "*Sevvominkongere-ye tahqiqāt-e Irāni*" (The third Iranian research congress) (vol. 1). Tehrān: Bonyād-e Farhang-e Irān (Bonyad-e Farhang-e Iran).[Persian]

Press

- Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettelaat Newspaper), (issue no. 2296, 2 Mehr 1313/ 24 September 1934).[Persian]
- Sālnāme-ye *Pārs*, 1314/1935.[Persian]

گزیده اسناد



۵۶۹۸
۱۳/۸/۳۶

وزارت مالیه

اداره
دایره

رئیس دفتر

بتاریخ ماه ۱۳۱
نمره ضمیمه

هیئت وزراء در جلسه ۳۰/۸/۱۳۱۳ تصویب نمودند که مبلغ ده هزار
ریال برای مخارج مسافرت آقایان ترمیت و افشار نمایندگان مجلس شورای
ملی که حسب الامور برای شرکت در جشن هزارساله فردوسی مامور باد کویه
شده بودند از اعتبار هذیه السنه مخارج مترقبه و غیر مترقبه دولت بطور
مقطوع پرداخت کرد. *لصوابه امیر کبیر*

سید امیر کبیر

۱۳/۸/۳۶

ل-ه-ه

سند ۱



ل- ۵۵۱

بتاریخ ۱۶/۸/۱۳۱۱
 شماره ضمیمه ۱۹



وزارت مالیه

اداره بودجه

دایره

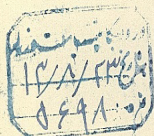
مقام محترم راست وزراء عظام

بطوریکه خاطر محترم مستحضراست بموجب تصویب هیئت وزراء عظام مبلغ ده هزار ریال برای خرج سفر آقایان فریب و انشار نمایندگان مجلس شورای ملی که حسب الامر برای شرکت در جشن هزار ساله فردوسی عام یاد کوبه شده بودند تعیین شده و نظر فوریت امر وزارت مالیه از اداره مباشرت مجلس شورای ملی تقاضا نمود که وجه مذکور را با آقایان تادیه نمایند تا وزارت مالیه تنخواه انرا حواله صادر و یاداره مزبوره کارسازی دارد.

نظر باینکه تصویب نامه پرداخت وجه مذکور هنوز بوزارت مالیه ابلاغ نکرده راداره مباشرت مجلس شورای ملی هم عوض وجه پرداختی خود را مطالبه مینماید. استدعی است مقرر فرمائید تصویب نامه ان از محل اعتبار مخان مرتبه و غیر مرتبه دولت مطابقت مسوده ضمیمه صادر و ابلاغ گردد.

انوارت وزیر مالیه

(Handwritten signature)



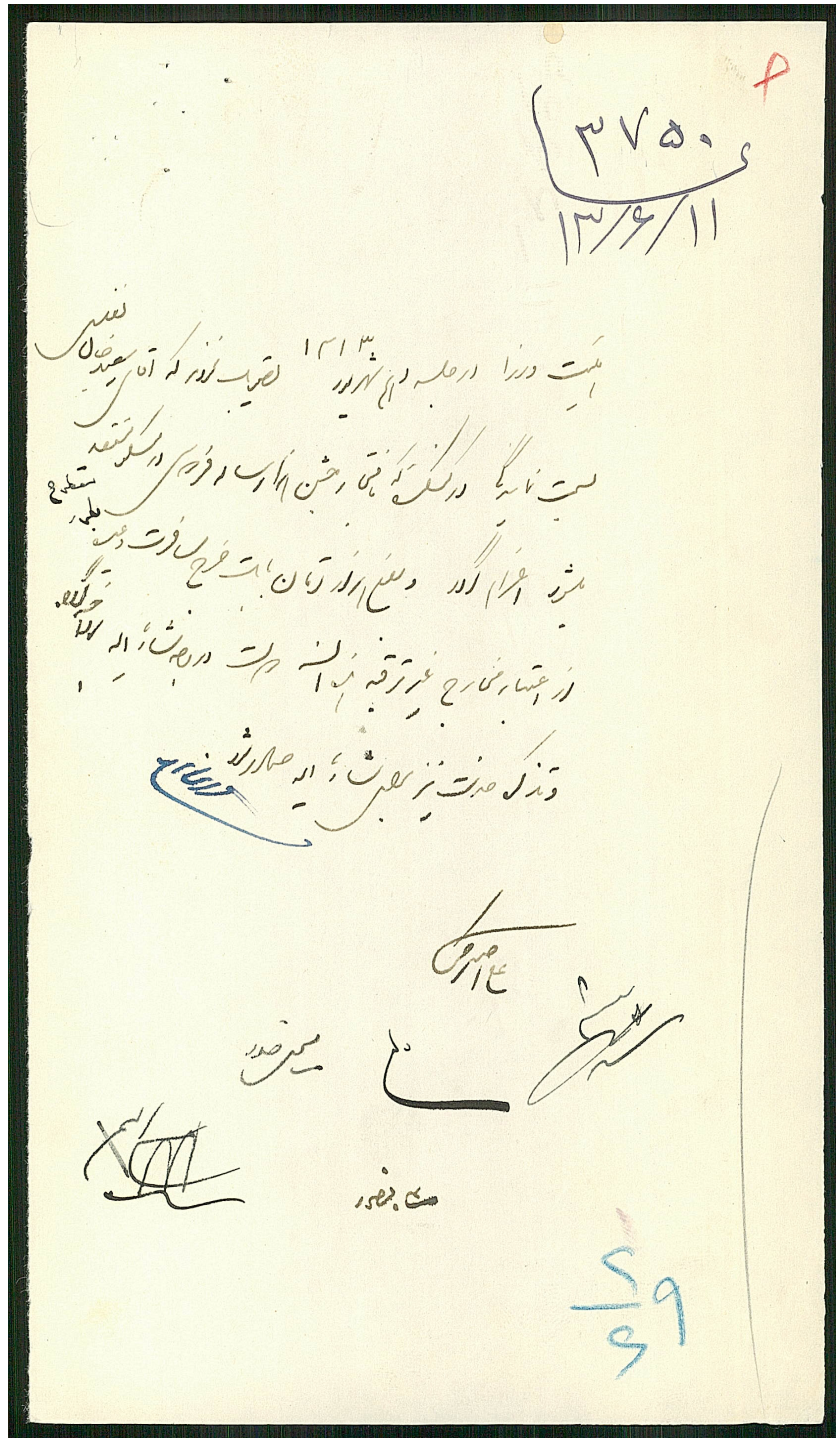
(Handwritten notes and signatures)
 ۱۳۱۱/۸/۱۶

X

(Handwritten notes and signatures)
 ۱۳۱۱/۸/۱۶

سند ۲





سند ۳



ل- ۱۵

بتاریخ ماه سنه ۱۳۱

نمره ضمیمه



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آهاره کل انطباعات

دائره

سفارت شاهنشاهی ایران در رم

بیاد اش خدماتی که ۱۸ نفر از فضلا و دانشمندان کشور ایتالیا در اوان انعقاد جشنهای هزاره گوینده بزرگ ایران فردوسی در رم انجام داده اند اینک بصحابت این نامه احکام مدال و مدال فردوسی و کتاب خلاصه شاهنامه گرد آورده جناب آقای محمدعلی فروغی بشیخ ذیل :

- | | |
|---------|-------------------------------|
| ۱۸ طغری | ۱ - احکام مدال فردوسی |
| ۱۸ قطعه | ۲ - مدال فردوسی |
| ۱۸ مجلد | ۳ - خلاصه شاهنامه (دوره کامل) |

ایفاد میگردد خواهشمند است احکام و مدالها و مجلدات کتاب مزبور (بشرح صورت ضمیمه) بصاحبان آنها تسلیم و وصول آنها را نیز به وزارت معارف اعلام فرمایند ، موجب امتنان است .

وزیر معارف و اوقاف

سند ۴



فہرست فضلا و دانشمندان کشور ایتالیا کہ هنگام انعقاد جشنهای ہزارہ نوردیسی شرکت نمودہ و خدماتی انجام دادہ اند

و نوع تقدیری کہ از آنان بعمل آمدہ است

نمبر ترتیب	اسم ہ فارسی	اسم ہ فرانسیسی	شغل در ارباب جشنهای نوردیسی	حکم ہدال نوردیسی	مدال نوردیسی	خلاصہ شایانہ
۱	جناب آقای موسولینی	S. E. Monsieur Mussolini	رئیس دولت ایتالیا	۱	۱	۱
۲	جناب آقای سوئیچ	S. E. Suvitch	معاون وزارت خارجہ	۱	۱	۱
۳	جناب آقای ارکل	S. E. Brocole	وزیر معارف	۱	۱	۱
۴	آقای مارکی	S. E. Marconi	رئیس آگاہی سلطنتی	۱	۱	۱
۵	آقای فورسچی	S. E. Formichi	نایب رئیس آگاہی	۱	۱	۱
۶	آقای رکو	S. E. Rocco	رئیس دانشگاه	۱	۱	۱
۷	آقای پاولینی	S. E. Pavolini	رئیس انجمن آسیائی دانشگاه	۱	۱	۱
۸	آقای گیانینی	S. E. Giennini	عضو سنا	۱	۱	۱
۹	آقای ژان نیل	S. E. Gentile	عضو سنا	۱	۱	۱
۱۰	آقای نالینو	S. E. Nallino	مدیر مدرسہ شرقی از اونیورسیتہ سلطنتی	۱	۱	۱
۱۱	آقای ژوسپ نوچی	S. E. Giuseppe Tucci	پرفسور دانشگاه سلطنتی رم	۱	۱	۱
۱۲	آقای پرفسور بگینہ	Prof. Béguinot	مدیر موسسہ شرقی ناپل	۱	۱	۱
۱۳	آقای پرفسور بونی چی بونلی	Prof. Luigi Bonelli	عضو موسسہ شرقی ناپل	۱	۱	۱
۱۴	آقای میکیل آنژ لوگیدی	Prof. Michelangelo Guidi	عضو دانشگاه سلطنتی رم	۱	۱	۱
۱۵	آقای پرفسور آنتونیو نو بالگیارو	Prof. Antonino Pagliaro	عضو دانشگاه سلطنتی رم	۱	۱	۱
۱۶	آقای پرفسور ائور روسی	Prof. Ettore Rossi	از کارکنان دانشگاه رم	۱	۱	۱
۱۷	آقای فرانسیسکو گابریلی	Prof. Francesco Gabrielli	عضو دانشگاه سلطنتی رم	۱	۱	۱
۱۸	آقای ہاری الینی	Barbiellini Amidei		۱	۱	۱
				۱۸	۱۸	۱۸

سند ۶





The Reasons behind Bushehr's Maritime Trade with India (1927-1972)

GhulamHussain Nezami¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: In the early Pahlavi regime, the commercial activities of the foreign navy diminished in the region, whereas Bushehr's trade trips to India and the Indian Ocean region increased. Accordingly, the purpose is to investigate the reasons of such trips and their termination.

Method and Research Design: Archival records of National Archives of Iran and Bushehr's Chamber of Commerce, as well as Library resources were studied and analyzed using historical method in a descriptive and analytical way. In addition, some data collected with interviewing old captains.

Finding and conclusion: The business trips of Bushehr's residents were a lasting legacy to meet their livelihood needs of the region. Exports of dates and other goods to India, and Persian Gulf residents' need for special wood in local architecture and shipbuilding and other essential supplies were the main reasons of such trips. Eventually, these trips were terminated in the early 1970s due to the procedure change, economic developments of the Persian Gulf countries and trade with these countries.

Keywords: Maritime Trade; Bushehr; India; Persian Gulf.

Citation: Nezami, G. (2022). The Reasons behind Bushehr's Maritime Trade with India (1927-1972). *Ganjine-ye Asnad*, 32(4), 78-110 | doi: 10.30484/ganj.2022.2957

1. PhD in History and Researcher of Postdoctoral Course in History, University of Tehran, Tehran, Iran nezamih07@gmail.com
Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«128»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2957

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.4, Winter 2023 | pp: 78 - 110 (33) | Received: 12, Feb. 2022 | Accepted: 9, Apr. 2022

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیبیوی

مقاله پژوهشی

چرای و چگونگی تجارت دریایی مردم بوشهر با هندوستان (۱۳۰۵ - ۱۳۵۰ ش)

غلامحسین نظامی^۲

چکیده:

هدف: در اوایل حکومت پهلوی، فعالیت ناوگان دریایی خارجیان در منطقه فروکش کرد. در مقابل، تکاپوهای سفرهای تجاری مردم بوشهر به هندوستان و حوزه اقیانوس هند افزایش یافت. در این پژوهش علل، نتایج و چگونگی خاتمه یافتن این سفرها بررسی می‌شود.

روش/ رویکرد پژوهش: این پژوهش با روش تاریخی و شیوه توصیفی- تحلیلی و با کمک اسناد و مدارک آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، اسناد اتاق بازرگانی بوشهر، منابع کتابخانه‌ای و صاحبه نگارنده با ناخدایان قدیمی نوشته شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: سفرهای تجاری مردم بوشهر یک میراث کهن و ماندگار برای برآوردن معیشت و نیازهای منطقه بود. صادرات خرما و سایر کالاها به هند و نیاز مردم بوشهر و نواحی خلیج فارس به چوب‌های مخصوص در معماری محلی و کشتی‌سازی و لوازم دیگر، از علل اصلی این سفرها بود که با تغییر رویه معماری و تجارت، تحولات اقتصادی در کشورهای حوزه خلیج فارس و تجارت با کشورهای مذکور در آغاز دهه پنجاه خورشیدی، این سفرها پایان یافت.

کلیدواژه‌ها: تجارت دریایی، بوشهر، هندوستان، خلیج فارس.

استناد: نظامی، غلامحسین. (۱۴۰۱). چرای و چگونگی تجارت دریایی مردم بوشهر با هندوستان (۱۳۰۵ - ۱۳۵۰ ش). *گنجینه اسناد*، ۳۲ (۴)، ۷۸-۱۱۰. doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲.۲۹۵۷ | ۱۱۰-۷۸

۱. این مقاله برگرفته از پژوهش دوره پست دکتری تاریخ، در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران است که زیر نظر دکتر محمد باقر وثوقی انجام گرفته است.
۲. دکتری تاریخ و پژوهشگر دوره پست دکتری تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران
nezamih07@gmail.com



گنجینه اسناد

۱۲۸

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲.۲۹۵۷

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۱ | صص: ۷۸ - ۱۱۰ (۳۳)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۰

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

خلیج فارس به‌عنوان آبراهه‌ای متصل به دریاهای آزاد، و ویژگی ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، همواره در طول تاریخ اهمیت و اعتبار داشته‌است. کهن‌بندرها، پایگاه‌های تجاری و ایستگاه‌های تدارکاتی کشتی‌های تجاری بر کرانه‌های آن سابقه‌ای چند هزار ساله را بر دوش می‌کشند.

جریان مستمر تجارت بین اقوام ساکن در حوزه خلیج فارس و اقوام ماورای آن در هند، شرق آفریقا و حتی سواحل چین همواره در جریان بوده‌است (وایت هاوس، ۱۳۸۴، صص ۱۲-۱۴؛ قهرمانی مقبل، ۱۳۹۳، ص ۶۷). بررسی اولیه نشان می‌دهد که در سده اخیر و قبل از آن، مردم بوشهر، هرمزگان و کویت در دریانوردی خارج از حوزه خلیج فارس، سهم اصلی و عمده‌ای داشته‌اند. هرچند نقش مردم منطقه بوشهر و دلایل و چگونگی سفرهایشان، در برخی از اسناد و آمارها به‌صورت مختصر و جسته‌وگریخته آمده‌است، ولی جزئیات آن به‌خوبی روشن نبود. در روایت سفرها، تنها به اسامی ملیبار (مالابار) و زنگبار اشاره شده‌است؛ بنابراین واکاوی این موضوع به‌عنوان بخش مهمی از تاریخ منطقه و کشور ضروری بود.

در بررسی اولیه، نوعی پیوستگی و مشابهت موضوع بین بوشهر، دیگر بندرهای ایرانی و کویت به‌چشم می‌خورد؛ بنابراین با اصل قراردادن دریانوردی بوشهر حوزه‌های دیگر هم مطالعه شد.

۲. پیشینه پژوهش:

به‌جز گزارش‌های خارجی، قدیمی‌ترین منبع فارسی در زمینه پژوهش حاضر اثر محمدحسین سعادت (۱۳۹۰) به‌نام «تاریخ بوشهر» به سفرهای کشتی‌های بادبانی و کالاهای حمل‌شده به‌طور مختصر پرداخته‌است. اسماعیل رابین هم در «دریانوردی ایرانیان» (ج ۱) (۱۳۵۰ش) در این‌باره روایتی کلی دارد. «بندر کنگ: شهر دریانوردان و کشتی‌سازان» از حسین نوربخش (۱۳۷۴)، و «بادبان‌های جنوب» (۱۳۹۱) از علی پارسا اطلاعاتی درباره دریانوردی و کشتی‌سازی بندر کنگ و خلیج فارس به‌دست می‌دهند. در سال‌های اخیر، کتاب «بندر کنگ شاهراه تجاری خلیج فارس در گذر تاریخ» (۱۳۹۴) از محمد حسن‌نیا، فصلی را به موضوع دریانوردی اختصاص داده‌است. بازم از همین نویسنده و ایوب زارعی در سال ۱۳۹۹ کتاب «میراث ماندگار دریانوردان و لنج‌سازان» چاپ شده‌است که درباره پیشینه لنج‌سازی و دریانوردی است. عمده مطالب کتاب مذکور مصاحبه با ناخداهای قدیمی (در قید حیات در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸) است و از لحاظ



پیشینه موضوع مقاله حاضر، کاری ارزشمند به‌شمار می‌آید. منابع یادشده به مسائل کلی زندگی در بندرها پرداخته‌اند و به کشتی‌سازی و تجارت دریایی اشاراتی کوتاه داشته‌اند. در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، کامل‌ترین پژوهش، مجموعه‌ای هفت‌جلدی با عنوان «الروزنامجات البحرية الكويتية» است که دکتر یعقوب یوسف الحجی (۲۰۰۴ب) در کویت گردآوری کرده‌است و خاطرات روزانه سیزده ناخدای مشهور آن کشور در سفر به هند، یمن و شرق آفریقا را دربر دارد. این مجموعه را مرکز تحقیقاتی «مرکز البحوث و دراسات الكويتی» در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴م چاپ کرده‌است و حاوی نقشه شهرهای ساحلی با جزئیات و ابزار دریانوردی است. همچنین باید به اثر دیگری از همین نویسنده (۲۰۰۴الف) به نام «تواخذة السفر الشراعی فی الكويت» اشاره کرد. این کتاب در ۶۲۳ صفحه مشتمل بر زندگی‌نامه شش نفر از ناخدایان قدیمی (فوت‌شده) کویت و مصاحبه با شصت‌وهشت ناخدای سفر به هند و آفریقا است که نویسنده کتاب (یعقوب یوسف الحجی) آن را از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۴م به‌صورت فرهنگ ناخدایان کویتی جمع‌آوری کرده و در سه نوبت در سال‌های ۱۹۹۱، ۱۹۹۳ و ۲۰۰۴م چاپ شده‌است.

پژوهش حاضر از نظر مشابهت با منابع مذکور، تنها تاحدی با کتاب «میراث ماندگار» قابل مقایسه است. باین حال در روال و ریشه‌یابی تاریخی مستند و مقایسه‌ای موضوع، با منابع مذکور متفاوت است. هم‌چنین منابع یادشده همگی درباره بندر کنگ در ایران، و کویت -که در دریانوردی سابقه‌ای طولانی دارند- انجام شده‌اند و در حوزه منطقه بوشهر، پژوهشی در این زمینه انجام نشده بود؛ بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند به ادامه تحقیقات بعدی در این زمینه یاری رساند.

درواقع هدف اصلی پژوهش حاضر دست‌یافتن به قدمت، چرایی، و چگونگی سفرهای تجاری مردم منطقه بوشهر به هند و نقش آن‌ها در اقتصاد محلی در کنار تجارت دریایی رسمی دولتی و قدرت‌های خارجی است.

در این رابطه، همواره پرسش‌هایی مطرح است که:

این سفرهای دورودراز و مشکل و پرمخاطره (بیش از پنج هزار مایل دریایی) به جنوب هند، و در برخی مواقع در ادامه به شکل سفر تجاری دوری به جنوب آفریقا، و یا دریای سرخ به چه منظور و چگونه صورت می‌گرفته‌است؟

در این سفرها از چه کشتی‌هایی استفاده می‌شده‌است؟

دانش دریانوردی دریانوردان -که عمدتاً سواد مدرسه‌ای نداشته‌اند- چه منشئی داشته‌است؟

نتایج این سفرها و علت قطع شدن آن‌ها در چند دهه اخیر چه بوده‌است؟



در این پژوهش که با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده از مجموعه اسناد آرشیو ملی ایران، و اسناد اتاق بازرگانی بوشهر و مصاحبه‌های تاریخ شفاهی (نگارنده) در استان بوشهر به عنوان حوزه اصلی پژوهش و هرمزگان (برای مقایسه با آن)، و تعدادی از کتاب‌های چاپ شده به زبان عربی در کویت^۱، و نیز منابع کتابی دیگر استفاده شده است.

۳. شکوفایی تجارت دریایی بوشهر در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و نقش ناوگان

مردم بومی

شکوفایی اقتصادی بوشهر که از دوره زند شروع شده بود، در دوره قاجار ادامه یافت. هرچند اختلاف ضابطان آل مذکور در بوشهر با والیان فارس به ویژه بر سر پرداخت مالیات (مظفری زاده، ۱۳۹۵، ص ۲۹۴) تاحدی روی جریان این تجارت تأثیر داشت، با این حال با رفت و آمد منظم کشتی‌های تجاری از هند به بوشهر، این شهر در دوره قاجار، به عنوان بندر اصلی در جنوب ایران مطرح شد. سالانه حدود بیست کشتی تجاری از بنگال و بمبئی، هم‌چنین کشتی‌های تجاری از بصره^۲ و سایر بندرهای خلیج فارس به بوشهر می‌آمدند (لاخ، ۱۳۶۹، صص ۱۹۲-۱۹۳).

در سال ۱۸۰۰م/۱۲۱۴ق، هفتاد و هشت درصد تجارت ایران و در سال ۱۸۲۰م/۱۲۳۵ق پنجاه درصد واردات از بوشهر بود. در دهه ۱۸۲۰-۱۸۳۰، تجارت بوشهر حدود دوسوم تجارت بین ایران و هند بود (فلور، ۱۳۹۸، ص ۲۴۴). در بوشهر ۱۰۵ شناور با ظرفیت ۵۱۲۰ تن در کار تجارت با هند، دریای سرخ و آفریقا بودند. سایر بندرهای ایران ۸۰ قایق با گنجایش ۲۷۴۰ تن داشتند (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۲۵۱). کشتی‌های انگلیسی در نیمه اول قرن نوزدهم، تجارت این بندر را ویژه خود ساخته بودند و به زودی بوشهر به عنوان اصلی ترین بندر در جنوب ایران مطرح شد (فلاندن، ۱۳۵۶، صص ۳۳۷-۳۳۸). در نیمه اول قرن نوزدهم، بوشهر و بندرهای خلیج فارس با سواحل مالابار، کوچی و کاتیاور در جنوب غربی هند، و زنگبار و سواحل آفریقا مرادۀ بازرگانی داشتند (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۳۸).

سقوط آل مذکور از حکومت بوشهر (۱۲۶۶ق)، و تصمیم دولت مرکزی برای نظارت مستقیم بر بندرها و جزایر خلیج فارس، در سال ۱۳۰۵ق به استقرار حکمرانی بنادر و جزایر خلیج فارس از بندر دیلم در شمال در مرز خوزستان تا جاسک در ساحل عمان با مرکزیت بوشهر منجر شد (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۷، صص ۱۷۱-۱۹۰). این اقدام باعث ایجاد امنیت و نظارت بیشتر دولت بر مناطق ساحلی خلیج فارس شد و همراه با برخی تحولات جهانی، جریان تجارت با اروپا را از راه‌های شمالی (عثمانی، قفقاز، ترکستان) به آب‌های جنوبی کشاند و بستری مناسب برای رشد و تبدیل بوشهر به بندری مهم در تجارت بین‌المللی را فراهم ساخت. موقعیت جدید باعث تمایل اروپایی‌ها برای افتتاح

۱. کتب مذکور را نویسنده کتاب در بازدیدی که از مرکز تحقیقات تاریخی کویت در سال ۲۰۰۵م داشتهم به حقیر (نگارنده مقاله) اهدا کرد.

۲. بعد از قرارداد ارزوم دوم ایران با عثمانی (۱۲۴۳ق) بصره رونق تجاری خود را به نفع بوشهر از دست داد (نظامی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۰).



کنسول‌گری و دفتر شرکت‌های تجاری از سال ۱۲۷۸ق/۱۸۶۲م در بوشهر شد (فلور، ۱۳۹۸، ص ۲۲۷). با افزایش جمعیت، فعالیت تجار بومی و مهاجر هم بیشتر شد. این تحولات باعث شد که علاوه بر انگلستان (که از ۱۲۲۶ق نمایندگی سیاسی مقیم^۱ در بوشهر داشت)، نه^۲ کشور دیگر نیز، در فاصله سال‌های اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در این بندر، کنسول‌گری و نایب‌کنسول‌گری ایجاد کنند. در نیمه دوم قرن نوزدهم با تحولات شهری و اقتصادی، استقرار جامعه تجار و امکانات لازم شهری و بازرگانی در بوشهر، این شهر به ترانزیتی در تجارت بین‌الملل تبدیل شد. با وجود میدان‌داری انگلستان در تجارت دریایی بین هندوستان و بوشهر، کشتی‌های بادبانی مردم منطقه موسوم به بوم^۳ و بغله^۴ (با بیش از ۳۰۰ تن ظرفیت) هم با بندرهای هند، یمن و آفریقا تجارت داشتند. هم‌چنین کشتی‌هایی با ظرفیت کمتر در ترانشیپ^۵ و توزیع کالاهای رسیده به بندرهای خوزستان، بندرهای شمال بوشهر (بندر گناوه، بندر ریگ، بندر دیلم و ...) و تا عسلویه در جنوب، در حال فعالیت بودند. در نیمه دوم قرن نوزدهم بوشهر به‌عنوان پایانه اصلی تجارت بین‌المللی، با مناطق داخلی کشور ارتباط وسیعی داشت و از نظر توزیع کالا، تقریباً نیمی از جنوب کشور از خوزستان تا اصفهان و یزد را با سواحل خلیج فارس و دریای عمان پوشش می‌داد (برت، ۱۳۷۷، صص ۱۵۱-۱۷۵).

۴. نقش ناوگان تجاری بومی بوشهر در تجارت بین‌المللی با هند

روند شکوفایی اقتصادی دریایی بوشهر که در نیمه دوم قرن نوزدهم شروع شده بود، در اوایل قرن بیستم ادامه یافت. لرد کرزن در آستانه ورود به بوشهر در سال ۱۳۲۱ق/۱۹۰۳م از بوشهر به‌عنوان مهم‌ترین بندر جنوبی ایران، بزرگ‌ترین مرکز تجارت در خلیج فارس و منطقه حضور نیروهای اروپایی درگیر باهم برای به‌دست‌آوردن قدرت سیاسی و تجاری در خلیج فارس، یاد می‌کند^۶ (پارکر، ۱۳۹۴، صص ۳۸-۳۹). تا اوایل جنگ جهانی اول، انگلستان در تجارت خلیج فارس قدرت پیشتاز محسوب می‌شد و بیشترین حجم مبادلات بازرگانی کالا متعلق به هندوستان بود. ارتباط تجاری بوشهر و بندرهای غربی هند، به‌ویژه بمبئی بسیار گسترده بود. بوشهری‌ها در بمبئی کارهای مربوط به صدور کالا به خلیج فارس و بوشهر را انجام می‌دادند. تعداد دیگری از تجار از شیراز، کازرون و لار نیز در بمبئی به کار تجارت مشغول بودند (حسینی شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

در این زمان، ناوگان حمل‌ونقل دریایی بوشهر، با اتکا بر تجربه قدیمی، به‌عنوان نیروی بومی و همپای ناوگان قدرت‌های دیگر، برای تجارت در سفرهای دورودراز توانایی لازم را داشت. این ناوگان شامل حدود پنجاه سمبوک^۷، بوم و ماشوه^۸ بزرگ (سی

1. Residency

۲. روسیه، فرانسه، عثمانی، آلمان، هلند،

بلژیک، سوئد، آمریکا، ایتالیا.

۳. Boom نوعی کشتی بزرگ حمل بار در

سفرهای اقیانوسی

۴. Bagaleh نوعی کشتی بزرگ حمل بار در

سفر هند و شرق آفریقا که اقیانوس پیما بود

۵. انتقال کالای رسیده از یک کشتی به کشتی

دیگر، به‌قصد توزیع در سایر بندرها.

۶. استیو. تی. پارکر، در سال‌های ۱۹۰۳ و

۱۹۰۴م مشاور اقتصادی کنسول انگلیس

در بوشهر بوده و در سفر مشهور کرزن به

بوشهر، همراه او بوده و کرزن به‌شخصه این

سخن را به او گفته‌است.

۷. Sambuk: نوعی کشتی متوسط حمل بار

۸. Mashweh: نوعی قایق



تا چهل تنی در ترانشیپ کالا در بندرهای خلیج فارس)، چهار بغله پنجاه تا شصت تنی و حدود بیست کشتی بزرگ‌تر بود که با زنگبار، کراچی، و بمبئی تجارت داشتند (لوریمر، ۱۳۹۴، ص ۵۸)؛ برخی کشتی‌ها ۱۵۰ تا ۳۰۰ خروار ظرفیت داشتند (جمال‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۶۳). در توفان شدید سال ۱۳۲۱ ق/۱۹۰۳ م که به غرق‌شدن بیست‌وهفت کشتی ایرانی، انگلیسی، فرانسوی و ... در آب‌های بوشهر منجر شد، بیست کشتی متعلق به بازرگانان بوشهر بود (دابیژا، ۱۳۹۴، ص ۴۱). به هر صورت، هند اصلی‌ترین و نزدیک‌ترین منطقه آباد و بازاری پر مصرف در تجارت دوسویه، برای صادرات کالاهای ایرانی به‌ویژه خرما، قالی، داروهای گیاهی و خشکبار از بوشهر و واردات محصولات مثل چای، شکر، ادویه و چوب به بوشهر بود. علاوه بر حمل کالا، ظاهراً کشتی‌های باری تجار محلی، مسافر نیز بین بندرهای ایران و مسقط و هندوستان حمل می‌کرده‌اند (نیک‌پور، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰).

در جدیدترین کتاب فلور (۱۳۹۹ش) در جداول سنواتی واردات و صادرات کالا با انواع کشتی‌های بخار و بادبانی در فاصله سال‌های ۱۸۷۳-۱۹۱۸ م/۱۲۸۹-۱۳۳۶ ق در واردات کالا از میان کشورهای بریتانیا، هند، عثمانی، بحرین و سواحل عربی خلیج فارس، جاوه، مسقط، و چین، بیشترین حجم ورود کالا از هندوستان بوده است.

کشتی‌هایی وارده به بوشهر در همین دوره (که کالا ترخیص کرده‌اند)، در مجموع ۴۸۰۹ کشتی بخار (عمدتاً اروپایی) و ۱۱٬۶۹۴ کشتی بادبانی بوده‌اند که ۱۳۷۷ کشتی بادبانی متعلق به ایران و مابقی کشتی‌ها (هم بادبانی و هم بخار) متعلق به عثمانی، مناطق عربی حوزه خلیج فارس و تجار بمبئی بوده است. بیشترین تعداد کشتی‌های بادبانی ایرانی مربوط به سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ با ۴۵۵ فروند بوده است؛ هم‌چنین بیشترین ارتباط دریایی کشتی‌های بادبانی بوشهری با هند بوده است (فلور، ۱۳۹۹، ج ۲، صص ۷۳۴-۷۳۹). یکی از صادرات عمده به هند خرما بود. سعادت نقل می‌کند که در سال ۱۳۳۴ قمری ۲۶٬۰۰۰ بل^۱ (کیسه بافته شده از برگ درخت خرما با ظرفیت چهل کیلو) خرما ی قصب (زاهدی) از منطقه دشتی و دشتستان برای صدور به بمبئی، به بوشهر آورده شد (سعادت، ۱۳۹۰، ص ۲۶۳). آمارهای مذکور، مبین قدمت، نیاز و ارتباط دوطرفه تجاری بوشهر و هند، و سهم دریانوردان بومی در این تجارت بوده است.

این تجارت برمبنای تجربه قدیمی مستمری استوار بود و دریانوردان محلی بوشهر، نسل‌اندنسل، سفرهای تجاری به هند و آفریقا را پیشه خود ساخته بودند و در این کار خبره بودند. رایین در سال ۱۳۵۰ با یکی از ناخداهای کهن سال بوشهری ملاقات کرده است که پدر و جدش ناخدای کشتی‌های اقیانوس‌پیمای سفر به هند و شرق آفریقا بوده‌اند (رایین، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۴۳۵).

I. Ball



دیگر این که وقتی ناو پرسپولیس و بعداً ناو مظفری (در اواخر دوره ناصری) با هدف ایجاد نظم و امنیت و مبارزه با قاچاق خریداری شد، ناخدا ابراهیم دریایی^۱ اهل بوشهر که از جوانی به سفر هند و زنگبار رفته بود، به ناخدایی کشتی رسید و چند ناخدای خبره محلی هم به سمت دستیارش به کار گرفته شدند. او پانزده سال فرمانده ناو پرسپولیس بود و بعد نیز چهار ناخدای بوشهری به فرماندهی ناو پرسپولیس رسیدند که هیچ یک دوره تخصصی ناوبری ندیده بودند و بر مبنای تجربه خود در دریانوردی دریاهای دور، به این موقعیت رسیده بودند. فرمانده ناو مظفری هم، ناخدا عباس دریانورد^۲ از بوشهر بود که سالها مسافرت به هند و سواحل آفریقا، به همراه پدر را در کارنامه خود داشت و با زبانهای انگلیسی، عربی و هندی آشنا بود (رایین، ۱۳۵۶، ج ۲، صص ۷۵۶-۷۵۷؛ مشایخی، ۱۳۹۲، صص ۷۲-۷۴). با توجه به گزارشهای ذکر شده، نقش ناوگان تجاری مردم بومی در تجارت بین‌المللی ماورای حوزه خلیج فارس، نکته مهمی است که در پژوهش‌های تاریخ تجارت معاصر کمتر ملاحظه شده است.

۵. زوال تجارت دریایی قدرت‌های خارجی و رونق تجارت دریایی مردم بومی بوشهر با هند (۱۳۰۴ ش)

همان گونه که پیشتر گفته شد ناوگان تجاری مردم بومی در کنار ناوگان صنعتی قدرت‌های تجاری خارجی، در مبادلات بازرگانی و تجارت بین‌المللی نقشی مؤثر و انکارنشدنی ایفا می‌کرد. با وجود ورود کشتی‌های بخار به عرصه حمل و نقل بازرگانی در (۱۲۷۶ ق) باز هم از نقش کشتی‌های بومی و جهازات بادبانی کاسته نشد و در جریان جنگ جهانی اول بیشترین حمل بار بر دوش این کشتی‌ها بود.

تا قبل از جنگ جهانی اول، کمپانی‌های کشورهای اروپایی با استقرار در منطقه خلیج فارس، حوزه اقیانوس هند و تسلط بر منابع اقتصادی و مبادلات بازرگانی و با ایجاد نمایندگی‌های تجاری و شرکت‌های تجاری انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و روسی در بوشهر، بصره، کویت و عمان و سایر مناطق این حوزه، حجم عظیمی از مبادلات بازرگانی را به خود اختصاص داده بودند. این تسلط، منافع عظیمی را به دنبال داشت؛ بنابراین هر عاملی باعث خلل در این جریان می‌شد با مقاومت سخت آن‌ها روبه‌رو می‌شد. کشورهای مذکور ضمن رقابت با همدیگر، سعی داشتند با عقد پیمان‌های گوناگون سیاسی و تجاری، انحصار تجارت در منطقه‌ای خاص و یا کل حوزه مذکور را به دست بگیرند؛ در این میان انگلستان با حضور قدرتمندتر، دست بالا را در این رقابت‌ها داشت. بعد از جنگ جهانی اول، با پدیداری ضعف در برخی از قدرت‌ها به‌ویژه در حوزه خلیج فارس، ابتکار عمل

۱. پدربزرگ دکتر تورج دریایی استاد تاریخ دانشگاه کالیفرنیا.
۲. پدربزرگ دکتر گل‌ناز سعیدی دکتری تاریخ و استاد دانشگاه پیام نور.

در حوزه تجارت بین‌الملل تا اندازه‌ای به دست مردم بومی منطقه افتاد. بدین ترتیب، ارتباط تجاری ناوگان بومی مردم بوشهر و سایر بندرهای خلیج فارس با حوزه سواحل غربی هند و شرق آفریقا جان تازه‌ای گرفت که زمینه‌ها و دلایل آن در ادامه ذکر می‌شود.

دوره حکومت پهلوی اول، دوره افت اقتصادی بندر بوشهر و مشکلات روبه‌تزايد برای مردم این منطقه بود. توجه بیشتر به بندر خرمشهر باعث شد که اکثر کشتی‌های تجاری بزرگ برای تخلیه کالا راهی خرمشهر شوند. قانون انحصار کالاهای اصلی صادراتی و وارداتی در دست دولت، افزایش مالیات و حقوق گمرکی، به همراه خشک‌سالی سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۲ش اتفاقات ناگواری را در زندگی مردم منطقه جنوب رقم زد.

افول اقتصادی در منطقه بوشهر، باعث مهاجرت مردم روستایی به شهرها و هم‌چنین مهاجرت برخی تجار و بازرگانان و دیگر اقشار مردم از روستاها به کشورهای حوزه خلیج فارس شد (ترور، ۱۳۹۵، صص ۱۶-۱۷). از سوی دیگر بوشهر در اواخر دوره قاجار مرکز ده کنسول‌گری، نایب‌کنسول‌گری، و بانک شاهی در سال ۱۳۰۷ق (خیراندیش و تبریزنیا، ۱۳۹۰، صص ۱۴۵-۱۵۱) و نمایندگی‌های شرکت‌های اروپایی، روسی، و هندی و خطوط کشتیرانی اروپایی و روسی بود. با وضعیت نابه‌سامان پیش آمده، کنسول‌گری‌ها، نمایندگی شرکت‌ها و خطوط کشتیرانی یکی پس از دیگری تعطیل شدند. این جریان که از جنگ جهانی اول شروع شده بود تا سال ۱۳۱۶ش ادامه پیدا کرد و تنها استثنا انگلستان بود که تا هفده سال بعد از این تاریخ هم کنسول‌گری خود را در بوشهر حفظ کرد (فلور، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۶۷).

در این میان با کاهش زائدالوصف فعالیت‌های حمل و نقل قدرت‌های خارجی، ناوگان جهازات بادبانی بومی تجارت حوزه منطقه خلیج فارس به هند و آفریقا را به عهده گرفتند. یکی از دلایل سفرهای کشتی‌های بادبانی به هند در این زمان تأمین مایحتاج مردم از جمله گندم، برنج، شکر، چای، ادویه‌جات و ... بود که سخت دچار تنگی معیشت شده بودند. تعداد زیادی از کشتی‌های بادبانی در بوشهر و بندرهای ساحلی تنگستان تا عسلویه، گناوه و دیلم، ناوگان دریایی محلی منطقه بوشهر را تشکیل می‌دادند که در گردش دوری منظمی در حوزه خلیج فارس تا اقیانوس هند تجارت می‌کردند. عمده بار صادر شده به هند و کشورهای دیگر خرمای جنوب ایران و عراق بود. این شیوه در بندرهای هرمزگان هم باب بود. سندی در آرشیو ملی مربوط به سال ۱۳۱۱ش از مکاتبات حاج محمد اوزی برای صدور خرما به عمان و هند حکایت می‌کند (ساکما، ۱۸۷/۲۴۰۰۸۰، صص ۱ و ۷).

با این حال گاهی موانعی عمده در جریان تجارت خرما رخ می‌داد که باعث ضرر و زیان و یا کندی آن می‌شد؛ مانند گزارش پیشکار مالیه خوزستان، درباره خرید خرما از آنجا، توسط دلانان کلیمی عراقی برای صدور به اروپا، حوزه خلیج فارس، هند، یمن و



شرق آفریقا در سال ۱۳۱۴ش و در عوض واردات چوب ساج^۱ از هندوستان و چندل^۲ (تیر چوبی سقف) از آفریقا و سایر کالاهای موردنیاز که مایه ضرر باغداران و سود کلیمیان عراقی شده بود (ساکما، ۲۴۰۰۶۰۱۷، صص ۵، ۶، ۷). در ضمن کشتی‌های بوشهری مشتریان خرمای خوزستان هم بودند. روند صادرات خرما در سال‌های ۱۳۰۹-۱۳۱۴ش کاهش یافت که علت آن را می‌توان در قحطی نواحی جنوب در این سنوات و اختصاص خرمای منطقه برای غذای مردم جست‌وجو کرد (ساکما، ۲۴۰۰۶۰۱۷، ص ۵).

به‌هرحال سفر کشتی‌های بادبانی بومی حامل خرما به هند به‌طور مستمر ادامه داشت. کالاهای وارده بسته به نوع نیاز ساکنان جنوب و کشورهای حوزه خلیج فارس، بیشتر چوب ساج از هندوستان و چندل (تیر چوبی سقف) از شرق آفریقا بود. از سال ۱۸۵۰م تا ۱۲۲۶ق چندل برای تیر سقف خانه‌ها به منطقه خلیج فارس و عربستان صادر می‌شد (Mkumbukwa, 2014, pp 76-78). هندوستان بازار بزرگ واردات خرمای جنوب و دیگر کالاهای ایران و صادرکننده ثابت چای، ادویه، برنج و چوب و انتقال‌دهنده کالاهای تجاری مشرق‌زمین نظیر اندونزی، چین و ژاپن بود؛ بنابراین، بین بوشهر و هندوستان، نوعی تعامل دوسویه اقتصادی وجود داشت. این رویه در طول دوره حکومت پهلوی اول برقرار بود. سندی از اتاق بازرگانی بوشهر در سال ۱۳۱۹ش گویای صادرات ۷۶۶۰ نگله^۳ خرمای قصب (زاهدی) به هند توسط تاجری بوشهری به نام غلام‌علی دشتی است (پریدار، ۱۳۹۳، صص ۸۳-۸۴).

در آمار سال بعد، ۵۰۰ هزار کیلو خرما از بوشهر به عمان صادر شد و ۳۵۰۰ نگله (نگله) کالا شامل: چای، زاج، چوب ساج و ادویه‌جات از هند وارد شد (پریدار، ۱۳۹۳، صص ۱۰۲-۱۰۴). در گزارشی از اتاق بازرگانی بوشهر از تاریخ ۱۳۲۰/۱/۲۱ به صدور ۱۶۸۶ نگله خرمای قصب از بوشهر به بمبئی توسط تاجری بوشهری به نام حبیب توکل، اشاره شده‌است. هم‌چنین در گزارش شهریورماه سال ۱۳۲۰ش اتاق بازرگانی بوشهر به صدور پنج هزار نگله خرمای قصب به هندوستان اشاره شده‌است. برای صادرات منسجم و قاعده‌مند خرما در سال ۱۳۲۰ش از منطقه بوشهر، دوازده شرکت صادراتی خرما در دشتستان دخیل بودند که ده شرکت به‌طور اختصاصی خرما صادر می‌کردند و دو شرکت دیگر نیز خرما یکی از اقلام صادراتی‌شان بود. سایر کالاهای صادراتی از بوشهر به هندوستان، شامل: چوب شیرین، گیاهان دارویی، پوست انار، پوست گردو، بلوط و تنباکو بود (پریدار، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۱۴۱-۱۸۲). هرچند پیش از سال‌های قحطی، منطقه بوشهر صادرکننده گندم به هند بود، ولی به‌دلیل خشک‌سالی سال‌های ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ش دولت برای ورود ۱۵۰۰ تن گندم از هندوستان مجوز صادر کرد (پریدار، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۸۹).

۱. TECTONA GRANDIS: درختی در نواحی جنوب غرب هند که چوبی بسیار محکم و بادوام دارد.
۲. Chandal (MANGROVE): چوبی بسیار محکم و بادوام برای سقف خانه
۳. نگله (نقله): در بیان محلی به‌معنای مجموعه یا بسته کالای تجاری در کشتی است.



در این حال به خاطر کمبود علوفه و جلوگیری از تلف شدن دامها، هیئت وزیران در تصویب نامه شماره ۱۷۷۰ مورخ ۱۳۲۰/۱۱/۲۸ ش برای صدور خرما، سبزیجات و میوه به جز خرمای خوزستان به هند در مقابل آزادی واردات جو و علیق از هند به بوشهر اجازه داد (پریدار، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۰۹). در موردی در سال ۱۳۲۳ نیز، برای ورود بذر گندم از هندوستان به بوشهر و سایر بندرها مجوز صادر شد (ساکما، ۱۹۵۰، صص ۳-۱۱). با کنشدن حرکت کشتی های بخار در این سالها، فعالیت کشتی های بادبانی در بوشهر و دیگر بندرهای ایرانی خلیج فارس تشدید شد و تا سال ۱۳۲۲ ش نیز وضع به همین منوال بود. کشتی های بادبانی با افزایش فعالیت خود، به همراه صادرات خرما، پنبه و بطری های خالی وارد می کردند و غلات، داروهای عطاری، حبوبات و گل محمدی صادر می کردند (فلور، ۱۳۹۸، ج ۱، صص ۳۱۸-۳۱۹).

سال ۱۳۲۶ ش نبود مجوز برای صادرات خرمای خشک زاهدی بوشهر به هندوستان - به دلیل مصوبه ممنوعیت آن در سال ۱۳۲۵ ش از سوی دولت - به مسئله ای مهم تبدیل شد که ادامه آن، باعث تخریب و تباهی صدها تن خرمای مذکور می شد. هر ساله تعدادی از بازرگانان منطقه بوشهر، بیش از ۱۵۰۰ تن خرمای قصب (زاهدی) منطقه را می خریدند و با کشتی های بادبانی به هندوستان، یمن و آفریقا صادر می کردند؛ بنابراین ممنوعیت صدور این محصول، باعث ضرر و زیان به تعداد زیادی از باغداران و بازرگانان می شد. با این پیشامد کشتی های بادبانی منطقه برای خرید خرما و صدور به هند راهی بصره می شدند. طبق اسناد موجود، تلاش های گسترده ای از سوی فرمانداری بوشهر، تجار صادرکننده خرما و استانداری فارس برای رفع این ممنوعیت انجام شده است (ساکما، ۲۹۳۰۰۶۳۲۰، صص ۲، ۷، ۹، ۱۰، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۴).

از طرفی برخی تجار خرما در بوشهر با مکاتبه با فرمانداری بوشهر اعلام کردند که مقداری خرمای قصب برای صدور به هندوستان خریداری شده اند و مجوز صدور را تقاضا کردند؛ مانند حاج رضا هفته در نامه شماره ۷۲۶ مورخ ۱۳۲۶/۶/۱۶ با اعلام ۵۰۰ تن (ساکما، ۲۹۳۰۰۶۳۲۰، ص ۱۲)، اسماعیل زارعی در نامه شماره ۱۸۳، ۵۰۰ تن (ساکما، ۲۹۳۰۰۶۳۲۰، ص ۱۳)، و محمدعلی دوانی در نامه شماره ۳۱۰/۱۳۰۵ مورخ ۱۳۲۶/۶/۱۷، ۲۰۰ تن خرما (ساکما، ۲۹۳۰۰۶۳۲۰، ص ۱۴). سرانجام رئیس گمرک بوشهر در نامه ای به شماره ۷۲۲۳ تاریخ ۱۳۲۶/۷/۵، هم چنین وزارت کشور در تلگراف شماره ۴۹۷۲ مورخ ۱۳۲۶/۷/۱۱، به استاندار هفتم، موافقت خود را با صدور خرمای قصب بوشهر به هندوستان اعلام کردند (ساکما، ۲۹۳۰۰۶۳۲۰، صص ۲۲، ۲۳). نکته دیگر این که صدور خرما، با رویه سنتی در سبدهایی از برگ درخت خرما و حلبی های خالی مواد نفتی^۱ انجام می شد که

۱. حلبی های ۱۷ کیلویی حمل نفت که شسته می شد و برای صدور خرما استفاده می شد.



موردپسند مشتریان خارجی نبود. این موضوع باعث کاهش بازار خرماي بوشهر شده بود؛ بنابراین اتاق بازرگانی بوشهر، تلاش‌هایی را در این زمینه آغاز کرد.

در نامه‌ اتاق بازرگانی بوشهر به نخست‌وزیر در تاریخ ۱۳۳۱/۸/۱۷ ضمن اعلام وجود سه میلیون اصله نخل در منطقه که منبع خوبی برای صادرات است، به نحوه بسته‌بندی نامناسب و ناپسند برای بازارهای خارجی و لزوم ایجاد کارخانه و کارگاه‌های بسته‌بندی خرما در منطقه اشاره شده است (اتباب^۱، ۷۵۸، ۱۳۳۱/۸/۱۸). سفیر کبیر ایران در هندوستان هم در نامه‌ای سه صفحه‌ای به وزارت خارجه درباره افت صدور خرماي ایران به هندوستان (ناشی از نداشتن بسته‌بندی اصولی) و افزایش صدور خرماي عراق به این کشور توضیح داد (اتباب، ۲۵۲۹، ۱۳۳۵/۱۰/۱۵). در سال ۱۳۳۵ش نیز وزیرمختار ایران در جاکارتا، در نامه‌ای به وزارت خارجه درباره زمینه‌سازی برای صدور خرماي ایران به اندونزی، از صدور هفت هزار تن خرما برای ماه رمضان خبر داده است (اتباب، ۷۸۳، ۱۳۳۵/۱۰/۱۲). ولی همه این‌ها به بسته‌بندی اصولی خرماي صادراتی بستگی داشت؛ بنابراین تأکید مکرر بر لزوم تأسیس کارخانه بسته‌بندی خرما ادامه یافت ولی اجرایی نمی‌شد (اتباب، ۲۸۷۶۶، ۱۳۳۷/۱۲/۲؛ اتباب، ۸۶۹ و ۱۵۰۱، ۱۳۳۷/۱۲/۱۱).

از این‌رو از اوایل دهه سی، مبدأ بارگیری کشتی‌های بوشهری حمل خرما، بندر بصره شده بود؛ چنان‌که در بخش بعدی این مقاله در مصاحبه با دریانوردان منطقه مکرر این موضوع آمده است. سرکنسول ایران در بصره نیز در نامه‌ای در سال ۱۳۴۲ش اقدامات بازاریابی، بسته‌بندی و تأسیس مرکز پژوهشی خرما در عراق را منعکس کرد (اتباب، ۱۵۵، ۱۳۴۳/۱/۲۲). رونوشت این نامه برای اظهارنظر به اتاق بازرگانی بوشهر ارسال شد. در پاسخ آن بر لزوم ایجاد کارخانه بسته‌بندی خرما و کارخانه تبدیل شیرۀ خرما به قند اشاره شد (اتباب، ۱۳۹، ۱۳۴۳/۲/۲۳). ولی پیشنهادها عملی نشد و بصره کماکان، مبدأ بارگیری خرماي کشتی‌های بوشهری بود که بالطبع باعث ضرر و زیان باغداران منطقه بوشهر می‌شد.

۴. چگونگی تجارت دریایی با هندوستان

بیشتر مطالب این بخش بر مبنای تاریخ شفاهی و مصاحبه با دریانوردان کهن سال محلی منطقه بوشهر و کنگ، برای اطلاع از کیفیت تجارت دریایی با هندوستان و جزئیات سفرها قرار دارد. این سفرها که از سده‌های پیش شروع شده بود تا دهه پنجاه خورشیدی ادامه یافت. هرچند چگونگی تجارت کشتی‌های بادبانی، به‌طور خلاصه در منابع کتابی مناطق دیگر ذکر شده است، ولی در منطقه بوشهر، اطلاعات کافی وجود نداشت؛ بنابراین ضمن شناسایی بیست دریانورد کهن سال منطقه بوشهر و هشت نفر در بندر کنگ در

۱. واژه اتباب را به‌اختصار برای «اتاق بازرگانی بوشهر» به‌کار برده‌ام؛ مثل ساکما. این مجموعه هنوز فهرست‌نویسی نشده است (نگارنده).
۲. نامه ۸۶۹ به وزارت کشور و نامه ۱۵۰۱ به وزارت بازرگانی ارسال شده است



هرمزگان^۱ (برای مقایسه)، جزئیات این سفرها جمع‌آوری شد. در سفرهای دریایی، برخی مواقع ناخدایان روزانه گزارش سفر را در دفاتر مخصوص ثبت می‌کردند. قدیمی‌ترین مدرک از شیوه مذکور در بوشهر مربوط به ناخدا عباس دریانورد در سال ۱۳۱۹ق است. در این سفرنامه به ساعت، روز، سال، مکان‌های مسیر مسافرت به هند و آفریقا قید شده است (مشایخی، ۱۳۹۵، صص ۲۵-۳۱). مشابه آن مجموعه‌ای هفت‌جلدی در کویت به نام «الروزنامجات البحرية الكويتية» است که در آن خاطرات روزانه ناخدایان آن کشور در سفر به هند و آفریقا، به‌همین شیوه آمده است (الحجی، ۲۰۰۴ب). به‌هر حال، اطلاعات به‌دست آمده از چگونگی سفرهای دریایی، به‌شرح زیر دسته‌بندی شده است:

۷. نوع کشتی‌ها

سفرها معمولاً با کشتی‌های موسوم به «بوم» و «بغله» انجام می‌شد. مردم کنگ در قدیم با بغله به هندوستان، عدن، شرق آفریقا، بصره و بربره سومالی سفر می‌کردند. ایمنی بغله از سایر کشتی‌ها بیشتر بود (نوربخش، ۱۳۷۴، صص ۵۵-۵۶). در سال ۱۳۵۸ تعداد ۲۰ فروند کشتی با ظرفیت ۱۰۰ تا ۳۰۰ تن در کنگ وجود داشت که به سفر هند و آفریقا می‌رفتند (نوربخش، ۱۳۷۴، ص ۸۲). عقیده برخی بر این است که بغله شبیه اولین کشتی‌های پرتغالی است. آلن ویلیز (در عربی فیلرز) که در اواخر دهه سی میلادی با کشتی فتح‌الخیر کویتی از این کشور به یمن و شرق آفریقا رفته است نقل می‌کند که در ساحل بندر کنگان استان بوشهر، بغله بادبانی زیبایی را دیده است که در طراز کشتی‌های پرتغالی بوده است (فیلرز، ۱۹۸۲، ص ۶۵). بغله از اولین کشتی‌هایی بود که در کویت برای سفرهای طولانی و دور به کار رفت و ظرفیت آن حداکثر ۴۰۰ تن بود. بوم هم نوع دیگری از کشتی‌های مرسوم بود که نوع متوسط آن برای صید مروارید و بزرگ آن برای سفرهای تجاری به هند و آفریقا استفاده می‌شد (الرومی، ۲۰۰۵، صص ۱۵-۱۶). گویا نخستین بوم‌ها در کویت ساخته شد و بعدها ساختن آن در بوشهر، بندر کنگ و جزیره قشم نیز باب شد (حسن‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۲۱۴).

صنعت کشتی‌سازی در بندر کنگ - که سابقه آن به دوره نادرشاه افشار می‌رسد - هنوز هم در این بندر فعال است و لنج‌هایی با ظرفیت ۵۰۰، ۷۵۰ و ۱۵۰۰ تن در آن ساخته می‌شود (حسن‌نیا و زارعی، ۱۳۹۹، صص ۵۳-۵۹). این کشتی‌های عظیم، را مردمان بومی از چوب سخت و مقاوم ساج که منشأ آن هندوستان بود می‌ساختند و بدنه آن را با روغن کوسه و مواد دیگر از فرسایش آب‌های شور و آسیب‌های دیگر مصون می‌کردند (رستمی، «مصاحبه»، ۱۳۹۳/۱۲/۱۴؛ درویشی، «مصاحبه»، ۱۳۹۴/۹/۲۶؛ لایق‌خواه، «مصاحبه»، ۱۳۹۱/۱۲/۴).

۱. این مصاحبه‌ها توسط نگارنده از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ ادامه یافت. متأسفانه تعداد زیادی از این دریانوردان مصاحبه‌شده، در سال‌های اخیر در اثر کرونا و یا کوهلوت سن درگذشته‌اند.



به‌طورکلی تعداد کارکنان کشتی‌ها در کنگ و دیگر بندرهای جنوب، بیست‌وپنج نیرو شامل: دو ناخدا (خشکی و دریا)، سرملوان، یک یا دو راهنمای دریایی (زبان)، چهار سکانی، دو نفر نجار، آشپز، کمک‌آشپز و تعدادی ملوان بود (نوریخس، ۱۳۶۹، ص ۳۸۳)؛ البته این موضوع همیشه بدین روال نبود. برخی از کشتی‌ها، راهنمای دریایی (زبان) نمی‌گرفتند و ناخدا خود به مسیرهای دریایی وارد بود و یا به‌جای دو ناخدای دریا و خشکی یک ناخدا داشتند که تمام امور را انجام می‌داد. با این وصف مردم بوشهر و بندرهای ایرانی خلیج فارس، هم کشتی‌ساز و هم دریانورد بودند.

۸. زمان و مسیر سفر به هند

تا اوایل دههٔ چهل خورشیدی مسافرت‌ها با کشتی‌های بادبانی انجام می‌شد. بعدازآن کشتی‌ها موتورساز شدند؛ ولی بادبان خود را هم حفظ کردند و گاهی از آن استفاده می‌کردند. سفر با کشتی بادبانی به زمان وزش بادهای محلی و سمت‌وسوی جغرافیایی بادهای بستگی داشت. ناخدایان و ملوانان، تقویم وزش این بادهای محلی را می‌دانستند. این بادهای هرکدام نام مخصوصی داشتند؛ مثل باد: لیک‌دب^۱، تویبه^۲، لیمرا^۳ (لهیمر)، قوس^۴، ضربه‌العجوز و... که روز و ماه وزش آن‌ها برای مردم محلی معلوم بود (کنین، ۱۳۹۳، صص ۶۰-۴۱). دربرابر تقویم معمولی مردم ایران که نوروز آن از یکم فروردین شروع می‌شود، دریانوردان تقویمی دریایی داشتند که نوروز آن (شروع آن) نهم مرداد بود و به نوروز دریا شهرت داشت. پیشینهٔ دقیق این تقویم معلوم نیست، ولی یک‌صد و سی سال پیش، سدیدالسلطنه به آن اشاره کرده‌است: «نوروز عرب یا نوروز دریا که ناخدایان به حساب آن بادبان کشیده و مسافرت می‌کنند، همان نوروز قدیم و نوروز عامه است... مطابق برج اسد و ماه آگوست فرنگی، به‌موجب تجارب ناخدایان در ایام، تغییرات در هوا پیدا شود» (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱، صص ۳۵-۳۶). نوروز دریا نهم مرداد بود و روزهای بعدازآن برحسب بادهای موسمی تقسیم می‌شد.

در مصاحبه با ناخدایان مشخص شد که معمولاً کشتی‌های عازم هند، از اواخر مرداد و بعدازآن از سواحل ایران و کویت عازم بندرگاه صادراتی بصره (اعشار) می‌شدند و پس از بارگیری خرما، همگام با آغاز بادهای موسمی شمال غرب [که به باد شمال موسوم است] به‌سوی تنگهٔ هرمز و سواحل غربی هند رهسپار می‌شدند. بعدازآن با تخلیهٔ بار و بارگیری مجدد، با وزش باد موسمی قوس (از جنوب به شمال در زمستان) به‌سوی بندرهای ایران و یا دیگر بندرهای حوزهٔ خلیج فارس حرکت می‌کردند. طول زمان مسافرت، به‌ویژه با کشتی‌های بادبانی، بیش از پنج ماه بود (زارعی، «مصاحبه»، ۱۳۹۱/۱۱/۲۶)؛ برخی بین ۲ تا

1. Lakehzeb
2. Toveybeh
3. Leymer
4. qous



۶ ماه هم ذکر کرده‌اند (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۴۱۵). سفرهای تجاری همیشه به آسانی و بی‌خطر انجام نمی‌شد. دریانوردان نقل می‌کنند که تعدادی از همشهریان آن‌ها در دریا غرق شده‌اند که هرگز از آن‌ها خبری نشده‌است؛ مانند عبدالرضا زاهدی از بوشهر که ناخدای کشتی‌ای کویتی بود. او و ملوانانش در حوالی ساحل یمن غرق و ناپدید شدند (عموی، عباس، «مصاحبه»، ۱۴۰۰/۱۰/۲۵)؛ برخی نیز بعد از مدت‌ها سرگردانی بر روی دریا، با شنا خود را نجات داده‌اند (باشی، «مصاحبه»، ۱۳۹۳/۱۲/۱۴). در مصاحبه‌ای نادر با تنها بازماندهٔ لنج موسوم به «بوم مسی» در بندر کنگ او نقل می‌کند که در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در هنگامهٔ جنگ جهانی دوم، سه کشتی همسنگار^۱ (همراه باهم، معمولاً کشتی‌ها برای مقابله با خطرات به این شیوه سفر می‌کردند) از هند به قصد آفریقا حرکت می‌کردیم. در میانهٔ راه مورد حمله زیردریایی‌های ژاپنی [به گمان کمک به انگلستان] قرار گرفتیم که در دقایق اول، تعداد زیادی کشته شدند و کشتی‌ها غرق شد و از ۶۶ نفر کارکنان کشتی‌ها ۲۹ نفر زنده ماندند که با استفاده از چند قایق نجات کشتی که مانده بود، بعد از شانزده روز، تشنه و گرسنه، با دو نفر تلفات، درحالی‌که رمقی در بدن نداشتیم، به ساحل سومالی رسیدیم. بعداً انگلیسی‌ها ما را به یمن فرستادند و پس از پنج ماه توقف در عدن، سرانجام با کشتی‌های کنگی به شهر خود برگشتیم؛ درحالی‌که حدود یک سال از سفر ما گذشته بود (غلام‌پور، «مصاحبه»، ۱۳۹۷/۲/۸).

۹. مسیرهای دریانوردی

معمولاً مبدأ مسیر کشتی‌های عازم هند بندر بصره بود. در بصره، بندر یا بندرهای ادامهٔ مسیر تعیین می‌شد. کشتی‌های ایرانی با ناخدایان و ملوانان بومی سواحل ایران، پس از بارگیری خرما و حرکت از بصره، چند روزی در مجاورت بندر محل سکونت خود لنگر می‌انداختند تا آذوقهٔ خریداری شده برای چند ماه را به خانواده‌های خود برسانند [در دههٔ بیست و سی خورشیدی گاهی سفرهای دریایی بیش از پنج ماه طول می‌کشید]. سپس با برداشتن آب کافی و دیگر مایحتاج عازم مقصد می‌شدند (صابری، «مصاحبه»، ۱۳۹۱/۱۱/۲۶). در مواقع خطر توفان و بادهای سهمگین، کشتی‌ها معمولاً از مجاورت ساحل حرکت می‌کردند. گزارشی از سفر کشتی‌ای کویتی به نام فتح‌الکریم - که عیسی عبدالله العثمان ناخدای آن بود - در حال عبور از سواحل ایران در ناحیهٔ استان بوشهر، در برگشت از کالیکوت به کویت وجود دارد (الحجی، ۲۰۰۴، ص ۳۵).

کشتی‌ها در مسیر طولانی خود، تنها در صورت ضرورت نیاز به آب، تعمیر کشتی و یا وقوع توفان، به‌طور موقت در سواحل و یا جزایر لنگر می‌انداختند. اگر مقصد آن‌ها

۱. کشتی‌هایی که باهم حرکت می‌کنند.



کالیکوت در منتهی‌الیه جنوب غرب هند بود، راهی بندر مسقط در عمان می‌شدند سپس با توقی محدود، از رأس‌الحد در جنوب مسقط، راهی بندر کالیکوت در مالابار (در گویش محلی ملیوار)^۱ می‌شدند. مدت‌زمان این سفر، معمولاً ۱۵ تا ۲۰ روز بود. عمده کشتی‌ها از کالیکوت، چوب ساج، بند کمال (طناب‌های بافته‌شده از پوست نارگیل برای کشتی)، روغن بدنه کشتی و در مواردی لنج چوبی ساخته‌شده [طبق سفارش] می‌آوردند و گاهی برای آماده‌شدن چوب یک تا دو ماه می‌ماندند (زارعی، «مصاحبه»، ۱۳۹۱/۱۱/۲۶؛ عربی، «مصاحبه»، ۱۳۹۷/۲/۸). در این صورت روزها در کشتی کار می‌کردند و شب‌ها در خوابگاه‌های^۲ طرف تجاری خود در شهر بیتوته می‌کردند. در برگشت معمولاً از همان مسیر، یعنی از کالیکوت به مسقط برمی‌گشتند. این بندر یکی از توقفگاه‌های موقت بین راه بود که معمولاً کشتی‌های اعزام جنوب غربی هند، یمن و آفریقا در آن توقف می‌کردند و با خریدی مختصر برای منزل، راهی حوزه خلیج فارس می‌شدند (غلامی منفرد، «مصاحبه»، ۱۳۹۷/۲/۷). بعد از آن طبق سفارش، بار خود را در بندرهای ایران، کویت، امارات، قطر یا بحرین تخلیه می‌کردند و پس از مدتی استراحت باز به این سفرها ادامه می‌دادند. گاهی مقصد بار کشتی‌های بوشهری، برای کراچی و در جنوب آن، خور بندر، بندر کچ مندویی و بمبئی بود. در این صورت، بدون رفتن به مسقط، پس از عبور از تنگه هرمز، به‌طور مستقیم با دریانوردی در حاشیه ساحلی ایران، خود را به مقصد می‌رساندند و بعد از آن راهی بندرهای جنوبی هند می‌شدند. در آن‌جا ممکن بود باری برای سواحل شرقی آفریقا پیدا شود که معمولاً کاپریل^۳ بود که از بندر منگروور هند بارگیری می‌شد. سپس عمدتاً با گرفتن راهنمای دریایی، در مسیری از میان اقیانوس به سمت جنوب غرب، راهی کنیا و جزیره زنگبار و سواحل تانزانیا می‌شدند. چنان‌که بار کاپریل برای آفریقا نبود، برای بارگیری چوب ساج، راهی کالیکوت در منطقه ساحلی مالابار می‌شدند (زارعی، «مصاحبه»، ۱۳۹۱/۱۱/۲۶؛ باشی، «مصاحبه»، ۱۳۹۳/۱۲/۱۴؛ غلامی منفرد، «مصاحبه»، ۱۳۹۷/۱۲/۷).

هنگامی که از بندر منگروور هند، کاپریل برای بندرهای لامو و ممباسا در کنیا حمل می‌شد، در بازگشت با بارگیری چندل، همگام با باد موسمی قوس (جنوب) که در اقیانوس هند به باد سهیلی^۴ معروف است و در اواخر برج سنبله (شهریورماه) و حدوداً از بیست‌وپنجم آن ماه به بعد می‌وزد و ادامه می‌یابد (ریشهری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۶۲) از حاشیه سواحل شرق آفریقا، یمن و عمان، به بندرهای خلیج فارس رهسپار می‌شدند. همه این سفرها با برنامه‌ریزی منظم و همگام با بادهای موسمی انجام می‌شد. دریانوردان منطقه بوشهر، هرمزگان و کویت تابع این نظم بودند (صابری، «مصاحبه»، ۱۳۹۱/۱۱/۲۶؛ دریایی، «مصاحبه»، ۱۳۹۷/۲/۷).

۱. سواحل منطقه عمومی بندرهای جنوب غربی هند، از کالیکوت تا نزدیک گواه، به مالابار یا به قول دریانوردان محلی به ملیوار معروف بود.
۲. Buokar: در زبان هندی بخار نامیده می‌شدند.
۳. Kaprail: سفال پشت‌بام
۴. Sohayli



۱۰. ابزار دریانوردی

دریانوردی در جنوب ایران براساس تجربه گذشتگان، استفاده از علائم طبیعی (ساحل و جزیره‌ها)، ستارگان، کتب راهنمای دریایی میراث دوره ساسانی به نام رهنامگ، رهنامه (انتقال به عربی، رهنامج و رحمانی^۱)، نقشه‌های دریایی (در زبان محلی «نالیه»^۲)، قطب‌نما به‌زبان محلی «دیره»^۳، و کمال (سکستان: وسیله راهیابی دریایی) انجام می‌شد (صفری، «غلام‌رضا»، «مصاحبه»، ۱۳۹۴/۹/۲۶). دو کتابی که دریانوردان در سده اخیر از آن استفاده می‌کردند، یکی کتاب معروف «المختصر الخاص للمسافر والطوَّاش^۴ و الغواص» از عیسی عبدالوهاب قطامی (۱۲۸۷-۱۳۴۸ق)، و دیگری «الفوائد فی أصول علم البحر والقواعد» از ابن ماجد بود که در سال ۱۹۲۴م در بغداد چاپ شده‌است (الحجی، ۲۰۰۴الف، «نواخذة السفر...»، ص ۴۲؛ فهیمی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۱). در ایران نیز کتابی در همین موضوع به نام «دلیل الاسفار للتوَّاشد و البحار فی میاه الخلیج الفارسی» تالیف احمد النصارى، به‌زبان عربی چاپ شده‌است. علاوه‌براین کتب راهنما، باید راهنماهای محلی، ربان یا «معلم» را نیز اضافه کرد که در مسیر بندرهای غرب هندوستان تا شرق آفریقا و در سده‌های گذشته برای ورود به بصره و حوزه شمالی خلیج فارس، (معمولاً از جزیره خارگ) به‌کار گرفته می‌شدند. برخی دریانوردان تصریح کرده‌اند که چون ناخدا، مسیرهای دریایی را می‌دانست، ما ربان یا راهنما نمی‌گرفتیم (دریایی، «مصاحبه»، ۱۳۹۷/۲/۷). در مصاحبه با دریانوردان قدیمی مشخص شد که اغلب آن‌ها دریانوردی را از سن ده تا پانزده‌سالگی، حتی در سفر به هند و آفریقا شروع کرده‌اند. در این سنین به آن‌ها ولید گفته می‌شد و کارهای پادویی را برای ناخدا انجام می‌دادند (ذاکری، «مصاحبه»، ۱۳۹۴/۹/۲۶؛ عامرنژاد، «مصاحبه»، ۱۳۹۴/۹/۲۶؛ رستمی، «مصاحبه»، ۱۳۹۳/۱۲/۱۴؛ بخشی، «مصاحبه»، ۱۳۹۱/۱۱/۲۶). در این صورت با کار روی دریا تا پنجاه‌سالگی و بعدازآن، صاحب تجربه کافی در مسیریابی دریایی می‌شدند. یکی از دریانوردان منطقه بوشهر که باسواد بود و کمی انگلیسی می‌دانست، با استفاده از نقشه‌های انگلیسی، در سفرهای خود از هند به آفریقا، هرگز از راهنمای هندی استفاده نمی‌کرد و تنها ناخدایی بود که با کشتی‌های معمولی به سری‌لانکا، بندر کپ‌تاون و بندر عقبه اردن در دریای سرخ مسافرت کرده بود (زیارتی، «مصاحبه»، ۱۳۹۴/۱۲/۱۴). معمولاً کار بر روی دریا در تابستان‌های گرم، و زمستان‌های سرد و در باد و باران، با سختی و مشقت همراه بوده‌است؛ ازاین‌رو در زمان کار گروهی، برای هماهنگ‌ساختن نیروی ملوانان، آواهایی با نام نِیمه^۵ - که همان موسیقی کار است - خوانده می‌شد. این کار که باعث نشاط ملوانان و بهره‌وری بیشتر می‌شد، انواع و اقسامی داشت (بلادی، ۱۳۹۹، صص ۱۶۳-۱۶۴).

۱. در سال ۲۰۰۴ کتابی به‌همین نام و مشخصات (الغرافی، یوسف‌بن‌ناصر. (۲۰۰۴). رحمانی. (حسن صالح شهاب، محقق و شارح). الكويت: مرکز البحوث و الدراسات الكويتیه) منتشر شد که مروری بر رهنامه‌هاست.

2. Naleyeh

3. Dayreh

۴. طوَّاش: معامله‌گر مروارید

5. NAYMEH: در بوشهر نیمه و در بندرهای حوزه استان هرمزگان نهمه خوانده می‌شود



«ملوانان محلی برای انجام کارهای مختلف در دریا، همچون پاروزدن، برافراشتن و یا جمع کردن بادبان، کشیدن تور... از ریتم و موسیقی خاصی که با آن نیمه و یا نهمه می‌گویند استفاده می‌کرده‌اند» (بلادی، ۱۳۹۹، ص ۱۶۱). در کشتی‌های بندر کنگ نهمه‌خوان از کارکنان اصلی بود و همواره در سفرها در کشتی بود (بحری، «مصاحبه»، ۱۳۹۷/۲/۷؛ عربی، «مصاحبه»، ۱۳۹۷/۲/۸). «در قدیم یک نفر نهمه‌خوان در کشتی بود که در بوشهر به وی کبر [می‌گفتند] و اعراب به او نهم می‌گفتند» (بلادی، ۱۳۹۹، ص ۱۶۶). نهمه‌ها به زبان فارسی، عربی و مخلوطی از آن‌ها بود. یکی از دریانوردان کنگی نهمه‌های آفریقایی را نیز نیکو می‌خواند (قاسمی، «مصاحبه»، ۱۳۹۷/۲/۸).

۱۱. کالاهای تبدلی

از مجموع سخنان مصاحبه‌شوندگان می‌توان چنین گفت که معمولاً کشتی‌های عازم هند، با بارگیری خرما از بصره، برای هند (که مشتریان بسیاری داشت)، سفر خود را آغاز می‌کردند. اگر مقصد کشتی‌ها شمال غرب و غرب هند بود، آن‌ها عازم کراچی، گارباری، جمله‌گر، منگورو، بمبئی، هورکاپور، کچ مندویی و کاربار (نیومبئی) می‌شدند (عموی، «جابر»، «مصاحبه»، ۱۳۹۴/۱۲/۱۴). از دلایل بارگیری غالب کشتی‌های ایرانی حامل خرما از بصره به مقصد هند در دهه سی خورشیدی به بعد، ممنوعیت صدور خرما از ایران به دلیل نیاز داخلی غذای شهروندان ایرانی بود (آتاب، ۱۳۲، ۱۳۳۷/۲/۱۸).

در بندرهای میانی غرب هندوستان پس از تخلیه بار، به گفته ناخدایان محلی برای آوردن چوب ساج، راهی کالیکوت در جنوب غرب هند می‌شدند. چوب ساج در بوشهر و سایر بندرهای خلیج فارس، خواهان زیاد داشت. سدیدالسلطنه درباره بندرعباس یک‌صد و سی سال پیش گزارش می‌دهد که در آن شهر، سقف خانه‌ها از چندلی است که از آفریقا می‌آورند و درب خانه‌ها از چوب ساج هندی است که چوبش را از هند می‌آورند و در بوشهر می‌سازند (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱، ص ۲۳۹). ساج چوبی فوق‌العاده سخت است و در برابر سرما، گرما و از همه مهم‌تر رطوبت نواحی ساحلی، فوق‌العاده مقاوم است؛ به طوری که اکنون و پس از صد سال و یا بیشتر، در و پنجره، پلکان و کتیبه‌های قدیمی ساخته‌شده از ساج در معماری بافت قدیم بوشهر هنوز کاملاً سالم است. حتی با تخریب خانه‌های قدیمی، مشتریان با قیمت‌های گزاف، آن‌ها را می‌خرند و در خانه‌های امروزی تعبیه می‌کنند.

کشتی‌ها در صورت نبودن چوب ساج برای حوزه خلیج فارس، معمولاً از بندر منگورو، سفال پشت‌بام (کاپریل) به مقصد زنگبار، تانزانیا، سومالی یا کنیا بارگیری می‌کردند (صفری، «اسحاق»، «مصاحبه»، ۱۳۹۳/۱۲/۱۴؛ درویشی، «مصاحبه»، ۱۳۹۴/۹/۲۶). کشتی‌ها



پس از تخلیه بار کاپریل، تیرهای چوبی موسوم به چندل را که از جنگل‌های تانزانیا و کنیا تهیه می‌شد به مقصد بندرهای خلیج فارس بارگیری می‌کردند. واحد بار این تیرهای چوبی کروجه^۱ (به تعداد بیست عدد تیر) بود و هر کشتی معمولاً هشتاد تا سیصد کروجه چندل بارگیری می‌کرد. چندل چوبی بسیار محکم و مقاوم است که برای نگاهداشتن سقف خانه‌ها از آن استفاده می‌شد و معمولاً بیش از صد سال دوام دارد و هنوز هم در خانه‌های قدیمی بوشهر و دیگر شهرهای حوزه خلیج فارس که بیش از صد سال قدمت دارند بدون هیچ آسیبی وجود دارد. دو نوع چندل در شرق آفریقا وجود داشت. چندل آب شیرین منطقه سیمبارنگه تانزانیا که با تبر بریده می‌شد و ممتاز بود و چندل آب شور بندر لامو در کنیا که با اره بریده می‌شد و نوع درجه دوم محسوب می‌شد (صابری، «مصاحبه»، ۱۳۹۱/۱۱/۲۶؛ صفری، «مصاحبه»، ۱۳۹۱/۱۲/۴). واردات چندل، سابقه‌ای بیش از یک صد سال دارد؛ چنان‌که سعادت در سال ۱۳۳۴ق در این باره چنین گفته است: «چندل که در زبان عربی آن را صندل می‌نامند، نوعی چوب دراز و محکم است که برای ساختن سقف خانه‌ها از آن استفاده می‌شود. چندل از نواحی مردابی شرق آفریقا به دست می‌آید» (سعادت، ۱۳۹۰، صص ۲۳۳-۲۳۴). به هر حال پس از بارگیری، کشتی‌ها بار خود را در یکی از بندرهای ایران، کویت، قطر و بحرین پیاده می‌کردند (خلیلی، «خضر»، «مصاحبه»، ۱۳۹۳/۱۲/۱۴). کشتی‌های دریانوردان منطقه بوشهر، هرمزگان و کویت در تجارت دریایی خود تابع این شیوه بودند.

۱۲. تعاملات اجتماعی در تجارت بین‌الملل

دریانوردان بوشهری در مسافرت‌های دریایی با ملل مختلفی در حوزه خلیج فارس، اقیانوس هند و آفریقا روبه‌رو بوده‌اند. غالب دریانوردان مصاحبه‌شده از رفتار نیک مردم مناطق مذکور یاد می‌کنند. هم‌چنین نوعی اعتماد بین طرفین وجود داشته است؛ به طوری که مالکان برخی کشتی‌های کویتی، کشتی و مال‌التجاره خود را به دریانوردان بوشهری و کنگی می‌سپردند. مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که این اعتماد دوطرفه بود؛ ما امانت‌دار بودیم، آن‌ها هم در حساب و کتاب دقیق بودند و حقی تضییع نمی‌شد. مصاحبه‌شوندگان از خانواده‌های صقر، قطامی، بشاره و بعضی دیگر در کویت نام می‌برند (بحری، «محمدحسین»، «مصاحبه»، ۱۳۹۷/۲/۷؛ غلامیان «عبدالرسول»، «مصاحبه»، ۱۳۹۱/۱۱/۲۶؛ خلیلی «ابراهیم»، «مصاحبه»، ۱۳۹۱/۱۲/۴).

موضوع دیگر ازدواج دریانوردان بوشهری با زنان هندی بود. معمولاً دریانوردان برای آماده‌شدن چوب ساج گاهی تا چند ماه در کالیکوت می‌ماندند. روزها در کشتی کار می‌کردند و بعد از اتمام کار، دو نفر نگهبان در کشتی می‌گذاشتند و غروب به شهر می‌رفتند. بازارهای

1. Korojeh



کالیکوت شبانه بود و معمولاً تا حوالی صبح باز بود. آن‌ها هم در شهر آزاد بودند و منعی برای آمدورفت نداشتند (زارعی، «مصاحبه»، ۱۳۹۱/۱۱/۲۶؛ غلامیان «غلام»، «مصاحبه»، ۱۳۹۳/۱۱/۲۶)، برخی در این میان، همسر هندی اختیار می‌کردند. این ازدواج به شکل عقد قانونی انجام می‌شد. تهیه منزل به عهده پدر عروس بود و داماد باید مبلغ توافقی را می‌پرداخت. در مصاحبه‌های انجام شده، تعدادی از دریانوردان گفتند که همسر هندی داشته‌اند. برخی حتی دو یا سه همسر نیز اختیار کرده بودند؛ البته هم‌زمان نبوده است و حتماً می‌بایست همسر اول را طلاق داده باشند. برخی صاحب فرزند بودند که هنوز با آن‌ها تلفنی ارتباط دارند و مواردی هم فرزند برای دیدار پدر به منطقه بوشهر آمده است (لایق خواه و صفری، عبدالله، «مصاحبه»، ۱۳۹۱/۱۲/۴). البته در صورتی که دریانوردان قصد داشتند از سفر به هند بازنشسته شوند باید همسر هندی خود را طلاق می‌دادند.

نکته جالب توجه دیگر در بندر کنگ قدیم این بود که به دلیل مشکلات و خطرات سفرهای اقیانوسی به هند و آفریقا، کسانی که در این راه قدم گذاشته بودند، مردان دنیادیده محسوب می‌شدند که می‌توانستند بار زندگی را بر دوش بکشند. معمولاً در خواستگاری‌ها از دریانوردان پرسیده می‌شد که آیا سفر گپ (هند و آفریقا) رفته‌اند یا نه؟ و اگر رفته بودند، پذیرش آن‌ها به عنوان داماد راحت‌تر بود (بحری، علی، «مصاحبه»، ۱۳۹۷/۲/۷). کنگی‌ها سفر به هندوستان و آفریقا را سفر گپ و سفر به حوزه خلیج فارس را سفر کوچک می‌نامیدند.

۱۳. افول تجارت دریایی سنتی با هند

سفرهای دریایی یادشده که یادگاری از چند سده قبل بود، با کشتی‌های بادبانی و بعد کشتی موتوری تا دهه پنجاه خورشیدی رواج داشت و کم‌وبیش تا اواخر دهه شصت هم ادامه پیدا کرد. در این زمان به دلیل رونق تجارت در کشورهای امارات عربی، کویت، بحرین و قطر، ورود کشتی‌های عظیم اقیانوس پیما در صحنه تجارت بین‌المللی، جایگزینی تیر آهن به جای چنند آفریقایی (برای سقف خانه‌ها) و مرسوم شدن پنجره‌های آهنی و آلومینیومی، کاربرد چوب ساج هندی رو به افول نهاد و مشتریان خود را از دست داد. گران شدن سوخت کشتی نیز عاملی مهم در این زمینه بود (فروزان، «مصاحبه»، ۱۳۹۷/۲/۸). کاربرد دیگر چوب ساج در کشتی‌سازی بود که در چند دهه اخیر، لنج‌های چوبی، جای خود را به لنج‌هایی با بدنه فایبرگلاس دادند. به این مسائل ممنوعیت بریدن درختان ساج در هند و چنند در منگورور از سال ۱۹۸۲ م/۱۳۶۰ ش (Idha, 1998, pp 1-14) در شرق آفریقا را نیز باید اضافه کرد. نکته دیگر این‌که وقتی نسل دریانوردان قدیمی پا در سنین کهولت گذاشتند، نسل جدید تحصیل کرده دانشگاهی، بیشتر به مشاغل کارمندی و خدماتی روی آوردند و

راه پدران خویش را ادامه ندادند و نسل بعدی دریانوردان منطقه نیز، در حال حاضر عمدتاً با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به ویژه امارات متحده عربی ارتباط تجاری دارند؛ در نتیجه باب دریانوردی مردمی و غیردولتی با هند و آفریقا بسته شده است.

۱۴. نتیجه

جریان تجارت دریایی مردم بومی بوشهر و سایر ساکنان سواحل ایرانی خلیج فارس به ویژه با سواحل غربی هند و شرق آفریقا، طبق تجربه‌ای مستمر در سده‌های طولانی ادامه داشت. این جریان تجاری بر مبنای نیازی دوطرفه استوار بود. بازار بزرگ مصرف محصولات ایرانی در هند و کالاهای مورد نیاز ایران در نزدیک‌ترین سرزمین به کشور، توجیه‌گر این رابطه طولانی بود. هر چند انگلستان در قرن نوزدهم، میدان‌دار تجارت مستعمره خود (هندوستان) با ایران بود و همواره سعی می‌کرد از ورود رقیبان به این عرصه جلوگیری کند، با این حال طبق گزارش‌ها و اسناد اشاره شده در این پژوهش، همواره ناوگان مردم بومی نقش مهمی را در این تجارت بازی می‌کرد و سهمی قابل توجه را به خود اختصاص می‌داد. این جریان با تضعیف ناوگان صنعتی خارجی، تعطیلی نمایندگی‌های سیاسی و شرکت‌های خارجی بعد از جنگ جهانی اول، در بوشهر تشدید شد. چرایی و آمار ارتباط ناوگان تجاری محلی با هند در گذشته، از خلال منابع کتابی و اسناد بیان شد. با این حال نقطه کور این تجارت مردمی چگونگی و جزئیات آن بود که با مصاحبه به موقع با این دریانوردان تکمیل شد (متأسفانه شصت درصد این دریانوردان در سنوات اخیر درگذشتند). به هر حال تجارت دریایی ساکنان منطقه بوشهر و تعدادی از بندرهای ایرانی خلیج فارس با هند، با کشتی‌های بادبانی و بعد با کشتی‌های موتوری در قالب تقویم زمانی دریایی منطبق با بادهای موسمی به شکلی منظم و مستمر از حوزه خلیج فارس تا هند و گاهی تا آفریقا (در دنباله سفر به هند) تا دهه ۱۳۵۰ش ادامه پیدا کرد. آنگاه به سبب توسعه کشتی‌های عظیم اقیانوس پیما، بی‌نیازی به مصالح ساختمانی چوبی جنوب غرب هند و شرق آفریقا، گسترش تجارت در بندرهای عربی حوزه خلیج فارس، و روابط تجاری مردم بومی در همین حوزه محدود، رفت و آمد بومیان به سواحل غرب هند و شرق آفریقا متوقف شد.

پژوهش حاضر گامی کوچک در جهت روشنی‌بخشیدن به این بخش از تاریخ کشور است و زمانی کامل‌تر خواهد شد که تحقیقات میدانی مشابه، از سوی دیگر این تجارت یعنی هند و آفریقا آن را تکمیل کند.



منابع فارسی

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

۲۴۰۰۰۶۰۱۷۰۰۰۵؛ ۲۴۰۰۰۶۰۱۷۰۰۰۶؛ ۲۴۰۰۰۶۰۱۷۰۰۰۷؛ ۲۴۰۰۰۸۰۱۸۷۰۰۰۱؛ ۲۴۰۰۰۸۰۱۸۷۰۰۰۷؛ ۲۹۳۰۰۶۳۲۰۰۰۰۲؛ ۲۹۳۰۰۶۳۲۰۰۰۰۷؛ ۲۹۳۰۰۶۳۲۰۰۰۰۹؛ ۲۹۳۰۰۶۳۲۰۰۰۱۰؛ ۲۹۳۰۰۶۳۲۰۰۰۱۲؛ ۲۹۳۰۰۶۳۲۰۰۰۱۳؛ ۲۹۳۰۰۶۳۲۰۰۰۱۴؛ ۲۹۳۰۰۶۳۲۰۰۰۱۹؛ ۲۹۳۰۰۶۳۲۰۰۰۲۰؛ ۲۹۳۰۰۶۳۲۰۰۰۲۱؛ ۲۹۳۰۰۶۳۲۰۰۰۲۲؛ ۲۹۳۰۰۶۳۲۰۰۰۲۳؛ ۲۹۳۰۰۶۳۲۰۰۰۲۴.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان بوشهر (اتباب)

۱۳۲، ۱۳۳۷/۲/۱۸؛ ۱۳۹، ۱۳۴۳/۲/۲۳؛ ۱۵۵، ۱۳۴۳/۲/۲۲؛ ۷۵۸، ۱۳۳۱/۸/۱۸؛ ۷۸۳، ۱۳۳۵/۱۰/۱۲؛ ۸۶۹، ۱۳۳۷/۱۲/۱۱؛ ۱۵۰۱، ۱۳۳۷/۱۲/۱۱؛ ۲۵۲۹، ۱۳۳۵/۱۰/۱۵؛ ۲۸۷۶۶، ۱۳۳۷/۱۲/۲.

کتاب

بلادی، محمدرضا. (۱۳۹۹). *موسیقی بوشهر و ریشه‌های آن در گذر تاریخ و تعاملات فرهنگی*. تهران: آرون.

پارسا، علی. (۱۳۹۱). *بادبان‌های جنوب: دریانوردی بادبانی در خلیج فارس و اقیانوس هند*. تهران: فرهنگ نشر نو.

پارکر، استیو. تی. (۱۳۹۴). *یادداشت‌های استیو تی پارکر*. (افشین پرتو، مترجم). قم: صحیفه خرد.

پریدار، مجتبی. (۱۳۹۳). *اسنادی از اتاق بازرگانی بوشهر*. (ج ۱). تهران: آبادبوم.

تور، ا. پ. (۱۳۹۵). *گزارش سالانه بالیوز انگلیس در بوشهر و پس کرانه*. (حسن زنگنه، مترجم). قم: صحیفه خرد.

جمال‌زاده، سیدمحمدعلی. (۱۳۷۶). *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران*. تهران: بنیاد افشار.

حسن‌نیا، محمد. (۱۳۹۴). *بندر کنگ شاهراه تجاری خلیج فارس در گذر تاریخ*. کرج: جنوب.

حسن‌نیا، محمد؛ زارعی، ایوب. (۱۳۹۹). *میراث ماندگار دریانوردان و لنج‌سازان*. تهران: جنوب.

حسینی شیرازی، میرزاحمود. (۱۳۹۰). *سفرنامه میرزاحمود شیرازی به بمبئی*. (مصطفی ندیم، مصحح). شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

دایژا، استانیسلاو. (۱۳۹۴). *گزارش‌های استانیسلاو دایژا کنسول روسیه در ایران*. (افشین پرتو، مترجم). قم: صحیفه خرد.

رایین، اسماعیل. (۱۳۵۰). *دریانوردی ایرانیان، جلد ۱: از دوران‌های افسانه‌ای تا ظهور اسلام*. (ج ۲). تهران: جاویدان.



- رایین، اسماعیل. (۱۳۵۶). *دریانوردی ایرانیان، جلد ۲: از عصر استعمار تا امروز*. (چ ۲). تهران: جاویدان.
- ریشهری، عبدالحسین. (۱۳۸۲). *سنگستان* جلد ۱. شیراز: نوید شیراز.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی. (۱۳۷۱). *سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش*. (حاشیه‌نویس و تعلیقه‌نویس، احمد اقتداری). تهران: جهان معاصر.
- سعادت، محمدحسین. (۱۳۹۰). *تاریخ بوشهر*. (مصححان و محققان، عبدالرسول خیراندیش و عمادالدین شیخ‌الحکمایی). تهران: میراث مکتوب.
- طاهری، رضا. (۱۳۸۸). *از مروارید تا نفت: تاریخ خلیج فارس (از بندر سیراف تا کنگان و عسلویه)*. شیراز: داستان‌سرا.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران*. (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گستره.
- فلاندن، اوژن. (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. (چ ۳). (حسین نورصادقی، مترجم). تهران: اشراقی.
- فلور، ویلم. (۱۳۹۸). *بوشهر (شهر، تجارت و جامعه ۱۷۹۷-۱۹۴۷)*. (چ ۱). (اسماعیل نبی‌پور، مترجم). بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی.
- فلور، ویلم. (۱۳۹۹). *بوشهر (شهر، تجارت و جامعه ۱۷۹۷-۱۹۴۷)*. (چ ۲). (اسماعیل نبی‌پور، مترجم). بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی.
- فهیمی دلمی، عبدالله. (۱۳۹۸). *راهنمای دریایی بانضمام المختصر الخاص للمسافر والطّوّاش و العوّاص*. (آرمین دخت امین، کوشش‌گر). قم: سرای کتاب.
- کنین، عبدالحسین. (۱۳۹۳). *بادهای محلی استان بوشهر*. قم: صحیفه خرد.
- لاخ، ارسکین. (۱۳۶۹). *سفرنامه دریایی لاخ*. (حسین ذوالقدر، مترجم؛ چارلز بلگریو، کوشش‌گر). تهران: آناهیتا.
- لوریمر، جان گوردن. (۱۳۹۴). *سواحل خلیج فارس*. (مترجم و کوشش‌گر، عبدالرسول خیراندیش). تهران: آبادبوم.
- مشایخی، عبدالکریم. (۱۳۹۲). *ناخدا عباس دریانورد*. قم: صحیفه خرد.
- مشایخی، عبدالکریم. (۱۳۹۵). *سفرنامه دریایی ناخدا عباس دریانورد*. قم: صحیفه خرد.
- مظفری‌زاده، علی‌رضا. (۱۳۹۵). *تاریخ خاندان آل‌مذکور*. تهران: بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر.
- نظامی، غلامحسین. (۱۳۸۳). *نقش بصره و بنادر کرانه‌های شمالی خلیج فارس در روابط ایران و عثمانی*. بوشهر: انتشارات بوشهر.
- نوریبخش، حسین. (۱۳۶۹). *جزیره قشم و خلیج فارس*. تهران: امیرکبیر.
- نوریبخش، حسین. (۱۳۷۴). *بندر کنگ: شهر دریانوردان و کشتی‌سازان*. (چ ۲). تهران: بی‌نا.
- نیک‌پور، مجید. (۱۳۸۶). *ملاحان خاک و سیاحان افلاک*. کرمان: بنیاد کرمان‌شناسی.
- وایت هاوز، دیوید. (۱۳۸۴). *کاوش‌های علمی باستان‌شناسی سیراف*. (غلام‌رضا معصومی، مترجم). بوشهر: شروع.



مقاله

خیراندیش، عبدالرسول؛ تبریزنیا، مجتبی. (۱۳۹۰). «بانک شاهی در بوشهر». چاپ شده در کتاب: پژوهش نامه خلیج فارس، دفتر اول و دوم، صص ۱۴۵-۱۵۱. تهران: خانه کتاب ایران.

عزیزی، حشمت‌الله و دیگران. (۱۳۹۷). «چگونگی شکل‌گیری حکمرانی بنادر و جزایر خلیج فارس به مرکزیت بوشهر در عصر ناصری». پژوهش نامه تاریخ‌های محلی، شماره ۱۳، صص ۱۷۱-۱۹۰.

مجموعه‌مقالات

برت، برادلی. (۱۳۷۷). «گذری به شهر دریاها». (گردآورنده و مترجم، حسن زنگنه). چاپ شده در کتاب: میرمهنا و شهر دریاها. صص ۱۵۱-۱۷۱ قم: مؤسسه فرهنگی همسایه.

مصاحبه

- باشی، غلام‌رضا. متولد ۱۳۳۲. بندر عامری. ۱۳۹۳/۱۲/۱۴.
- بحری، علی، متولد ۱۳۳۴. بندر کنگ. ۱۳۹۷/۲/۷.
- بحری، محمدحسین. متولد ۱۳۲۷. بندر کنگ. ۱۳۹۷/۲/۷.
- بخشی، عبدالرضا. ناخدا، متولد ۱۳۱۶. بندر رستمی. ۱۳۹۱/۱۱/۲۶.
- خلیلی، ابراهیم. ناخدا. متولد ۱۳۲۶. بندر بوالخیر. ۱۳۹۱/۱۲/۴.
- خلیلی، خضر، متولد ۱۳۲۶. بندر عامری. ۱۳۹۳/۱۲/۱۴.
- درویشی، عباس. ناخدا. متولد ۱۳۱۵. بندر خورشهاب. ۱۳۹۴/۹/۲۶.
- دریایی، عبدالله. متولد ۱۳۱۷. بندر کنگ. ۱۳۹۷/۲/۷.
- ذاکری، ادریس. ملوان، متولد ۱۳۳۲. بندر خورشهاب. ۱۳۹۴/۹/۲۶.
- رستمی، حسین. ناخدا. ۱۳۲۵. بندر رستمی. ۱۳۹۳/۱۲/۱۴.
- زارعی، خدر. ملوان. متولد ۱۳۱۰. بندر رستمی. ۱۳۹۱/۱۱/۲۶.
- زیارتی، سلطان. ناخدا. متولد ۱۳۳۴. بندر عامری. ۱۳۹۳/۱۲/۱۴.
- صابری، حسین. مکانیک کشتی. متولد ۱۳۱۵. بندر رستمی. ۱۳۹۱/۱۱/۲۶.
- صفری، اسحاق. ملوان. متولد ۱۳۱۰. بندر عامری. ۱۳۹۳/۱۲/۱۴.
- صفری، عبدالله. ناخدا. متولد ۱۳۱۰. بندر عامری. ۱۳۹۱/۱۲/۴.
- صفری، غلام‌رضا. ناخدا. متولد ۱۳۳۶. بندر عامری. ۱۳۹۴/۹/۲۶.
- عامر نژاد، جعفر. ناخدا. متولد ۱۳۱۸. بندر عامری. ۱۳۹۴/۹/۲۶.
- عربی، صالح. متولد ۱۳۱۱. بندر کنگ. ۱۳۹۷/۲/۸.
- عمویی، جابر. ناخدا. متولد ۱۳۲۳. بندر رستمی. ۱۳۹۳/۱۲/۱۴.



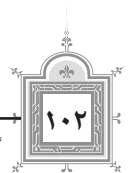
- عمويى، عباس. ناخدا. متولد ۱۳۲۹. بندر رستمى. ۱۴۰۰/۱۰/۲۵.
 غلامپور، موسى. متولد ۱۳۰۰. بندر كنگ. ۱۳۹۷/۲/۸.
 غلامى منفرد، ماندنى. متولد ۱۳۱۲. بندر كنگ. ۱۳۹۷/۲/۷.
 غلاميان، عبدالرسول. ناخدا. متولد ۱۳۳۱. بندر رستمى. ۱۳۹۱/۱۱/۲۶.
 غلاميان، غلام. متولد ۱۳۲۲. بندر رستمى. ۱۳۹۱/۱۱/۲۶.
 فروزان، على. ناخدا. متولد ۱۳۲۲. بندر كنگ. ۱۳۹۷/۲/۸.
 قاسمى، ابراهيم. متولد ۱۳۱۱. بندر كنگ. ۱۳۹۷/۲/۸.
 لايقخواه، عبدالحسين. ناخدا. متولد ۱۳۲۰. بندر بوالخير. ۱۳۹۱/۱۲/۴.

منابع عربى

- الحجى، يعقوب يوسف. (۲۰۰۴ الف). *نواخذة السفر الشراعى فى الكويت*. (الطبعة الثالثة). الكويت: مركز البحوث و دراسات الكويتيه.
- الحجى، يعقوب يوسف. (۲۰۰۴ ب). *الروزنامات البحرية الكويتيه*. (المجلد الاول). الكويت: مركز البحوث و دراسات الكويتيه.
- الخرافى، يوسف بن ناصر. (۲۰۰۴). *رحمانى*. (محقق و شارح، حسن صالح شهاب). الكويت: مركز البحوث و دراسات الكويتيه.
- الزومى، احمد البشر. (۲۰۰۵). *معجم المصطلحات البحرية فى الكويت*. (الطبعة الثالثة). الكويت: مركز البحوث و دراسات الكويتيه.
- النصارى، احمد بن عبد الامام. (۱۴۱۸ ق). *دليل الاسفار للتواخذ و البحار فى مياه الخليج [الفارسى]*. (الطبعة الثالثة). قم: مطبعة الشهيد.
- فليرز، آلن، (۱۹۸۲). *بناء السند بادقصة الابحار مع العرب*. (ترجمة و تحقيق، نايف خرما). مطبعة حكومة الكويت.
- <https://ia903107.us.archive.org/6/items/ktp2019-bskn1367/ktp2019-bskn1367.pdf>
- قهرمانى مقل، على اصغر. (۱۳۹۳). *بحر فارس و خليج فارس فى المصادر العربية القديمة*. بوشهر: جامعة الخليج فارس.

منابع لاتين

- Idha, Mohamad. (1998). "The Mangroves of Lamu: History, Socio-economic and Conservation Issues". pp 1-14 (1400.11.19). From: <https://aquadocs.org/handle/1834/8473>.



Mkumbukwa, Abdallah Rashid. (2014). "The History of use and conservation of Marine Resources in ZanZibar". pp. 76-78 (1400.11.12). From: https://epub.uni-bayreuth.de/3317/1/Revised%20PhD_Abdallah_Publication_10final.pdf

English Translation of References

Documents

Otāq-e Bāzargāni, Sanāye', Ma'āden va Kešāvarzi-ye Ostān-e Bušehr (Otbāb) (Bushehr Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture) (Buccima) 132, (1337/2/18 SH / May 9, 1958); 139, (1343/2/23 SH / March 14, 1964); 155, (1343/1/22 SH / November 12, 1963); 758, (1331/8/18 SH / May 11, 1952); 783, (1335/10/12 SH / December 3, 1956); 869, (1337/12/11 SH / March 3, 1959), 1501, (1337/12/11 SH / March 3, 1959); 2529, (1335/10/15 SH / January 7, 1957); 28766, (1337/12/2 SH / February 21, 1959). [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran)

240006017005; 2400060170006; 2400060170007; 240080187001; 2400801877007; 290001950; 2930063200002; 2930063200007; 2930063200009; 2930063200010; 2930063200012; 2930063200013; 2930063200014; 2930063200019; 2930063200020; 2930063200021; 2930063200022; 2930063200023; 2930063200024. [Persian]

Books

Al-Hajji, Yaghoub Yousef. (2004a). "*Nuwāxezo-hos-safareš-šerā'ee fil-Kuweit*" (Takers of sailing travel in Kuwait) (3rded.). Kuwait: Markaz-elBohuth-e vad-Derāsāt-elKuwaitiyah (Center for Kuwaiti Research and Studies). [Arabic]

Al-Hajji, Yaghoub Yousef. (2004b). "*Ar-ruznāmajāt-el-bahriya-tel-Kuwaitiyah*" (Kuwaiti marine newspapers). (vol. 1). Kuwait: Markaz-elBohuth-e vad-Derāsāt-elKuwaitiyah (Center for Kuwaiti Research and Studies). [Arabic]

Al-Kharafi, Youssef Ben Nasser. (2004). "*Rahmāni*" (Rahmani). Reviewed and annotated by Hassan Salih Shehab). Kuwait: Markaz-elBohuth-e vad-Derāsāt-



- elKuwaitiyah (Center for Kuwaiti Research and Studies). [Arabic]
- Al-Nassari, Ahmed ibn Abdul-Imam. (1418 AH/1997 AD). "Dalil-ul-asfārlin-nuwāxez-o val-bahhār fi miāt-el-xalij [Al-Fārsi]" (Guide to sailors and travelers in the waters of the [Persian] Gulf)(3rd ed.). Qom: Matba'ataš-Šahid.[Arabic]
- Al-Roumi, Ahmed Al-Bishr. (2005). "*Mo'jam-ol-mostalahāt-el-bahriyah fil-Kuwait*" (Dictionary of marine terms in Kuwait) (3rd ed.). Kuwait: Markaz-elBohuth-e vad-Derāsāt-elKuwaitiyah (Center for Kuwaiti Research and Studies). [Arabic]
- Beladi, Mohammadreza. (1399/2020). "*Musiqi-ye Bušehrva rise-hā-ye āndargozar-e tārixvata'āmolāt-e farhangī*" (Music of Bushehr and its origins in the path of history and cultural interactions). Tehran: Āron.[Persian]
- Dabija, Stanislav. (1394/2015). "*Gozāreš-hā-ye Eštānislāv Dābizākonsul-e Rusiyehdar Irān*" (Prince Stanislav Dabija diaries: Russia consul in Iran). Translated by Afshin Parto. Qom: Sahife-ye Xerad.[Persian]
- Fahimi Deilami, Abdollah. (1398/2019). "*Rāhnamā-ye daryāyi be enzemām-e Al-moxtasar-ol-xāsl-e mosāfere-e vat-tavvāš-e val-qavvās*" (The marine guide with special guide for the traveler, the trekker, and the diver). Edited by Armin-dokht Amin. Qom: Sarā-ye Ketāb.[Persian]
- Flandin, Eugene. (1356/1967). "*Safarnāme-ye Ožen Flānden be Irān*" (Voyage en Perse: 1840 - 1841) [Journey to Persia: 1840 - 1841] (3rd ed.). Translated by Hossein Nour Sadeghi. Tehran: Ešrāqi. [Persian]
- Floor, Willem. (1398/2019). "*Bušehr (Šahr, tejāratvajāme'e 1797 - 1947)*" (The Persian Gulf: Bushehr: city, society, & trade, 1797-1947) (vol. 1). Translated by Esmaeel Nabipour. Bushehr: Dānešgāh-e 'Olum-e Pezeškiva Xadamāt-e Darmāni (Bushehr University of Medical Sciences and Health Services) (BPUMS). [Persian]
- Floor, Willem. (1399/2020). "*Bušehr (Šahr, tejāratvajāme'e 1797 - 1947)*" (The Persian Gulf: Bushehr: city, society, & trade, 1797-1947) (vol. 2). Translated by Esmaeel Nabipour. Bushehr: Dānešgāh-e 'Olum-e Pezeškiva Xadamāt-e Darmāni (Bushehr University of Medical Sciences and Health Services) (BPUMS). [Persian]
- Ghahramani Moghbel, Ali Asghar. (1393/2014). "*Bahr-a Fārsva Xalij-a Fārs fil-*



- masāder al-'Arabiyat-el-qadimiyyah*" (Persia Sea and Persian Gulf in ancient Arabic sources). Bušehr: Jāme'a Al-Xalij Al-Fārs (Persian Gulf University). [Arabic]
- Hasannia, Mohammad. (1394/2015). "*Bandar-e Kong šāhrāh-e tejāri-ye Xalij-e Fārsdargozar-e tārix*" (Bandar Kong, the commercial highway of the Persian Gulf through the history). Karaj: Jonub.[Persian]
- Hasannia, Mohammad; &Zareei, Ayoub. (1399/2020). "*Mirās-e māndegār-e daryānavardānvalenj-sāzān*" (Oral history of sailors and lenj builders). Tehran: Jonub.[Persian]
- Hosseini Shirazi, Mirza Mahmoud. (1390/2011). "*Safarnāme-ye Mirzā Mahmud-e Širāzi be Bambayi*" (The travelogue of Mirza Mahmoud Shirazi to Bombay). Edited by Mostafa Nadim. Širāz: Bonyād-e Fārs-šenāsi.[Persian]
- Idha, Mohamad. (1998). "*The Mangroves of Lamu: History, socio-economic and conservation issues*". pp. 1-14 (1400.11.19 SH / September 10, 2022). Retrieved from <https://aquadocs.org/handle/1834/8473>.
- Issavi, Charles Phillip. (1388/2009). "*Tārix-e eqtesādi-ye Irān*" (The economic history of Iran). Translated by YaghoubAzhand. Tehran: Gostareh. [Persian]
- Jamalzadeh, Mohammad Ali. (1376/1997). "*Ganj-e Šāygān: Owzā'-e eqtesādi-ye Irān*" (The worthy treasure). Tehran: Bonyād-e Afšār (Dr. Mahmoud Afshar Foundation). [Persian]
- Kanin, Abdolhossein. (1393/2014). "*Bād-hā-ye mahalli-ye Oštān-e Bušehr*" (The local winds of Bushehr province). Qom: Sahife-ye Xerad.[Persian]
- Loch, Francis Erskine. (1369/1980). "*Safarnāme-ye daryāyi-ye Lāx*" (The pirate coast). Translated by Hossein Zolqadr. Edited by Charles Dalrymple Belgrave. Tehran: Ānāhitā.[Persian]
- Lorimer, John Gordon. (1394/2015). "*Savāhel-e Xalij-e Fārs*" (Persian Gulf coasts.). Translated and edited by AbdorrasoulKheirandish. Tehran: Ābādbum.[Persian]
- Mashayekhi, Abdolkarim. (1392/2013). "*Nāxodā 'Abbās-e daryānavard*" (Captain Abbas the sailor). Qom: Sahife-ye Xerad.[Persian]
- Mashayekhi, Abdolkarim. (1395/2016). "*Safarnāme-ye daryāyi-ye Nāxodā 'Abbās-e daryānavard*" (The sea travelogue of Captain Abbas the sailor). Qom: Sahife-ye Xerad.[Persian]

- Mkumbukwa, Abdallah Rashid. (2014). *“The history of use and conservation of marine resources in ZanZibar”*. pp. 76-78 (1400.11.12 SH / September 3, 2022). From: https://epub.uni-bayreuth.de/3317/1/Revised%20PhD_Abdallah_Publication_10final.pdf.
- Mozaffarizadeh, Alireza. (1395/2016). *“Tārix-e xāndān-e Āl-e Mazkur”* (The history of Al Mazkur family). Tehran: Bonyād-e Irān-šenāsi, Šoʻbe-ye Bušeher.[Persian]
- Nezami, Gholam Hossein. (1383/2004). *“Naqš-e Basrehvabanāder-e karāne-hā-ye šomāli-ye Xalij-e Fārsdarravābet-e IrānvaOsmāni”* (The role of Basra and the ports of the northern shores of the Persian Gulf in Iran-Ottoman relations). Bušeher: Enteshārāt-e Bušeher.[Persian]
- Nikpour, Majid. (1386/2007). *“Mallāhān-e xākvasayyāhān-e aflāk”* (The sailors of the earth and the travelers of the skies). Kermān: Bonyād-e Kermān-šenāsi.[Persian]
- Nourbakhsh, Hossein. (1369/1990). *“Jazire-ye QeshmvaXalij-e Fārs”* (Qeshm Island and the Persian Gulf). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Nourbakhsh, Hossein. (1374/1995). *“Bandar-e Kang: Šahr-e daryānavardānvakašti-sāzān”* (Bandar Kong: The city of sailors and shipbuilders) (2nd ed.). Tehran: [n. p.]. [Persian]
- Paridar, Mojtaba. (1393/2014). *“Asnādzotāq-e Bāzargāni-ye Bušeher”* (Documents from Bushehr Chamber of Commerce) (vol. 1). Tehran: Ābādbum.[Persian]
- Parker, Steve T. (1394/2015). *“Yāddāšt-hā-ye EstivTiPārker”* (Steve T. Parker’s diary). Translated by Afshin Parto. Qom: Sahife-ye Xerad.[Persian]
- Parsa, Ali. (1391/2012). *“Bādbān-hā-ye jonub: Daryānavardi-ye bādbānidarXalij-e FārsvaOqyānus-e Hend”* (Sails of the South: Sailing in the Persian Gulf and Indian Ocean). Tehran: Farhang-e Našr-e no.[Persian]
- Rayin, Esmaeel. (1350/1971). *“Daryānaravi-ye Irāniān, jeld-e 1: Az dōwrān-hā-ye afsāne-ecetāzohur-e eslām”* (Iranian Seafaring, Volume 1: From legendary times to the rise of Islam) (2nd ed.). Tehran: Jāvidān.[Persian]
- Rayin, Esmaeel. (1356/1977). *“Daryānaravi-ye Irāniān, jeld-e 2: Az ‘asr-e este’mārtāemruz”* (Iranian seafaring, volume 2: From the colonial era to date) (2nd ed.). Tehran: Jāvidān.[Persian]



- Reyshahri, Abdolhossein. (1382/2003). "*Sangestān*" (Sangestan) (vol. 1). Širāz: Navid-e Širāz.[Persian]
- Saadat, Mohammad Hossein. (1390/2011). "*Tārix-e Bušeher*" (History of Boushehr). Edited and researched by AbdorrasoulKheirandish&EmadoddinSheikhlohokam ayi. Tehran: Mirās-e Maktub.[Persian]
- Sadid Al-Saltaneh, Mohammad Ali. (1371/1992). "*Sarzamin-hā-ye šomāli-ye pīrāmun-e Xalij-e FārsvaDaryā-ye 'Ommāndar sad sāl-e piš*" (The northern lands around the Persian Gulf and the Sea of Oman a hundred years ago). Annotated and glossed by Ahmad Eghtedari. Tehran: Jahān-e Mo'āser.[Persian]
- Taheri, Reza. (1388/2009). "*Az morvāridtānaft: Tārix-e Xalij-e Fārs (Az Bandar SirāftāKangānva 'Asaluyeh)*" (The history of the Persian Gulf (From Bandar Siraf to Kangan and Asaluyeh)). Širāz: Dāstān-sarā.[Persian]
- Trevor, A. P. (1395/2016). "*Gozāreš-e sālāne-ye Bāliyuz-e EngelisdarBušehrva Pas-Karāneh*" (Annual report of the British Baliouz in Bushehr and Paskarane). Translated by Hasan Zanganeh. Qom: Shifahe-yeXerad.[Persian]
- Villiers, Alan. (1982/2003). "*Abnā al-Sandbādqiṣṣat-ul-behār ma'-al-'Arab*" (Sons of Sinbad; An account of sailing with the Arabs in their dhows, in the Red Sea, around the coasts of Arabia, and to Zanzibar and Tanganyika; pearling in the Persian Gulf; and the life of the shipmasters, the mariners, and merchants of Kuwait). Translated and reviewed by Nayef Kharma. Matba'at Al-Hokumat Al-Kuwait. Retrieved from <https://ia903107.us.archive.org/6/items/ktp2019-bskn1367/ktp2019-bskn1367.pdf>. [Arabic]
- Whitehouse, David. (1384/2005). "*Kāvoš-hā-ye 'elmi-ye bāstānšenāsi-ye Sirāf*" (Archaeological scientific explorations in Siraf). Translated by GholamrezaMasoumi. Bušeher: Šoru.[Persian]

Articles

- Azizi, Heshmatollah et al. (1397/2018). "Čegunegi-ye šeklgiri-ye hokmrāni-ye banādervajazāyer-e Xalij-e Fārs be markaziyat-e Bušeherdar 'asr-e Nāseri" (The process of the formation of the Persian Gulf ports & islands governance to the



center of Bushehr at Naseriperiod). *Pažuhešnāme-ye Tārix-hā-ye Mahalli* (Research Journal of Iran Local Histories), 13, pp. 171 – 190.[Persian]

Kheirandish, Abdorrasoul; & Tabriznia, Mojtaba. (1390/2011). “Bānk-e ŠāhidarBušehr” (The history of the British bank of the Middle East, 1986-1987) in *“Pažuhešnāme-ye Xalij-e Fārs”* (Persian Gulf research journal) (vols. 1 & 2) (pp. 145 – 151). Tehran: Xāne-ye Ketāb-e Irān.[Persian]

Article collections

Birt, Bradley. (1377/1998). “Gozari be šahr-e daryā-hā” (The story of an Indian upland). Compiled and translated by Hasan Zanganeh. In *“Mirmohannāvašahr-e daryā-hā”* (The city of the seas) (pp. 151 – 171). Qom: Mo’assese-ye Farhangi-ye Hamsāyeh.[Persian]

Interviews

Amernejad, Jafar, Sea captain, born in 1318 SH/1939 AD, Bandar-e ‘Āmeri, 1394/9/26 SH / 17 December 2015.[Persian]

Amouei, Abbas, Sea captain, born in 1329 SH/1950 AD, Bandar-e Rostami, 1400/10/25 SH / 15 August 2021.[Persian]

Amouee, Jaber, Sea captain, born in 1323 SH/1944 AD, Bandar-e Rostami, 1393/12/14 SH / 5 March 1954.[Persian]

Arabi, Saleh, born in 1311, Bandar Kong, 27 April 2018.[Persian]

Bahri, Ali, born in 1334 SH/1955 AD, Bandar-e Kong, 1397/2/7 SH / 27 April 2018. [Persian]

Bahri, Mohammad Hussein, born in 1327 SH/1948 AD, Bandar-e Kong, 1397/2/7 SH / 27 April 2018.[Persian]

Bakhshi, Abdorreza, Sea captain, born in 1316, Bandar-e Rostami, 1391/11/26 SH / 17 February 2013.[Persian]

Bashi, Gholamreza, born in 1332 SH/ 1953 AD, Bandar-e ‘Āmeri, 1393/12/14 SH / 4 March 2015.[Persian]



- Darvishi, Abbas, Sea captain, born in 1315 SH/1936 AD, Khvor-e Šahāb, 1394/9/26 SH / 17 December 2015.[Persian]
- Daryaei, Abdullah, born in 1317 SH/1938 AD, Bandar-e Kong, 1397/2/7 SH / 27 April 2018.[Persian]
- Forouzan, Ali, Sea captain, born in 1322 SH/1943 AD, Bandar-e Kong, 1397/2/8 SH / 27 April 1943.[Persian]
- Ghasemi, Ebrahim, born in 1311 SH/1932 AD, Bandar-e Kong, 1397/2/8 SH / 27 April 1932.[Persian]
- Gholamian, Abdorrasoul, Sea captain, born in 1331 SH/1952 AD, Bandar-e Rostami, 1391/11/26 SH / 17 February 1953.[Persian]
- Gholamian, Gholam, born in 1322 SH/1943 AD, Bandar-e Rostami, 1391/11/26 SH / 17 February 1943.[Persian]
- GholamiMonfared, Mandani, born in 1312 SH/1933 AD, Bandar-e Kong, 1397/2/7 SH / 27 April 1933.[Persian]
- Gholampour, Mousa, born in 1300 SH/1921 AD, Bandar-e Kong, 1397/2/8 SH / 27 April 1921.[Persian]
- Khalili, Ebrahim, Sea captain, born in 1326 SH/1947 AD, Bandar-e Bol-Xayr, 1391/12/4 SH / 25 February 2013.[Persian]
- Khalili, Khezr, born in 1326 SH/1947 AD, Bandar-e Āmeri, 1393/12/14 SH / 5 March 1954.[Persian]
- Layeghkhah, Abdolhossein, Sea captain, born in 1320 SH/1941 AD, Bandar-e Bol-Xayr, 25 February 1943.[Persian]
- Rostami, Hossein, Sea captain, born in 1325 SH/1946 AD, Bandar-E Rostami, 1393/12/14 SH / 5 March 1954.[Persian]
- Saberi, Hossein, Ship mechanic, born in 1315 SH/1936 AD, Bandar-e Rostami, 1391/11/26 SH / 17 February 2013.[Persian]
- Safari, Abdullah, Sea captain, born in 1310 SH/1931 AD, Bandar-e Āmeri, 1391/12/4 SH / 25 February 2013.[Persian]



Safari, Eshagh, Sailor, born in 1310 SH/1931 AD, Bandar-e'Āmeri, 1393/12/14 SH / 5
March 1954.[Persian]

Safari, Gholamreza, Sea captain, born in 1336 SH/1957 AD, Bandar-e 'Āmeri, 1394/9/26
SH / 17 December 2015.[Persian]

Zakeri, Edris, Sailor, born in 1332 SH/1953 AD, Khvor-e Šahāb, 1394/9/26 SH / 17
December 2015.[Persian]

Zareei, Kheder, Sailor, born in 1310 SH/1931 AD, Bandar-e Rostami, 1391/11/26 SH /
17 February 2013.[Persian]

Ziyarati, Soltan, Sea captain, born in 1334 SH/1955 AD, Bandar-e'Āmeri, 1393/12/14
SH / 5 March 1954.[Persian]



Pahlavi Dynasty Museum: Representation of Pahlavi State's ideology in the 1960s and 1970s

Marzie Bazyar¹ | Asghar Muhammadmoradi² | Gholamhossein Memarian³

Abstract:

Purpose: In 1970 Mohammad Reza Shah endowed Marmar Palace to the city of Tehran in order to start the Museum of the Pahlavi Dynasty there. This study investigates how the state palace turned into a museum and studies different narratives about the museum to clarify the relationship between the museum as a cultural institution and the government. It also examines the role of Mohammad Reza Shah in the formation of the museum.

Method and Research Design: Archival records and Library resources were studied, described and analyzed.

Findings and Conclusions: Findings show that the Pahlavi Dynasty Museum was a cultural institution that was politically exploited. This museum was in fact an institution to propagate the ideology of the Pahlavi government, as well as a representation of the selective history of the government, its progress, and achievements to the nation and the world. In addition, this study shows that despite his insignificant role in developing cultural projects, Mohammad Reza Shah played a significant role in the design of the museum; that reveals the importance of the museum to him.

Keywords: Pahlavi Dynasty Museum; Pahlavi; Marmar Palace; Pahlavi State; Mohammad Reza Shah Pahlavi; Ideology.

Citation: Bazyar, M., Mohammadmoradi, A., & Memarian, G. H. (2022). Pahlavi Dynasty Museum: Representation of Pahlavi State's ideology in the 1960s and 1970s. *Ganjine-ye Asnad*, 32(4), 112-137 | doi: 10.30484/ganj.2022.2958

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD Student of Architecture, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

mbazyar68@gmail.com

2. Professor, Department of Restoration, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran, (Corresponding Author).

m_moradi@iust.ac.ir

3. Professor, Department of Architecture, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran. memarian@iust.ac.ir

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«128»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2022.2958

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.4, Winter 2023 | pp: 112 - 137 (26) | Received: 11, Sep. 2021 | Accepted: 23, Jan. 2022

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

موزه سلسله پهلوی: نمایش ایدئولوژی دولت پهلوی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی

مرضیه بازیار^۱ | اصغر محمدمرادی^۲ | غلامحسین معماریان^۳

چکیده:

در سال ۱۳۴۹ محمدرضاشاه کاخ مرمر را بر شهر تهران وقف کرد و دستور داد تا این بنا به موزه سلسله پهلوی تبدیل شود.

هدف: این پژوهش به چگونگی تبدیل کاخ حکومتی مرمر به موزه سلسله پهلوی می‌پردازد تا ارتباط این موزه را به مثابه نهادی فرهنگی با ایدئولوژی حکومت پهلوی روشن کند.

روش/رویکرد پژوهش: روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی است و داده‌های آن از اسناد و منابع کتاب‌خانه‌ای جمع‌آوری شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: موزه سلسله پهلوی نهادی فرهنگی بود که از آن بهره‌برداری سیاسی می‌شد. این موزه در واقع نهادی در خدمت تبلیغ ایدئولوژی حکومت پهلوی و نمایشی از تاریخ‌گزینی حکومت، پیشرفت‌ها و دستاوردهایش نه تنها به ملت ایران، بلکه به جهان بود. این موزه برای محمدرضاشاه اهمیت زیادی داشت و او در شکل‌گیری آن نقشی به‌سزا داشت.

کلیدواژه‌ها: موزه سلسله پهلوی؛ کاخ مرمر؛ دولت پهلوی؛ محمدرضاشاه پهلوی؛ ایدئولوژی.

استناد: بازیار، مرضیه، محمدمرادی، اصغر، معماریان، غلامحسین. (۱۴۰۱). موزه سلسله پهلوی: نمایش ایدئولوژی دولت پهلوی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی. گنجینه اسناد، ۳۲(۴)، ۱۱۲-۱۳۷.

doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۵۸

۱. دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

mbazyar68@gmail.com

۲. استاد گروه مرمت، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

m_moradi@iust.ac.ir

۳. استاد گروه معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

memarian@iust.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۲۸

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۵۸

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar | ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۱ | صص: ۱۱۲ - ۱۳۷ (۲۶)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳

تحقیقات تاریخی

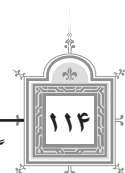
۱. مقدمه

موزه‌ها اغلب فضاهایی برای ایجاد گفتمان هژمونیک و ابزارهایی برای پشتیبانی از این روایات هستند (Al-Ragam, 2014, p663). موزه‌ها از یک طرف نشانگر پیشرفت و مدرنیته هستند و از طرف دیگر به‌عنوان حامیان «روایت ملی اختراع‌شده»^۱ به‌کار بسته می‌شوند و در عمل ابزاری سیاسی برای دولت‌ها هستند (Al-Ragam, 2014, p665). موزه‌ها در دوره پهلوی نشان‌دهنده پیشرفت و فضاهایی عمومی بودند که نه تنها سلطنت حاکم، بلکه اساساً مدرنیته ملت را نیز مشروعیت می‌بخشیدند (Grigor, 2009, p139)؛ پس می‌توانستند ابزاری ایدئولوژیک در خدمت نیروهای سیاسی باشند؛ بنابراین مطالعه هر کدام از موزه‌ها می‌تواند بخشی از تاریخ و ایدئولوژی دوره پهلوی را روشن سازد.

از اوایل حکومت پهلوی تا اوایل دهه ۴۰، گفتمان قدرت پهلوی ترکیبی متغیر و بیانی ضعیف از عناصر امپراتوری ایران پیش از اسلام و وعده کلی مدرنیزاسیون بود؛ ولی این گفتمان مدون یا ساختاری نبود (Shakibi, 2013, p117). شاه پس از سرنگونی مصدق و تثبیت سلطنت خود، در سال ۱۳۴۲ مجموعه‌ای از برنامه‌های اصلاحی به‌نام انقلاب سفید را اجرا کرد. گرچه خیلی‌ها به دنبال بهبود مشکلات اقتصادی-اجتماعی کشور بودند، ولی این انقلاب اساساً برنامه‌ای سیاسی بود که نخبگان سیاسی اندیشیده بودند تا روابط سلطه را تاحداً امکان حفظ کنند (Ansari, 2001, p2). شاه گام‌هایی را به‌سوی بازتعریف سیاسی و ایدئولوژیکی رژیم سلطنتی برداشت تا بتواند از حکومت خود در مقابل سه چالش کمونیسم، ایدئولوژی‌های غربی، و گفتمان‌های غرب‌ستیز در حال گسترش در داخل ایران، دفاع کند. یکی از اقدامات حکومت برای ایجاد ایدئولوژی مدرن برای سلطنت پهلوی معرفی اصطلاح پهلویسم در آستانه تاج‌گذاری شاه در سال ۱۳۴۶ با انتشار مجموعه‌ای چهارجلدی بود که تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک و جهان‌بینی آن را ترسیم می‌کرد (Shakibi, 2018, p225).

پهلویسم با ترکیب دو عنصر مهم ایدئولوژی‌های مدرن، یعنی تصویرگری و بازگشت به دوره طلایی گذشته و وعده ساخت عصر طلایی آینده تلاش کرد تا به هژمونی ایدئولوژیک دست یابد (Shakibi, 2013, p114). در سال ۱۳۴۳-۱۳۴۴ دولت علی منصور تعداد وزارت‌خانه‌های خود را از ۱۲ به ۲۰ وزارت‌خانه افزایش داد و هم‌چنین لایحه تأسیس وزارت فرهنگ و هنر را پیشنهاد کرد. این لایحه نشان‌دهنده نگرانی روزافزون دولت از موضوعات هویت ملی و اصالت و تنش‌های فزاینده سیاسی-ایدئولوژیک در غرب‌گرایی پهلوی بود (Shakibi, 2018, pp 255-256). با تأسیس وزارت فرهنگ و هنر، بخش «فرهنگ عامه» از «اداره موزه‌ها و فرهنگ عامه» -که در سال ۱۳۳۵ در اداره کل هنرهای زیبا تأسیس شده بود- منفک شد و بخش «بناهای تاریخی اداره کل باستان‌شناسی»

1. Invented national story



به آن ملحق شد و «اداره کل موزه‌ها و حفظ بناهای تاریخی» نامیده شد (رضوی و مظلوم، ۱۳۶۷، ص ۵۸). اجرای سیاست فرهنگی بیشتر به عهده وزارت فرهنگ و هنر جدید بود که اداره موزه‌ها و بناهای تاریخی شاخه‌ای از آن بود (Matin-Asgari, 2018, p191). در واقع موزه‌ها در راستای توسعه سیاست فرهنگی نقش مهمی داشتند. دستور تأسیس موزه سلسله پهلوی در کاخ مرمر نیز به عنوان یکی از این ابزارهای سیاسی در سال ۱۳۴۹ توسط محمدرضاشاه داده شد و در سال ۱۳۵۵ تبدیل کاخ به موزه پایان یافت و موزه افتتاح شد. این تحقیق در پی بررسی چگونگی تبدیل کاخ حکومتی مرمر به موزه سلسله پهلوی بر اساس اسناد و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای است تا ارتباط این موزه را با زمینه سیاسی و فرهنگی آن دوره و ایدئولوژی حکومت روشن سازد. به علاوه در این مقاله به نقش مؤثر شاه در طراحی و اجرای این پروژه پرداخته می‌شود. استیل معتقد است که شاه جدای از امضای احکام سلطنتی و شرکت در مراسم رسمی، در پروژه‌های فرهنگی مانند کتابخانه ملی پهلوی و سایر طرح‌ها نقش کمی داشت و این پروژه‌ها را به دربار و وزرای خود محول می‌کرد (Steele, 2019, p87)؛ ولی این ایده درباره موزه سلسله پهلوی صدق نمی‌کند؛ چراکه محمدرضاشاه در این پروژه و طراحی آن نقشی به سزا داشت؛ بنابراین این مقاله نقش شاه در شکل‌گیری این موزه را توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد که او چگونه در تبدیل این موزه به کاخ و طراحی آن مداخله می‌کرد.

۲. پیشینه پژوهش

در دوره پهلوی موزه‌های زیادی ساخته شده است؛ با این حال برخی از این موزه‌ها از جمله موزه سلسله پهلوی تاکنون بررسی نشده‌اند. پژوهش‌هایی درباره موزه ملی ایران وجود دارد که از نظر بررسی رابطه بین موزه و ایدئولوژی حکومت تا حدودی به پژوهش حاضر نزدیک است. برای نمونه مظفری در کتاب خود با عنوان «شکل‌گیری هویت ملی در ایران»^۱ موزه ملی ایران را به عنوان مکانی بررسی می‌کند که با دو روایت هویتی «رؤیای شاهنشاهی» در مقابل «رؤیای معنوی» توسط دو رژیم ایدئولوژیک متفاوت گسترش یافته است: یکی توسط رژیم پهلوی که تاریخ ایران قبل از اسلام را شاهی بر برتری نژاد ایرانی می‌داند و دیگری که توسط اسلام‌گرایان و جمهوری اسلامی تبلیغ می‌شود و دوره اسلامی را عصر طلایی تاریخ ایران می‌داند. او در این کتاب موزه ملی ایران و دو ساختمان آن را که به ایران باستان و دوره اسلامی اختصاص دارد بررسی می‌کند و معماری و موزه‌داری آن‌ها را به عنوان نمایشی از دو روایت هویتی رقیب در دوره پهلوی و پس از انقلاب مقایسه می‌کند (Mozaffari, 2014). هم‌چنین او در مقاله‌ای دیگر موزه ملی ایران را

1. *Forming National Identity in Iran*



به‌عنوان محل نبرد ایدئولوژی‌های قبل و پس از انقلاب بررسی می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه این موزه در معماری و روایت موزه‌ای خود، تلاش می‌کند تا ایرانیان را با آوردن گذشته قبل از اسلامشان به زمان حال، بازتعریف کند (Mozaffari, 2007). بیگدلو نیز در پژوهشی تاریخی با بررسی موزه ایران باستان و چگونگی تأسیس آن، نسبت شکل‌گیری این موزه را با ایدئولوژی دولت پهلوی روشن می‌کند و کارکردهای مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی موزه را در دولت پهلوی بررسی می‌کند (بیگدلو، ۱۳۹۸).

اگرچه بخش‌هایی از پژوهش‌های ذکرشده در تبیین رابطه بین ایدئولوژی و شکل‌گیری موزه به پژوهش حاضر نزدیک است، با این حال نمونه موردی و بازه زمانی متفاوت مورد بحث آن‌ها نتایج متفاوتی را با پژوهش حاضر شکل داده است؛ بنابراین از موزه سلسله پهلوی غفلت شده است و تاکنون پژوهشی درباره آن انجام نشده است.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که موزه سلسله پهلوی نهادی فرهنگی بود که از آن بهره‌برداری سیاسی می‌شد. افتتاح این موزه همگام با شکل‌گیری حزب رستاخیز در دهه ۵۰ و اعلام هدف ایدئولوژیک این حزب یعنی ساخت تمدن بزرگ، در راستای تبلیغ اهداف شاه بود. در واقع موزه سلسله پهلوی موزه‌ای در خدمت نمایش ایدئولوژی حکومت پهلوی و نمایشی از پیشرفت‌ها و دستاوردهایش بود و شخص شاه در شکل‌گیری آن نقشی قابل توجه داشت. به‌علاوه در راستای سیاست‌های فرهنگی رژیم پهلوی در دهه ۵۰ و تلاش برای دیده‌شدن در سطح بین‌المللی، حکومت قصد داشت این موزه نه تنها موزه‌ای ملی، بلکه موزه‌ای بین‌المللی باشد و توسط جهانیان دیده شود.

۳. فرمان تأسیس موزه سلسله پهلوی در کاخ مرمر

در سال ۱۳۴۹ محمدرضاشاه کاخ مرمر را بر شهر تهران وقف کرد و فرمان تأسیس موزه پهلوی در این کاخ را صادر کرد. کاخ مرمر در سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۶ شمسی به‌دستور رضاشاه در زمین‌های متعلق به فرمان‌فرما ساخته شده بود؛ جایی که پیش‌تر عمارتی متعلق به یکی از فرزندان فرمان‌فرما در آن احداث شده بود (فرمان‌فرمایان، ۱۳۸۳، ص ۶۴). به‌مناسبت اینکه نمای خارجی و قسمت‌هایی از داخل این کاخ با سنگ مرمر پوشانده شده بود به کاخ مرمر معروف شده بود (نیک‌پی، ۱۳۵۲، صص ۱ و ۳). این بنا که معماری آن تلفیقی از معماری شرقی و غربی بود برای اقامت، کار، و پذیرایی‌های رسمی پی‌ریزی شد و طی چند دهه کانون اصلی تجمع سران دولت، نمایندگان مجلس، وزیران، سفیران و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی رژیم پهلوی بود (جوادی، ۱۳۷۸، ص ۱۱). محمدرضاشاه تا سال ۱۳۴۴ -که به کاخ نیاوران نقل مکان کرد- از کاخ مرمر استفاده



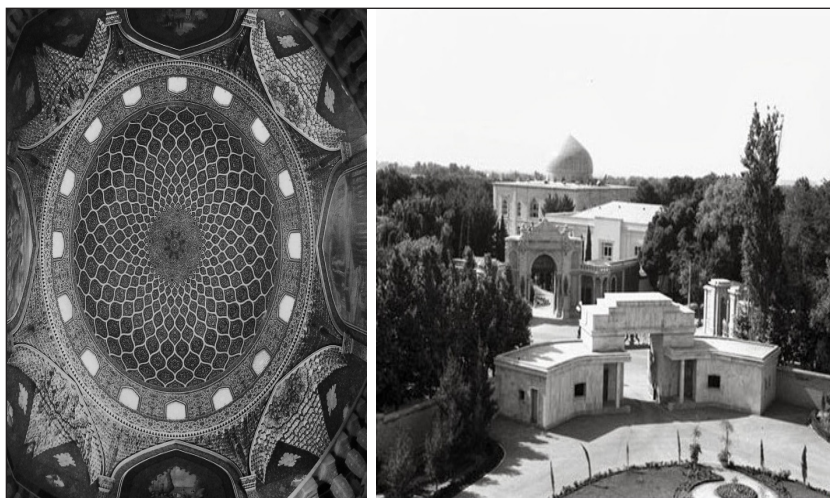
می‌کرد (نیک‌پی، ۱۳۵۲، صص ۱ و ۳). کاخ مرمر در دو طبقه ساخته شده بود و اتاق‌های زیادی داشت. در ساخت گنبد و سقف تالار اصلی آن از سبک مساجد صفوی به‌ویژه مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان الهام گرفته شده بود (تصاویر ۱ و ۲)؛ در حالی که اتاق‌ها و سالن‌ها نشان‌دهنده سبک معماری عصر رضاشاه بود (نیک‌پی، ۱۳۵۲، ص ۳). طبقه اول این عمارت شامل تالارهای بزرگ آئینه، نیمه‌آئینه، خاتم و سفره‌خانه بود که در آن‌ها هنرهای سنتی از جمله آئینه‌کاری، خاتم‌کاری و نقاشی مینیاتور به‌کار رفته بود. به‌علاوه روی دیوارهای شمالی و جنوبی سرسرا تابلوهای نقاشی از خطوط راه‌آهن، عمارت تخت جمشید و قصر آپادانا وجود داشت (جوادی، ۱۳۷۸، ص ۳۵) (تصاویر ۳، ۴ و ۵)؛ این نقاشی‌ها باستان‌گرایی دولت پهلوی اول و سیاست مدرن‌سازی آن را به‌تصویر می‌کشید.

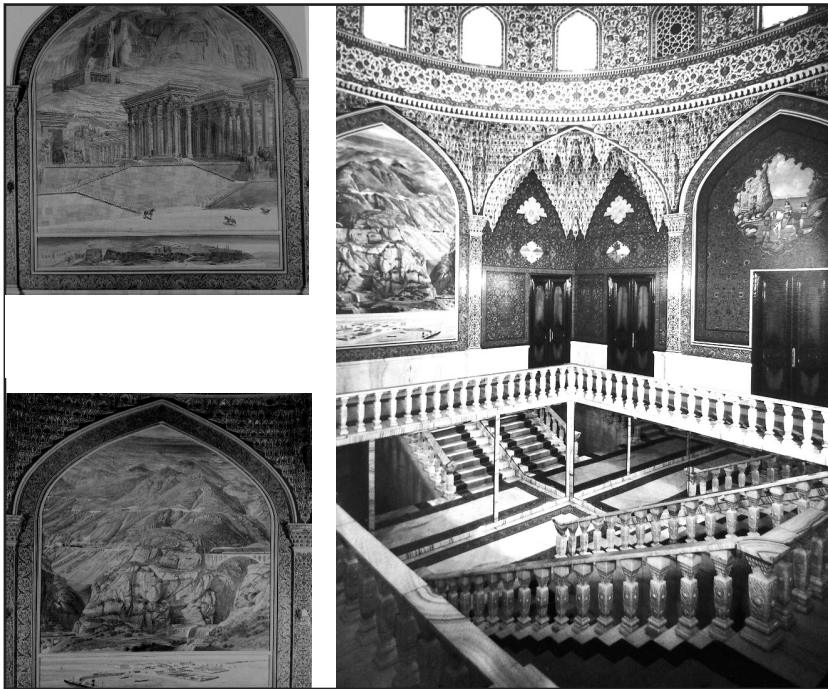
تصویر ۱

کاخ مرمر و سردر آن (قبادیان، ۱۳۹۴،
ص ۱۵۶). سمت راست

تصویر ۲

گنبد کاخ مرمر از داخل (جوادی،
۱۳۷۸، ص ۳۷). سمت چپ





تصویر ۳

سرسرای مرکزی و راه‌پله (جوادی، ۱۳۷۸، ص ۳۹). سمت راست

تصویر ۴

نقاشی دیواری در دیوارهٔ ضلع جنوبی سرسرای مرکزی (جوادی، ۱۳۷۸، ص ۴۵). سمت چپ بالا

تصویر ۵

نقاشی دیواری در دیوارهٔ ضلع شمالی سرسرای مرکزی (جوادی، ۱۳۷۸، ص ۴۴). سمت چپ پایین

در سال ۱۳۴۹ محمدرضاشاه فرمان تأسیس موزهٔ سلسلهٔ پهلوی را صادر کرد: «شش‌دانگ عمارت اختصاصی معروف به کاخ مرمر با کلیهٔ اراضی و منضمات و متعلقات فعلی آن را وقف شهر تهران نمودیم تا از آن به‌عنوان موزهٔ سلسلهٔ پهلوی و نخستین جزء شایستهٔ آن استفاده شود» (ساکما، ۱۳۶۲/۹۹۸). به‌نظر می‌رسد این موزه تنها نمونه‌ای از این دوران است که در کاخی حکومتی که برای ساخت موزه وقف شده بود ایجاد شد. علاوه‌براین، عمل وقف برای شکل‌گیری نهاد مدرن موزه می‌تواند گویای حرکتی نمایشی و تبلیغی باشد برای گسترده‌کردن دامنهٔ مخاطبان موزه و تلاش برای جذب و همراه‌کردن نه‌تنها افرادی با فرهنگ والا، بلکه عامهٔ مردم و بخش سنتی جامعه؛ چنانکه علم در خاطراتش ذکر می‌کند که «شاه از این‌که دربارهٔ این کار وی تبلیغ کم یا بد شده بود عصبانی شده بود» و به علم اعتراض کرد (علم، ۱۳۹۲، ص ۷۹). به‌علاوه این امر می‌تواند حاکی از تلاش برای ایجاد ارتباط بین دولت و ملت بوده باشد؛ همان‌طور که یکی از موارد مهم در طراحی و نمایش در این موزه تلاش در راستای تأکید بر پیوند میان سلسلهٔ حاکم و مردم بود (ساکما، ۲۶۴/۲۶۴۳۰) و نخبگان حکومت تأکید داشتند که در این موزه باید پیوند شاه و ملت در همه‌جا ملحوظ شود و شاهنشاه جدا از ملت قرار نگیرد (ساکما، ۲۶۴/۲۷۳۳۰). هم‌چنین با استفاده از سنت و وقف، این موزه می‌توانست پشتوانهٔ لازم برای



مشروعیت‌بخشی به حکومت پهلوی را ایجاد کند. در سنت تاریخی ایران به نظر واقف وقف کردن تجربه تاریخی موفق برای جاودانه کردن اقدامش بوده است. باین حال اگرچه شاه با این کار در ب‌های کاخ خود را به روی عامه مردم گشود و کاخ خصوصی خود را به بنایی عمومی تبدیل کرد و رسانه‌های جمعی هم از این امر به‌عنوان هدیه بزرگ شاه به ملت (بی‌نام، ۱۳۵۵، ص ۲۲۸؛ بی‌نام، ۱۳۵۵، ص ۲۱۱) یاد می‌کردند، ولی در واقع این کاخ با تبدیل شدن به موزه‌ای برای معرفی سلسله پهلوی هم‌چنان بنایی دولتی و در خدمت نمایش ایدئولوژی حکومت بود.

شاه تولید موقوفه و اداره موزه سلسله پهلوی را به شهردار پایتخت داد و نظارت در امور موقوفه و حُسن اداره موزه و حراست از اموال مربوط به موزه و ... را به هیئت‌امنایی متشکل از نخست‌وزیر و رؤسای مجلسین سنا و شورای ملی و وزیر دربار شاهنشاهی وقت محول کرد (ساکما، ۱۳۶۲/۹۹۸). عمل وقف کاخ شاه و تعیین متولیان و هیئت‌امنا از بالاترین رده‌های حکومتی، چنان‌که در دیگر موزه‌های این دوره نظیر ندارد، اهمیت فراوان این موزه را برای شاه و اهدافش نشان می‌دهد.

شاه اعلام کرد که از آن‌جهت کاخ مرمر را به‌عنوان موزه پهلوی انتخاب کرده است که «نمونه‌الای ذوق هنری این ملت بزرگ و اثر برجسته هنرگستری و هنرمندپروری سرودمان خاندان ما و از آثار هنری بی‌نظیر ربع اول قرن حاضر» است و هدف خود را از این کار افزایش معرفت و آگاهی بازدیدکنندگان و در دسترس قرار دادن تاریخ شاهنشاهی ایران برای محققان داخلی و خارجی از طریق اسناد موجود و محفوظ و گویا برای بررسی و تحقیق عنوان کرد. او بیان کرد که در این موزه «آثار ذوقی و هنری و هم‌چنین شواهد تحولات و ترقیات کشور که نتیجه وطن‌خواهی پدر بزرگوار ما و خود ماست» نمایش داده می‌شود (ساکما، ۱۳۶۲/۹۹۸)؛ بنابراین شاه در نظر داشت تا این موزه نه تنها فضای فرهنگی و آموزشی ملی باشد، بلکه خارجیان نیز به آن توجه کنند. به این ترتیب فرمان تأسیس موزه صادر شد و تلاش‌ها برای شکل‌گیری این موزه آغاز شد.

۴. اولین طراحی موزه سلسله پهلوی

پس از صدور فرمان شاه، شهرداری پایتخت در سال ۱۳۵۱ برای تهیه و اجرای طرح تبدیل کاخ مرمر به موزه سلسله پهلوی با مؤسسه معماری فرانکو آلبنی و فرانکا هلگ مقیم میلان ایتالیا قراردادی تنظیم کرد (ساکما، ۱۳۸۷/۳۴۰). قراردادهای دیگری نیز بین شهرداری پایتخت و پلوتینی از ایتالیا برای تهیه و نصب اشیایی در کاخ مرمر و امیلیو فیوروانتی از ایتالیا برای تهیه آرم مربوط به کاخ مرمر بسته شد (ساکما، ۱۳۸۷/۳۴۰). متولی



موزه (شهردار تهران) و نایب‌التولیه موزه به اداره‌ها و سازمان‌های مختلف نامه فرستادند تا «از بهترین پیشرفت‌های حاصله در پنجاه سال اخیر در آن سازمان [ها] ... عکس، اسلاید، ماکت ... تهیه [کنند] و به موزه سلسله پهلوی ارسال فرمایند» (ساکما، ۱۳۰/۸۳۰).

در نهایت طراحی موزه در سال ۱۳۵۲ به پایان رسید. بنابه گفته متولی موزه (شهردار) در طراحی موزه تلاش شد تا «از یک طرف به اساس ساختمان قصر که دارای سبک معماری خاصی است لطمه وارد نگردد و در عین حال تازگی‌های عصر حاضر در نحوه ارائه اسناد و مدارک و عکس‌ها منظور و آثار قدیم و جدید تلفیق شده باشد». او این پروژه را حاصل کار مشترک متولی موزه از لحاظ تاریخی، و مؤسسه آلبینی-هلگ از لحاظ هنری، معرفی کرد و افزود که «شهردار شخصاً مسئولیت تهیه تاریخچه کاخ مرمر و تعیین خصوصیات بزرگ‌ترین حوادث و مهم‌ترین رویدادهای تاریخ پنجاه سال اخیر ایران را تقبل کرد؛ به طوری که با مشخصات ساختمان و تقسیم‌بندی سالن‌ها متجانس باشد» و مؤسسه آلبینی-هلگ «در چهارچوب اطلاعات و مدارک، سالن‌ها را تزیین و اسناد را چنان عرضه کرد که هر سالن گویای وضع مربوط به خود باشد» (نیک‌پی، ۱۳۵۲، صص ۳ و ۱۰).

در این طرح بازدید از موزه از اولین اتاق در سمت غربی سرسرای ورودی آغاز و به تالار آینه در طبقه بالا ختم می‌شد. اولین اتاق در بخش غربی، اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در سال ۱۲۹۹ را نشان می‌داد تا وضعیت کشور را در هنگام کودتا به تصویر کشد و سپس نشان دهد که در طی بیست سال حکومت رضاشاه چه پیشرفت‌هایی شکل گرفته است. اتاق بعدی اوضاع ایران در زمان حمله متفقین در سال ۱۳۲۰ و وقایع پس از آن و عواقب آن تا سال ۱۳۴۱ را به تصویر می‌کشید. انقلاب شاه و ملت و دگرگونی‌های تاریخی کشور از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ در اتاق سوم منعکس می‌شد. اتاق‌های بعدی به نمایش پیشرفت‌های ایران در پنجاه سال اخیر می‌پرداخت و موضوعات آموزش و پرورش، بهداشت و رفاه اجتماعی، ارتباطات، کشاورزی و تعاون روستائی، ورزش و جوانان، ارتش شاهنشاهی، سیاحت و جهانگردی، کارگران و امور اجتماعی، فرهنگ و هنر، صنایع و معادن، شهرسازی، آب و برق و بالاخره صنایع نفت، پتروشیمی و گاز را در سال‌های ۱۲۹۹، ۱۳۲۰ و ۱۳۵۱ مقایسه می‌کرد. سپس برنامه‌های عمرانی از بدو آغاز در سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۲ مقایسه می‌شد تا اوضاع اقتصادی ایران در این دوره را به تصویر کشد. اتاق بعدی در طبقه دوم به ارائه اسناد مهم دوره پهلوی اختصاص داده شده بود و در نهایت در اتاق‌های خاتم، خوابگاه و تالار آینه تغییرات کمی ایجاد شده بود و لوازم، نشان‌ها و لباس‌های مربوط به رضاشاه و ماکت و نمونه‌هایی از جنگ‌افزارهای آن زمان به نمایش درآمده بود (نیک‌پی، ۱۳۵۲، صص ۱۰ و ۱۲) (تصاویر ۶ و ۷).

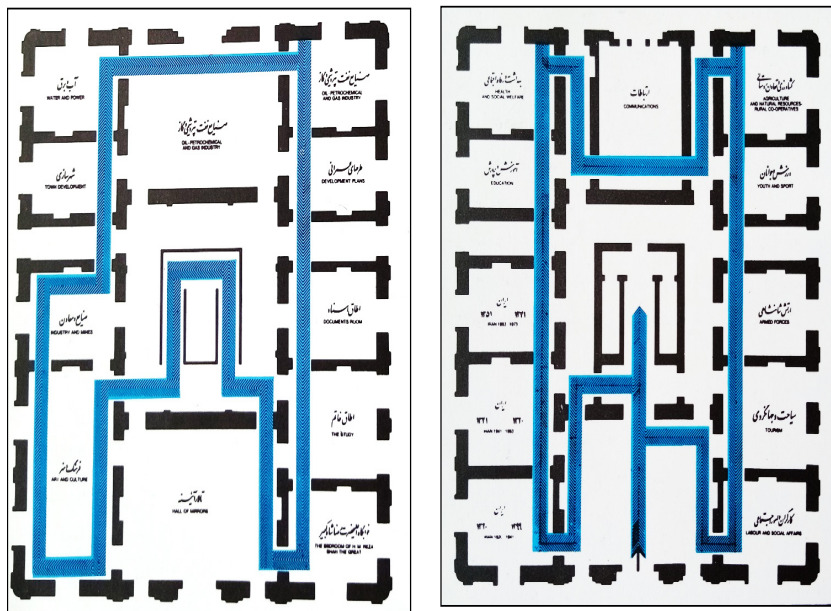


تصویر ۶

پلان موزه سلسله پهلوی. طبقه همکف (نیکپی، ۱۳۵۲، ص ۱۱) سمت راست

تصویر ۷

پلان موزه سلسله پهلوی. طبقه اول (نیکپی، ۱۳۵۲، ص ۱۱) سمت چپ



در این طرح تاریخ سلسله پهلوی از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۱ در سه بازه زمانی تعریف شده بود:

الف) ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰؛ ب) ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۱؛ ج) ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱.

درواقع سه نقطه آغاز حکومت رضاشاه، آغاز حکومت محمدرضاشاه و انقلاب سفید نقاط عطف در نظر گرفته شدند و از طریق عکس و اسلاید به نمایش گذاشته شدند. اتاق‌های دیگر نیز از طریق اسلاید و فیلم و ماکت و نمودار به نمایش و مقایسه پیشرفت‌های ایران در زمینه‌های مختلف در بازه‌های زمانی گفته شده می‌پرداخت. تأکید این طرح بر پیشرفت در دوره پهلوی بود که با گذر زمان بیشتر نیز می‌شد. به همین منظور اولین اتاق وضعیت سیاه قبل از آغاز سلسله پهلوی را به صورت غلوآمیز نمایش می‌داد تا پیشرفت‌های پهلوی را بیشتر و بهتر به رخ بکشد و در نهایت در تالار آینه که آخرین تالار موزه بود نور چراغ‌ها از کم شروع می‌شد و به تدریج افزایش می‌یافت و هم‌زمان جمله‌ای از سخنان محمدرضاشاه از بلندگو پخش می‌شد که آینده درخشان ایران را نوید می‌داد (نیکپی، ۱۳۵۲، صص ۱۰ و ۱۲). این ترکیب نور و صدا نمایشی از پیشرفتی بود که با آغاز دوره پهلوی آغاز شده بود و به سرعت روبه‌افزایش بود.

در تمام بخش‌های موزه آثار زیادی از انتخاب‌گزینشی تاریخ دیده می‌شد. برای نمونه از بین همه وقایع تاریخی آنچه مربوط به حکومت قاجار بود سراسر سیاهی و عقب‌ماندگی

و آنچه مربوط به حکومت ۵۰ساله پهلوی بود سراسر پیشرفت به تصویر کشیده می‌شد و اسناد یا تصاویری از رویدادها یا حوادث ناخوشایند دوره پهلوی وجود نداشت. در واقع باتوجه به کتاب «پنجاه سال در کاخ مرمر» و توصیفات آن درباره موزه و تاریخ حکومت پهلوی، در این موزه تنها نقاط مثبت حکومت پهلوی نمایش داده شده بود و از نقاط منفی سخنی به میان نیامده بود (نیکپی، ۱۳۵۲).

برای ایجاد موزه هزینه‌های زیادی صرف شد و بسیاری از وسایل لازم برای موزه و حتی کارگران نصب وسایل را هم از ایتالیا آوردند. مواردی که در قرارداد بین شهرداری و معماران پروژه ذکر شده بود عبارت بود از: تهیه فرش ماشینی از بهترین نوع موجود در بازار ایتالیا مجموعاً ۱۹۰۰ مترمربع؛ تهیه پرده‌های دوپل برای تمام پنجره‌های خارجی کاخ از پارچه‌های پشمی و نخی؛ تهیه نرده‌های چوبی لاک‌الکلی یا نرده‌های فلزی صیقلی برای نصب روی دیوار در طول راهروها به طول ۲۰۰ متر؛ تهیه موکت پشمی برای راهروها به طول ۴۵۰ متر؛ تهیه سایبان (قبة) بین تالارهای مختلف در طبقه همکف و اول از قطعات فلزی پیش ساخته با پوشش پارچه کتانی خالص؛ وسایل الکتریکی؛ تجهیزات نمایش و ...؛ به علاوه حمل وسایل از میلان تا تهران با پنج کامیون و نصب آنها توسط کارگران ماهر و متخصص در محل (ساکما، ۳۴۰/۴۹۸۷). در نهایت کارهای اجرایی موزه در سال ۱۳۵۲ رو به اتمام بود که محمدرضاشاه از موزه دیدن کرد ولی آن را نپسندید و کار به طراحی دوم کشیده شد.

۵. دومین طراحی موزه سلسله پهلوی

در اواخر سال ۱۳۵۲ محمدرضاشاه از موزه پهلوی دیدن کرد. در گزارشی که هویدا به رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی فرستاد در زمینه نظر شاه درباره طراحی موزه پهلوی گفت:

«طرز عرضه موزه و محتویات آن، چه از لحاظ محتوی و چه از نظر شکل و هماهنگی آن با بنای کاخ مرمر آن طور که بایست جوابگوی نیات عالی شاهنشاه نبوده و واقعیات تاریخی به شکلی که در موزه عرضه شده، به نحوی است که برجستگی و نکات مهم تاریخ خاندان پهلوی را به طور مطلوبی مجسم نمی‌نماید و به علاوه هماهنگی لازم از نظر سبک در کار موزه مشاهده نمی‌شود» (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۰۳).

به دنبال بازدید شاه از موزه ششم بهمن در محل برج شهید در ۲۸ اسفند ۱۳۵۲، رئیس برنامه و بودجه با فریچ، متخصص نمایشگاه‌ها و موزه‌ها، برای طراحی مجدد موزه پهلوی وارد مذاکره شد. فریچ کار موزه شهید را انجام داده بود و در آن زمان نیز مشغول ساخت موزه ششم بهمن بود (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۰۳). وی در پیشنهادی کتبی عنوان کرد:

«این نمایشگاه [طرح اولیه موزه پهلوی] نمایشگاه مرده‌ای است که نه تنها وظیفه



مدنظر را انجام نمی‌دهد، بلکه نمای داخلی کاخ مرمر را کاملاً خراب کرده‌است. من به خوبی آگاهم که هزینه‌ای که صرف این موزه شده به‌طور یقین بسیار گران بوده‌است؛ باوجوداین من نمی‌توانم توصیه کنم که کلیه این نمایشگاه و [یا] حداقل قسمتی از آن به‌عنوان موزه دائمی باقی بماند و ارتباط دودمان سلطنت پهلوی به نسل معاصر مردم ایران را مرتبط سازد» (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۰۳).

سپس او اعلام کرد که در کار پروفیسور آلبینی و پروفیسور هلگ دست نخواهد برد و طرح جدیدی تهیه خواهد کرد که اجرای آن در کمتر از دو سال عملی نخواهد بود و پیش‌بینی کرد که می‌توان موزه را به‌مناسبت پنجاهمین سال‌گرد بنیان‌گذاری دودمان پهلوی رسماً افتتاح کرد (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۰۳).

فریچ در ادامه از مفهوم جدیدی برای موزه صحبت کرد: «ازآنجاکه چهره ایران در حال حاضر به‌سرعت تحول می‌یابد و ملت ایران با گام‌های بلند به‌سوی تمدنی بزرگ پیش می‌رود، برگزاری چنین نمایشگاهی بدون تردید رویدادی جالب خواهد بود. باید توجه داشت که کامیابی‌های دودمان پهلوی باید اساس و روح این نمایشگاه را تشکیل دهد» (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۰۳).

پس‌ازآن، جلسات متعددی با حضور وزیر فرهنگ و هنر، رئیس سازمان برنامه‌و بودجه، وزیر اطلاعات، شهردار پایتخت، معاون وزارت امور خارجه، معاون فرهنگی وزارت دربار شاهنشاهی، رئیس سازمان رادیو و تلویزیون ایران و تعدادی از کارشناسان مربوطه درباره‌ی وضع فعلی موزه و امکان ایجاد تغییراتی در آن تشکیل شد و پیشنهادهایی مطرح شد مبنی‌بر اینکه دو سال کار به‌تعویق نیفتد و با تغییراتی در موزه فعلی نقایص برطرف شود و موزه مستلزم خرج جدیدی نشود (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۰۳)؛ ولی درنهایت با تصمیم شاه طراحی مجدد موزه شروع شد و کار را به پروفیسور فریچ دادند و او نیز کار خود را به‌همراه گروهی از هنرمندان مرکز هنر چکسلواکی آغاز کرد. پروژه را نیز از شهردار پایتخت، غلام‌رضا نیک‌پی، به وزیر فرهنگ و هنر، مهرداد پهلبد، واگذار کردند (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۰۳).

استیل معتقد است که شاه به‌جز امضای احکام سلطنتی و شرکت در مراسم رسمی، در پروژه‌های فرهنگی مانند کتاب‌خانه ملی پهلوی و پروژه‌هایی از این دست، نقش بسیار کمی داشت و عموماً در کارهای زیردستان خود در دربار شاهنشاهی دخالت نمی‌کرد (Steele, 2019, p87). طیبی نیز بر نقش فرح در سیاست فرهنگی و حمایت از شکل‌گیری موزه‌ها در دهه پنجاه تأکید می‌کند (Tabibi, 2014, p105). باین‌حال این گفته درباره‌ی موزه پهلوی صدق نمی‌کند؛ چراکه محمدرضاشاه کاملاً با این پروژه درگیر بود. پس از طراحی موزه و نپسندیدن طرح اول توسط محمدرضاشاه، او در امور مربوط به موزه دخالت کرد. باوجود تلاش

نخبگان (وزیران و ...) در راستای طرح و پیشنهادهایی برای جلوگیری از طراحی مجدد و صرفه‌جویی در زمان و هزینه ساخت موزه، محمدرضاشاه خواهان طراحی دوباره موزه و در نتیجه به تعویق افتادن افتتاح موزه به مدت دو سال شد. شاه در طرح جدید دستورات و نظراتی نیز مطرح می‌کرد. برای نمونه در زمان تهیه طرح دوم برای موزه پهلوی دستور داد که «هر برنامه‌ای که برای این موزه تهیه می‌شود منحصرأ باید در ساختمان فعلی پیاده شود و احداث ساختمان دیگر [ی] برای موزه در این کاخ به هیچ وجه ضروری نیست» (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۰۳). شاه طرح‌ها را مطالعه می‌کرد و نظرات خود را بیان می‌کرد. در نامه‌ای از وزیر فرهنگ و هنر به نخست‌وزیر آمده است که «نقشه‌ها و ماکت‌ها و طرح جزئیات موزه سلسله پهلوی که یاروسلاو فریچ تهیه کرده است آماده عرضه به پیشگاه... آریامهر است و هنرمند نامبرده نیز جهت عرض توضیحات حضوری به پیشگاه مبارک ملوکانه، در تهران توقف دارد» (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۰۳). در مجموع درگیری شاه با طراحی موزه و حتی جزئیات آن اهمیت زیاد این موزه برای او را آشکار می‌کند.

در طرح پیشنهادی فریچ هجده تالار طراحی شده بود که در پنج تالار ابتدایی، پنج دوره به نمایش گذاشته می‌شد:

۱. آغاز سلطنت (۱۲۹۹): ۲. شاهنشاهی رضاشاه کبیر (۱۲۹۹-۱۳۲۰): ۳. ایران در جنگ جهانی دوم (۱۳۲۰-۱۳۴۱): ۴. انقلاب شاه و ملت (۱۳۴۱ تا ۱۳۵۴): ۵. در راه تمدن بزرگ (۱۳۵۴ به بعد) (بی‌نام، ۱۳۵۵، ص ۲۲۱).

در قیاس با طرح آلبینی و هلگ که تاریخ پهلوی را در سه بازه زمانی و سه تالار الف) ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰، ب) ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۱، و ج) ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ نمایش داده بود، در طراحی فریچ دو تالار برای نمایش تاریخ سلسله پهلوی اضافه شد. او سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ را نه در یک تالار، که در دو تالار به نمایش گذاشته بود و یک تالار را به حکومت قاجار تا زمان آغاز سلطنت در سال ۱۲۹۹ و دیگری را به سلطنت رضاشاه بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۱ اختصاص داده بود. ضمناً او در تالاری بانام «در راه تمدن بزرگ» نیز به نمایش سال‌های ۱۳۵۴ به بعد پرداخته بود. به‌طور کلی می‌توان درباره چهار رکن ایدئولوژیک حکومت پهلوی، که فریچ به خوبی توانسته بود براساس آن موزه را طراحی کند بحث کرد: یکی ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی که پیوند سلسله پهلوی با آن به گونه‌های مختلف در موزه نمایش داده می‌شد. دومین رکن، نمایش عامل انحطاط و عقب‌ماندگی ایران یعنی دولت قاجار و سپس نمایش شاهنشاهان پهلوی بود. انقلاب سفید یا انقلاب شاه و ملت رکن دیگری بود که به یکی از عناصر مهم و عمده ایدئولوژی حکومتی تبدیل شده بود و در نهایت تمدن بزرگ که نوید عصر طلائی آینده را می‌داد.



۵.۱. نمایش ایده ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی

اساس ایدئولوژی پهلویسم ایده ۲۵۰۰ سال تاریخ مستمر ایران بود که با استقرار حکومت هخامنشی آغاز شده بود (Shakibi, 2013, p119). دولت پهلوی، نوعی ناسیونالیسم را ترویج می کرد که احیاکننده عظمت گذشته پرافتخار ایران باشد (اکبری و بیگدلو، ۱۳۹۰، صص ۱۰ و ۱۱). جشن های ۲۵۰۰ ساله به مناسبت گذشت ۲۵۰۰ سال از پایه گذاری رژیم شاهنشاهی در ایران به دست کوروش هخامنشی، تغییر مبدأ تقویم کشور از هجرت پیامبر به سال جلوس کوروش، تشویق اقدامات باستان شناسی، نوشتن کتاب های زیاد و برگزاری کنگره های متعدد درباره تاریخ و تمدن ایران باستان و ... نمونه هایی از این تلاش بود. در واقع هدف ایدئولوژی ناسیونالیسم شاهنشاهی، القای این تصور بود که ایران زمانی نیرومند است که شاهنشاهی مقتدر آن را اداره کند و به این ترتیب خود را ادامه دهنده و جانشین برحق سلسله هخامنشی معرفی می کرد.

در موزه پهلوی اگرچه تالاری به طور خاص به تاریخ باستان و ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی اختصاص داده نشده بود، ولی در جای های مختلف بین سلسله پهلوی و هخامنشی رابطه برقرار شده بود. در ورودی موزه (تالار ۱)، دو تندیس نیم تنه دو شاه پهلوی و نقشه زرین ایران شامل نمادهای دولت پهلوی به همراه لوحه ای از خطاب داریوش به شاهنشاهان ایران قرار داده شده بود: «ای شاه تو در روزهای آینده سلطنت خواهی کرد، از ریای گستاخانه به دور و در امان باش...». طراحی این تالار، نمایشی برای ایجاد ارتباط بین شاهان پهلوی با شاهان هخامنشی و تلاشی برای نمایش تداوم حکومت هخامنشی از طریق پهلوی بود. برای تالار شماره ۹ که تالار سینما بود نیز سه فیلم اصلی تهیه شده بود که در یکی از آنها با عنوان «کشوری با ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی» با نشان دادن صحنه هایی از تخت جمشید، زیبایی های ایران، هنر ایرانی، تاج گذاری رضاشاه، انقلاب سفید، تاج گذاری محمدرضاشاه، جشن های ۲۵۰۰ ساله، تمدن بزرگ و ... تلاش برای پیوند حکومت پهلوی با هخامنشی بار دیگر دیده می شد. این فیلم به نمایش کوروش می پرداخت که شاهنشاهی ایران را بنیاد نهاد و پایه گذار امپراتوری ای شد که هخامنشیان را فرمانروای ۲۸ ملت ساخت و تخت جمشید را به کانون فرهنگ باستان بدل کرد. سپس با نمایش سلسله پهلوی، ایران را در تلاش برای احراز موقعیت ممتازی نشان می داد که شاهنشاهان هخامنشی درین ملل داشتند و ابراز می داشت که ایرانیان یکبار دیگر توانسته اند در خانه هایی سرشار از خوش بختی و هماهنگی به زندگی ادامه دهند و کشور به راهی تازه گام نهاده است؛ راهی که به تمدن بزرگ می انجامد (ساکما، ۲۵۷۶۳/۲۶۶). وحدت و دوام شاهنشاهی بار دیگر در تالار شکوه (تالار ۱۶) به تصویر کشیده می شد و با برنامه سمعی بصری و استفاده

از سه پرده سینما شکوه ایران از زمان هخامنشی و شاهان آن و سپس شکوه بازیافته ایران در زمان سلطنت سلسله پهلوی نمایش داده می‌شد (ساکما، ۲۵۷۶۳/۲۶۴).

آنچه در این تالارها نمایش داده می‌شد تبلیغ نظام شاهنشاهی بود که شاه آن را «اساس هویت ملی ایرانیان» معرفی می‌کرد. او بر این باور بود که در طول تاریخ، نظام شاهنشاهی مکرراً ایران را در بزنگاه‌های پرفرازونشیب تاریخ از خطر نابودی نجات داده‌است و ملت ایران برای رشد و بالندگی چاره‌ای جز اتکا به این نیروی معنوی ندارند (اکبری و بیگلرلو، ۱۳۹۰، ص ۱۰). آنان با تاکید فراوان بر سلطنت هخامنشی و کمتر پرداختن به حکومت‌های پیش و پس از آن در تلاش بودند تا حکومت پهلوی را در پیوند با هخامنشی قرار دهند و آن را ادامه‌دهنده و جانشین برحق آنان بدانند و نشان دهند که در حکومت پهلوی ایران به همان موقعیت دوران هخامنشی رسیده‌است.

۵.۲. نمایش حکومت قاجار و پهلوی

در موزه پهلوی هم‌راستا با ایدئولوژی پهلویسم، حکومت قاجار عامل عقب‌ماندگی ملت ایران و ازبین‌رفتن تاریخ و سنت شکوهمند آن معرفی می‌شد. در تالار شماره ۲ (تالار نمایش آغاز سلطنت در سال ۱۲۹۹) فقط نقاط تاریک و سیاه تاریخ حکومت قاجار نمایش داده می‌شد. عکس‌هایی از فقر، اذیت، بی‌سوادی و نومیدی ملت ایران، آلودگی‌های خانوارهای تهرانی، تهیه نان از آب گل‌آلود و آرد، تنبیه مردم با تازیانه و ... عکس‌هایی گزینشی برای نمایش زندگی سطح پایین مردم و تلاشی برای نمایش زجر و وحشت مردم در آن زمان بود (ساکما، ۲۵۷۶۳/۲۶۴؛ ۲۶۴/۲۶۴۳۰).

بلافاصله در تالار بعد، (تالار ۳)، سلطنت رضاشاه با تصاویری از راه‌آهن سراسری و تصاویر مربوط به آغاز صنعتی شدن کشور، نخستین موتورها، نخستین ادوات رفا و ... و مشارکت رضاشاه در انجام امور صنعتی و بازدیدها و سخنرانی و حضور او در سایت‌های میراث فرهنگی و ... نمایش داده می‌شد. کلاژی از عکس‌های تاریخی تاج‌گذاری رضاشاه به همراه نمادهایی از شادی و صلح، گل، کودکان، دست انسان‌ها، پرندگان و خورشید تهیه شده بود تا به مخاطب القا کند که از زمان آغاز حکومت پهلوی صلح و آسایش کشور را فراهم کرده‌است و حکومت پهلوی دوران سیاه و سخت قاجار را پایان داده‌است و رضاشاه وحدت سیاسی به ایران بخشیده‌است و بازسازی اجتماعی و اقتصادی کشور را پی‌ریزی کرده‌است و شرایط تجدید ولادت فرهنگ ایرانی را فراهم آورده‌است (ساکما، ۲۵۷۶۳/۲۶۴؛ ۲۶۴/۲۶۴۳۰).

ولی در تالار شماره ۹ که بیشتر درباره یکی از فیلم‌های صحبت شد، دو فیلم اصلی دیگر نیز پخش می‌شد. یکی درباره بنیان‌گذار سلسله پهلوی که به وجهی شاعرانه



از دوره زندگی رضاشاه و دستاوردهایی که نصیب ملت ایران کرد حکایت می‌کرد و از مدارک، نمادهای هنری و صحنه‌های زنده و گزیده‌شده‌ای در ساخت فیلم استفاده شده بود تا بر اراده آهنین او و پیوندش با آب‌و‌خاک میهن و با ملت ایران و آموزش تأکید شود (ساکما، ۲۵۷۶۳/۲۶۴). دیگری فیلمی مربوط به پنجاه سال سلطنت پهلوی بود و شامل صحنه‌هایی از تاج‌گذاری رضاشاه، وحدت کشور، جنگ، سوگند محمدرضاشاه، تجدید وحدت کشور، ازدواج با فرح، ولیعهد، اصلاحات ارضی، انقلاب سفید، تاج‌گذاری شاه، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و ... بود. هدف از این فیلم تجلیل از آثار خاندان پهلوی و تأکید بر خوشبختی ملت ایران بود و در آن در کنار قطعات مستند، از تصاویر شاعرانه طبیعت و مناظر بدیع آثار هنری هم استفاده شده بود. موسیقی، گفتار شاعرانه و تصویر سینمایی در جهت بیان دراماتیک استفاده شده بود (ساکما، ۲۵۷۶۳/۲۶۴).

تالارهای دیگری نیز در طبقه بالا وجود داشتند که تاحدزیادی دست‌نخورده باقی مانده بودند: تالار ناهارخوری، تالار بارعام (تالار آینه)، خوابگاه رضاشاه و اتاق مطالعه رضاشاه. با کمک صوت‌هایی از رضاشاه و امور روزانه حال‌وهوای گذشته در این تالارها ایجاد شده بود تا بین مخاطب و فضا ارتباط ایجاد شود. در تالار آینه عنصر اصلی و غالب، «شجره» دست‌سازی بود که در واقع ترکیبی انتزاعی و نمادی از خاندان پهلوی بود و پیوند این سلسله با ملت را عرضه می‌کرد (ساکما، ۲۵۷۶۳/۲۶۴؛ ۲۶۴/۲۶۴۳۰).

علاوه بر این‌ها بخش دیگری نیز روایت‌گر رویدادهایی واقعی از زندگی دو شاه پهلوی بود. این بخش باغ‌موزه پهلوی بود که برای آن برنامه زمزمه درختان را در نظر گرفته بودند که بازدیدکنندگان می‌توانستند از بلندگوها داستان‌هایی کوتاه مبنی بر رویدادهای واقعی زندگی دو شاه این سلسله را بشنوند. ساخت فنی مدرن این برنامه براساس شیوه اصیل نقالی ایرانی انجام شده بود و تلاشی در راستای گفتمان سنت و مدرنیته این دوران بود. گل‌کاری باغچه‌ها نیز برعهده استان‌های مختلف کشور گذاشته شده بود تا هر یک باغچه‌ای متناسب با سنت‌های خود بپرورند (ساکما، ۲۵۷۶۳/۲۶۴؛ ۲۶۴/۲۶۴۳۰).

۵.۳. نمایش انقلاب سفید یا انقلاب شاه و ملت (۱۹۶۳)

انقلاب سفید با هدف دوگانه رقابت با انقلاب سرخ از پایین، و هم‌چنین جلوگیری از وقوع آن، طراحی شده بود (Abrahamian, 2008, p131). گرچه بسیاری به دنبال بهبود مشکلات اقتصادی-اجتماعی کشور بودند، این انقلاب اساساً برنامه‌ای سیاسی بود که نخبگان سیاسی برای حفظ هرچه بیشتر روابط سلطه مستقر تا آنجا که واقع بینانه امکان‌پذیر بود تصور می‌کردند (Ansari, 2001, p2). شاه انقلاب سفید و اصول آن را به یکی از



عناصر مهم و عمده ایدئولوژی حکومتی تبدیل کرد که رسالت آن مدرن کردن جامعه و تبدیل آن از جامعه‌ای قرون وسطایی به جامعه‌ای پیشرفته بود. در واقع انقلاب سفید و اصول هفده‌گانه آن به مهم‌ترین پایه تبلیغات حکومت در داخل و خارج از کشور بدل شده بود (اکبری و بیگدلو، ۱۳۹۰، ص ۹).

در موزه سلسله پهلوی، تالار شماره ۵، این انقلاب را به نمایش می‌گذاشت و مدعی بود که حتی کورش یا شاه‌عباس هم توفیق آن را نیافتند که در دوره سلطنت خود این چنین احساس ایمان و جدیتی در کار سازندگی ایران و آینده آن به ملت دهند. در این تالار کلاژهای مختلفی نمایش داده می‌شد؛ از جمله: عکس پالایشگاه نفت که صحنه‌هایی از صنعتی شدن مملکت با آن ترکیب شده بود؛ افتتاح کارخانه‌های صنعتی، مکانیزه شدن کشاورزی، آغاز بهره‌برداری از ذخایر تازه نفت که بیانگر صنعتی شدن ایران در اثر طرح‌های درازمدت توسعه کشور بود؛ نمایش صحنه‌هایی از فعالیت سپاه از جمله آموزش، معالجه بیماران و ... برای نشان دادن آهنگ پیشرفت انقلاب سفید و مشارکت مشتاقانه ملت ایران در تحقق بخشیدن به آن؛ به علاوه کلاژی منعکس‌کننده اعلام و رهبری انقلاب سفید توسط محمدرضا شاه و هم‌چنین صحنه‌هایی از فعالیت شاه مانند اهدای اسناد مالکیت زمین به کشاورزان، افتتاح کارخانه‌های صنعتی، افتتاح سدها، گشایش خطوط هوایی، سخنرانی و ... به هدف نشان دادن شاه به عنوان الهام‌بخش و رهبر انقلاب سفید (ساکما، ۲۶۴/۲۵۷۳۳؛ ۲۶۴/۲۶۴۳۰). هفده اصل انقلاب شاه و ملت نیز در فلزی منعکس شده بود که مقاله‌ای در مجله کاوه آن را «شاهدی از بزرگ‌ترین مواهب دوران شاهنشاهی سلسله پهلوی» بیان کرده بود (بی‌نام، ۱۳۵۵، ص ۲۳۱؛ بی‌نام، ۱۳۵۵، ص ۲۱۱).

۵.۴. نمایش تمدن بزرگ

در اواخر دهه ۱۹۶۰ شاه در پی ایجاد ایدئولوژی مدرنی برای سلطنت بود. فرایندی که با ایجاد حزبی واحد (حزب رستاخیز ملت) در سال ۱۹۷۵ و اعلام هدف ایدئولوژیک ساخت «تمدن بزرگ» به اوج خود رسید (Shakibi, 2018, p252). طبق این برنامه، آینده ایران از دوران گذشته مانند دوران هخامنشی، ساسانی و پارتیان بسیار باشکوه‌تر می‌شد؛ استاندارد زندگی در ایران از اروپا پیشی می‌گرفت؛ روش زندگی جدیدی بهتر از روش‌های سرمایه‌داری و کمونیسم به جهان عرضه می‌شد؛ و هم‌چنین ایران در طول یک نسل به جایگاه پنجمین قدرت جهان - پس از آمریکا، شوروی، ژاپن و چین - دست پیدا می‌کرد (Abrahamian, 2008, p131). در اکتبر ۱۹۷۶، هنگامی که موزه سلسله پهلوی در تهران افتتاح شد، شاه درباره اهمیت آن نهاد و پیوندهای آن با حزب جدید رستاخیز سخنرانی‌هایی کرد.



شاه تأکید کرد که این موزه نمایی از تاریخ کشور ما در قرن بیستم است و به صراحت وضعیت قبل از ورود سلسله ما را نشان می‌دهد و مقایسه بسیار لازم برای تقدیس عصر سازندگی را امکان‌پذیر می‌کند (Grigor, 2009, p139).

برای نمایش راه به سوی تمدن بزرگ، در تالار شماره ۶ از نقشه و کلاژ تصاویر استفاده شده بود. نقشه‌ای بیانگر صنعتی شدن کشور، شبکه حمل و نقل، ثروت‌های ملی، رشد شهرها، خدمات بهداشتی، دانشگاه‌ها و مدارس و ... که هدف آن نشان‌دادن شکوفایی ایران بود که در آن میلیون‌ها نفر خوشبخت زندگی می‌کردند و رهبرش دست‌اندرکار فراهم‌آوردن شرایطی بود که زندگی نسل‌های آینده در رفاهی حتی افزون‌تر سپری شود. سطح دوم نقشه منعکس‌کننده وضع خانواده ایرانی در ۱۹۷۵ بود. درآمد خانواده، تعداد دانشجویان و دانش‌آموزان، ارقام مربوط به رفاه اجتماعی و ... که هدف آن نشان‌دادن توجهی بود که اهالی ایران از آن برخوردار خواهند شد (ساکما، ۲۶۴/۲۵۷۶۳؛ ۲۶۴/۲۶۴۳۰). هم‌چنین در این تالار برای بیان راهی که ایران به سوی تمدن بزرگ می‌پیمود از راه‌حلی شامل ترکیب پیکره و نور همراه با کار تجسمی با برجسته‌کاری آینه استفاده شده بود. در این ترکیب از تصویر منشورهای سه‌وجهی کمک گرفته شده بود و بر وجوه منشورها تصاویر برجسته، فیلم و اسلاید به کار رفته بود (ساکما، ۲۶۴/۲۵۷۶۳؛ ۲۶۴/۲۶۴۳۰).

چهار رکن گفته‌شده در همراهی با ایدئولوژی پهلوی، اساس طراحی موزه را تشکیل می‌داد. این موارد در طراحی فریچ از طریق تندیس‌ها، نقشه‌ها، لوحه‌های مرمر، عکس‌های مختلف، کلاژ عکس، مدارک و اسناد مختلف، اشیای به‌جامانده از گذشته، فیلم طویل و اسلاید، نقاشی یادبود و ... به نمایش درآمده بودند. برای این کار از تجهیزات پیشرفته صوتی و تصویری، پروژکتور، پرده سینما و ... استفاده شده بود و تجهیزات از کشورهای مختلف وارد شده بودند. نکته جالب توجه جنس برخی از مصالح ساخت کلاژها بود که با تغییر تالارها تغییر می‌کرد. برخی از این مصالح با روی آغاز می‌شد و در تالارهای بعد به مفرغ، فولاد، نقره و در نهایت در تالار تمدن بزرگ به طلا تبدیل می‌شد. این موضوع تلویحاً به پیشرفت‌های زیادی اشاره می‌کرد که در دوره پهلوی با گذشت زمان بیشتر و بیشتر شده بود (ساکما، ۲۶۴/۲۶۴۳۰).

موضوع قابل توجه دیگر قرارگیری لوحه‌ها و متن‌های این موزه به دو زبان فارسی و انگلیسی برای بازدیدکنندگان و پژوهش‌گران ایرانی و خارجی بود. یکی از تالارها (تالار ۸) نیز به مطالعه و پژوهش پژوهش‌گران اختصاص یافته بود. در این تالار تمامی اطلاعات مربوط به دوران پنجاه‌ساله سلطنت پهلوی و نوارهای برگزیده از سخنرانی‌های شاه و فرح گرد آمده بودند (ساکما، ۲۶۴/۲۵۷۶۳؛ ۲۶۴/۲۶۴۳۰). شاه می‌خواست «تاریخ شاهنشاهی

ایران از طریق اسناد موجود و محفوظ و گویا برای بررسی و تحقیق محققان داخلی و خارجی در دسترس باشد» (ساکما، ۹۹۸/۱۷۶۲). فریچ درباره‌ی طرح پیشنهادی اش گفته بود که این موزه باید «نه تنها برای مردم ایران بلکه برای بازدیدکنندگان خارجی نیز گیرایی لازم را داشته باشد و بتواند کشور بزرگ و کهن سال ایران را به شکلی بدیع به قاطبه‌ی مردم جهان بشناساند» (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۰۳).

به نظر می‌رسد شاه می‌خواست این موزه فقط موزه‌ای ملی نباشد و جهانیان نیز از آن دیدن کنند. این موضوع در دیگر اقدامات او از جمله جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، برگزاری نمایشگاه در کشورهای مختلف، برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی و ... نیز دیده می‌شد. از اوایل دهه ۶۰ رژیم پهلوی بر آموزش و فرهنگ داخلی و بین‌المللی تأکید داشت. بیشتر این اقدامات دارای تمرکز سیاسی بودند؛ خواه از آن‌ها به عنوان ابزاری در دیپلماسی بین‌المللی استفاده شود و خواه برای تشویق ایرانیان به هم‌ذات‌پنداری با پادشاه به عنوان منبع تاریخی وحدت ملی استفاده شود (Steele, 2020, p145).

۶. گشایش موزه پهلوی در پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی

آیین بزرگداشت پنجاهمین سال‌گرد سلسله پهلوی در سال ۱۳۵۵ برگزار شد. این آیین با آغاز نوروز ۱۳۵۵ با حضور محمدرضاشاه در محل مقبره رضاشاه آغاز شد. در طی سال ۱۳۵۵ جشن‌ها و آیین‌هایی به مناسبت‌های مختلفی همچون تولد شاه، شهبانو و ولیعهد و سال‌روزهای اتفاقات سیاسی و ... برگزار شد. نمایشگاه‌های مختلف برگزار شد و موزه پهلوی نیز آبان‌ماه این سال افتتاح شد. در نهایت اختتامیه جشن پنجاهمین سال‌گرد سلسله پهلوی در سال‌روز تولد رضاشاه در مقبره رضاشاه در اسفندماه برگزار شد و جشن‌ها به پایان رسید (ساکما، ۳۴۰/۴۷۱).

در این سال‌گرد وزارت فرهنگ و هنر سیاست فرهنگی چاپ کتاب، تشکیل مراکز اسناد، ایجاد کتابخانه‌های عمومی، موزه‌ها، مراکز آموزش هنر، و مراکز فرهنگی ایران در خارج از کشور را در دستور کار جای داده بود و اعلام کرده بود که پژوهش‌هایی که به این مناسبت انجام می‌شود باید حیات فرهنگی ملت ایران را بررسی کند و چگونگی تجدید هویت ملی ایرانیان را که بارزترین پدیده این دوران است بیان کند (ساکما، ۲۶۴/۲۷۵۱۳). پنج سال پیش‌ازین نیز برای جشن ۲۵۰۰ سالگی، کنفرانس‌های بزرگی برگزار شده بود و کتاب‌های زیادی منتشر شده بود تا از سلطنت ایران باستان تجلیل شود و دستاوردهای اخیر ایران بیان شود (Steele, 2020, p12). جشن پنجاهمین سال‌گرد حکومت پهلوی اگرچه نه در مقیاس جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، ولی نمونه‌ای از آیین‌های اختراعی به بیان هابسبام بود. در واقع



حکومت پهلوی از این مراسم به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشیدن به دولت خود استفاده می کرد؛ اگرچه این مراسم اغلب سکولار بود نه مذهبی (Steele, 2020, p145). موزه پهلوی نیز در همین سال هم راستا با اهداف برگزاری پنجاهمین سالگرد حکومت پهلوی افتتاح شد و قرار بود حکومت پنجاه ساله پهلوی ها و دستاوردهای آن ها را به نمایش بگذارد.

موزه پهلوی در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۵۵ گشایش یافت. برای گشایش موزه برنامه ای دقیق تدارک دیده بودند. آرایش تشریفاتی شامل نصب پرچم سلطنتی در پشت بام موزه، استقرار فانفار^۱ در سردر ورودی، مفروش کردن مسیر حرکت شاه با فرش قرمز، قرارگیری گارد شاهنشاهی با لباس تشریفاتی در دو طرف مسیر حرکت شاه، موزیک نظامی برای اجرای سلام شاهنشاهی، تزیین تمام محوطه باغ با گل های مناسب خصوصاً گل سرخ، نصب سایبان مخصوص برای مدعوین، تزیین محوطه جنوبی حوض مرمر و دیوار جنوبی پارک و مسیر موکب ملوکانه با پرچم های ایران و ... بود (ساکما، ۲۸۲۷۶/۲۶۴). در همان سال نیز تصویر موزه پهلوی بر اسکناس ۱۰۰ ریالی نقش بست (تصویر ۸).



تصویر ۸

تصویر موزه پهلوی بر اسکناس
۱۰۰ ریالی (نوبن فرح بخش، ۱۳۹۶،
ص ۱۱۰).

افتتاح موزه سلسله پهلوی در راستای روایت گیری تاریخ حکومت و مشروعیت بخشی به آن و نویددهنده تمدن بزرگ محمدرضا شاه به ملت بود. باین حال تنها حدود دو سال پس از افتتاح این موزه با سقوط حکومت پهلوی، موزه سلسله پهلوی نیز تعطیل شد و ساختمان آن در اختیار نهادهای حکومت جدید قرار گرفت. در سال ۱۳۷۰ عملیات بازپیرایی و مرمت کاخ مرمر آغاز شد و تا سال ۱۳۷۴ به طول انجامید (جوادی، ۱۳۷۸، ص ۱۱) و پس از آن این ساختمان در اختیار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و ساختمان قدس نامیده شد (جوادی، ۱۳۷۸، ص ۸۷). این ساختمان در سال ۱۳۹۷ به بنیاد مستضعفان تحویل داده شد و در نهایت در سال ۱۳۹۸ بار دیگر به موزه تبدیل شد: موزه هنر ایران.

۱. فانفار: نوعی موسیقی کوتاه، پرشور و حماسی است که از ورود شخصیتی مهم مانند پادشاه، ملکه یا رئیس جمهور خبر می دهد.



۷. نتیجه

در دو دهه پایانی حکومت پهلوی ساخت و تأسیس موزه‌ها، در کنار دیگر سیاست‌های فرهنگی، همچون برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، آیین پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی، چاپ کتاب‌ها، برگزاری نمایشگاه‌ها و ... با هدف بیان و تبلیغ ایدئولوژی حکومت پهلوی انجام می‌شد. دستور تأسیس موزه سلسله پهلوی در سال ۱۳۴۹ نیز در راستای سیاست‌های فرهنگی این دوره صادر شد. عمل وقف کاخ مرمر برای شکل‌گیری موزه سلسله پهلوی نشان‌دهنده حرکتی نمایشی و تبلیغی برای ایجاد ارتباط بین دولت و ملت بود. هم‌چنین وقف کاخ و ایجاد موزه می‌توانست در ایجاد پشتوانه لازم برای مشروعیت‌بخشی به حکومت پهلوی مؤثر باشد.

این موزه و نمایش آن، برای محمدرضا شاه اهمیت فراوانی داشت؛ تا آنجا که اگر چه او در پروژه‌های مختلف فرهنگی کمتر دخالت می‌کرد، ولی در این موزه و طراحی آن مداخله داشت و درباره طراحی موزه، و چگونگی نمایش اشیا و ... نظر می‌داد. او با رد کردن طراحی اولیه موزه در سال ۱۳۵۲ که توسط موسسه آلبینی-هلگ با صرف هزینه‌های زیاد انجام شده بود، طراحی موزه را به گروه دیگری به سرپرستی فریچ سپرد تا موزه رسالت خود را در نمایش تاریخ و ایدئولوژی حکومت پهلوی بهتر ایفا کند. این بار ولی فریچ با تکیه بر ایدئولوژی پهلوی و طراحی موزه بر اساس مفاهیم برگرفته از این ایدئولوژی همچون ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی، انقلاب سفید، تمدن بزرگ و ... توانست نظر شاه را جلب کند.

در نهایت افتتاح موزه در آیین بزرگداشت پنجاهمین سال‌گرد سلسله پهلوی در سال ۱۳۵۵ و سخنرانی محمدرضا شاه درباره اهمیت این موزه نشان داد که موزه سلسله پهلوی در واقع به مثابه رسانه‌ای جمعی، محلی برای نمایش ایدئولوژی حکومت پهلوی بود. این موزه نهادی فرهنگی بود که از آن بهره‌برداری سیاسی می‌شد و در خدمت تبلیغ حکومت، مشروعیت‌بخشی به آن و نمایش تاریخ‌گزینشی، پیشرفت‌ها و دستاوردهایش به ملت و جهان بود. اگر چه موزه سلسله پهلوی تمدن بزرگ محمدرضا شاه را به ملت نوید می‌داد، ولی تنها حدود دو سال پس از گشایش این موزه حکومت پهلوی سقوط کرد و موزه سلسله پهلوی نیز تعطیل شد. با این حال ساختمان سابق کاخ مرمر هم‌چنان با کاربری‌های مختلف به حیات خویش ادامه داد تا در سال ۱۳۹۸ بار دیگر به موزه تبدیل شد: موزه هنر ایران.



منابع فارسی

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (ساکما): ۲۲۰/۱۴۷۰۳؛ ۲۶۴/۲۵۷۶۳؛ ۲۶۴/۲۶۴۳۰؛ ۲۶۴/۲۷۳۳۰؛ ۲۶۴/۲۷۵۱۳؛ ۲۶۴/۲۸۲۷۶؛ ۳۴۰/۴۷۱؛ ۳۴۰/۸۳۰؛ ۳۴۰/۴۹۸۷؛ ۳۴۰/۱۷۶۲؛ ۹۹۸/۱۷۶۲.

کتاب

جواد، غلامرضا. (۱۳۷۸). *نگاهی به عمارت تاریخی کاخ موزه مرمر*. تهران: کلید.
علم، اسدالله. (۱۳۹۲). *یادداشت‌های اسدالله علم*. جلد دوم: از ۱۳۴۹/۱/۱ تا ۱۳۵۱/۱۲/۲۱. (علی‌نقی عالی‌خانی، ویراستار). تهران: کتاب‌سرا.
فرمان‌فرمایان، ستاره. (۱۳۸۳). *دختری از ایران*. (مریم‌اعلایی، مترجم). تهران: کارنگ.
قبادیان، وحید. (۱۳۹۲). *سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران*. تهران: مؤسسه علم معمار روپال.
نورین فرحبخش، فریدون. (۱۳۹۶). *راهنمای اسکناس‌های ایران: قاجار، پهلوی، جمهوری اسلامی*. ناشر: نورین فرحبخش.
نیک‌پی، غلامرضا. (۱۳۵۲). *پنجاه سال در کاخ مرمر: تجدید حیات ایران*. تهران: شرکت افست و سهامی خاص با همکاری انتشارات فرانکلین.

مقاله

اکبری، محمدعلی؛ بیگدلو، رضا. (۱۳۹۰). «پهلویسم: ایدئولوژی رسمی دولت محمدرضا پهلوی در دهه‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ش» *گنجینه اسناد*، شماره ۸۴، صص ۶-۲۵.
بی‌نام. (۱۳۵۵). «خانه شاه‌خانه مردم شد (گشایش موزه سلسله پهلوی)». *کاو* (مونخ آلمان)، شماره ۶۵، صص ۲۲۷-۲۳۲.
بی‌نام. (۱۳۵۵). «شمه‌ای از پیشینه امور باستان‌شناسی در ایران». *بررسی‌های تاریخی*، شماره ۶، صص ۱۷۱-۲۴۰.
بیگدلو، رضا. (۱۳۹۸). «کارکرد نهاد موزه ایران باستان در اندیشه دولت-ملت دوره پهلوی». *پژوهش‌های تاریخی*، پیاپی ۴۲، صص ۹۹-۱۱۷.
رضوی، یگانه؛ مظلوم، جنت. (۱۳۶۷). «اداره کل موزه‌ها پس از انقلاب اسلامی». *موزه‌ها*، شماره ۸.



منابع لاتین

Book

- Abrahamian, Ervand. (2008). *A History of Modern Iran*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Grigor, Talinn. (2009). *Building Iran: Modernism, Architecture, and National Heritage Under the Pahlavi Monarchs*. Pittsburgh, PA: Periscope Pub. Ltd.
- Matin-Asgari, Afshin. (2018). *Both Eastern and Western: An Intellectual History of Iranian Modernity*. Cambridge University Press.
- Mozaffari, Ali. (2014). *Forming National Identity in Iran: The Idea of Homeland Derived from Ancient Persian and Islamic Imaginations of Place*. London: I.B. Tauris.
- Steele, Robert. (2020). *The Shah's Imperial Celebrations of 1971: Nationalism, Culture and Politics in Late Pahlavi Iran*. London: I.B. Tauris.

Thesis

- Tabibi, Baharak. (2014). "Propagating Modernities: Art and Architectural patronage of Shahbanu Farah Pahlavi". Ph.D Thesis. Architectural History. Middle East Technical University. Turkey.

Articles

- Al-Ragam, Asseel. (2014). "The Politics of Representation: The Kuwait National Museum and Processes of Cultural Production". *International Journal of Heritage Studies*, 20(6), pp 663–674.
- Ansari, Ali M. (2001). "The Myth of the White Revolution: Mohammad Reza Shah, 'Modernization' and the Consolidation of Power". *Middle Eastern Studies*, 37(3), pp 1–24.
- Mozaffari, Ali. (2007). "Modernity and Identity: The National Museum of Iran". In Book: *Museum Revolutions: How Museums Change and Are Changed*. (Edited by Simon J. Knell, Suzanne Macleod and Sheila E. R. Watson). London, New York: Routledge



- Shakibi, Zhand. (2013). "Pahlavism: *The Ideologization of Monarchy in Iran*". *Politics, Religion & Ideology*, 14(1), pp 114–135.
- Shakibi, Zhand. (2018). "The Rastakhiz Party and Pahlavism: The Beginnings of State Anti-Westernism in Iran". *British Journal of Middle Eastern Studies* 45(2), pp 251–268.
- Steele, Robert. (2019). "The Pahlavi National Library Project: Education and Modernization in Late Pahlavi Iran". *Iranian Studies*, 52(1-2), pp 85–110.

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran): 220/14703; 264/25763; 264/26430; 264/27330; 264/27513; 264/28276; 340/471; 340/830; 340/4987; 998/1762.[Persian]

Books

- Abrahamian, Ervand. (2008). *A history of modern Iran*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Alam, Asadollah. (1392/2013). "*Yāddāšt-hā-ye Asadollah-e 'Alam, jeld-e dovvom: Az 1349/1/1 tā 1351/12/21*" (The diaries of Asadollah Alam: Volume II (1970, 1973)). Edited by Ali Naghi Alikhani. Tehrān: Ketābsarā.[Persian]
- Farmanfarmayian, Setareh. (1383/2004). "*Doxtariāz Irān*" (Daughter of Persia: A woman's journey from her father's harem through the Islamic Revolution). Translated by Maryam A'layi. Tehrān: Kārang.[Persian]
- Ghobadian, Vahid. (1392/2013). "*Sabk-šenāsivamabāni-ye Nazari dar me'māri-ye mo'āser-e Irān*" (Theories and styles in contemporary Iranian architecture). Tehrān: Mo'assese-ye 'Elm-e Me'mār-e Royāl.[Persian]
- Grigor, Talinn. (2009). *Building Iran: Modernism, architecture, and national heritage under the Pahlavi monarchs*. Pittsburgh, PA: Periscope Pub. Ltd.
- Matin-Asgari, Afshin. (2018). *Both eastern and western: an intellectual history of Iranian modernity*. Cambridge University Press.



- Mozaffari, Ali. (2014). *Forming national identity in Iran: The idea of homeland derived from Ancient Persian and Islamic imaginations of place*. London: I.B. Tauris.
- NovinFarahbakhsh, Fereydoun. (1396/2017). *“Rāhnamā-ye eskenās-hā-ye Irān: Qājār, Pahlavi, Jomhuri-ye Eslāmi”* (The banknotes of Iran: Qajar, Pahlavi, Islamic Republic of Iran). Self-published by NovinFarahbakhsh.[Persian]
- Nikpey, Gholamreza. (1352/1973). *“Panjāhsāldarkāx-e Marmar: Tajdid-e hayāt-e Irān”* (Fifty years in Marnar palace). Tehrān: Šerkat-e OfsetvaSahāmi-ye Xās in partnership with Entesārāt-e Ferānklin.[Persian]
- Javadi, Gholamreza. (1378/1999). *“Negāhi be ‘emārat-e tārixī-ye Kāx-muze-ye Marmar”* (A glance at Marmar Palace - Museum). Tehrān: Kelid.[Persian]
- Steele, Robert. (2020). *The Shah’s imperial celebrations of 1971: Nationalism, culture and politics in late Pahlavi Iran*. London: I.B. Tauris.

Articles

- Akbari, Mohammadali; & Beigdelou, Reza. (1390/2011). “Pahlavism: Ideoloži-ye rasmi-ye dowlat-e Mohammad Rezā Pahlavi dardahe-hā-ye 1340 – 1350 SH” (Pahlavism, the official ideology of Mohammad Reza Pahlavi’s government (During 1960’s and 1970’s)). *Gangine-ye Asnād*, 84, pp. 6 – 25.[Persian]
- Al-Ragam, Asseel. (2014). “The politics of representation: The Kuwait National Museum and processes of cultural production”. *International Journal of Heritage Studies*, 20(6), pp 663–674.
- Ansari, Ali M. (2001). “The myth of the white revolution: Mohammad Reza Shah, ‘modernization’ and the consolidation of power”. *Middle Eastern Studies*, 37(3), pp 1–24.
- Bigdelou, Reza. (1398/2019). “Kārkard-e nahād-e muze-ye Irān-e bāstāndarandiše-ye dowlat-mellatdowre-ye Pahlavi” (Function of “Museum of Ancient Persia” institution in the idea of nation-state in Pahlavi era). *Pažuheš-hā-ye Tārixī* (Historical Researches), series no. 42, pp. 99 – 117.[Persian]
- Mozaffari, Ali. (2007). “Modernity and identity: The National Museum of Iran”. In



- Book: *Museum revolutions: How museums change and are changed*. (Edited by Simon J. Knell, Suzanne Macleod and Sheila E. R. Watson). London, New York: Routledge.
- Razavi, Yeganeh; & Mazloun, Jannat. (1367/1988). "Edāre-ye koll-e muze-hā pas azenqelāb-e eslāmi" (The general administration of museums after the Islamic Revolution). *Muze-hā*, 8.[Persian]
- "Šemme-eeazpišine-ye omur-e bāstān-šenāsidar Irān" (A corner of the history of archeology in Iran). *Barresi-hā-ye Tārixī*, 6, pp. 171 – 240.[Persian]
- Shakibi, Zhand. (2013). "Pahlavīsm: The ideologization of monarchy in Iran". *Politics, Religion & Ideology*, 14(1), pp 114–135.
- Shakibi, Zhand. (2018). "The Rastakhiz Party and Pahlavism: The beginnings of state anti-westernism in Iran". *British Journal of Middle Eastern Studies* 45(2), pp 251–268.
- Steele, Robert. (2019). "The Pahlavi National Library Project: Education and Modernization in Late Pahlavi Iran". *Iranian Studies*, 52(1-2), pp 85–110.
- "Xāne-ye Šāhxāne-ye mardomšod (Gošāyeš-e muze-ye selsele-ye Pahlavi)" (The house of the king became the house of the people (Opening of the museum of Pahlavi dynasty)). (1355/1976). *Kāveh* (Munich, Germany), 65, pp. 227 – 232. [Persian]

Thesis

- Tabibi, Baharak. (2014). "*Propagating modernities: Art and architectural patronage of Shahbanu Farah Pahlavi*". Ph.D Thesis. Architectural History. Middle East Technical University. Turkey.





Ontology researches in the museum domain

Abdolhossein Farajpahlou¹ | Farideh Osareh² | Zeynab Farizadeh^{*3}

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: This paper intends to find ontologies that are used in the museum domain and identify ontology applications by studying previous conducted researches of the domain.

Method and Research Design: The research method is systematic review and conducted into two major phases: 1. searching of researches in museum domain. 2. investigating and analyzing the text of the researches found in the first phase.

Findings and Conclusion: Findings show that there are some ontologies in the museum domain such as CIDOC CRM and ADM. Besides, the ontologies have several applications in the museum domain. For example, information interoperability in museums and facilitating information access and retrieval. Furthermore, the results indicate that there is a research gap in museum ontology domain in Iran. Because there are only two researches about ontology in cultural heritage domain in Persian, and those are related to the archaeology domain.

Keyword: Museum Ontology; Cultural Heritage; Ontology Application.

Citation: Farajpahlou, A., Osareh, F., & Farizadeh, Z. (2022). Ontology researches in the museum domain. *Ganjine-ye Asnad*, 32(3), 138-168 | doi: 10.30484/ganj.2022.2950

1. Professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
farajpahlou@gmail.com

2. Professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran osareh.f@gmail.com

3. PhD Student of Information Science and Knowledge Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author)
zfarizad@gmail.com

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«128»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2950

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.4, Winter 2023 | pp: 138 - 168 (31) | Received: 22, May, 2021 | Accepted: 18, Dec. 2022

Archival research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

پژوهش‌های مرتبط با هستی‌شناسی در حوزه موزه

عبدالحسین فرج‌پهلوی^۱ | فریده عصاره^۲ | زینب فری‌زاده^{۳*}

چکیده:

هدف: هدف اصلی پژوهش حاضر یافتن هستی‌شناسی‌های مورد استفاده در حوزه موزه است. به‌علاوه این پژوهش قصد دارد کاربردهای هستی‌شناسی در حوزه موزه را از طریق بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه استخراج کند.

روش/رویکرد پژوهش: این پژوهش به شیوه مرور نظام‌مند انجام می‌شود و شامل دو بخش اصلی است: بخش اول جست‌وجوی پژوهش‌های مربوط به هستی‌شناسی در حوزه موزه؛ و بخش دوم تحلیل و بررسی یافته‌های جست‌وجو است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چندین هستی‌شناسی در حوزه موزه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به سی‌داک سی‌آرام و ای‌دی‌ام اشاره کرد. در زمینه کاربرد نیز مشخص شده است که هستی‌شناسی کاربردهای متعددی در حوزه موزه دارد؛ برای نمونه میان‌کنش‌پذیری اطلاعات در موزه‌ها، و تسهیل دسترسی و بازیابی اطلاعات موزه‌ای. نتایج پژوهش هم‌چنین نشان داد که در حوزه هستی‌شناسی در موزه‌های ایران خلأ پژوهشی وجود دارد؛ زیرا تنها دو پژوهش در حوزه هستی‌شناسی میراث فرهنگی به زبان فارسی وجود دارد که مربوط به حوزه باستان‌شناسی است.

کلیدواژه: هستی‌شناسی موزه؛ هستی‌شناسی میراث فرهنگی؛ کاربردهای هستی‌شناسی.

استناد: فرج‌پهلوی، عبدالحسین، عصاره، فریده، فری‌زاده، زینب. (۱۴۰۱). پژوهش‌های مرتبط با هستی‌شناسی در حوزه موزه. *گنجینه اسناد*، ۳۲(۳)، ۱۳۸-۱۶۸ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲.۲۹۵۰

۱. استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
farajpahlou@gmail.com
۲. استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
osareh.f@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده‌مسئول)
zfarizad@gmail.com



گنجینه اسناد

۱۲۸

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲.۲۹۵۰

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۱ | صص: ۱۳۸ - ۱۶۸ (۳۱)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۷

تحقیقات آرشیوی

۱. مقدمه

انسان امروز در محاصره اطلاعات قرار دارد و یکی از مهم ترین دغدغه‌هایش دسترسی سریع و آسان به اطلاعات دقیق و به روز در زمینه‌های مورد نیاز است. در این راستا پژوهش‌گران و متخصصان علم اطلاعات که از دیرباز به سازمان‌دهی اطلاعات و دانش اشتغال دارند، درصدد برآمده‌اند تا ابزارهای جدیدی را برای ذخیره و بازیابی اطلاعات به کار گیرند.

یکی از به روزترین این ابزارها، هستی‌شناسی است. هستی‌شناسی در دهه‌های اخیر با تکیه بر نمایه‌سازی مفهومی برای پشتیبانی از بازیابی در وب (وب معنایی) به وجود آمده است. این ابزار که برای کمک به بازیابی دانش با استفاده از کامپیوتر به کار می‌رود، دانش حوزه مدنظر را که به طور معمول برای انسان‌ها قابل درک است به فرمت ماشین‌خوان عرضه می‌کند (نوی و مک‌گینس^۱، ۲۰۰۱، مارس، ص ۱؛ وو و وانگ^۲، ۲۰۰۶، جولای، ص ۱۴۹؛ برایت، یوگو فورویا، کوپرمن، کیمینو، باکن^۳، ۲۰۱۱، اکتبر، ص ۱۲۰). همین کارکرد سبب افزایش سرعت و دقت ذخیره و بازیابی اطلاعات می‌شود.

می‌توان گفت که هستی‌شناسی، تعاریفی از مفاهیم پایه در حوزه مورد بررسی و روابط بین آن‌ها ارائه می‌دهد که برای ماشین قابل تفسیر و قابل فهم است. درحقیقت هستی‌شناسی به تعریف واژه‌های مشترکی می‌پردازد که پژوهش‌گران برای اشتراک اطلاعات یک حوزه نیاز دارند. به علاوه هستی‌شناسی شامل توصیف واضح و رسمی از محتوای یک حوزه دربردارنده کلاس‌ها و ویژگی‌های هر مفهوم است که بیانگر خصوصیات و صفات مفاهیم و محدودیت‌ها و ویژگی‌های آن‌ها است (نوی و مک‌گینس، ۲۰۰۱، مارس، ص ۱).

یکی از حوزه‌هایی که در سال‌های اخیر به موضوع دسترسی به اطلاعات در آن توجه بسیاری شده است، میراث فرهنگی است. داده‌های میراث فرهنگی از طریق روابط بسیار پیچیده به هم متصل‌اند (فرسا^۴، ۲۰۱۳، مارس، ص ۲۹)؛ بنابراین ضرورت دارد که از الگویی داده‌ای استفاده شود که بتواند انواع گوناگون داده‌های میراث فرهنگی را براساس بافت میراث فرهنگی، یکپارچه‌سازی، میانجی‌گری^۵ و ... به یکدیگر تبدیل کند. در راستای نیل به این اهداف، به کاربردن هستی‌شناسی در تفسیر میراث فرهنگی به یاری کاربر می‌آید تا به اطلاعات مورد نیاز خود دسترسی یابد (کیم، ماتوسکا، کیم، کیم، وو^۶، ۲۰۱۷، ژوئن، ص ۲۶۰۰۵).

موزه یکی از مراکزی است که میراث فرهنگی ملموس و غیرملموس جهان را در خود جای داده است. طبق تعریف ایکوم^۷ (شورای بین‌المللی موزه وابسته به سازمان فرهنگی، علمی و تربیتی سازمان ملل متحد، یونسکو) موزه مؤسسه‌ای غیرانتفاعی و دائمی است که در خدمت جامعه و پیشرفت آن فعالیت می‌کند؛ به روی همگان باز است و میراث ملموس و ناملموس بشر و محیط اطراف او را با هدف آموزش، مطالعه و لذت فراهم می‌کند؛

1. Noy & McGuinness
2. Wu; Wang
3. Bright; Yoko Furuya; Kuperman; Cimino; Bakken
4. Fresa
5. Mediate
6. Kim; Matuszka; Kim; Kim; Woo
7. ICOM



حفاظت می‌کند؛ پژوهش می‌کند؛ درباره آن‌ها اطلاع‌رسانی می‌کند و آن‌ها را به نمایش می‌گذارد^۱ (مصوبات ایکوم^۲، ۲۰۰۷).

باتوجه به اهمیت سازمان‌دهی اطلاعات در موزه با هدف یافتن سریع و دقیق اطلاعات حوزه میراث فرهنگی، پژوهش حاضر قصد دارد که با استفاده از روش مرور نظام‌مند، هستی‌شناسی‌های مورد استفاده در حوزه موزه را بیابد. یافتن هستی‌شناسی‌های موجود در حوزه موزه به کسانی یاری می‌کند که قصد دارند برای سازمان‌دهی اطلاعات موزه هستی‌شناسی انتخاب کنند. در کنار هدف اصلی پژوهش باتوجه به اینکه شیوه این پژوهش مرور نظام‌مند است و کل متون حوزه موزه بررسی می‌شود، سایر کاربردهای هستی‌شناسی‌های حوزه موزه هم از متون مورد بررسی استخراج می‌شود.

در راستای رسیدن به این اهداف، این پژوهش به پرسش‌های زیر پاسخ خواهد داد: براساس پژوهش‌های مورد بررسی چه هستی‌شناسی‌هایی در حوزه موزه وجود دارد؟ از بین هستی‌شناسی‌های موجود کدام بیشترین استفاده را در بین پژوهش‌ها داشته است؟ براساس پژوهش‌های مورد بررسی، هستی‌شناسی در کدام موضوعات حوزه موزه کاربرد دارد؟

پوشش زمانی هستی‌شناسی‌های موزه چگونه است؟

پوشش مکانی پژوهش‌های حوزه هستی‌شناسی موزه‌ای چگونه است؟

مرور پژوهش‌ها در این حوزه نشان داد که تاکنون در ایران پژوهشی به شیوه نظام‌مند در این حوزه انجام نشده است. در خارج از ایران هم پژوهش‌هایی انجام شده است که اگرچه دقیقاً با موضوع پژوهش حاضر منطبق نیستند، ولی مشابهت‌هایی دارند که در ادامه مرتبط‌ترین آن‌ها معرفی می‌شود.

هوآی هونگتونگ^۳ (۲۰۲۰، جولای-سپتامبر، ص ۸۸) در پژوهش خود با عنوان «مدیریت اطلاعات میراث فرهنگی: مطالعه مروری نظام‌مند» با استفاده از شیوه مرور نظام‌مند، مقالات پژوهشی مرتبط با مدیریت اطلاعات میراث فرهنگی در پایگاه اسکوپوس و پایگاه‌های داخلی تایلند را بررسی کرد و در نهایت ۲۰ مقاله مرتبط با حوزه مورد بررسی را به دست آورد.

نتایج او پژوهش‌های مورد بررسی در این حوزه را در سه دسته جای می‌دهد:

۱. ایجاد هستی‌شناسی‌ها و وب معنایی؛

۲. ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی؛

۳. ایجاد طرح‌های فراداده‌ای و توصیفی.

۱. به نظر این شورا تعریف مذکور با کارکردهای امروزی مطابق نیست و در قالب حرکتی تیمی و جهانی در حال اصلاح آن هستند.

2. ICOM statutes

3. Hoaihongthong



نفیس^۱ و همکاران (۲۰۱۹، آوریل، ص ۲) در پژوهش خود با عنوان «هستی‌شناسی‌ها برای طبقه‌بندی داده‌های میراث فرهنگی» به مطالعه تطبیقی هستی‌شناسی‌های حوزه میراث فرهنگی پرداختند. هدف آن‌ها از این پژوهش، انتخاب یکی از هستی‌شناسی‌ها برای تهیه سیستمی کامل برای مدیریت، پردازش و انتشار داده‌های میراث فرهنگی ملموس و غیرملموس مراکش بود. یافته‌های آن‌ها نشان داد که تعداد هستی‌شناسی‌های این حوزه به‌طور پیوسته در حال افزایش است. آن‌ها از بین ۸ هستی‌شناسی مورد بررسی در این پژوهش، سیداک سی‌آرام را برای کار خود انتخاب کردند و علت این انتخاب را گسترش‌پذیری این هستی‌شناسی بیان کردند.

روسکر، کاربونی و گیلیم^۲ (۲۰۱۷، صص ۹۳-۱۲۷) در پژوهش خود با عنوان «مدیریت داده‌های میراث فرهنگی: نقش هستی‌شناسی رسمی و سیداک سی‌آرام» به بررسی شیوه‌ها و ابزارهای سنتی به‌کارگرفته‌شده برای سازمان‌دهی اطلاعات میراث فرهنگی پرداختند که نتیجه این بررسی ناکارآمدی ابزارها را نشان داد. مؤلفان در ادامه این پژوهش فواید هستی‌شناسی‌های رسمی و به‌طور خاص سیداک سی‌آرام را بیان کردند.

نیک‌نیا، جمالی مهموئی و علی‌محمدی (۱۳۹۷، پاییز، صص ۶۱-۹۱) در پژوهشی با عنوان «سازمان‌دهی اطلاعات حوزه میراث فرهنگی: پیشرفت‌های گذشته و مسائل پیش‌رو» مسائل و چالش‌های سازمان‌دهی اطلاعات در حوزه میراث فرهنگی را بررسی کردند. در این پژوهش آن‌ها به مرور پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه الگوسازی اطلاعات میراث فرهنگی با تمرکز روی سی‌داک سی‌آرام و الگوهای هم‌خانواده آن پرداختند. یافته‌های آن‌ها چالش‌های استفاده‌کنندگان از الگوهای خانواده سی‌داک سی‌آرام و نیز تجربه کاربران در زمینه طرح‌های عملیاتی در این حوزه را نشان داد.

نوشین‌فرد و فضایی قره‌بلاغ^۲ (۱۳۹۲، بهار، صص ۱۰۰-۱۱۵) در پژوهش خود با عنوان «بررسی شیوه‌های سازمان‌دهی، ذخیره و بازیابی اطلاعات در موزه‌های مجازی ایران» با استفاده از روش پیمایشی-توصیفی به بررسی شیوه‌های مدیریت اطلاعات در موزه‌های تحت پوشش سازمان میراث فرهنگی ایران پرداختند. در این پژوهش اشیاء موجود در این موزه‌ها دسته‌بندی شد و نرم‌افزار مورد استفاده در این موزه‌ها از نظر سازمان‌دهی، ذخیره و بازیابی تحلیل شد.

از بین پژوهش‌های انجام‌شده پژوهش هوآی‌هونگتونگ (۲۰۲۰، جولای-سپتامبر، ص ۸۸) به‌شیوه نظام‌مند انجام شده‌است. وجه‌تمایز پژوهش مذکور با پژوهش حاضر از دو نظر است: یک اینکه حوزه موضوعی آن پژوهش کلی‌تر از پژوهش حاضر است؛ زیرا پژوهش حاضر به‌طور اختصاصی به حوزه موزه می‌پردازد و دوم اینکه هوآی‌هونگتونگ به

1. Nafis
2. Bruseker; Carboni; Guillem.



مدیریت اطلاعات به‌طور کلی می‌پردازد و پژوهش‌ها را به این لحاظ دسته‌بندی می‌کند و در پژوهش خود به این که چه هستی‌شناسی‌هایی در این حوزه وجود دارد اشاره‌ای نمی‌کند. با توجه به توضیحات ذکر شده، پژوهشی که به‌طور جامع و با استفاده از روش مرور نظام‌مند، پژوهش‌های هستی‌شناسی در حوزه موزه را تجزیه و تحلیل کرده باشد وجود ندارد. به همین سبب، پژوهش حاضر به این مهم می‌پردازد.

۲. روش پژوهش

این پژوهش به‌شیوه مرور نظام‌مند و در دو بخش اصلی و چندین بخش فرعی به مرور پژوهش‌ها در حوزه هستی‌شناسی‌های موزه‌ای پرداخته‌است. بخش اول شامل جست‌وجوی پژوهش‌های مربوط به هستی‌شناسی در حوزه موزه است و بخش دوم تحلیل و بررسی نتایج را شامل می‌شود.

بخش اول: جست‌وجوی پژوهش‌های مربوط به هستی‌شناسی در حوزه موزه

این قسمت خود به بخش‌های فرعی‌تری تقسیم می‌شود: ۱. مشخص کردن کلیدواژه‌ها برای جست‌وجوی جامع در پایگاه‌ها؛ ۲. انتخاب پایگاه‌های اطلاعاتی برای جست‌وجو؛ ۳. مشخص کردن استراتژی جست‌وجو؛ ۴. تعیین معیار لازم برای انتخاب پژوهش‌ها.

۱. مشخص کردن کلیدواژه‌ها برای جست‌وجوی جامع در پایگاه‌ها

برای انجام پژوهشی جامع به‌شیوه مرور نظام‌مند، نیاز است که کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع به‌دقت انتخاب شوند؛ بنابراین با هدف یافتن نتایج در پایگاه‌های فارسی‌زبان کلیدواژه‌های زیر انتخاب شدند:

«هستی‌شناسی و میراث فرهنگی»؛ «هستی‌شناسی و موزه»؛ «آنتولوژی و موزه»؛ «آنتولوژی و میراث فرهنگی»؛ «هستان‌شناسی»؛ «هستان‌نگاشت»؛ «هستی‌نگاری»؛ «هستی‌نگاشت»؛ «سازمان‌دهی و موزه»؛ «فهرست‌نویسی و موزه»؛ «سازمان‌دهی و میراث فرهنگی»؛ «فهرست‌نویسی و میراث فرهنگی».

نکات قابل‌توجه در انتخاب کلیدواژه‌های فارسی این است که چون در زبان فارسی برای واژه Ontology از چندین معادل استفاده می‌شود (هستی‌شناسی، آنتولوژی، هستان‌نگاشت، هستی‌نگاری، هستی‌نگاشت و ...)، با هدف یافتن نتایج جامع، تمامی این معادل‌ها در کلیدواژه‌های جست‌وجو قرار گرفتند. علاوه‌براین نتایج جست‌وجوهای

اولیه نشان داد که پژوهش‌های اندکی در حوزه هستی‌شناسی‌های میراث فرهنگی و به‌طور اخص هستی‌شناسی موزه (موضوع اصلی پژوهش حاضر) انجام شده‌است؛ بنابراین با هدف یافتن هرچه بیشتر اطلاعات مرتبط با سازمان‌دهی حوزه موزه‌ای در ایران کلیدواژه‌های سازمان‌دهی و فهرست‌نویسی و ترکیب آن‌ها با موزه و میراث فرهنگی نیز برای جست‌وجو انتخاب شدند.

کلیدواژه‌های زبان انگلیسی نیز شامل موارد زیر بوده‌است:

“Ontology AND museum”; “ontology AND cultural heritage”

۲. انتخاب پایگاه‌های اطلاعاتی برای جست‌وجو

چون در مرور نظام‌مند تاجایی که ممکن است باید منابع مرتبط با پرسش‌های پژوهش را بیابیم، در انتخاب پایگاه‌ها جامعیت مهم‌تر از مانعیت است. با در نظر گرفتن این نکته هدف پژوهش حاضر یافتن تمام پژوهش‌های مرتبط با هستی‌شناسی در حوزه موزه‌ای است؛ بنابراین پایگاه‌های زیر برای جست‌وجوی کلیدواژه‌ها در زبان فارسی انتخاب شدند: ایران‌داک، سید، مگ‌ایران، کتاب‌خانه ملی، نورمگز، پرتال جامع علوم انسانی، مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری شیراز، سیویلیکا (برای همایش‌ها) و بخش پایان‌نامه‌های کتاب‌خانه‌های مرکزی دانشگاه‌ها که پس از جست‌وجوی چند دانشگاه از جمله دانشگاه تهران، بهشتی، خوارزمی مشخص شد که نتایج آن‌ها با ایران‌داک و کتاب‌خانه ملی هم‌پوشانی زیادی دارد؛ بنابراین به جست‌وجوی ایران‌داک و کتاب‌خانه ملی اکتفا شد. در بخش زبان انگلیسی نیز این پایگاه‌ها انتخاب شدند: امرالد، اشپرینگر^۱، ساینس دایرکت^۲، ویلی^۳، ای‌تری‌ای اکسپلور^۴، ایکوم^۵، آی‌اس‌آی^۶.

۳. مشخص کردن استراتژی جست‌وجو

با هدف یافتن نتایج مرتبط‌تر، جست‌وجو در فیلدهای عنوان، چکیده و موضوع پایگاه‌های انتخابی انجام شد.

نتایج جست‌وجوی اولیه نشان داد که شکل جمع و مفرد کلمات نتایج یکسانی دارد؛ بنابراین یکی از آن‌ها با هدف انجام جست‌وجو انتخاب شد. بازه زمانی جست‌وجوها برای زبان انگلیسی از ابتدا تا پایان سال ۲۰۲۰ میلادی و برای زبان فارسی از ابتدا تا پایان سال ۱۳۹۹ شمسی در نظر گرفته شد.

1. Emerald
2. Springer
3. Sciencedirect
4. Wiley
5. IEEE Xplore
6. Icom
7. ISI

۴. تعیین معیار لازم برای انتخاب پژوهش‌ها

پس از اینکه نتایج جست‌وجو در هر پایگاه به دست آمدند، نتایج از نظر زبانی بررسی شدند و اگر زبانی به غیر از فارسی و انگلیسی داشتند، از نتایج حذف شدند. به علاوه چون اصطلاح هستی‌شناسی در فلسفه هم وجود دارد - که به پژوهش حاضر ارتباطی ندارد - بنابراین در پایگاه‌هایی که امکان فیلتر کردن نتایج بر اساس موضوعات وجود داشت، نتایج بر اساس حوزه‌های مرتبط فیلتر شد.

در نهایت جست‌وجوی کلیدواژه‌ها در پایگاه‌های انتخابی انجام شد. پیش از پرداختن به نتایج، ذکر این نکته لازم است که چون در پژوهش‌های فارسی از بین عبارات انتخابی برای جست‌وجو کلیدواژه‌های زیر دارای بخش‌های مشترکی بودند:

«هستی‌شناسی و میراث فرهنگی»، «هستی‌شناسی و موزه»، «هستان‌شناسی و میراث فرهنگی»، «هستان‌نگاشت و میراث فرهنگی»، «هستی‌نگاری و میراث فرهنگی»، «هستی‌نگاشت و میراث فرهنگی»؛

برای سادگی کار جست‌وجو از عملگر بولی کوتاه‌ساز ستاره استفاده شد و به جای عبارات فوق، عبارات «هستی* و موزه»، «هستی* و میراث فرهنگی»، «هستان* و موزه»، و «هستان* و میراث فرهنگی» جست‌وجو شد. با توجه به نتایج کم «هستان* و موزه» و «هستان* و میراث فرهنگی»، کلیدواژه «هستان*» جست‌وجو شد. نتایج این جست‌وجوها در جدول ۱ آمده است

پایگاه	هستی* و موزه	هستی* و میراث فرهنگی	آنژوژی* و موزه	آنژوژی* و میراث فرهنگی	هستان*	سازمان‌دهی و موزه	فهرست‌نویسی و موزه	فهرست‌نویسی و میراث فرهنگی	سازمان‌دهی و میراث فرهنگی
ایران‌داک	۱	۸۱	۱	۰	۴۳	۴۸	۱	۰	۱
سید	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱
مگ ایران	۱	۴۸	۰	۰	۰	۱۵	۰	۰	۴
کتابخانه ملی	۱	۰	۰	۰	۰	۲۱	۱۴	۰	۳
نورمگز	۰	۱	۰	۰	۰	۱۳	۰	۰	۰
پرتال جامع علوم انسانی	۱	۶۳	۰	۰	۰	۱۰	۰	۰	۰

جدول ۱

نتایج جست‌وجوی اولیه در پایگاه‌های فارسی زبان



پایگاه	هستی* و موزه	هستی* و میراث فرهنگی	آنتولوژی* و موزه	آنتولوژی* و میراث فرهنگی	هستیل*	سازمان‌دهی و موزه	فهرست نویسی و موزه	فهرست نویسی و میراث فرهنگی	سازمان‌دهی و میراث فرهنگی
مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری شیراز	۱	۴۵	۰	۰	۳۱	۷	۰	۰	۰
سیویلیکا	۱	۰	۱	۰	۱۰۵	۰	۰	۰	۰
جمع	۶	۲۴۵	۲	۰	۱۷۹	۱۱۵	۱۵	۰	۹

ادامه جدول ۱

نتایج جست‌وجوی اولیه در پایگاه‌های فارسی‌زبان

چون هدف این پژوهش داشتن حداکثر جامعیت است، جست‌وجوی اولیه در پایگاه‌های انگلیسی به فیلد خاصی محدود نشد؛ ولی پس از بازبایی نتایج زیاد و نامربوط در جست‌وجو در پایگاه‌های ویلی، ساینس دایرکت و اشپرینگر جست‌وجو در این پایگاه‌ها به فیلد عنوان، کلیدواژه، و چکیده محدود شد. در زمان به‌کارگیری این استراتژی مشخص شد که پایگاه اشپرینگر امکان محدود کردن جست‌وجو به فیلدهای کلیدواژه و چکیده را ندارد؛ بنابراین نتایج این پایگاه با محدود کردن نتایج به رشته‌های مرتبط با پژوهش به دست آمد و سایر موارد بی‌ربط در مراحل بعدی حذف شد.

keyword Database	Ontology AND museum	ontology AND "cultural "heritage
Emerald	677	418
Wiley	109	12
IEEEExplore	76	123
Springer	2792	2222
Science Direct	87	34
Proquest	0	0
ICOM	621	289
ISI	145	144
Total	4507	3242

جدول ۲

نتایج جست‌وجوی اولیه در پایگاه‌های انگلیسی‌زبان



نتایج در بخش بعدی تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی می‌شوند و پژوهش‌های نامرتبط با هدف پژوهش حاضر از نتایج حذف می‌شوند تا آثار مرتبط در حوزه مورد بررسی استخراج شود.

بخش دوم: تحلیل و بررسی موارد بازیابی شده

در این بخش موارد بازیابی شده از بخش اول، تحلیل و بررسی می‌شود. در ابتدا با هدف حذف موارد تکراری تمام پژوهش‌ها در دو فایل فارسی و انگلیسی ادغام شدند. پس از مرتب کردن هر فایل براساس عنوان، موارد تکراری حذف شدند و ۴۹۹ اثر فارسی و ۶۰۲۱ اثر انگلیسی به مرحله بعد راه یافتند. پس از حذف موارد تکراری، عناوین بازیابی شده، با معیارهای پژوهش مطابقت داده شد و موارد نامرتبط حذف شد. در این مرحله ۳۱ اثر فارسی و ۴۰۱ اثر انگلیسی استخراج و تحلیل شد. پس از آن، چکیده آثار مطالعه شد و موارد نامرتبط با معیارهای پژوهش حذف شد و ۲۴ اثر فارسی و ۶۴ اثر انگلیسی باقی ماند. در گام بعد متن کامل این آثار دانلود و مطالعه شد و در نهایت ۱۶ اثر فارسی و ۶۲ اثر انگلیسی مرتبط باقی ماند. این آثار از زوایای گوناگون بررسی و تحلیل شد. نتایج این بررسی‌ها در بخش یافته‌های پژوهش آمده است.

۳. یافته‌ها

جست‌وجو و بررسی نتایج درزمینه هستی‌شناسی در موزه در زبان فارسی و انگلیسی در نهایت به ۱۶ اثر مرتبط فارسی و ۶۲ اثر مرتبط انگلیسی محدود شد. پیش از ورود به بحث درباره یافته‌ها ذکر این نکته ضروری است که چون پژوهش‌های اندکی در حوزه هستی‌شناسی موزه و میراث فرهنگی در زبان فارسی انجام شده است، کلیدواژه‌هایی کلی‌تر در پایگاه‌های فارسی جست‌وجو شد و نتایج یافته‌های زبان فارسی نشان داد که از کل پژوهش‌های یافته شده، تنها دو مورد به هستی‌شناسی سیداک سی‌آرام - که هستی‌شناسی‌ای در حوزه میراث فرهنگی است - پرداخته‌اند و ۱۴ پژوهش باقی مانده به سازمان‌دهی اشیاء موزه‌ای پرداخته‌اند.

در ادامه، یافته‌های پژوهش در پاسخ به پرسش‌های پژوهش ارائه می‌شود: ابتدا هستی‌شناسی‌های حوزه موزه معرفی می‌شود. در قسمت بعد میزان استفاده از هر یک از هستی‌شناسی‌ها براساس نمودار نشان داده می‌شود. در مرحله بعد کاربردهای هستی‌شناسی‌ها در حوزه موزه براساس پژوهش‌های بررسی شده، نشان داده می‌شود. در انتها هم، پوشش زمانی و مکانی پژوهش‌های هستی‌شناسی در موزه نشان داده می‌شود.

پرسش شماره یک: براساس پژوهش های مورد بررسی چه هستی شناسی هایی در حوزه موزه وجود دارد؟

هستی شناسی هایی که براساس پژوهش های مورد بررسی در حوزه موزه به دست آمدند، شامل موارد زیر هستند:

هستی شناسی سلیو^۱؛

آنتومپ^۲؛

سیداک سی آرام و گسترش های آن؛

هستی شناسی مدل داده ای اروپانا (ای دی ام)؛

هستی شناسی لیدو؛

ارلانگن سی داک سی آرام؛

هستی شناسی موزه هنر آمریکایی اسمیتسون ها (س آ ام)^۳؛

هستی شناسی فواف^۴؛

هستی شناسی آب ث^۵؛

هستی شناسی موم^۶؛

در ادامه سعی می شود که توصیفی اجمالی از این هستی شناسی ها و اصطلاح نامه ها، و

استانداردها و طرح های فراداده ای به کاررفته در پژوهش های مورد بررسی ارائه شود:

1. CLIO
2. OntoMP
3. Smithsonian American Art Museum (SAAM)
4. FOAF (Friend of a Friend)
5. ABC ontology
6. MOM



توصیف اجمالی	هستی‌شناسی‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها و طرح‌های فرا داده‌ای به کار رفته در پژوهش‌های مورد بررسی
<p>در جلسه سی‌داک در سال ۱۹۹۰ که در آتن برگزار شد، ایده‌ای مبتنی بر استفاده از شبکه معنایی براساس چارچوبی برای اهداف سندپردازی^۱ موزه مطرح شد. در سال ۱۹۹۲ سلیو را مؤسسه علوم کامپیوتر بنیاد پژوهش و فناوری هلاس (فورت)^۲ طراحی کرد و ساخت. این هستی‌شناسی با استفاده از نمایه‌سازی معنایی در موزه پناکی^۳ پیاده‌سازی شد. هستی‌شناسی سلیو شامل مفاهیم، موضوعات، مکان‌ها، کمیت، ساخته‌های الهام‌بخش و ... و هم‌چنین روابط بین آن‌ها می‌شود. این هستی‌شناسی با جزئیات در گزارش کریستوفوراکي، کنستانتوپولس و دوئر در^۴ ۱۹۹۳ مطرح شده است (کنستانتوپولس^۵، ۱۹۹۴، ص ۴؛ کنستانتوپولس، دالاس، دوئر، بکیاری، دیونیسیدو^۶، ۲۰۱۸، اکتبر، ص ۳). هستی‌شناسی سلیو پیش‌رو سیستم‌های کنونی است که از فناوری‌های وب معنایی استفاده می‌کنند و درحقیقت دانه‌ای است که هستی‌شناسی سی‌داک از درون آن رشد کرد (کنستانتوپولس و همکاران، ۲۰۱۸، اکتبر، ص ۱).</p>	هستی‌شناسی سلیو
<p>هستی‌شناسی سی‌داک سی‌آرام حاصل بیش از یک دهه تلاش کمیته بین‌المللی سندپردازی (سیداک) شورای بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) برای ایجاد استانداردها است. کار روی آن از سال ۱۹۹۶ در کارگروه استانداردهای سندپردازی سی‌داک ایکوم آغاز شد. این هستی‌شناسی قصد دارد یکپارچه‌سازی میانجی‌گری و تبدیل اطلاعات ناهمگن میراث فرهنگی را تسهیل کند. توسعه این هستی‌شناسی از سال ۲۰۰۰ به گروه علاقه‌مندی ویژه سی‌داک سی‌آرام سپرده شد که با کارگروه WG۹/SC۴/ISO/TC۴۶ همکاری می‌کند تا سی‌داک سی‌آرام را به وضعیت استاندارد بین‌المللی دریاورد (گروه علاقه‌مندی ویژه سی‌آرام^۷، ۲۰۲۰، ژوئن، ص ۱).</p> <p>سی‌داک سی‌آرام دارای گسترش‌های متعددی در حوزه‌های تخصصی‌تر است. برخی از این گسترش‌ها در ادامه نام برده می‌شود:</p> <p>سی‌آرام آرکتو^۸ برای کاوش‌های باستان‌شناسی؛ سی‌آرام با^۹ برای سندپردازی ساختمان‌های باستانی؛ سی‌آرام دیج (سی‌آرام دیجیتال)^{۱۰} برای گام‌ها و شیوه‌های تولید محصولات دیجیتالی و بازنمایی‌های دیجیتالی دوبعدی و سه‌بعدی؛ سی‌آرام سای^{۱۱} برای یکپارچه‌سازی فراداده‌ها درباره داده‌های پردازش شده، مشاهدات و محاسبات علوم توصیفی و عملی از قبیل زمین‌شناسی، جغرافیا، باستان‌شناسی، حفاظت از میراث فرهنگی (همکاری‌ها و مدل‌های سازگار با سی‌داک سی‌آرام).</p>	هستی‌شناسی سی‌داک سی‌آرام و گسترش‌های آن

۱. دبیرش

2. Foundation of Research and Technology- Hellas (FORTH)
3. Benaki
4. Christoforaki, M; Constantopoulos, p; Doerr. M. (1992). "CLIO: An Object-Oriented Model of Cultural Data". (Technical Report ICS-FORTH.MUIS.92.1). Crete: Institute of Computer Science, FORTH.
5. Constantopoulos
6. Constantopoulos; Dallas; Doerr; Bekiari; Dionisiadou
7. CRM Special Interest Group
8. CRMarchaeo
9. CRMba
10. CRMdig (digital)
11. CRMsci

جدول ۳

توصیف اجمالی از هستی‌شناسی‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها و طرح‌های فراداده‌ای به کار رفته در پژوهش‌های مورد بررسی



<p>توصیف اجمالی</p>	<p>ہستی شناسی ہے، اصطلاح نامہ ہا و طرح های فرا داده ای به کار رفته در پژوهش های مورد بررسی</p>
<p>ای دی ام به عنوان ساختاری داده ای معرفی شده است تا پیوند داده ای را امکان پذیر کند. این هستی شناسی قصد دارد که میانجی یکپارچه ای برای جمع آوری، اتصال و غنی سازی توصیفات فراهم شده توسط تولیدکنندگان محتوای اروپانا باشد (تعریف مدل داده ای اروپانا، ۲۰۱۶، آوریل، ص ۸). اروپانا معمولاً به عنوان پرتالی معرفی می شود که دسترسی به میلیون ها شیء در حوزه میراث فرهنگی از همه نوع را فراهم می کند (دوئر^۲ و همکاران، ۲۰۱۰، اگوست، ص ۲). کنکورڈیا، گرادمن و سبینگا^۳ (۲۰۱۰، مارس، ص ۶۴) سعی کردند که تعریف درست تری از اروپانا ارائه دهند: اروپانا قصد دارد که داده های غنی و کارکردی را در بستری آپی آی^۴ در دسترس قرار دهد. ای دی ام از استانداردهای موجود از قبیل آردی اف (اس)، اسکوس و دابلین کور استفاده می کند. این هستی شناسی که ایجاد آن به سال ۲۰۰۹ برمی گردد، به عنوان هستی شناسی سطح بالا عمل می کند. مدل داده ای اروپانا، مدل داده های اصلی و چشم اندازهای اطلاعاتی را حفظ می کند و در عین حال میان کنش پذیری را امکان پذیر می کند (دوئر و همکاران، ۲۰۱۰، اگوست، ص ۱).</p>	<p>ہستی شناسی مدل داده ای اروپانا (ای دی ام)^۱</p>
<p>ہستی شناسی موزہ هنر آمریکایی اسمیتسون ہا (سآم) از گسترش هستی شناسی مدل داده ای اروپانا (ای دی ام) با کلاس ہا و ویژگی های فرعی ایجاد شده است تا ویژگی های منحصر بہ فرد سآم را باز نمای کند. علت انتخاب ای دی ام بہ عنوان هستی شناسی پایہ این است کہ این هستی شناسی با بسیاری از پایگاہ های اطلاعاتی موزہ ای موجود کہ بر مبنای داده های پیوندی باز (ال او دی)^۵ ایجاد شده اند، سازگاری بیشتری دارد (سکلی^۶ و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۵۹۵).</p>	<p>ہستی شناسی سآم</p>
<p>آنتومپ هستی شناسی ای برای موزہ شخص^۹ است. این هستی شناسی در گام اول با شناسایی مفہیم موجود در حوزه موزہ شخص و ویژگی ہا و روابط بین آن ہا ساخته شده است. در گام بعدی با ہدف استاندارد کردن آن، یک هستی شناسی استاندارد موزہ ای کہ در اینجا منظور هستی شناسی سی داک سی آرام است، انتخاب شده و نسخہ سی داک سی آرام آنتومپ ساخته شده است (مارتینی، آراوجو، آلمدیا، انریکس^{۱۰}، ۲۰۱۶، ص ۶۵۹).</p>	<p>آنتومپ^۷</p>
<p>ہستی شناسی فواف هستی شناسی ای است کہ دقیقاً برای صحبت در بارہ مردم ایجاد شده است، بہ ہمین دلیل این هستی شناسی دارای واژگانی توصیفی ویژه افراد، فعالیت های آن ہا و روابط بین آن ہا با سایر اشخاص است (مارتینی، آراوجو، آلمدیا، انریکس، ۲۰۱۶، ص ۶۶۰). هستی شناسی فواف دو حوزه از اطلاعات شناساگری دیجیتال را توصیف می کند: اطلاعات زندگی نامہ ای و اطلاعات شبکہ اجتماعی (علی المختار و عباس الاسفی^{۱۱}، ۲۰۱۴، ژانویہ، ص ۱۰).</p>	<p>ہستی شناسی فواف</p>

1. Europeana Data Model (EDM)
2. Definition of the Europeana Data Model
3. Doerr
4. Concordia; Gradmann; Siebinga
5. API
6. LOD: Linked open data
7. Szekely
8. OntoMP
9. Museum of the Person
10. Martini; Aratijo; Almeida; Henriques
11. Ali Al-Mukhtar; Abbas Al-Assafy

ادامہ جدول ۳

توصیف اجمالی از هستی شناسی ہا، اصطلاح نامہ ہا و طرح های فرا داده ای بہ کار رفته در پژوهش های مورد بررسی



<p>توصیف اجمالی</p>	<p>هستی‌شناسی‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها و طرح‌های فرا داده‌ای به کاررفته در پژوهش‌های موردبررسی</p>
<p>دی‌بی‌پدیا پروژه‌ای است که هدف اولیه آن میان‌کنش‌پذیری هستی‌شناسی‌ها و پایگاه‌های داده‌ای بزرگ از قبیل پایگاه داده‌ای سرشماری آمریکا، میوزیک برینز، کتاب‌شناسی دی‌بی‌ال‌پی، وردنت، سایک^۲ و بسیاری دیگر در وب معنایی بوده است (آور^۳ و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۷). این پروژه در حال حاضر قصد دارد محتوایی ساختاریافته را از اطلاعات خلق شده در پروژه ویکی‌پدیا استخراج کند تا از طریق شبکه جهانی وب در دسترس شود. دی‌بی‌پدیا به کاربران اجازه می‌دهد که روابط و ویژگی‌های منابع ویکی‌پدیا شامل لینک‌هایی به سایر مجموعه‌های داده‌ای مرتبط را به طور معنایی جست‌وجو کنند (ویکی‌پدیا، ۲۰۲۱). هستی‌شناسی دی‌بی‌پدیا قلب این پروژه است و شامل ۷۶۸ کلاس و ۳۰۰۰ ویژگی است (دی‌بی‌پدیا).</p>	<p>پروژه دی‌بی‌پدیا^۱</p>
<p>آیکون کلاس نوعی سیستم رده‌بندی است که برای هنر و پیکرنمایی طراحی شده است. این سیستم گسترده‌ترین ابزار علمی پذیرفته شده برای توصیف و بازبانی موضوعات ارائه شده در تصاویر (کارهای هنری، تصاویر کتاب‌ها، بازنمایی‌ها، عکاسی‌ها) است و در موزه‌ها و مؤسسات هنری دنیا استفاده می‌شود. آیکون کلاس به عنوان داده‌ای پیوند باز^۴ در دسترس است (آیکون کلاس).</p>	<p>سیستم رده‌بندی آیکون کلاس^۵</p>
<p>اصطلاح‌نامه هنر و معماری (آآتی) ابزاری مهم برای نمایه‌سازی و توصیف هر نوع آیتیم (متن، تصویر، شیء) در آرشیوها و مجموعه‌های خاص، کتاب‌خانه‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌های منابع بصری است. پوشش موضوعی آآتی شامل هنرهای زیبا، معماری، هنرهای تزئینی و فرهنگ مادی^۶ دنیای غرب از زمان‌های قدیم تا کنون است (سوئرگل^۷، ۱۹۹۵، ژانویه، ص ۳۷۳).</p>	<p>اصطلاح‌نامه هنر و معماری (آآتی)^۸</p>
<p>الگوی ملزومات کارکردی برای پیشینه‌های کتاب‌شناختی شیء‌گرا (اف‌آربی‌آراواو) با هدف یکپارچه‌سازی و تبادل اطلاعات در مؤسسات میراث فرهنگی از قبیل کتاب‌خانه‌ها و موزه‌ها ساخته شده است. این الگو از ادغام دو الگوی این حوزه یعنی سی‌داک سی‌آرام و اف‌آربی‌آر ایجاد شده است. ایده این کار در سال ۲۰۰۰ مطرح شد و مسئولیت آن برعهده کارگروه هماهنگ‌سازی بین‌المللی اف‌آربی‌آر/سیداک سی‌آرام قرار گرفت. اولین نسخه الگوی اف‌آربی‌آراواو در سال ۲۰۱۱ منتشر شد (آذرگون، فری‌زاده، ۱۳۹۱، صص ۱۹۶-۱۹۷).</p>	<p>الگوی ملزومات کارکردی برای پیشینه‌های کتاب‌شناختی شیء‌گرا (اف‌آربی‌آراواو)^۹</p>

1. Dbpedia (databasepedia)
2. US Census, MusicBrainz, the DBLP bibliography, WordNet, Cyc
3. Auer
4. Wikipedia
5. ICONCLASS
6. Linked open data
7. the thesaurus AAT (Art and Architecture Thesaurus)
8. Material culture
9. Soergel
10. FRBROO

ادامه جدول ۳

توصیف اجمالی از هستی‌شناسی‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها و طرح‌های فرا داده‌ای به کاررفته در پژوهش‌های موردبررسی



<p>توصیف اجمالی</p>	<p>ہستی شناسی، اصطلاح نامہ و طرح های فرا داده ای به کار رفته در پژوهش های مورد بررسی</p>
<p>ہستی شناسی آبت با ہدف فراہم آوری مدل مفہومی مشترک برای تسہیل میان کنش پذیری بین ہستی شناسی های فرا داده ای از حوزہ های گوناگون ایجاد شدہ است. قابلیت تغییر مدل آبت، آن را برای توصیف گسترہ زیادی از موجودیت ہا و روابط بین آن ہا مناسب می سازد. بہ طور ویژہ آبت برای مدل سازی اشیاء فیزیکی و دیجیتالی در کتاب خانہ ہا، موزہ ہا و مراکز آرشیو و روی اینترنت طراحی شدہ است (لاگز و ہونت^۱، ۲۰۰۱، نوامبر، ص ۱۶۱).</p>	<p>ہستی شناسی آبت</p>
<p>ہستی شناسی سطح بالای موم از کلاس ہا و ویژگی های ہستی شناسی های موجود از قبیل ای دی ام، سی آرام، فواف، دابلین کور و اسکوس استفادہ می کند. این ہستی شناسی با ہدف سازمان دہی اطلاعات میراث فرہنگی نیوزیلند ایجاد شدہ است (حاج موسایی و اسکوریک^۲، ۲۰۱۶، فورہ، ص ۱۰۱).</p>	<p>ہستی شناسی موم^۳</p>
<p>اسکوس ناحیہ ای است کہ استانداردها را با ہدف پشتیبانی استفادہ از سیستم های سازمان دہی دانش (از قبیل اصطلاح نامہ ہا، طرح های رده بندی، سیستم های سرعنوان موضوعی و تاکسونومی ہا) در داخل چہارچوب وب معنایی توسعہ می دہد (مقدمہ ای بر اسکوس^۴، ۲۰۱۲). سیستم اسکوس در حوزہ موزہ برای رده بندی آثار هنری، اسامی مکان ہا و ہنرمندان استفادہ می شود (سکلی و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۵۹۵).</p>	<p>سیستم سازمان دہی سادہ دانش (اسکوس)^۵</p>
<p>مجموعہ عناصر دادہ ای دابلین کور با ہدف استفادہ برای توصیف منابع ایجاد شدہ است. اسم دابلین بہ منشأ آن یعنی کارگاہی آموزشی در سال ۱۹۹۵ در دابلین اوہایو برمی گردد و کور (ہستہ) بہ این سبب بہ کار رفته است کہ عناصر دابلین کور گسترده و عمومی ہستند و برای حوزہ وسیعی از منابع قابل استفادہ ہستند (اصطلاحات فرا داده ای دی سی ام آی^۶، ۲۰۲۰).</p>	<p>دابلین کور (دی سی)^۷</p>
<p>یولن شامل اسامی، روابط، یادداشت ہا، منابع و اطلاعات زندگی نامہ ای برای ہنرمندان، معماران، شرکت ہا، استودیوہا، انبارہ ہا و سایر تئالگان ہا است. این فہرست را مؤسسہ پژوهشی گتی ایجاد کردہ است (واژہ نامہ های گتی^۸).</p>	<p>فہرست یکپارچہ اسامی ہنرمندان (یولن)^۹</p>
<p>تی جی ان روی مکان های مرتبط با ہنر، معماری و شاخہ های مرتبط با آن ہا تمرکز دارد و نام ہا، روابط بین آن ہا، نوع مکان، تاریخ ہا، یادداشت ہا و اطلاعات مرتبط با ہر مکان را در خود دارد. این اصطلاح نامہ را مؤسسہ پژوهشی گتی ایجاد کردہ است (واژہ نامہ های گتی).</p>	<p>اصطلاح نامہ نام های جغرافیایی گتی (تی جی ان)</p>

1. Lagoze, Hunter
2. MOM
3. Hajmoosaei and Skoric
4. Simple Knowledge Organization System (SKOS)
5. Introduction to SKOS
6. Dublin core
7. "DCMI Metadata Terms" IN: DCMI Usage Board. (2020).
8. Union List of Artist Names (ULAN)
9. Getty Vocabularies

ادامہ جدول ۳

توصیف اجمالی از ہستی شناسی ہا، اصطلاح نامہ ہا و طرح های فرا داده ای بہ کار رفته در پژوهش های مورد بررسی



<p>توصیف اجزای</p>	<p>هستی‌شناسی‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها و طرح‌های فرا داده‌ای به کار رفته در پژوهش‌های مورد بررسی</p>
<p>اسپکتروم نوعی استاندارد مدیریت مجموعه‌ها است که به‌رایگان و منبع‌باز در دسترس است. اولین ویرایش این استاندارد به‌عنوان نخستین فعالیت مدیریت مجموعه در موزه‌ها در سال ۱۹۹۴ منتشر شده است (داوسن، هیلهاوس^۲، ۲۰۱۱، ص ۵).</p>	<p>اسپکتروم: استاندارد سندپردازی موزه بریتانیا</p>
<p>زبان هستی‌شناسی وب (اودبیلیوال) کنسرسیوم وب جهانی نوعی زبان وب معنایی است که طراحی شده است تا دانش پیچیده و غنی دربارهٔ اشیاء، گروه‌های اشیاء و روابط بین آن‌ها را بازتاب دهد. اولین ویرایش آن در سال ۲۰۰۴ منتشر شده است. اودبیلیوال زبانی کامپیوتری مبتنی بر منطق است و اسناد اودبیلیوال به‌عنوان هستی‌شناسی شناخته می‌شوند (کارگروه اودبیلیوال^۳، ۲۰۱۲).</p>	<p>زبان اودبیلیوال^۳</p>
<p>پژوهش‌گران این پروژه به چالش آنلاین کردن مجموعه‌های موزه‌ای پرداخته‌اند و معتقدند که اطلاعات موجود در پایگاه‌های موزه‌ای شامل توصیفاتی است که به راهنمایی کاربران کمکی نمی‌کند. به‌علاوه آن‌ها بر این عقیده هستند که به‌سبب پیچیدگی مدل‌هایی چون سی‌داک سی‌آرام، استفاده از آن‌ها به‌طور کامل توسط مؤسسات پذیرفته نشده است. با در نظر گرفتن این موارد، این پروژه را با هدف فراهم کردن مدلی ساده‌تر که کاربر پسند باشد، ایجاد می‌کنند. نمونهٔ پژوهشی این پروژه شامل داده‌هایی از ۲۶۶ موزهٔ کانادا است (فورتیر، مندار^۴، ۲۰۱۷، ص ۴۸۵).</p>	<p>پروژهٔ دلمن^۵</p>
<p>آردی‌اف‌اس زبان هستی‌شناسی سبک‌وزنی^۶ است که به‌طور گسترده استفاده می‌شود. یکی از کاربردهای آن این است که برای مدل‌سازی دانش کاربر به‌کار می‌رود (پاندولفو، اسپانو، پولینا و گروسو^۱، ۲۰۲۰، جولای-سپتامبر، ص ۳۴).</p>	<p>زبان آردی‌اف‌اس^۶</p>
<p>ارلانگن سی‌آرام^۱ پیاده‌سازی اودبیلیوال سی‌داک سی‌آرام است که آن را برنهارد شیمن، مارتین اویشر و گونتر گونز^{۱۱} در دانشگاه فردریش الکساندر^{۱۲} در ارلانگن نوزبرگ آلمان خلق کرده‌اند (ارلانگن سی‌آرام/ اودبیلیوال^{۱۳}). ارلانگن سی‌آرام را چندین پروژه از قبیل موزهٔ بریتانیا، پروژهٔ سواس (اشتراک حکمت‌های کهن)^{۱۴}، پلتفرم باز سینات^{۱۵} و پروژهٔ ویسکی^{۱۶} و موزهٔ افسوس^{۱۷} ترکیب به‌کار گرفته‌اند (اوزاکار^{۱۸} و همکاران، ۲۰۱۷، نوامبر-دسامبر، ص ۲۰۳).</p>	<p>ارلانگن سی‌آرام</p>

1. SPECTRUM: The UK Museum Documentation Standard
2. Dawson; Hillhouse
3. The W3C Web Ontology Language (OWL)
4. OWL Working Group
5. DOLMEN (Linked Open Data: Museums and Digital Environment)
6. Fortier; Ménard
7. RDFS language
8. lightweight
9. Pandolfo; Spanu; Pulina; Grosso
10. Erlangen CRM
11. Bernhard Schiemann, Martin Oischinger and GüntherGörz
12. Friedrich Alexander University
13. Erlangen CRM/OWL
14. SAWS (Sharing Ancient Wisdoms) Project
15. Synat Open Platform
16. WisKI Project
17. Ephesus museum
18. Ozacar

ادامهٔ جدول ۳

توصیف اجزای از هستی‌شناسی‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها و طرح‌های فرا داده‌ای به کار رفته در پژوهش‌های مورد بررسی



<p>توصیف اجمالی</p>	<p>ہستی شناسی، اصطلاح نامہ، طرح‌های فراداده‌ای به کاررفته در پژوهش‌های مورد بررسی</p>
<p>سی آر آف پیشنهاد ارائه شده توسط ارین کانینگ^۱ برای گسترشی از سی داک سی آر آف است که هدف آن مستند کردن^۲ جنبه‌های مؤثر تجربه‌های مشاهده کنندگان از اشیاء هنری است (کانینگ، ۲۰۱۸، سپتامبر، اکتبر، ص ۴).</p>	<p>سی آر آف^۱</p>
<p>لیدو تحت حمایت سی داک ایجاد شده است و نتیجه تلاش‌های همکاری‌های بین‌المللی در بخش موزه است. هدف آن خلق راه‌حلی مشترک برای به اشتراک گذاری محتوای میراث فرهنگی در پرتال‌ها و سایر انبارهای منابع تجمیع شده^۳ و نیز نمایش دادن، اشتراک و اتصال داده‌ها در وب است. لیدو در حقیقت کاربرد سی داک سی آر آف است و طرح ایکس ام ال واضحی برای انتقال اطلاعات اشیاء موزه به شیوہ‌ای استاندارد شده فراهم می‌کند. با هدف انتقال لیدو به قالب آر دی اف، هستی شناسی لیدو ایجاد شد. این هستی شناسی بر پایه هستی شناسی مدل داده‌ای اروپا (ای دی ام)^۴ و هستی شناسی سی آر آف ساخته شده است و در جاهایی که نیاز بوده مفاهیم و روابط جدید ایجاد شده است (سالاپاتی، سیمو، دروسوپولوس، استین^۵، ۲۰۱۲، ژوئن، صص ۲، ۸).</p>	<p>ہستی شناسی لیدو</p> <ol style="list-style-type: none"> 1. CRMaff 2. Erin Canning 3. to document 4. repositories of aggregated resources 5. Europeana Data Model (EDM) 6. Tsalapati; Simou; Drosopoulos; Stein

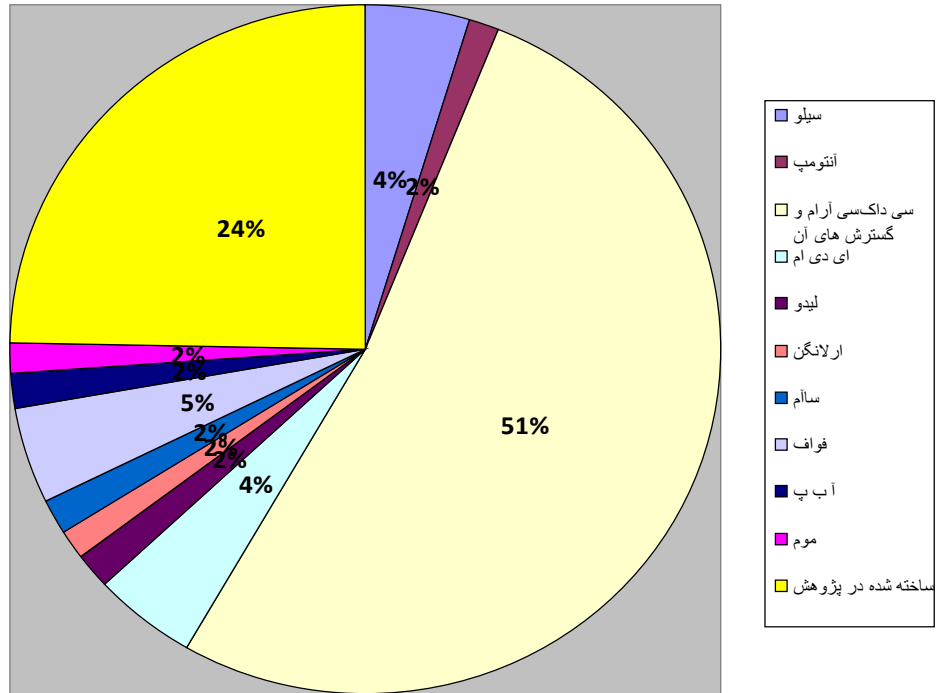
ادامہ جدول ۳

توصیف اجمالی از هستی شناسی، اصطلاح نامہ‌ها و طرح‌های فراداده‌ای به کاررفته در پژوهش‌های مورد بررسی

پرسش شماره ۲: از بین هستی شناسی‌های به دست آمده کدام یک بیشترین استفاده را در بین پژوهش‌ها داشته است؟

با هدف پاسخ به این پرسش، درصد فراوانی پژوهش‌ها در استفاده از هر یک از هستی شناسی‌ها محاسبه شد. نتایج این بررسی در نمودار شماره یک آمده است.





نمودار ۱

میزان استفاده از هر یک از
هستی‌شناسی‌های یافته شده در این
پژوهش

همان‌طورکه در این نمودار دیده می‌شود، هستی‌شناسی سی‌داکسی آرام بیشترین فراوانی را در پژوهش‌های بررسی شده دارد.

پرسش شماره ۳: براساس پژوهش‌های بررسی شده هستی‌شناسی در کدام از موضوعات حوزه موزه کاربرد دارد؟

طبق پژوهش‌های بررسی شده، کاربرد هستی‌شناسی در حوزه موزه شامل موارد زیر است:
ایجاد ابزارهای یادگیری و پیشنهاددهنده موبایلی به کاربران موزه؛
مدل‌سازی رفتار بازدیدکنندگان موزه و ایجاد پیشنهادهای آگاهی‌رسانی محتوایی؛
ایجاد خودکار موزه مجازی؛
ایجاد موزه شخص؛
تسهیل دسترسی و بازیابی اطلاعات موزه‌ای، تصاویر موزه‌ای و چندرسانه‌ای‌ها؛
بهبود اشتراک دانش در موزه‌ها؛

پشتیبانی از سه‌بعدی‌نمایی اشیاء موزه‌ای؛
راهنمایی کاربران برای بازدید از موزه؛
سندپردازی میراث فرهنگی در موزه‌ها؛
طبقه‌بندی خودکار مصنوعات سه‌بعدی موزه‌ای؛
میان‌کنش‌پذیری اطلاعات در موزه‌ها؛
نمایشگاه مجازی موزه‌ها؛

یکپارچه‌سازی اطلاعات نا همگن موزه‌ها و ایجاد روابط معنایی بین موزه‌های دیجیتال.

پرسش شماره ۴: پوشش زمانی هستی‌شناسی‌های موزه چگونه است؟

با هدف پاسخ به این پرسش، پژوهش‌های یافت‌شده به دو دسته فارسی و انگلیسی تقسیم شد. چون در زبان فارسی پژوهش‌های اندکی با موضوع هستی‌شناسی موزه انجام شده‌است، همان‌طور که در قسمت‌های قبلی گفته شد، پژوهش‌های مربوط به سازمان‌دهی در حوزه اشیاء موزه‌ای و حوزه کلی‌تر میراث فرهنگی نیز جست‌وجو شدند؛ بنابراین نتایج این بخش در زبان فارسی بیشتر مربوط به سازمان‌دهی است تا هستی‌شناسی (در حوزه هستی‌شناسی میراث فرهنگی تنها دو پژوهش در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ انجام شده‌است که مربوط به حوزه باستان‌شناسی است). پراکندگی سال انتشار نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های فارسی‌زبان در جدول ۴ دیده می‌شود، این پژوهش‌ها که در حوزه سازمان‌دهی موزه هستند، از سال ۱۳۸۴ آغاز شده‌اند و بیشترین میزان پژوهش در این حوزه به سال ۱۳۹۵ برمی‌گردد.

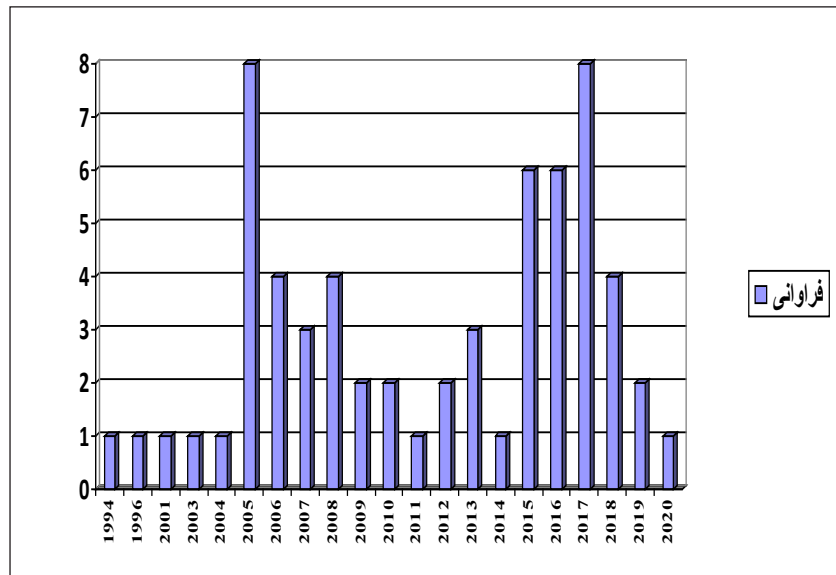
فرآوانی	سال انتشار
۱	۱۳۸۴
۱	۱۳۸۷
۳	۱۳۹۱
۲	۱۳۹۲
۱	۱۳۹۳
۲	۱۳۹۴
۴	۱۳۹۵
۱	۱۳۹۶
۱	۱۳۹۷
۱	۱۳۹۸
۱	۱۳۹۹

جدول ۴

فرآوانی پژوهش‌های فارسی‌زبان در
حوزه موردبررسی براساس سال انتشار



دسته دوم، بررسی پژوهش‌های انگلیسی‌زبان است. نتایج پراکندگی سال انتشار این پژوهش‌ها در نمودار شماره ۲ دیده می‌شود.



نمودار ۲

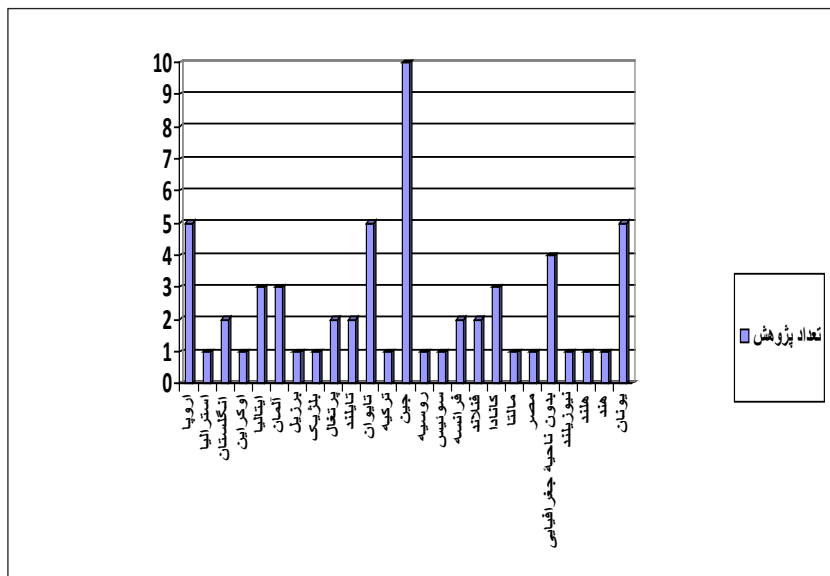
فراوانی پژوهش‌های انگلیسی‌زبان در حوزه هستی‌شناسی موزه براساس سال انتشار

همان‌طور که در نمودار شماره ۲ دیده می‌شود انتشار پژوهش‌ها در حوزه هستی‌شناسی موزه از سال ۱۹۹۴ آغاز شده است و بیشترین میزان پژوهش در این حوزه در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۰۵ انجام شده است.

پرسش شماره ۵: پوشش مکانی پژوهش‌های حوزه هستی‌شناسی موزه‌ای چگونه است؟

یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان براساس معیارهای گوناگونی تحلیل کرد که یکی از آن‌ها پوشش مکانی پژوهش‌های حوزه هستی‌شناسی موزه‌ای است. این معیار آخرین پرسش این پژوهش را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش پژوهش‌های انگلیسی‌زبان^۱ به لحاظ پوشش جغرافیایی بررسی شدند که نتایج آن در نمودار شماره ۳ گزارش شده است. همان‌طور که در این نمودار دیده می‌شود، کشور چین با ۱۰ پژوهش بیشترین میزان پژوهش را در زمینه مدنظر پژوهش حاضر دارد.

۱. چون پژوهش‌های زبان فارسی به پایگاه‌های اطلاعاتی در کشور ایران محدود است، پاسخ این پرسش برای پژوهش‌های فارسی بدیهی است.



مؤدار ۳

فراوانی پژوهش‌های انگلیسی‌زبان در حوزه هستی‌شناسی موزه براساس پوشش جغرافیایی

۴. بحث و نتیجه‌گیری

بررسی مطالعات گذشته نشان داد که سابقه هستی‌شناسی در حوزه پژوهش‌های مربوط به موزه در سطح جهان کمتر از ۲۰ سال است. این موضوع نشان می‌دهد که این حوزه در سطح جهان حوزه نسبتاً جدیدی است. البته یافته‌ها در بخش پژوهش‌های ایرانی حاکی از آن است که موضوع هستی‌شناسی در حوزه موزه تاکنون در متون استفاده نشده است. تنها دو پژوهش ایرانی به هستی‌شناسی در حوزه بالادست موزه، یعنی میراث فرهنگی پرداخته‌اند که سابقه آنها به ۴ سال قبل بازمی‌گردد. این نتایج نشان می‌دهد که این حوزه در ایران جای کار دارد و باتوجه به تعدد موزه‌های ایران و غنی بودن میراث مادی و غیرمادی مربوط به فرهنگ و تمدن کشورمان خلأ پژوهش در این حوزه احساس می‌شود. همان‌طور که مشخص است، موزه‌ها از جمله مراکز هستی‌شناسی هستند که میراث مادی و غیرمادی مربوط به فرهنگ و تمدن بشر را در خود جای داده‌اند. این مراکز وظیفه سازمان‌دهی و اشاعه این میراث را برای نسل امروز و حفاظت و نگهداری از آن را برای نسل‌های آینده برعهده دارند. باتوجه به مطالبی که در مقدمه پژوهش ذکر شد، به سبب پیچیدگی روابط بین داده‌های میراث فرهنگی، استفاده از هستی‌شناسی به تفسیر داده‌های این حوزه و یاری کاربران در یافتن اطلاعات کمک می‌کند. به علاوه باتوجه به اینکه در عصر اطلاعات به‌سر می‌بریم، ایجاد پایگاه‌های داده‌ای مبتنی بر هستی‌شناسی برای موزه‌ها در ایران می‌تواند به

تسهیل تبادل و میان‌کنش‌پذیری داده‌های ناهمگن موزه‌ای در سراسر جهان کمک کند تا دسترسی به اطلاعات در این حوزه با سرعت و سهولت بیشتری امکان‌پذیر شود. در بخش دیگری از یافته‌های پژوهش ۱۰ هستی‌شناسی استخراج شد که در مطالعات پیشین مورداستفاده پژوهش‌گران بوده است. این ۱۰ هستی‌شناسی عبارت‌اند از: هستی‌شناسی سلویو؛ سیداک سی آرام و گسترش‌های آن؛ هستی‌شناسی مدل داده‌ای اروپانا (ای‌دی‌ام)؛ آنتومپ؛ هستی‌شناسی لیدو؛ ارلانگن سیداک سی آرام؛ هستی‌شناسی ساام؛ فواف؛ هستی‌شناسی آب‌ث؛ و موم. از بین این هستی‌شناسی‌ها، هستی‌شناسی سی‌داک سی آرام بیشترین استفاده را در بین پژوهش‌ها داشته است. با بررسی متون موردبررسی و مطالعه متن این هستی‌شناسی علت این برتری عبارت است از:

این هستی‌شناسی به‌روش گروهی در سطح جهانی ایجاد شده است و مقبولیت جهانی دارد. این موضوع به دو علت است: یکی اینکه متخصصان گوناگونی در سطح جهان در ایجاد آن همکاری داشته‌اند و از این‌رو دقیق‌تر و کامل‌تر از سایر هستی‌شناسی‌ها است و دیگر اینکه شناخته‌شده‌تر است و بیشتر به‌کار گرفته می‌شود؛

مطالعه کلاس‌ها و متن آن نشان می‌دهد که این هستی‌شناسی انعطاف‌پذیر است و قابلیت گسترش‌پذیری دارد. این قابلیت در جهان متغیر کنونی عامل مهمی است؛

این هستی‌شناسی در سازمان استاندارد جهانی ثبت شده است و شماره ایزو دارد؛ چرنی، هایس، مورومتسیو، آندریو، پاولو^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش خود دلایل برتری سیداک سی آرام را چنین بیان می‌کنند:

«هستی‌شناسی‌های متعددی برای حوزه میراث فرهنگی ایجاد شده‌اند. اکثر آن‌ها داده‌های میراث فرهنگی را با غنای کامل عرضه نمی‌کنند و تمرکز آن‌ها روی ناحیه‌ای خاص است. هستی‌شناسی سیداک سی آرام نوعی هستی‌شناسی انتزاعی و درعین حال منعطف است و این موضوع استفاده از آن را برای کاربران پیچیده می‌کند؛ باوجوداین به‌سبب امتیازهایی که در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد آن‌ها را به استفاده از آن ترغیب می‌کند.»

این یافته پژوهش -که سیداک سی آرام به سایر هستی‌شناسی‌های حوزه موزه برتری دارد- دستاوردی است که به پژوهش‌گران در انتخاب هستی‌شناسی یاری می‌رساند.

یافته دیگر این پژوهش کاربردهای هستی‌شناسی‌ها در حوزه موزه است که همان‌طور که در بخش یافته‌ها به آن اشاره شد ۱۳ مورد است. با توجه به اینکه روی این حوزه در کشور ما کار نشده است، این یافته راهنمایی برای انتخاب موضوع برای پژوهش‌گران علاقه‌مند به این حوزه است. به‌علاوه به مدیران و کارمندان موزه در عرضه خدمات بهتر، سریع‌تر و دقیق‌تر به کاربران کمک می‌کند.

منابع

کتاب فارسی

آذرگون، مریم؛ فری زاده، زینب. (۱۳۹۱). *ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتاب‌شناختی (اف.آر.بی.آر.) و الگوهای وابسته: فراد و فرساد*. (محسن حاجی‌زین‌العابدینی، ویراستار). تهران: چاپار.

مقاله

نوشین فرد، فاطمه؛ فضایی قره‌بلاغ، زینب. (۱۳۹۲). «بررسی شیوه‌های سازمان‌دهی، ذخیره و بازیابی اطلاعات در موزه‌های مجازی ایران». فصل‌نامه *گنجینه اسناد*، ۲۳(۱)، صص ۱۰۰-۱۱۵.

نیک‌نیا، معصومه؛ جمالی مهموئی، حمیدرضا؛ علی محمدی، داریوش. (۱۳۹۷). «سازمان‌دهی اطلاعات حوزه میراث فرهنگی: پیشرفت‌های گذشته و مسائل پیش‌رو». *مطالعات کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات*، ۲۹(۳)، صص ۶۱-۹۱.

منابع لاتین

Book chapter

- Bruseker, George; Carboni, Nicola; Guillem, Anais. (2017). "Cultural Heritage Data Management: The Role of Formal Ontology and CIDOC CRM". In book (Matthew, Vincent; Víctor Manuel, López-Menchero Bendicho; Marinos, Ioannides; Thomas, Levy, (eds)), *Heritage and archaeology in the digital age: quantitative methods in the humanities and social sciences*, pp. 93-131. New York: Springer.
- Martini, Ricardo G; Araújo, Cristiana; Almeida, José João; Henriques, Pedro Rangel. (2016). "OntoMP, An Ontology to Build the Museum of the Person". In book (Álvaro, Rocha; Ana Maria, Correia; Hojjat, Adeli; Luis Paulo, Reis; Marcelo, Mendonça Teixeira, (Eds)), *New Advances in Information Systems and Technologies*, vol. 2, pp. 653-661. New York: Springer.
- Szekely, Pedro et al. (2013). "Connecting the smithsonian american art museum to the linked data cloud". In: (P. Cimiano; O. Corcho; V. Presutti; L. Hollink; S. Rudolph, (Eds.)), *The Semantic Web: Semantics and Big Data*, pp 593-607. New York: Springer.



Article

- Ali Al-Mukhtar, Mumtaz M; Abbass Al-Assafy, Ahmed T. (2014). "The implementation of FOAF ontology for an academic social network?". *International Journal of Computer Science Engineering and Technology*, 4(1), pp 10–14.
- Bright, Tiffani J; Yoko Furuya, E; Kuperman, Gilad J; Cimino, James J; Bakken, Suzanne. (2011). "Development and evaluation of an ontology for guiding appropriate antibiotic prescribing". *Journal of biomedical information*, 45(1), pp 120–128.
- Concordia, Cesare; Gradmann, Stefan; Siebinga, Sjoerd. (2010). "Not just another portal, not just another digital library: A portrait of Europeana as an application program interface". *International Federation of Library Associations and Institutions journal*, 36(1), pp 61–69.
- Fortier, Alexandre; Menard, Elaine. (2017). "Laying the Ground for DOLMEN: Offering a Simple Standardization Starts with Understanding What Museums Do". *Knowledge Organization*, 44(7), pp 485–493.
- Fresa, Antonella. (2013). "A data infrastructure for digital cultural heritage: characteristics, requirements and priority services". *International Journal of Humanities and Arts Computing*, 7(supplement), pp 29–46.
- Hoaihongthong, Suwannee. (2020). "Cultural Heritage Information Management: A Systematic Review Study". *Journal of Information Science*, 38(3), 88–104.
- Kim, Hayun; Matuszka, Tamás; Kim, Jea-In; Kim, Jungwha; Woo, Woontack. (2017). "Ontology-based mobile augmented reality in cultural heritage sites: information modeling and user study". *Multimedia Tools and Applications*, 76(24), pp 26001–26029.
- Lagoze, Carl; Hunter, Jane. (2001). "The ABC Ontology and Model". *Journal of Digital Information*, 2(2), pp 160–176.
- Pandolfo, Laura; Spanu, Sara; Pulina, Luca; Grosso, Enrico. (2020). "Understanding and Modeling Visitor Behaviours for Enhancing Personalized Cultural Experiences". *International Journal of Technology and Human Interaction*, 16(3), pp 24–38.
- Soergel, Dagobert. (1995). "The Art and Architecture Thesaurus (AAT): A Critical Appraisal". *Visual Resources*, 10(4), pp 369–400.



Wu, Dan; Wang, Hui-Lin. (2006). "Role of ontology in information retrieval". *Journal of Electronic Science and Technology of China*, 4(2), pp 148–154.

Conference article

Auer, Sören; Bizer, Christian; Kobilarov, Georgi; Lehmann, Jens; Cyganiak, Richard; Ives, Zachary. (2007). "DBpedia: A Nucleus for a Web of Open Data". In: *6th International Semantic Web Conference, 2nd Asian Semantic Web Conference, ISWC 2007 + ASWC 2007, Busan, Korea November 11-15, 2007. Proceedings*. Switzerland: Springer International Publishing AG.

Canning, Erin. (2018 September 29 – October 5). "Documenting object experiences in the art museum with CIDOC-CRM". Paper presented at: *CIDOC conference*, Crete.

Cherny, Eugene; Haase, Peter; Mouromtsev, Dmitry; Andreev, Alexey; Pavlov, Dmitry. (2015). "Application of CIDOC-CRM for the Russian Heritage Cloud Platform". In book: (Morzy, Tadeusz. et al. (Eds)), *New Trends in Databases and Information Systems (ADBIS)*, (September 8-11, 2015), pp 448–457.

Constantopoulos, Panos; Dallas, Costis; Doerr, Martin; Bekiari, Chryssoula; Dionissidou, Ifigenia. (2018, September 29 - October 5). "A retrospective on CLIO: legacy, lessons learned and perspectives". Paper presented at: *CIDOC conference*, Crete.

Doerr, Martin; Gradmann, Stefan; Hennicke, Steffen; Isaac, Antoine; Meghini, Carlo; Van De Sompel, H. (2010, August 10-15). "The Europeana Data Model (EDM)". Paper presented at: *Word library and information congress: 76th IFLA general conference and assembly*, 10-15 August 2010, Gothenburg, Sweden.

Hajmoosaei, Abdolreza; Skoric, Petra. (2016). "Museum ontology-based metadata" In: *IEEE Tenth International Conference on Semantic Computing (ICSC)*, February 4-6, pp, 100–103. Washington, D.C.: IEEE Computer Society.

Nafis, Fouad; Yahyaouy, Ali; Aghoutane, Badraddine. (2019, April, 3-5). "Ontologies for the classification of cultural heritage data". Paper presented at: *International Conference on Wireless Technologies, Embedded and Intelligent Systems (WITS)*, MOROCCO.

Ozacar, Tuğba; Ozturk, Ovunc; Salloutah, Lobaba; Yuksel, Fulya; Abdalbaki, Baraa; Biliçi Elif. (2017). "A Semantic Web Case Study: Representing the Ephesus Museum Collection Using Erlangen CRM Ontology". In: (E. Garoufallou, et al). *Metadata and semantic research: the 11th International Conference on Metadata and Semantic Research (MTSR)*. Switzerland: Springer.

Tsalapati, Eleni; Simou, Nikolaos; Drosopoulos, Nasos; Stein, Regine. (2012, June 8-9). "Evolving LIDO based aggregations into Linked Data". Paper presented at: *conference CIDOC2012 - Enriching Cultural Heritage*, Helsinki, Finland 10-14.6.2012.

University report

Constantopoulos, Panos. (1994). "Cultural Documentation: The CLIO System". (Technical Report FORTH-ICS/TR115). Crete: Institute of Computer Science, FORTH.

Noy, Natalya; McGuinness, Deborah. (2001). "Ontology development 101: a guide to creating your first ontology". (Technical report KSL-01-05 and SMI-2001-0880). California: Stanford University.

Internet source

"Compatible models & Collaborations to the CIDOC CRM". (5/4/2021) from: <http://www.cidoc-crm.org/collaborations>

CRM Special Interest Group. (2020). "Definition of the CIDOC Conceptual Reference Model". (5/4/2021) From: http://www.cidoc-crm.org/sites/default/files/CIDOC%20CRM_v.7.0_%2020-6-2020.pdf

Dawson, A; Hillhouse, S. (eds). (2011). "SPECTRUM: The UK Museum Collections Management Standard: SPECTRUM 4.0". (5/3/2021) from: https://www.obs-traffic.museum/sites/default/files/ressources/files/SPECTRUM_uk_standard.pdf

"DbPedia: global and unified access to knowledge graphs". (5/4/2021). From: <https://www.dbpedia.org>

DCMI Usage Board. (2020). "DCMI Metadata Terms". (5/3/2021) from: <https://www.dublincore.org/specifications/dublin-core/dcmi-terms>



- “Definition of the Europeana Data Model”. (2016). (5/4/2021) From: https://pro.europeana.eu/files/Europeana_Professional/Share_your_data/Technical_requirements/EDM_Documentation/EDM_Definition_v5.2.7_042016.pdf
- “Erlangen CRM/OWL”. (5/3/2021) from: erlangen-crm.org
- “Getty Vocabularies”. (5/3/2021) from: <https://www.getty.edu/research/tools/vocabularies>
- “Introduction to SKOS”. (2012). (5/3/2021). from: <https://www.w3.org/2004/02/skos/intro>
- “Iconclass”. (5/4/2021). From: <https://rkd.nl/nl/collecties/services-tools/iconclass>
- ICOM statutes. (2007). “Museum definition”. (5/4/2021) from: <https://icom.museum/en/resources/standards-guidelines/museum-definition/>
- OWL Working Group. (2012). “Web ontology language (OWL)”. (4/7/2021). From: OWL - Semantic Web Standards (w3.org)
- Wikipedia. (2021). “Dbpedia”. (5/4/2021). From: <https://en.wikipedia.org/wiki/DBpedia>

English Translation of References

Books

- Azargoun, Maryam; & Farizadeh, Zeynab. (1391/2012). “*Malzumāt-e kār kardī-ye pišīne-hā-ye ketāb-šenāxti (Ef. Ār. Bi. Ār) va olgu-hā-ye vābāsteh: Farādvā Farsād*” (Functional requirements of bibliographic backgrounds (FRBR) and related patterns: FRAD and FRSAD). Edited by Mohsen Zeinolabedini. Tehrān: Čāpār.[Persian]

Articles

- Ali Al-Mukhtar, Mumtaz M; & Abbass Al-Assafy, Ahmed T. (2014). “The implementation of FOAF ontology for an academic social network”. *International Journal of Computer Science Engineering and Technology*, 4(1), pp 10–14.
- Auer, Sören; Bizer, Christian; Kobilarov, Georgi; Lehmann, Jens; Cyganiak, Richard; & Ives, Zachary. (2007). “DBpedia: A nucleus for a web of open data”. In: *6th International Semantic Web Conference, 2nd Asian Semantic Web Conference, ISWC 2007 + ASWC 2007, Busan, Korea November 11-15, 2007. Proceedings*. Switzerland: Springer International Publishing AG.

- Bright, Tiffani J; Yoko Furuya, E; Kuperman, Gilad J; Cimino, James J; & Bakken, Suzanne. (2011). "Development and evaluation of an ontology for guiding appropriate antibiotic prescribing". *Journal of biomedical information*, 45(1), pp 120–128.
- Bruseker, George; Carboni, Nicola; & Guillem, Anais. (2017). "Cultural heritage data management: The role of formal ontology and CIDOC CRM". In Matthew Vincent; Víctor Manuel López-Menchero Bendicho; Marinis Ioannides; & Thomas Levy, (Eds.), *Heritage and archaeology in the digital age: Quantitative methods in the humanities and social sciences*, pp. 93–131. New York: Springer.
- Canning, Erin. (2018 September 29 – October 5). "Documenting object experiences in the art museum with *CIDOC-CRM*". Paper presented at: CIDOC conference, Crete.
- Cherny, Eugene; Haase, Peter; Mouromtsev, Dmitry; Andreev, Alexey; & Pavlov, Dmitry. (2015). "Application of CIDOC-CRM for the Russian Heritage Cloud Platform". In Morzy Tadeusz. et al. (Eds.), *New trends in Databases and Information Systems (ADBIS)*, (September 8-11, 2015), pp 448–457.
- Concordia, Cesare; Gradmann, Stefan; & Siebinga, Sjoerd. (2010). "Not just another portal, not just another digital library: A portrait of Europeana as an application program interface". *International Federation of Library Associations and Institutions journal*, 36(1), pp 61–69.
- Constantopoulos, Panos; Dallas, Costis; Doerr, Martin; Bekiari, Chryssoula; & Dionisiadou, Ifigenia. (2018, September 29 - October 5). "A retrospective on CLIO: legacy, lessons learned and perspectives". Paper presented at: *CIDOC conference*, Crete.
- Doerr, Martin; Gradmann, Stefan; Henniecke, Steffen; Isaac, Antoine; Meghini, Carlo; & Van De Sompel, H. (2010, August 10-15). "The Europeana Data Model (EDM)". Paper presented at: *Word library and information congress: 76th IFLA general conference and assembly*, 10-15 August 2010, Gothenburg, Sweden.
- Fortier, Alexandre; & Menard, Elaine. (2017). "Laying the ground for DOLMEN: Offering a simple standardization starts with understanding what museums do". *Knowledge Organization*, 44(7), pp 485–493.

- Fresa, Antonella. (2013). "A data infrastructure for digital cultural heritage: characteristics, requirements and priority services". *International Journal of Humanities and Arts Computing*, 7(supplement), pp 29–46.
- Hajmoosaei, Abdolreza; &Skoric, Petra. (2016). "Museum ontology-based metadata" In: IEEE Tenth International Conference on Semantic Computing (*ICSC*), *February 4-6, pp, 100–103. Washington, D.C.: IEEE* Computer Society.
- Hoaihongthong, Suwannee. (2020). "Cultural heritage information management: A systematic review study". *Journal of Information Science*, 38(3), 88–104.
- Kim, Hayun; Matuszka, Tamás; Kim, Jea-In; Kim, Jungwha; &Woo, Woontack. (2017). "Ontology-based mobile augmented reality in cultural heritage sites: Information modeling and user study". *Multimedia Tools and Applications*, 76(24), pp 26001–26029.
- Lagoze, Carl; Hunter, Jane. (2001). "The ABC ontology and model". *Journal of Digital Information*, 2(2), pp 160–176.
- Martini, Ricardo G; Araújo, Cristiana; Almeida, José João; &Henriques, Pedro Rangel. (2016). "OntoMP, an ontology to build the museum of the person". In Álvaro Rocha; Ana Maria Correia; HojjatAdeli; Luis Paulo Reis; &Marcelo Mendonça Teixeira, (Eds.), *New advances in information systems and technologies*, vol. 2, pp. 653–661. New York: Springer.
- Nafis, Fouad; Yahyaouy, Ali; &Aghoutane, Badraddine. (2019, April, 3-5). "Ontologies for the classification of cultural heritage data". Paper presented at:*International Conference on Wireless Technologies, Embedded and Intelligent Systems (WITS)*, MOROCCO.
- Nooshinfard, Fatemeh; &FazaaeGharaBalagh, Zeynab. (1392/2013). "Barresi-ye šive-hā-ye sāzmāndehi, zaxirevabāzyābi-ye ettelā'ātdarmuze-hā-ye majāzi-ye Irān" (Examining the ways of organizing, storing and retrieving information in Iran's virtual museums). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 23(1), pp. 100-115.[Persian]
- Niknia, Masoumeh; Jamali Mahmoudyi, Hamidreza; &Alimohammadi, Daryoush. (1397/2018). "Sāzmāndehi-ye ettelā'āt-e howze-ye mirās-e farhangi: Pišraft-hā-ye gozaštēhvasāel-e piš-e ru" (Organizing cultural heritage information: Previous

- developments and future perspective). *Motāle'āt-e Ketāb-dāriva Sāzmāndehi-ye Ettelā'āt* (Librarianship and Information Organization Studies), 29(3), pp. 61-91. [Persian]
- Ozacar, Tuğba; Ozturk, Ovunc; Salloutah, Lobaba; Yuksel, Fulya; Abdulkaki, Baraa; & Bilici Elif. (2017). "A semantic web case study: Representing the Ephesus Museum collection using Erlangen CRM ontology". In: E. Garoufallou, et al (Eds.) *Metadata and semantic research: The 11th International Conference on Metadata and Semantic Research (MTSR)*. Switzerland: Springer.
- Pandolfo, Laura; Spanu, Sara; Pulina, Luca; & Grosso, Enrico. (2020). "Understanding and modeling visitor behaviors for enhancing personalized cultural experiences". *International Journal of Technology and Human Interaction*, 16(3), pp 24-38.
- Soergel, Dagobert. (1995). "The Art and Architecture Thesaurus (AAT): A critical appraisal". *Visual Resources*, 10(4), pp 369-400.
- Szekely, Pedro et al. (2013). "Connecting the Smithsonian American art museum to the linked data cloud". In: P. Cimiano; O. Corcho; V. Presutti; L. Hollink; & S. Rudolph, (Eds.), *The semantic web: Semantics and big data*, pp 593-607. New York: Springer.
- Tsalapati, Eleni; Simou, Nikolaos; Drosopoulos, Nasos; & Stein, Regine. (2012, June 8-9). "Evolving LIDO based aggregations into linked data". Paper presented at: *conference CIDOC2012 - Enriching Cultural Heritage*, Helsinki, Finland 10-14.6.2012.

University reports

- Constantopoulos, Panos. (1994). "*Cultural documentation: The CLIO System*". (Technical Report FORTH-ICS/TR115). Crete: Institute of Computer Science, FORTH.
- Noy, Natalya; McGuinness, Deborah. (2001). "*Ontology development 101: A guide to creating your first ontology*". (Technical report KSL-01-05 and SMI-2001-0880). California: Stanford University.

Internet source

- "Compatible models & collaborations to the CIDOC CRM". (5/4/2021) from: <http://www.cidoc-crm.org/collaborations>



- CRM Special Interest Group. (2020). "Definition of the CIDOC conceptual reference model". (5/4/2021) From: http://www.cidoc-crm.org/sites/default/files/CIDOC%20CRM_v.7.0_%2020-6-2020.pdf
- Dawson, A; & Hillhouse, S. (Eds.). (2011). "SPECTRUM: The UK Museum Collections Management Standard: SPECTRUM 4.0". (5/3/2021) from: https://www.obs-traffic.museum/sites/default/files/ressources/files/SPECTRUM_uk_standard.pdf
- "Dbpedia: Global and unified access to knowledge graphs". (5/4/2021). From: <https://www.dbpedia.org>
- DCMI Usage Board. (2020). "DCMI metadata terms". (5/3/2021) from: <https://www.dublincore.org/specifications/dublin-core/dcmi-terms>
- "Definition of the Europeana data model". (2016). (5/4/2021) From: https://pro.europeana.eu/files/Europeana_Professional/Share_your_data/Technical_requirements/EDM_Documentation/EDM_Definition_v5.2.7_042016.pdf
- "Erlangen CRM/OWL". (5/3/2021) from: erlangen-crm.org
- "Getty Vocabularies". (5/3/2021) from: <https://www.getty.edu/research/tools/vocabularies>
- "Introduction to SKOS". (2012). (5/3/2021). from: <https://www.w3.org/2004/02/skos/intro>
- "Iconclass". (5/4/2021). From: <https://rkd.nl/nl/collecties/services-tools/iconclass>
- ICOM statutes. (2007). "Museum definition". (5/4/2021) from: <https://icom.museum/en/resources/standards-guidelines/museum-definition/>
- OWL Working Group. (2012). "Web ontology language (OWL)". (4/7/2021). From: [OWL - Semantic Web Standards \(w3.org\)](http://www.w3.org)
- Wikipedia. (2021). "Dbpedia". (5/4/2021). From: <https://en.wikipedia.org/wiki/Dbpedia>



Usability of Finding Aids in the Archives Software of National Library and Archives of Iran: Users' Point of View

Mona sadat- Mousavi¹ | Somayeh Jafari- Baghiabadi² | Sepideh Fahimifar³

Abstract:

Purpose: To measure the usability of finding aids in the following fields of the archives software of National Library and Archives of Iran from the users' point of view; free text searching, author, topic and title.

Method and Research Design: The research is practical in terms of purpose and the research method is quasi-experimental. Data collection techniques were verbal reports (thinking aloud) and direct observation during tasks. A questionnaire was used to collect demographic information. The statistical population consisted of both novice and expert users of National Library and Archives of Iran. Users expressed their opinions after completing the tasks in a post-test survey.

Findings and Conclusion: The tools were more usable for expert users in comparison to novice. Compared to expert users, novice ones had more difficulty completing tasks due to the lack of familiarity with archives vocabulary and the way of searching in the software. About 60% of the participants easily completed the "free text searching" and "author" fields. Although the most effective field was "author", 10% of users could not complete the task successfully. The lowest and highest time averages were related to "title" and "subject" fields, respectively. Generally, the tools are usable for users and their usability can increase by training and using the guide. At the time of data entry, terminology and user-friendliness of tools are important. Finding aids help users and reduce the need for mediators.

Keywords: Archival Finding Aids; Archives User; Usability; National Library and Archives of Iran.

Citation: Mousavi, M. A., Jafari Baghiabadi, S., & Fahimifar, S. (2022). Usability of finding aids in the software of the National Library and Archives of Iran from the users' viewpoint of view. *Ganjine-ye Asnad*, 32(3), 170-196 | doi: 10.30484/ganj.2022.2952

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. MA in Archival Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

Mousavim94@yahoo.com

2. PhD student of Information and Knowledge, University of Tehran, Tehran, Iran.

jafari.somayyeh@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Information and Knowledge, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran, (Corresponding author) sfahimifar@ut.ac.ir

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«128»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2952

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.4, Winter 2023 | pp: 170 - 196 (27) | Received: 14, Jun. 2022 | Accepted: 14, Aug. 2022

Archival research



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

کاربردپذیری ابزارهای کمک جستجو در نرم افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از دیدگاه کاربران

مونا السادات موسوی^۱ | سمیه جعفری باقی آبادی^۲ | سپیده فهیمی فر^۳

چکیده:

هدف: سنجش میزان کاربردپذیری ابزارهای کمک جستجو در قالب فیلدهای جستجو، پدیدآور، موضوع و عنوان در نرم افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از دیدگاه کاربران.

روش / رویکرد پژوهش: پژوهش توصیفی حاضر از نظر هدف کاربردی بوده و به روش شبه آزمایشی انجام شده است. فنون جمع آوری داده‌ها، گزارش‌های کلامی (تفکر با صدای بلند) و مشاهده مستقیم در حین انجام تکالیف بود. برای گردآوری اطلاعات جمعیت شناختی از پرسشنامه استفاده شد؛ جامعه پژوهش را کاربران مبتدی و خبره سازمان اسناد و کتابخانه ملی تشکیل دادند. کاربران پس از انجام تکالیف با نظرسنجی پس‌آزمون، نظرات خود را بیان کردند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: ابزارها برای کاربران خبره در مقایسه با کاربران مبتدی، کاربردپذیرتر بودند. کاربران مبتدی در مقایسه با کاربران خبره در تکمیل تکالیف، دشواری بیشتری به دلایل عدم آشنایی با واژگان آرشیو و چگونگی جستجو در نرم افزار داشتند. حدود ۶۰ درصد از مشارکت‌کنندگان به سهولت فیلدهای «جستجو» و «پدیدآور» را تکمیل نمودند. هر چند بیشترین کارایی مربوط به فیلد «پدیدآور» بود؛ اما تکمیل آن در میان ۱۰ درصد از کاربران ناموفق بود. کمترین و بیشترین میانگین زمانی به ترتیب مربوط به فیلدهای «عنوان» و «موضوع» بود. در مجموع ابزارها برای کاربران کاربردپذیر بوده و می‌توان از طریق آموزش و استفاده از راهنما، کاربردپذیری را افزایش داد. در زمان ورود اطلاعات، واژه‌شناسی و کاربرپسندی ابزارها مهم است. کاربران با استفاده از ابزارهای کمکی کاربردپذیر، جستجوهای خود را انجام داده و نیاز به حضور واسطه را کاهش می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: ابزار کمک جستجوی آرشیوی، کاربر آرشیو، کاربردپذیری، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آرشیو ملی ایران.

استناد: موسوی، موناالسادات، جعفری باقی‌آبادی، سمیه، فهیمی فر، سپیده. (۱۴۰۱). کاربردپذیری ابزارهای کمک جستجو در نرم افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از دیدگاه کاربران. گنجینه اسناد، ۳۲(۳)، ۱۷۰-۱۹۶ | doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۵۲

۱. کارشناس ارشد مطالعات آرشیوی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Mousavim94@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

jafari.somayyeh@gmail.com

۳. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
sfahimifar@ut.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۲۸

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲,۲۹۵۲

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۲، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۱ | صص: ۱۷۰ - ۱۹۶ (۳۱)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲

تحقیقات آرشیوی

۱. مقدمه

بسیاری از کاربران منابع آرشیوی به‌ویژه مبتدیان در استفاده از آرشیوها با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند که در نهایت به اضطراب آرشیوی آن‌ها منجر می‌شود. در واقع ناتوانی کاربر در شناسایی منابع آرشیوی، نشانگر شکاف میان آرشیوها و گروه‌های هدف‌مند است. برخی از آرشیوها برای برطرف کردن این شکاف، در وهله نخست و با هدف انتقال دانش آموزش کاربران را در دستور کار خود قرار دادند و سپس برای برطرف کردن این مسئله به ابزار کمک‌جست‌وجو روی آوردند که به‌عنوان پلی شکاف میان مواد آرشیوی و کاربران را پر می‌کند. ابزار کمک‌جست‌وجوی آرشیوی به‌عنوان معرف مواد عمل می‌کند و ابزاری توصیفی است که در مدیریت مواد به آرشیویست‌ها، و در بازیابی اطلاعات به پژوهش‌گران یاری می‌رساند (فاسیگ^۱، ۲۰۱۳). این ابزارها شامل بانک‌های اطلاعاتی، نمایه‌ها یا راهنماها و اطلاعاتی شامل اطلاعات سرگذشت، دامنه و محتوای مواد و ... می‌شوند (مگایی^۲، ۲۰۱۸). اگرچه در گذشته قالب چاپی، ابزاری مناسب بود، ولی امروزه سازمان‌ها ابزار کمک‌جست‌وجوی خود را در قالب دیجیتال تولید می‌کنند. در این زمینه برخی از آرشیوها در حال انجام پروژه‌هایی برای قراردادن ابزار کمک‌جست‌وجو در شبکه جهان‌گستر وب هستند (آلمن^۳ و نمرز^۴، ۲۰۰۱). با توجه به گسترش اینترنت، نقش مصاحبه مرجع کم‌رنگ شده است و سامانه‌ها به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که قابلیت دسترسی به اطلاعات برای کاربران بالفعل و بالقوه فراهم شود. به بیان دیگر ابزار کمک‌جست‌وجو با اطلاعاتی مانند شماره رده‌بندی، آدرس سازمانی و وضعیت دسترسی به اسناد این قابلیت را ایجاد می‌کند (راش^۵ و دیگران^۶، ۲۰۰۸). در واقع این ابزارها به‌صورت برخط به کلیدواژه‌های کمک‌جست‌وجو^۷ نظیر منشأ، اطلاعات اداری و توصیفی (محدودیت‌های دسترسی، استنادات، مواد مرتبط به مجموعه)، توصیفات مجموعه (نویسنده، عنوان، شماره ثبت، چکیده، زبان، پیوست) و فهرست محتوا تبدیل می‌شوند (مگایی^۸، ۲۰۱۸).

اگرچه ابزارهای کمک‌جست‌وجوی آرشیوی واسطه و پلی میان کاربران و منابع هستند، ولی اغلب کاربران بیان می‌کنند که زبان به‌کار گرفته شده در این ابزارها و هم‌چنین عناصری که برای نام‌گذاری آن‌ها به‌کار می‌رود سبب سردرگمی آن‌ها می‌شود (فاسیگ^۹، ۲۰۱۳). مطالعات گوناگون نشان دادند که کاربران آرشیو به‌ویژه افراد مبتدی در استفاده از ابزار کمک‌جست‌وجو مشکلاتی دارند (فروند^{۱۰} و تامز^{۱۱}، ۲۰۱۶). هم‌چنین در زمان راهبری^{۱۲} ابزار کمک‌جست‌وجو، خبرگی در اینترنت از تجربه آرشیوی، کمی مهم‌تر است و کاربران مبتدی^{۱۳} هم‌قادر خواهند بود که بدون نیاز به واسطه فهمی قابل توجه از ابزار کمک‌جست‌وجو به‌دست آورند (چپمن^{۱۴}، ۲۰۱۰). باین حال «آرشیوهای ملی»^{۱۵} درصددند تا با استفاده از روش‌های گوناگون - که ابزار

1. Fasig
2. MCGahee
3. Altman
4. Nemmers
5. Rush
6. Search Aid
7. Freund
8. Toms
9. Navigation
10. Novices
11. Chapman
12. National Archives



کمک جست و جوی آرشیوی را هم شامل می‌شود- تعداد کاربران خود را افزایش دهند و تسهیلات در اختیار آن‌ها قرار دهند (عزیزی، ۱۳۹۴).

حضور یافتن مجموعه‌های آرشیوی در وب به دلیل ویژگی‌های خاص این مجموعه‌ها مانند منحصربه‌فرد بودن، تنوع و پیچیدگی در منشأ و محتوا، ساختار سلسله‌مراتبی و جزئیات، با چالشی بزرگ روبه‌رو شده‌است (کاساروزا، مگینی و گارداشویت^۱، ۲۰۱۳). تقویت ابزار کمک جست و جو، سبب تعامل بیشتر کاربران و اسناد در فضای وب می‌شود و سبب می‌شود تا انتظار کاربران از «ابزار کمک جست و جوی برخط»^۲ به‌عنوان تنها «نقطه دسترسی»^۳ به مجموعه‌های آرشیوی در عصر دیجیتال تاحدی برآورده شود (والتون^۴، ۲۰۱۷). به‌بیان‌دیگر هرچه این ابزار قوی‌تر و کامل‌تر باشد، کمتر به راهنمایی آرشیویست‌ها نیاز است و کاربران قادر خواهند بود تا بیشتر و آسان‌تر از آن استفاده کنند (فدائی عراقی، ۱۳۸۴).

در اغلب مراکز اسناد و آرشیوهای ایران نرم‌افزار مختص آرشیو وجود ندارد و سازمان اسناد و کتابخانه ملی نیز از نرم‌افزار مشترک با کتابخانه ملی استفاده می‌کند. براساس پژوهش اصنافی (۱۳۸۷) نیز اغلب نرم‌افزارهای مشترک داخلی بیشتر به منابع کتاب‌خانه‌ای پرداخته‌اند و به منابع آرشیوی کمتر توجه کرده‌اند. این امر سبب شده‌است تا در داخل کشور به ابزار کمک جست و جوی آرشیوی هم چندان توجهی نشود.

در بررسی وبگاه آرشیوهای خارج از کشور نظیر وبگاه پرینستون^۵ مشخص شد که بخشی به ابزارهای کمک جست و جو اختصاص یافته‌است؛ به‌گونه‌ای که مجموعه‌ها در آنجا به‌طور جداگانه براساس چندین الگوی جست و جو از جمله درختی، از بالا به پایین، سلسله‌مراتبی و ... قابلیت جست و جو دارند. در آن بخش، کاربر قادر خواهد بود تا از هر سند، تصاویر و چکیده‌های مناسبی را مشاهده کند یا براساس سرگذشت، تاریخچه و یادداشت محتوا به اسناد دسترسی پیدا کند. این در حالی است که در سازمان اسناد ملی ایران، تنها چند راه دسترسی یا ابزار کمک جست و جو از جمله فیلدهای^۶ موضوع، عنوان، پدیدآور و ... در نظر گرفته شده‌است.

با توجه به اهمیت ابزارهای کمک جست و جوی آرشیوی و نقش آن‌ها در دسترسی کاربران به آرشیو از یک سو و محدودیت‌های نرم‌افزار در بخش ابزارهای کمک جست و جو، و انجام مصاحبه‌های اولیه^۷ پژوهش‌گران با کاربران و کارشناسان سازمان اسناد و کتابخانه ملی و گزارش برخی ابهامات در مراحل انجام جست و جو از سوی دیگر، پرسش اصلی پژوهش این است:

میزان کاربردپذیری ابزار کمک جست و جوی نرم‌افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در چه سطحی است؟

1. Casarosa, Meghini, Gardasevic
2. Online Finding Aids
3. Access Point
4. Walton
5. Princeton
6. Fields



- این ابزار ابتدا به صورت چاپی بود و با گذشت زمان به فیلدهای قابل جست و جو در نرم افزار تبدیل شد.
- در این راستا هدف از انجام این پژوهش، سنجش میزان کاربردپذیری ابزار کمک جست و جو در نرم افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از دیدگاه کاربران است. براساس هدف اصلی فوق، پرسش های فرعی این پژوهش عبارت اند از:
۱. کاربردپذیری فیلد جست و جوی آزاد در نرم افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، از دیدگاه کاربران چگونه است؟
 ۲. کاربردپذیری فیلد پدیدآور در نرم افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، از دیدگاه کاربران چگونه است؟
 ۳. کاربردپذیری فیلد موضوع در نرم افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، از دیدگاه کاربران چگونه است؟
 ۴. کاربردپذیری فیلد عنوان در نرم افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، از دیدگاه کاربران چگونه است؟

۲. پیشینه پژوهش

مرور پژوهش های گذشته نشان می دهد که پژوهش های مرتبط با کاربردپذیری و سهولت استفاده از وبگاه ها و نرم افزارهای آرشیوی و کتابخانه ای، با رویکردهایی متفاوت و در بافت هایی گوناگون انجام شده است. در داخل کشور بیشتر به ارزیابی کاربردپذیری وبگاه ها و نرم افزارهای کتابخانه ای پرداخته شده است؛ ولی در خارج از کشور وبگاه ها و نرم افزارهای مرتبط با آرشیو و اسناد نیز محور پژوهش های کاربردپذیری قرار گرفته اند. در حوزه کتابخانه ها، ادبی فیروز جاه (۱۳۹۰)، در ارزیابی کاربردپذیری کتابخانه های دیجیتالی در دانشگاه های دولتی شهر تهران دریافت که کتابخانه های دیجیتالی از نظر معیار کاربردپذیری وضعیت نسبتاً مطلوبی دارند. نوکاریزی و عابدینی (۱۳۹۱)، نیز در سنجش کاربردپذیری وبگاه کتابخانه های مرکزی دانشگاه های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از دید کاربران، به این نتیجه رسیدند که ابعاد کاربردپذیری وبگاه از دید دانشجویان در وضعیت متوسط قرار دارد. نوشین فرد و احمدی (۱۳۹۱) پژوهشی را در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با هدف مشخص کردن دیدگاه های کاربران نرم افزار رسا انجام دادند. نتایج این پژوهش آشکار کرد که دیدگاه مراجعان درباره امکانات و قابلیت های مختلف این نرم افزار تفاوت دارد. در بخش جست و جو و بازیابی، به تعامل و پشتیبانی نیاز است و طراحان نرم افزار باید ضمن دادن آموزش و آگاهی به کاربران



از قابلیت‌های نرم‌افزار، باتوجه‌به نیازهای کاربران قابلیت‌ها را هم باید بازنگری کنند. سهیلی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با هدف ارزیابی کاربردپذیری وبگاه موبایلی کتاب‌خانه‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی برتر ایران نشان دادند که مؤلفه‌های «وضعیت رؤیت سیستم»، «کمک به کاربر در شناسایی، تشخیص و جبران خطاها» و «راهنمایی و مستندسازی» به‌ترتیب در وضعیت ایده‌آل و مؤلفه‌های «پیشگیری از خطا»، «انعطاف‌پذیری و کارایی سیستم» و «کنترل و آزادی کاربر» به‌ترتیب در وضعیت نامناسب قرار دارند. نجف‌قلی‌نژاد (۱۴۰۱)، پژوهشی را با هدف ارزیابی کاربردپذیری وبگاه دیجیتال سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران براساس تجربه کاربران میان ۲۰ کاربر مبتدی و خبره انجام داد. نتیجه این پژوهش نشان داد که کاربران خبره در انجام وظایف خود زمان بیشتری را صرف کردند. هم‌چنین میزان تلاش ناموفق در بین کاربران خبره بیشتر از کاربران مبتدی بود. کاربران خبره به‌سبب استراتژی‌ها و تصوراتی که از جست‌وجو داشتند، ناموفق‌تر عمل کردند. آنان به‌صورت طبیعی تمایل داشتند تا به‌جای جست‌وجوی ساده از جست‌وجوی پیشرفته استفاده کنند. همین تصور باعث شد تا میزان تلاش‌های ناموفق آنان بیشتر شود؛ چون جست‌وجوی پیشرفته کتاب‌خانه دیجیتال آشفته‌گی زیادی داشت و یکی از دلایل افزایش تلاش ناموفق آنان نیز همین موضوع بود.

درزمینه آرشيو، آلمن و نمرز (۲۰۰۱)، دربررسی کاربردپذیری ابزار کمک‌جست‌وجوی «کتاب‌خانه پیر»^۱ و موتور جست‌وجوی پولاریس^۲ مربوط به کتاب‌خانه دانشگاه ایالتی فلوریدا با استفاده از «کاربران بالقوه»^۳ و «گروه کانونی»^۴ مشخص کردند که کاربران به‌راحتی قادرند تا ابزار کمک‌جست‌وجو را راهبری^۵ کنند. هم‌چنین اگر ابزارهای کمک‌جست‌وجو برخط باشند، کاربران به استفاده از آنها تشویق می‌شوند و از انجام سفرهای طولانی برای بازدید از آرشیوها رهایی می‌یابند و اتلاف وقت و هزینه نخواهند داشت. مطالعه کیفی داف و جانسن^۱ (۲۰۰۲)، روی ۱۰ مورخ خبره در استفاده از ابزار کمک‌جست‌وجوی آرشیوی چاپی و دیجیتالی نتایج نشان داد که ابزار کمک‌جست‌وجو را فقط مورخان استفاده نمی‌کنند؛ بلکه این ابزار ارزش بیشتری دارد و برای دلایل دیگر نظیر راهنمایی مورخان به مجموعه‌های جدید و هم‌چنین کاهش عدم قطعیت هنگام استفاده از آرشیو یا مجموعه جدید هم استفاده می‌شود. پرام^۲ (۲۰۰۴)، نیز در اندازه‌گیری و توصیف میزان تعامل با ابزار کمک‌جست‌وجو که در آرشیوهای دانشگاه ایلینوی^۱ انجام شد، به این نتیجه رسید که افراد خبره و مبتدی برای جست‌وجوی اطلاعات آرشیوی و عناصر شبیه به آن روش‌های متفاوتی را به‌کار می‌برند و وجود فهرست‌های الفبایی و گزینه جست‌وجوی تک‌صفحه‌ای، هم مبتدیان و هم خبرگان را به اجرای جست‌وجوهای کارآمدتر قادر می‌کند. چپمن

1. Pepper Library
2. POLARIS Project
3. Potential user
4. Focus Group
5. Navigate
6. Duff and Johnson
7. Prom
8. Illinois



(۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای تجربی درباره‌ی تعامل کاربر با ابزار کمک جست‌وجو در «مجموعه‌ی تاریخی سوتبرن»^۱ با هدف سنجش نحوه‌ی تعامل ۲ گروه کاربر مبتدی و خبره با ویژگی‌های راهبری و ساختار ابزار کمک جست‌وجو، واژه‌شناسی^۲، و جست‌وجو^۳ نشان داد که هنگام استفاده از ابزار کمک جست‌وجو، خبرگی در اینترنت مهم‌تر از دانش آرشیوی است و کاربران مبتدی هم قادر خواهند بود بدون نیاز به حضور واسطه به درکی قابل توجه از ابزار کمک جست‌وجو برسند. واژه‌شناسی آرشیوی در بیرون از متن مانعی بزرگ در راهبری ابزار کمک جست‌وجو است. فاسیگ (۲۰۱۳) در زمینه‌ی ارزیابی کاربرپذیری ابزارهای کمک جست‌وجو در آرشیو مطالعه‌ای را با جامعه‌ای ۶ تا ۸ نفره (نیمی کاربر مبتدی و نیمی کاربر خبره) انجام داد. نتایج حاصل عبارت بودند از اینکه: هیچ ابزار کمک جست‌وجویی بر دیگری برتری نداشت؛ هم‌چنین شرکت‌کنندگان واکنش‌های متفاوتی به تکالیف نشان دادند و مزیت حضور ابزار کمک جست‌وجو برای کاربران آن بود که در هنگام تعامل با اسناد درک بهتری به دست آورند. فروند و تامز (۲۰۱۶)، مطالعه‌ای انجام دادند با هدف اینکه چگونه مورخان^۴ و شجره‌شناسان^۵ با ابزارهای کمک جست‌وجوی چاپی و دیجیتالی تعامل دارند و از آن‌ها استفاده می‌کنند. با مطالعه‌ی شرکت‌کنندگان در تکمیل تکالیف اختصاص یافته‌ی چاپی و دیجیتالی، این نتیجه حاصل شد که وظایف محتوایی، آسان‌تر، واضح‌تر و رضایت‌بخش‌تر است و در نهایت این مطالعه راه‌هایی را برای گسترش مدل‌های تعامل اطلاعات انسانی پیشنهاد داد. والتون (۲۰۱۷)، در مطالعه‌ی ابزار کمک جست‌وجوی وبگاه پرینستون با اندازه‌گیری میانگین زمان‌های صرف‌شده و تعداد کلیک‌های بهینه برای رسیدن به «پاسخ درست» پرسش‌های داده‌شده به نتایجی دست یافت؛ از جمله آنکه در راهبری ابزار کمک جست‌وجوی آرشیوی، خبرگی در اینترنت بااهمیت‌تر از دانش آرشیوی است. چاران و شارما^۶ (۲۰۲۱)، پژوهشی را با هدف شناسایی کاربرپذیری آرشیو ملی هند و شناسایی مشکلات کاربران انجام دادند. نتیجه نشان داد که اغلب پاسخ‌ها به ویژگی‌های دردسترس آرشیو ملی، رضایت‌بخش بوده‌است. هم‌چنین نتایج حاکی از این بود که به‌طور کلی عملکرد نظام، از جنبه‌های «یادگیری‌پذیری، کارآمدی، اثربخشی، رضایت‌مندی، مواجهه، مدیریت خطاها، انتظارات کاربر و کیفیت خدمات»^۷ امتیاز خوبی گرفت. البته کیفیت خدمات پایین‌ترین میانگین را دریافت کرد و به تغییراتی در ساختار و توسعه‌ی آن نیاز است تا کاربران بیشتری را جذب کند و کاربران حاضر را راضی نگاه دارد. از جمله اقدامات لازمی که کاربران برای ارتقای نظام به آن اشاره کرده بودند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ارتقای ظاهر بصری کتاب‌خانه دیجیتالی؛ پشتیبانی فنی فوری؛ در اختیار قرار دادن تمام متن منابع بیشتری برای کاربران؛ اضافه کردن «امکانات کمک بیشتر»^۱

1. Southern Historical Collection
2. Terminology
3. Search
4. Historians
5. Genealogists
6. Charan & Sharma
7. Learnability, efficiency, effectiveness, satisfaction, interface, error management, user expectations, and service quality.



در کتابخانه دیجیتال؛ «پیوند به سایر کتابخانه‌های دیجیتال مرتبط»؛ به‌روزرسانی «هشدارهای پست الکترونیکی»^۲ به کاربران ثبت‌نام‌شده؛ نمایش بخش «ثبت‌نام» برای کاربران در وبگاه؛ اضافه‌کردن خدمات «دستیار مجازی»^۳ در وبگاه؛ فراهم‌کردن «ارتباط رسانه‌های اجتماعی» برای کاربران؛ و افزودن «گزینه بازخورد»^۴. جمال و همکاران^۵ (۲۰۲۱)، پژوهشی را با هدف سنجش نظرات کاربران و کاربردپذیری کتابخانه دیجیتال انجمن متخصصان سلامت انجام دادند. نتایج نشان داد که «طبقه‌بندی»^۶، کاربردپذیری پایینی دارد؛ «قابلیت یافته‌شدن»^۷، «پیچیدگی»^۸، «جامعیت» و «اطمینان‌پذیری»^۹ میانگینی کمتر از میانگین امتیاز معیار دارد و فقط امتیاز گویه «تمایل به استفاده از کتابخانه دیجیتال» بالاتر از امتیاز معیار است. در بخش دیگر بالاترین امتیاز مربوط به «آموزش» بود و از نظر کاربران کتابخانه دیجیتال بسیار پیچیده بود و پزشکان برای استفاده از کتابخانه دیجیتال بیشتر به آموزش نیاز داشتند. یافته‌ها نشان داد که کاربردپذیری این کتابخانه دیجیتال در برابر امکانات گسترده آن کم است.

مرور پیشینه‌ها نشان می‌دهد که در داخل کشور بیشتر کاربردپذیری وبگاه‌ها و نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای با استفاده از روش پیمایشی و ابزارهای پرسش‌نامه و سیاهه ارزیابی بررسی شده است؛ ولی در پیشینه‌های خارجی کاربردپذیری ابزارهای کمک جست‌وجوی آرشیوی و میزان تعامل کاربران با ابزارهای فوق‌باروش‌های پیمایشی و آزمایشگاهی از طریق پرسش‌نامه، ایجاد گروه‌های کانونی و مصاحبه و طراحی تکلیف بررسی شده است.

۳. روش پژوهش

پژوهش توصیفی حاضر از لحاظ هدف کاربردی است؛ چراکه هدف پژوهش، سنجش کاربردپذیری ابزار کمک جست‌وجوی آرشیوی و ارتقای آن در سازمان اسناد و کتابخانه ملی و سایر مراکز اسناد و آرشیوی است. برای سنجش نظرات، دیدگاه‌ها و توقعات کاربران آرشیو از ابزار کمک جست‌وجوی آرشیوی، از روش شبه‌آزمایشی^۱ استفاده شده است. طرح‌های شبه‌آزمایشی (نیمه‌آزمایشی) زمانی استفاده می‌شوند که پژوهش‌گران نتوانند متغیر مستقل را دست‌کاری کنند و یا قادر نباشند شرکت‌کنندگان را به‌طور تصادفی به سطوح یا گروه‌های مختلف اختصاص دهند (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۶). بدین‌منظور، تکلیف^{۱۱} یکسانی برای تمام مشارکت‌کنندگان طراحی شد تا در ۲۰ دقیقه تکمیل کنند. در مجموع از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا تکلیف زیر را انجام دهند:

آزادانه جست‌وجو کنند؛

مجموعه‌ای از پدیدآور خاصی را جست‌وجو کنند؛

1. More Help facility
2. Email alerts
3. Virtual assistance
4. Feedback option
5. Jamal et al.
6. Categorization
7. Findability
8. Complexity
9. Consistency and confidence
10. Quasi-experimental
11. Tasks



مجموعه‌ای با موضوعی خاص را جست‌وجو کنند؛

مجموعه‌ای با عنوانی خاص را جست‌وجو کنند.

سایر مراحل مشابه پژوهش والتون (۲۰۱۷) که در بخش ابزار کمک‌جست‌وجوی وبگاه پرینستون انجام داده‌است، اجرا شد. از آنجاکه در نرم‌افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران تمام مصادیق ابزار کمک‌جست‌وجو وجود ندارد، تنها موارد مشترک مذکور به‌عنوان تکلیف از کاربران خواسته شد. در این زمینه سنجه‌هایی شامل اندازه‌گیری میزان موفقیت در به‌تمام‌رساندن تکالیف، مدت‌زمان به‌انجام‌رساندن تکالیف و تعداد کلیک‌های انجام‌شده برای هر تکلیف، مشابه طرح‌های شبه‌آزمایشی و با فن مشاهده به‌کار گرفته شد. در مجموع، فنون جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، گزارش‌های کلامی (تفکر با صدای بلند) و مشاهده مستقیم درحین انجام تکالیف بود. برای گردآوری اطلاعات جمعیت‌شناختی کاربران نیز از پرسش‌نامه استفاده شد.

جامعه این پژوهش، تمام کاربران سازمان اسناد و کتابخانه ملی در شهر تهران است که حضوری به آرشیو مراجعه داشته‌اند. از آنجاکه امکان پرسش‌گری و پژوهش از تمام کاربران امری زمان‌بر بود، بخش محدودی از این جامعه به‌عنوان نمونه انتخاب شد تا معرف کل جامعه باشد. باتوجه به پیشینه پژوهش (چپمن، ۲۰۱۰؛ والتون، ۲۰۱۷)، پژوهش حاضر با ده نفر (۵ کاربر خبره و ۵ کاربر مبتدی) اجرا شد. معیار شناسایی و تفکیک کاربران خبره و پیشرفته، میزان مراجعه آن‌ها به سازمان اسناد و کتابخانه ملی بود. براساس ادبیات پژوهش و مطالعات قبلی انجام‌شده، کاربرانی که در طی ۵ سال گذشته ۲ مرتبه و کم‌تر به سازمان اسناد و کتابخانه ملی حضوری مراجعه داشته‌اند کاربر مبتدی، و کاربرانی که بیش از ۲ مرتبه حضوری مراجعه داشته‌اند کاربر خبره نامیده شدند. برای تأمین اعتبار درونی پژوهش به موارد زیر توجه شد: انتخاب نمونه از هر دو دسته کاربران مبتدی و خبره؛ اختصاص ندادن زمان بیش از اندازه برای انجام تکالیف؛ درخواست از کاربران برای مشارکت تا پایان آزمون؛ انجام ندادن هم‌زمان تکالیف توسط دو کاربر؛ دخالت نکردن پژوهش‌گر درحین اجرای تکالیف؛ انجام ندادن کار دیگری توسط کاربر در زمان انجام تکالیف و ... برای افزودن اعتبار بیرونی، نمونه انتخابی از کاربران کاملاً تصادفی و شامل گروهی بود که تنها معیار تفکیکشان، میزان مراجعه حضوری به آرشیو بود. در تحلیل داده‌های حاصل از انجام تکالیف توسط کاربران، از نرم‌افزار اکسل و مجموعه فنون آمار توصیفی نظیر محاسبه درصد، شاخص‌های میانگین و نمودارها استفاده شد.

۴. یافته‌های پژوهش

در راستای هدف اصلی پژوهش که سنجش کاربردپذیری نرم‌افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی از دیدگاه کاربران بود، کاربران آرشیو براساس میزان مراجعه به آرشیو شناسایی، تفکیک و انتخاب شدند. اطلاعات جمعیت‌شناختی کاربران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر به همراه میزان تجربه و استفاده آن‌ها از اینترنت در جدول ۱ بیان شده است.

شماره	سن	جنسیت	حوزه علاقه‌مندی	تجربه آرشیوی	تجربه استفاده از اینترنت	میزان استفاده از اینترنت (ساعت در هفته)
۱	۸۱	زن	ادبیات داستانی	مبتدی	کم	۵
۲	۴۳	زن	باغبانی	مبتدی	زیاد	۰۱
۳	۲۲	زن	ورزشی	مبتدی	کم	۸-۶
۴	۰۴	مرد	سیاست	مبتدی	کم	۲-۲
۵	۸۲	زن	آشپزی	مبتدی	کم	۲-۱
۶	۱۳	زن	آرشیو	خبره	زیاد	۵۱-۰۱
۷	۳۳	زن	تاریخ	خبره	کم	۴-۳
۸	۰۵	زن	ادبیات	خبره	کم	۸-۵
۹	۰۴	زن	جمع‌شناسی	خبره	کم	۷-۶
۰۱	۴۳	مرد	اقتصاد	خبره	کم	۴-۲

جدول ۱

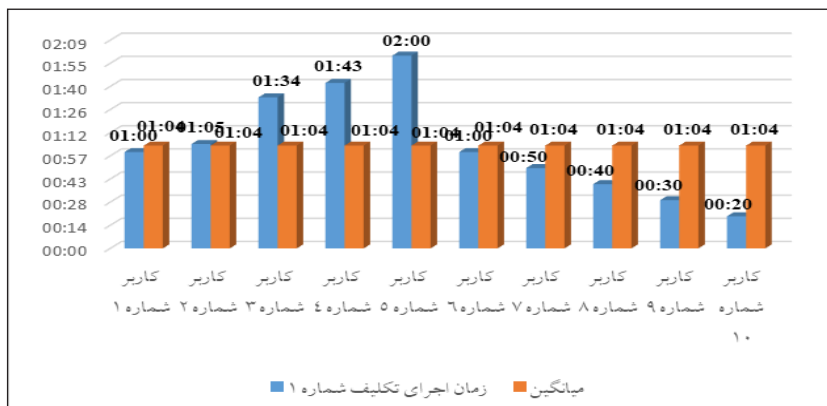
اطلاعات جمعیت‌شناختی کاربران
مشارکت‌کننده

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد، کاربران مبتدی و خبره با علایق گوناگونی به آرشیو مراجعه کرده‌اند و درصد زیادی از آن‌ها در استفاده از اینترنت تجربه کمی داشته‌اند. در ادامه، پرسش‌های پژوهش با استفاده از سنجش‌های کاربردپذیری نرم‌افزار نظیر مدت زمان صرف‌شده برای انجام تکالیف و تعداد کلیک‌ها، بررسی و پاسخ داده شده‌اند.

بخش اول: کاربردپذیری نرم‌افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی از نظر مدت زمان صرف‌شده برای انجام تکالیف

در تصویر ۱، نمودار مربوط به مدت زمان صرف‌شده برای انجام تکلیف کاربردپذیری فیلد جست‌وجو ترسیم شده است.



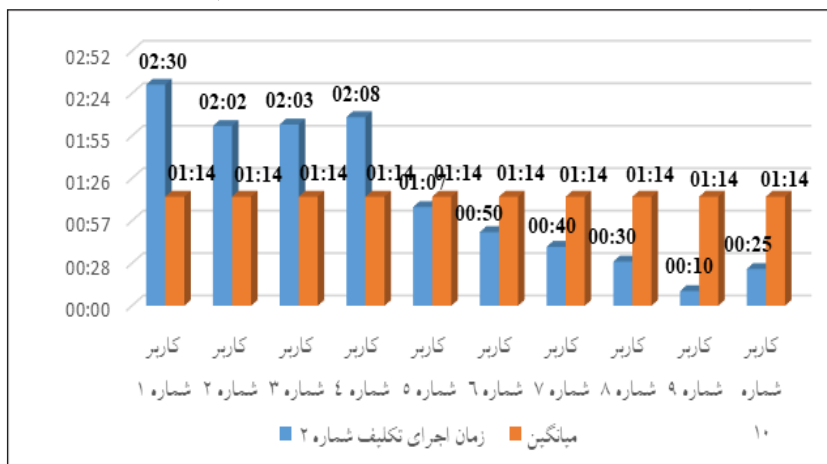


تصویر ۱

مدت زمان صرف شده برای انجام تکلیف کاربرپذیری فیلد جست و جو (ثانیه:دقیقه)

از مقایسه اعداد تصویر شماره یک مشخص می شود که میانگین زمانی تکمیل تکلیف کاربرپذیری فیلد جست و جو ۱:۰۴ (یک دقیقه و چهار ثانیه) بوده است. لازم به توضیح است که معیار ناموفق بودن، دوبرابر این عدد یعنی ۲:۰۸ در نظر گرفته شده است. نتایج نشان داد که ۶۰ درصد از کاربران کمتر از مدت زمان میانگین، زمان صرف کرده اند تا تکلیف را به سهولت تکمیل کنند؛ در حالی که ۴۰ درصد بیشتر از میانگین زمان گذاشته اند، یعنی به سختی موفق شده اند همان تکلیف را تکمیل کنند. به بیان دیگر تمامی کاربران خبره توانستند، به سهولت جست و جویی موفق داشته باشند؛ در حالی که بیشتر کاربران مبتدی به سختی موفق شدند جست و جو را درست اجرا کنند. از سوی دیگر از آنجاکه هیچ کاربری بیش از دوبرابر زمان میانگین درگیر تکمیل این تکلیف نبود، درصد غیرموفقی وجود نداشت.

در ادامه در تصویر ۲، نمودار مدت زمان صرف شده برای انجام تکلیف کاربرپذیری

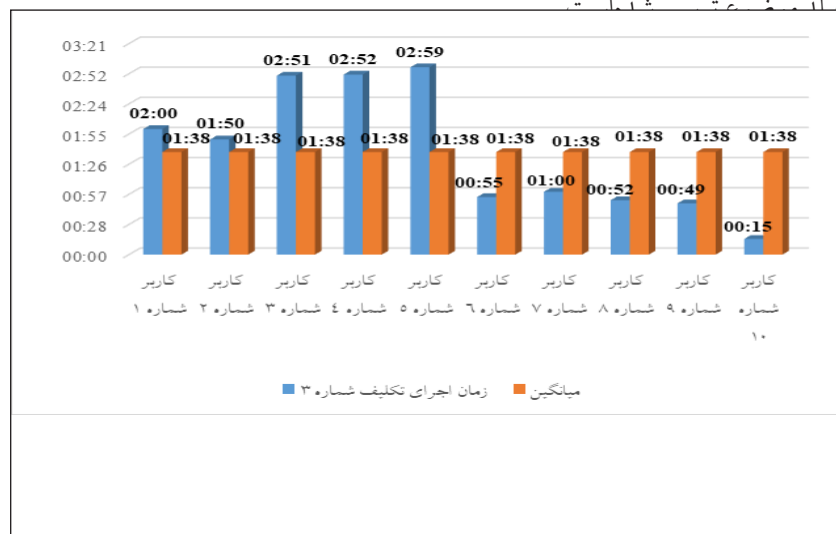


تصویر ۲

نمودار مدت زمان صرف شده برای انجام تکلیف کاربرپذیری فیلد پدیدآور (ثانیه:دقیقه)

از مقایسه اعداد تصویر ۲ که مربوط به تکلیف کاربردپذیری فیلد پدیدآور در نرم افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از دیدگاه کاربران است، میانگین زمان ۱:۱۴ (یک دقیقه و چهارده ثانیه) به دست آمد و معیار ناموفق بودن دوبرابر این عدد یعنی ۲:۲۸ در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد که ۶۰ درصد از کاربران کمتر از میانگین، زمان صرف کردند تا این تکلیف را به سهولت تکمیل کنند؛ در حالی که ۳۰ درصد از کاربران بیشتر از میانگین وقت صرف کردند تا تکلیف را تکمیل کنند؛ یعنی به سختی موفق شدند تکلیف را تکمیل کنند و ۱۰ درصد بیشتر از دوبرابر میانگین به تکمیل تکلیف مشغول بودند و در نتیجه موفق نشدند جست و جو را اجرا کنند. بررسی ها نشان داد که شکست در اجرای جست و جو در این بخش، تاحدزیادی به واژه شناسی آرشویی و ناآگاهی از یکسانی فیلد «نویسنده» با «پدیدآور» مرتبط بوده است.

در ادامه در تصویر ۳، نمودار مدت زمان صرف شده برای انجام تکلیف کاربردپذیری

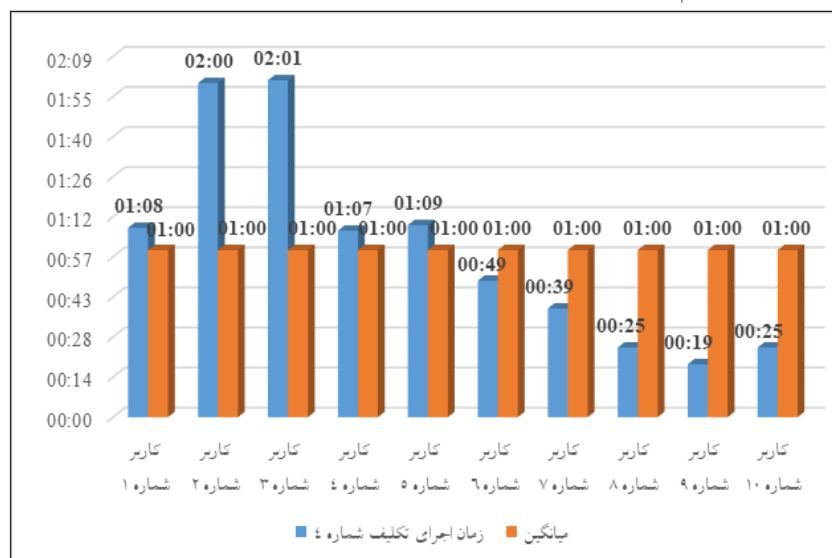


تصویر ۳

نمودار مدت زمان صرف شده برای
انجام تکلیف کاربردپذیری فیلد
موضوع (ثانیه:دقیقه)

همان گونه که تصویر فوق نشان می دهد که میانگین زمان انجام تکلیف ۱:۳۸ (ثانیه:دقیقه) و معیار ناموفق بودن دوبرابر این عدد یعنی ۳:۱۶ بوده است. نتایج نشان داد که ۵۰ درصد از کاربران کمتر از میانگین زمان صرف کردند تا تکلیف را به سهولت تکمیل کنند و ۵۰ درصد بیشتر از میانگین به اجرای تکلیف مشغول بودند و به سختی موفق شدند آن را تکمیل کنند. ۵۰ درصد از کاربران مشارکت کننده که به سهولت تکلیف را تکمیل

کردند خبرگان بودند و ۵۰ درصد بقیه که تکلیف را به سختی تکمیل کردند مبتدیان بودند. در ادامه در تصویر ۴ نمودار مدت زمان صرف شده برای انجام تکلیف کاربرپذیری فیلد عنوان ترسیم شده است.



تصویر ۴

نمودار مدت زمان صرف شده برای انجام تکلیف کاربرپذیری فیلد عنوان (ثانیه:دقیقه)

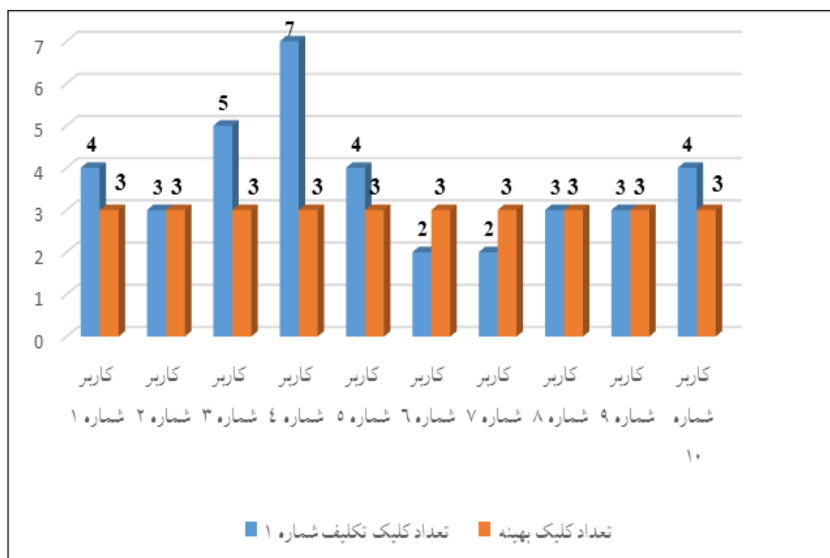
در تکلیف شماره چهار که مربوط به بررسی کاربرپذیری فیلد عنوان در نرم افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از دیدگاه کاربران بود میانگین زمان انجام تکلیف ۱:۰۰ دقیقه و معیار ناموفق بودن دوبرابر این عدد یعنی ۲:۰۰ دقیقه بود. نتایج نشان داد که ۵۰ درصد از کاربران کمتر از میانگین، زمان صرف کردند تا تکلیف را به سهولت تکمیل کنند و ۴۰ درصد بیشتر از میانگین به انجام تکلیف مشغول بودند؛ یعنی به سختی موفق شدند تکلیف را تکمیل کنند؛ این در حالی است که ۱۰ درصد، بیش از دوبرابر میانگین به تکمیل تکلیف مشغول بودند؛ بنابراین موفق نشدند جست و جو کنند. در مجموع با توجه به میانگین های زمانی صرف شده برای هر تکلیف مشخص شد که تکالیف مربوط به فیلد «پدیدآور» و «موضوع» سخت تر و تکالیف مربوط به فیلد «جست و جو» و «عنوان» راحت تر تکمیل شدند.

بخش دوم: کاربرپذیری نرم افزار سازمان اسناد و کتابخانه ملی از نظر تعداد کلیک های موشواره برای انجام تکالیف

در تصویر ۵، تعداد کلیک های کاربران برای انجام تکلیف کاربرپذیری فیلد

تصویر ۵

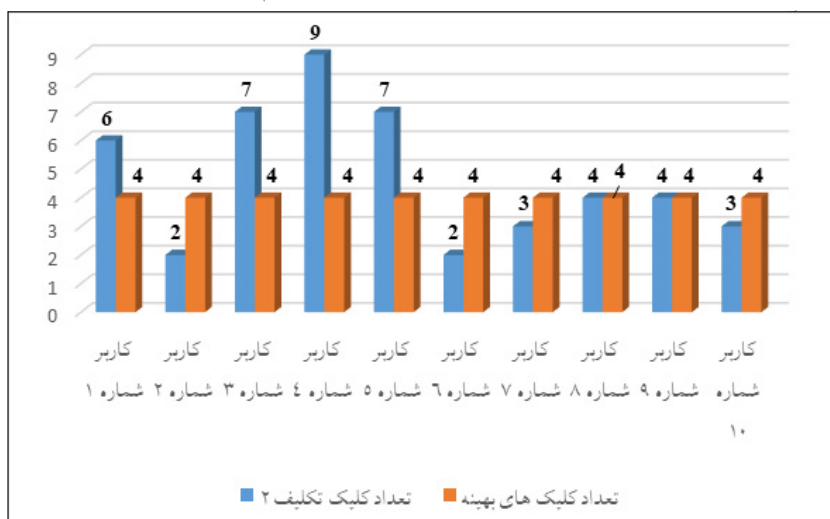
تعداد کلیک‌های کاربران برای انجام
تکلیف کاربردپذیری فیلد جستجو



تعداد کلیک‌های بهینه برای رسیدن به «پاسخ درست» در این تکلیف عدد ۳ بود؛ بنابراین نمودار فوق نشان می‌دهد که تنها ۲۰ درصد از کاربران کمتر از ۳ کلیک داشته‌اند و به صورت بهینه و با کارایی زیاد تکلیف خود را تکمیل کرده‌اند؛ این ۲۰ درصد جزء کاربران خبره بوده‌اند. از سوی دیگر ۳۰ درصد از کاربران ۳ کلیک داشتند که از میان آن‌ها، یک نفر کاربر مبتدی با دانش اینترنتی زیاد بود و ۵۰ درصد بیش از ۳ کلیک داشتند و عملکرد ضعیفی داشتند. در ادامه، در تصویر ۶ تعداد کلیک‌های کاربران برای انجام تکلیف کاربردپذیری فیلد

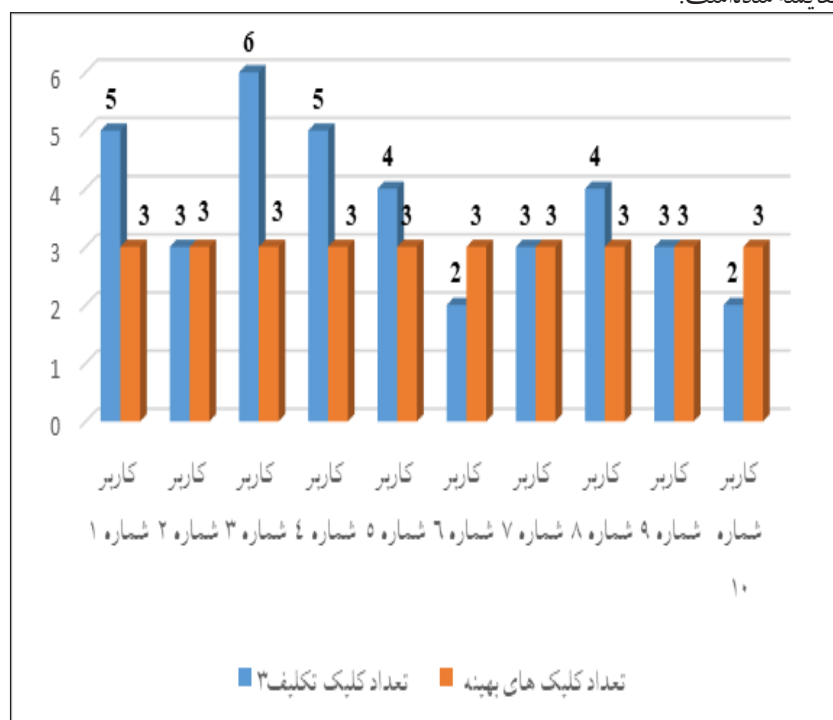
تصویر ۶

تعداد کلیک‌های کاربران برای انجام
تکلیف کاربردپذیری فیلد پدیدآور



باتوجه به اینکه تعداد کلیک‌های بهینه برای رسیدن به «پاسخ درست» در این تکلیف عدد ۴ بود، نمودار نشان می‌دهد که ۴۰ درصد از کاربران کمتر از ۴ کلیک داشته‌اند؛ در واقع این گروه از کاربران به صورت بهینه و با کارایی زیاد تکلیف خود را تکمیل کرده‌اند؛ ۳ نفر از این کاربران جزء کاربران خبره بودند و یک نفر کاربر مبتدی بود که به دلیل تجربه زیاد در استفاده از اینترنت توانسته بودند با تعداد کلیک کمتری به پاسخ برسند. ۲۰ درصد از کاربران ۴ کلیک داشتند تا به پاسخ برسند و ۴۰ درصد بیش از ۴ کلیک داشتند و در تکمیل تکلیف از نظر تعداد کلیک عملکرد ضعیفی از خود نشان دادند.

در تصویر ۷، تعداد کلیک‌های کاربران برای انجام تکلیف کاربرپذیری فیلد موضوع مقایسه شده است.



تصویر ۷

تعداد کلیک‌های کاربران برای انجام تکلیف کاربرپذیری فیلد موضوع

باتوجه به اینکه تعداد کلیک‌های بهینه برای رسیدن به «پاسخ درست» در این تکلیف عدد ۳ بود، نمودار نشان می‌دهد که ۲۰ درصد از کاربران کمتر از ۳ کلیک داشتند که هر ۲ نفر جزء کاربران خبره بودند؛ ۳۰ درصد از کاربران ۳ کلیک داشتند تا به پاسخ برسند و ۵۰ درصد بیش از ۳ کلیک داشتند و در تکمیل تکلیف از نظر تعداد کلیک عملکرد ضعیفی

از خود نشان دادند.

در تصویر ۸، تعداد کلیک‌های کاربران برای انجام تکلیف کاربردپذیری فیلد عنوان

مقایسه شده است



تصویر ۸

تعداد کلیک‌های کاربران برای انجام
تکلیف کاربردپذیری فیلد عنوان

باتوجه به اینکه تعداد کلیک‌های بهینه برای رسیدن به «پاسخ درست» در این تکلیف عدد ۳ بود، نتایج نمودار نشان می‌دهد که ۳۰ درصد از کاربران کمتر از ۳ کلیک داشتند و در واقع این گروه از کاربران به صورت بهینه و با کارایی زیاد تکلیفشان را تکمیل کردند؛ دو نفر از این کاربران جزء کاربران خبره و یک نفر جزء مبتدیان بودند که به دلیل تجربه زیاد در استفاده از اینترنت توانسته بودند با تعداد کلیک کمتری به پاسخ برسند. ۲۰ درصد از کاربران ۳ کلیک داشتند تا به پاسخ برسند و ۵۰ درصد بیش از ۳ کلیک داشتند و در تکمیل تکلیف از نظر تعداد کلیک‌ها عملکرد ضعیفی داشتند.

در ادامه، خلاصه نحوه عملکرد کاربران در تکمیل تکالیف داده شده آمده است (جدول ۲).

درصد موفقیت	میزان کارایی	میانگین زمان پاسخ (ثانیه:دقیقه)	نوع تکلیف
۶۰٪ با سهولت ۴۰٪ با سختی ۰٪ ناموفق	۲۰ درصد کلیک‌بهنه	۱:۰۴	کاربردپذیری فیلد جست‌وجو
۶۰٪ با سهولت ۳۰٪ با سختی ۱۰٪ ناموفق	۴۰ درصد کلیک‌بهنه	۱:۱۴	کاربردپذیری فیلد پدیدآور
۵۰٪ با سهولت ۵۰٪ با سختی ۰٪ ناموفق	۲۰ درصد کلیک‌بهنه	۱:۳۸	کاربردپذیری فیلد موضوع
۵۰٪ با سهولت ۴۰٪ با سختی ۱۰٪ ناموفق	۳۰ درصد کلیک‌بهنه	۱:۰۰	کاربردپذیری فیلد عنوان

جدول ۲

خلاصه نحوه عملکرد کاربران در تکمیل تکالیف

همان‌گونه که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد از نظر مدت زمان صرف‌شده، فیلدهای عنوان و جست‌وجو و از نظر تعداد کلیک‌های انجام‌شده، به ترتیب فیلدهای پدیدآور و عنوان کاربردپذیری بیشتری داشته‌اند. آنچه مشخص است در مجموع ابزار کمک‌جست‌وجوی آرشیوی با وجود ضعف‌هایی که داشته‌است برای کاربران قابل استفاده بوده‌است و می‌توان با آموزش و تدوین راهنماها تعامل بیشتری ایجاد کرد و سپس کاربردپذیری ابزار را افزایش داد. هم‌چنین نتایج پژوهش نشان داد که کاربران مبتدی و خبره در هنگام تکمیل تکالیف خود تصمیمات راهبردی متفاوتی می‌گیرند. برای نمونه کاربران مبتدی در هنگام انجام تکالیف مجبورند پرسش‌ها را چند مرتبه تکرار کنند تا مفهوم پرسش را متوجه شوند و اکثراً درخواست کمک دارند و هنگام انجام تکالیف به بخش «جست‌وجوی ساده» مراجعه می‌کنند و با بخش «جست‌وجوی پیشرفته» سروکاری ندارند. در تحلیل داده‌های کلامی نیز مشخص شد که به دلیل نداشتن تجربه قبلی از آن بخش و ترس از شکست و دست‌نیافتن به پاسخ پرسش خود به آن بخش مراجعه نمی‌کنند. هم‌چنین به دلیل ناآشنایی با برخی واژه‌ها چون

پایبند، شایا، فروست و شماره‌بازیابی، در هنگام انجام تکالیف تصور دارند که قرار است در این بخش‌های مبهم هم جست‌وجو داشته باشند و همین امر روند انجام تکالیف را با کندی روبه‌رو می‌کند. آن‌ها به دلیل ناآشنایی با کارکرد عملگرهای بولی، چندین کلیدواژه را بدون استفاده از عملگر درج می‌کنند که این امر در بازیابی اسناد خلل ایجاد می‌کند.

درمقابل کاربران خبره به دلیل آشنایی با محیط به‌سہولت در بخش‌های مختلف جست‌وجو انجام می‌دادند؛ هرچند این دسته از کاربران نیز نقاط ضعفی را گزارش کرده‌اند. برای نمونه باوجود اعمال محدودیت، با حجم زیادی از اسناد روبه‌رو می‌شدند که اغلب بدون چکیده یا خلاصه بود و بنابراین این کاربران به‌ویژه کاربران از راه دور، قادر نبودند برای انتخاب نهایی سند مدنظر خود تصمیم‌گیری کنند.

در ادامه در جدول ۳، اطلاعات مربوط به نظرسنجی پس‌آزمون (نقاط قوت و ضعف بیان‌شده توسط کاربران) آمده‌است. لازم به توضیح است که کاربران قبل از آشنایی با نرم‌افزار، تنها به جذاب‌نبودن کافی وبگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی اشاره داشتند؛ ولی پس از انجام تکالیف و آشنایی بیشتر با محیط، نقاط قوت و ضعف بیشتری را مطرح کردند.

نتایج پس‌آزمون نشان داد که اغلب کاربران مبتدی ظاهر وبگاه را قضاوت کرده‌اند و به کاربرپسندنبودن و سردرگم کردن آن اشاره داشته‌اند؛ ولی بیشتر کاربران خبره به لایه‌های

نقاط قوت	نقاط ضعف
دیدشدن سریع بخش‌های جست‌وجو و نبود پیچیدگی	نبود راهنمای مناسب هنگام جست‌وجو
دسترسی به اطلاعات کتاب‌شناختی برای بیشتر اسناد	جذابیت کم برای کاربر (از لحاظ زیبایی‌شناسی)
وجود عملگرهای بولی برای جست‌وجو	کاربرپسندنبودن
امکان اعمال محدودیت برای پالودن جست‌وجو	روبه‌روشدن با اطلاعات زیاد باوجود اعمال محدودیت
وجود فیلدهای متفاوت و کمک آن‌ها به جست‌وجوی تخصصی‌تر (جست‌وجوی پیشرفته)	وجود کلمات تخصصی و مبهم برای کاربران مبتدی (از لحاظ واژه‌شناسی)
	نبود خلاصه یا چکیده‌ای از اسناد

جدول ۳

نقاط قوت و ضعف بیان‌شده از سوی
کاربران در نظرسنجی پس‌آزمون



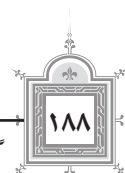
بیشتری از جست‌وجو وارد شده‌اند و نظرات تخصصی تری اعلام داشته‌اند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف سنجش کاربردپذیری ابزار کمک‌جست‌وجوی آرشیوی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از دیدگاه کاربران مبتدی و خبره به‌روش شبه‌آزمایشی انجام شد. در زمان انجام تکالیف رفتارهای متفاوتی از کاربران مختلف مشاهده شد. به‌بیان‌دیگر از آنجاکه کاربران، تجربه آرشیوی و دانش اینترنتی متفاوتی داشتند، عملکردشان نیز در انجام تکالیف یکسان نبود. براساس نتایج پژوهش حاضر، خبرگی در اینترنت در تعداد کلیک‌های کمتر مؤثر بود، ولی بر میانگین زمانی پاسخ افراد تأثیری نداشت؛ به‌بیان‌دیگر، دانش آرشیوی و دانستن واژه‌های آرشیوی بسیار کارآمدتر بود. براساس پژوهش چپمن (۲۰۱۰) و والتون (۲۰۱۷)، واژه‌شناسی آرشیوی، مانعی بزرگ در راهبری ابزار کمک‌جست‌وجو به‌ویژه در بیرون از متن ایجاد کرده‌است. فروند و تامز (۲۰۱۶) نیز بیان کردند که کاربران آرشیو به‌ویژه افراد مبتدی در زمینه استفاده از ابزار کمک‌جست‌وجو مشکل دارند. در واقع کاربران مبتدی، اضطراب آرشیوی بیشتری را تجربه کردند و در انجام پژوهش به واسطه نیاز داشتند. این دسته از کاربران، اغلب در درک واژه‌های نسبتاً تخصصی و کاملاً تخصصی آرشیو و همچنین محیط نرم‌افزار با مشکل مواجه شدند؛ به‌گونه‌ای که کمتر به بخش جست‌وجوی پیشرفته در نرم‌افزار مراجعه کردند و با پیروی از اصل کم‌ترین کوشش تلاش داشتند تا به نتیجه برسند. از سوی دیگر نجف‌قلی‌نژاد (۱۴۰۱)، دریافت که کاربران پیشرفته نسبت به کاربران مبتدی تلاش‌های ناموفق بیشتری داشتند؛ زیرا به‌صورت طبیعی تمایل داشتند در بخش جست‌وجوی پیشرفته جست‌وجو کنند و همین امر تلاش‌های ناموفق را بیشتر می‌کرد. همچنین در پژوهش حاضر مشخص شد که کاربران مبتدی در هنگام انجام تکالیف مجبور شدند تا پرسش‌ها را چندباره تکرار کنند تا مفهوم پرسش را متوجه شوند. آن‌ها اکثراً درخواست کمک داشتند و هنگام انجام تکالیف به بخش «جست‌وجوی ساده» مراجعه می‌کردند و با بخش «جست‌وجوی پیشرفته» سروکاری نداشتند؛ ولی کاربران خبره به‌دلیل آشنایی با محیط به‌سهولت در بخش‌های مختلف جست‌وجو انجام می‌دادند.

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مشخص شد که ابزارهای کمک‌جست‌وجو در مجموع کاربردپذیری دارند؛ هر چند کاربران انتقاداتی نیز بیان کردند و برای بهبود آن نظراتی مطرح کردند. همچنین براساس یافته‌های پژوهش حاضر، ابزار کمک‌جست‌وجوی آرشیوی، جامعیت بیشتر و مانعیت کمتری داشت.

در راستای کاربردپذیری فیلد جست‌وجو، ۶۰ درصد از کاربران به‌سهولت تکلیف واگذار شده را تکمیل کردند و هیچ‌یک از مشارکت‌کنندگان در استفاده از این امکان بی‌بهره



نماندند؛ هرچند کاربران در این بخش کلیک‌های بهینه‌اندکی داشتند؛ به‌ویژه افراد مبتدی کلیک‌های زیادی داشتند تا به نتیجه برسند؛ این موضوع، کارایی پایین فیلد جست‌وجو را نشان داد، به‌گونه‌ای که مشارکت‌کنندگان بیان داشتند، بهتر است برای این بخش، قبل از انجام جست‌وجو فیلم‌های آموزشی کوتاه تهیه شود و در دسترس قرار گیرد و به‌عبارتی امکان آموزش بدون واسطه گذاشته شود. حتی برخی از کاربران اعلام کردند که در این بخش به فایل صوتی برای نابینایان نیاز است. هم‌چنین مشارکت‌کنندگان، تدوین خلاصه و چکیده‌ای از اسناد یا مشاهده تصاویری از آن‌ها را پیشنهاد دادند که در زمان اجرای پژوهش، در برخی اسناد چنین امکاناتی وجود داشت. از سوی دیگر، با وجود این که کاربران خبره بیشتر با محیط آشنایی و تعامل داشتند، آن‌ها نیز اعلام کردند که با وجود اعمال محدودیت در هنگام جست‌وجو، با سیل عظیمی از اطلاعات (مرتبط و بی‌ربط) روبرو می‌شدند که نشان‌دهنده مانعیت کم نرم‌افزار موردبررسی است.

در راستای بررسی کاربردپذیری فیلد پدیدآور، ۶۰ درصد از کاربران به‌سهولت این تکلیف را تکمیل کردند و ۴۰ درصد نیز کلیک بهینه داشتند که نشان از بیشترین کارایی در میان سایر تکالیف است؛ ولی در مقابل ۱۰ درصد هم جست‌وجوی ناموفقی داشتند. در این بخش مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که واژه «پدیدآور»، تخصصی است و بهتر است برای کاربرپسندتر شدن این واژه و برای آنکه این واژه برای تمام گروه‌های کاربری قابل استفاده و قابل درک باشد در برابر کلمه «پدیدآور»، واژگان «مؤلف» و یا «نویسنده» نیز آورده شود؛ چراکه اغلب کاربران به‌ویژه مبتدیان برای تکمیل این تکلیف، دنبال واژه نویسنده بودند و به‌دلیل همین سردرگمی برای انتخاب فیلد مناسب، تکلیف مربوطه میانگین زمانی بیشتری از سایر تکالیف داشت.

بررسی کاربردپذیری فیلد موضوع این نتیجه را دربر داشت که این تکلیف نسبت به سایر تکالیف، میانگین زمانی بیشتری داشت و تنها ۲۰ درصد از کلیک‌ها به‌صورت بهینه بود که نشان‌دهنده کارایی پایین فیلد موضوع است؛ با وجود این ۵۰ درصد کاربران خبره موفق شدند به‌سهولت این تکلیف را به سرانجام برسانند. در این بخش با اینکه درصد ناموفقی برای انجام تکالیف وجود نداشت، ولی کاربران مبتدی، هم زمان و هم کلیک‌های زیادی برای پاسخ‌گویی به تکلیف صرف کردند که این موضوع به‌دلیل تجربه کم آرشویی و تفکیک‌نشدن موضوع با عنوان نمود یافت.

درنهایت برای بررسی کاربردپذیری فیلد عنوان، ۵۰ درصد از کاربران که شامل کاربران خبره بودند، به‌سهولت تکلیف مربوطه را انجام دادند؛ این در حالی است که ۴۰ درصد مبتدیان به‌سختی موفق شدند آن را تکمیل کنند و ۱۰ درصد هم ناموفق عمل کردند.

درصد ناموفق بودن این تکلیف در میان مبتدیان به دلیل نداشتن توانایی کافی در جست و جو در میان ابزارها بود و به دلیل زمان زیادی که صرف شد ناموفق به حساب آمد؛ هم چنین ۳۰ درصد کاربران کلیک بهینه انجام دادند. از طرفی به دلیل اینکه این تکلیف آخرین تکلیفی بود که کاربران انجام دادند و در این موقع کاربران تاحدودی با محیط و نحوه جست و جو و انجام تکالیف آشنا شده بودند، کمترین میانگین زمانی در میان تکالیف ثبت شد که این موضوع، نشان دهنده آن است که کاربران مبتدی نیز در صورت آموزش و یا داشتن راهنما، توانایی برآورده کردن نیازهای اطلاعاتی خود را بدون حضور واسطه خواهند داشت. پژوهش نوشین فرد و احمدی (۱۳۹۱) نیز نشان داد که در بخش جست و جو و بازیابی، تعامل و پشتیبانی و بازنگری در نرم افزار براساس نیازهای کاربران، لازم است. فاسیگ (۲۰۱۳) نیز نقش آموزش را برای برطرف کردن شکاف میان اسناد و کاربران مهم دانست و هدف از این کار را انتقال دانش بیان کرد. از نظر جمال و همکاران (۲۰۲۱) نیز گوئی «آموزش» بالاترین امتیاز را بین گوئیها داشت؛ به گونه ای که از نظر کاربران، تعامل با کتابخانه دیجیتال پیچیده بود و نیاز به آموزش، در میان کاربران حس می شد. بنابراین در وهله نخست، نوع تکلیف در پاسخ گوئی کاربران چندان مؤثر نیست؛ بلکه پس از گذشت زمان و آشنایی بیشتر کاربران با محیط جست و جو و شناختن واژه های آرشیوی، امکان پاسخ گوئی بهتری وجود خواهد داشت. در واقع پس از فرآیند یادگیری و آموزش، تقریباً تکلیف سختی برای تمام کاربران وجود نخواهد داشت.

بر مبنای نتایج این پژوهش، ابزار کمک جست و جوی مناسب و کارا، ضمن اینکه شکاف میان کاربران و اسناد را کاهش می دهد، شرایطی را فراهم می کند تا کاربران راه دور هم قادر باشند جست و جوهای مؤثر و کارایی را با پیروی از اصل کمترین کوشش انجام دهند و به اطلاعات کتاب شناختی اسناد مورد نیاز خود دسترسی یابند. به عبارت دیگر، اگر ابزارهای کمک جست و جو به درستی تعریف شوند و توسعه پیدا کنند، از مراجعات اضافی کاربران به مراکز آرشیوی و در نتیجه از هزینه های کاربران و مراکز آرشیو کم می شود و مراکز آرشیوی سودمندی خود را ارائه می دهند. در این راستا یافته های آلتمن و نمرز (۲۰۰۱) نیز بر این نکته تأکید داشت که در صورت برخط شدن ابزار کمک جست و جو، کاربران بیشتر به استفاده تشویق می شوند و وقت و هزینه کمتری صرف می کنند؛ هم چنین از انجام سفرهای طولانی برای بازدید از آرشیوها رهایی می یابند.

سازمانها و مراکز آرشیو که جزء سازمانهای خدمات رسان محسوب می شوند، علاوه بر وظایف جمع آوری، تنظیم و توصیف، و حفظ و نگهداری مواد و اسناد آرشیوی، بدون شک در خط مشی و سیاست های سازمانی خود، خدمات دهی به کاربران را به عنوان

اصلی مهم و غایی در نظر دارند و در راستای افزایش اثربخشی و کارایی خود تلاش می‌کنند. در واقع چنانچه اسنادی که با تلاش زیاد متخصصان حوزه آرشیو گردآوری و سازمان‌دهی شده‌اند، برای کاربران قابل‌بازیابی و قابل‌عرضه نباشند، انباره‌ای از اطلاعات و اسناد بلااستفاده پدید خواهد آمد. از طرفی، برخی کاربران آرشیو توانایی جست‌وجوی اطلاعات را ندارند و روش برطرف‌کردن نیازهای اطلاعاتی خود را نمی‌دانند و لازم است تا تمهیداتی در این زمینه اندیشیده شود. در این راستا یکی از اقدامات مؤثر، خلق و توسعه ابزارهای کارآمد و اثربخش کمک‌جست‌وجو است. بدون شک، هرچه ابزار کمک‌جست‌وجوی آرشیوی کارآمدتر و کاربردی‌تر باشد، محیط آرشیو پویاتر و کاربرپسندتر خواهد شد. افزایش پویایی و کاربرپسندی، امکان استفاده حضوری یا غیرحضوری افراد بیشتری را از منابع و اسناد آرشیوی مهیا خواهد کرد؛ در واقع، رونق و پویایی بیشتر سازمان اسناد ملی، سبب شناخت و اعتماد بیشتر افراد به این بخش می‌شود.

۶. پیشنهادها

در این بخش براساس یافته‌های مطالعه، پیشنهادهایی کاربردی برای ارتقای خدمات‌رسانی و به‌طور خاص افزایش اثربخشی و کارایی ابزار کمک‌جست‌وجوی آرشیوی و هم‌چنین به‌دلیل محدودیت‌های پژوهش حاضر پیشنهادهایی برای مطالعات آتی در زمینه مرتبط با پژوهش حاضر بیان می‌شود.

۶.۱. پیشنهادهای کاربردی

ارتقای کاربرپسندی نرم‌افزار آرشیوی در جهتی که تمامی کاربران چه خبره و چه مبتدی با هر سطح سواد اینترنتی و آرشیوی بتوانند با آن تعامل مؤثر داشته باشند؛ تولید و در دسترس قرار دادن فیلم‌های آموزشی درباره چگونگی انجام جست‌وجو در بخش‌های مختلف؛

گذاشتن توضیحاتی در کنار فیلدهای جست‌وجو، به‌گونه‌ای که زمانی که موشواره کاربر کنار هر فیلد قرار گرفت، توضیحاتی به‌همراه مثال ارائه شود و یا کاربر به صفحه راهنما هدایت شود.

۶.۲. پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

ارزیابی ابزارهای کمک‌جست‌وجوی آرشیوی به‌لحاظ ظاهری، ساختاری و کلیدواژه‌ای؛ سنجش کاربردپذیری ابزارهای کمک‌جست‌وجوی آرشیوی از دیدگاه آرشیویست‌ها؛

بررسی تأثیر سایر راهنماهای موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی برای کاربران در جست‌وجوی اسناد؛
بررسی میزان تأثیر حضور آرشیویست‌ها در سازمان اسناد و کتابخانه ملی برای کمک به کاربران.

منابع فارسی

کتاب

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۷۶). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگه.
فدائی عراقی، غلام‌رضا. (۱۳۸۴). *مدیریت یادمانه‌ها* (آرشیو). تهران: دانشگاه تهران.

مقاله

اصنافی، امیررضا. (۱۳۸۷). «قابلیت‌های نرم‌افزارهای جامع کتابخانه‌های فارسی در زمینه منابع آرشیوی: دیدگاه‌های کتابداران و آرشیویست‌ها». *گنجینه اسناد*، ۱۸(۱)، صص ۹۱-۱۰۵.
سهیلی، فرامرز؛ جسری، سحر؛ خاصه، علی‌اکبر؛ دانش، فرشید. (۱۴۰۰). «کاربردپذیری وب‌سایت موبایلی کتابخانه‌های دانشگاه‌های برتر علوم پزشکی در ایران». *پیام سلامت*، ۱۵(۱)، صص ۱-۱۳.
عزیزی، غلام‌رضا. (۱۳۹۴). «بررسی رفتارهای اطلاع‌یابی محققان مراجعه‌کننده به آرشیو ملی ایران». *گنجینه اسناد*، ۲۵(۴)، صص ۹۸-۱۱۰.
نجف‌قلی‌نژاد، اعظم. (۱۴۰۱). «کاربردپذیری کتابخانه دیجیتال سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران براساس تجربه کاربری». *مطالعات کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات*، ۳۳(۲)، صص ۶۷-۸۷.
نوشین‌فرد، فاطمه؛ احمدی، اطهره. (۱۳۹۱). «بررسی و ارزیابی رسا، نرم‌افزار جامع کتابخانه، مرکز اسناد و آرشیو در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه کاربران». *نظام‌ها و خدمات اطلاعاتی*، ۲(۱)، صص ۱۳-۲۶.
نوکاریزی، محسن؛ عابدینی، طیبه. (۱۳۹۱). «ارزش‌یابی کاربردپذیری وب‌سایت کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از دید کاربران». *پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲(۱)، صص ۱۵۳-۱۷۴.

پایان‌نامه

ادبی فیروزجاه، حسین. (۱۳۹۰). «ارزیابی کاربردپذیری کتابخانه‌های دیجیتالی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی)، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.



Latin References

- Altman, Burt; Nemmers, John R. (2001). "The Usability of On-line Archival Resources: The Polaris Project Finding Aid". The *American Archivist*, 64(1), pp 121-131.
- Casarosa, Vittore; Meghini, Carlo; Gardasevic, Stanislava. (2013). "Improving Online Access to Archival Data". Part of *The Communications in Computer and Information Science book series (CCIS, volume 354)*, pp 153-162.
- Chapman, Joyce Celeste. (2010). "Observing Users: An Empirical Analysis of User Interaction with Online Finding Aids". Journal of *Archival Organization*, 8(1), pp 4-30.
- Charan, SHIV; Sharma, Pinki. (2021). "Usability study of Abhilekh Patal, National Archives of India (NAI), India". The Journal of *Academic Librarianship*, (47)2, pp 1-7.
- Duff, Wendy M; Johnson, Catherine Anne. (2002). "Accidentally found on purpose: Information – seeking Behavior of Historians in Archives". *The Library Quarterly: Information, Community, Policy*, 72(4), pp 472-496.
- Fasig, Danielle L. (2013). "Usability Evaluation of Finding Aids for Archives". Master's dissertation. Chapel Hill, North Carolina.
- Freund, Luanne; Toms, Elaine G. (2016). "Interacting with Archival Finding Aids". Journal of The *association for Information Science and Technology*, 67(4), pp 994-1008.
- Jamal, Amr and others. (2021). "Usability Analysis of a Health Sciences Digital Library by Medical Residents: Cross-sectional Survey". *JMIR Publication*, (5)6, pp 1-10.
- McGahee, Clayton. (2018). "Making Special Collections Accessible to Users: Finding Aids". *International Journal of Legal Information*, 46(1), pp 31-38.
- Prom, Christopher J. (2004). "User Interactions with electronic Finding Aids in a Controlled Setting". The *American Archivist*, 67(2), pp 234-268.
- Rush, Michael; Holdzkom, Lynn; Backman, Prudence; Santamaria, Daniel A; Leigh, Andrea. (2008). "Applying DACS to Finding Aids: Case Studies from Three Diverse Repositories". The *American Archivist*, 71(1), pp 210-227.



Walton, Rachel. (2017). "Looking For Answers: a usability study of Online Finding Aid Navigation". The *American Archivist*, 80(1), pp 30-52.

English Translation of References

Books

FadaeiAraghi, Gholamreza. (1384/2005). "*Modiriyat-e yādmāne-hā (Āršiv)*" (Archives Management). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]

Sarmad, Zohreh; Bazargan, Abbas; & Hejazi, Elaheh. (1376/1997). "*Raveš-hā-ye taḥ-qiḡdar 'olum-e raftāri*" (Research methods in behavioral sciences). Tehran: Āgah.[Persian]

Articles

Altman, Burt; & Nemmers, John R. (2001). "The usability of on-line archival resources: The Polaris Project Finding Aid". The *American Archivist*, 64(1), pp. 121-131.

Asnafi, Amirreza. (1387/2008). "Qābeliyat-hā-ye narm-afzār-hā-ye jāme'-e ketābxāne-hā-ye Fvrsidarzamine-ye manābe'-e āršivi: Didgāh-hā-ye ketāb dār ānvaāršivist-hā" (The efficiency of Farsi integrated library softwares for managing archival resources: The viewpoints of librarians and archivists). *Ganjine-ye Asnād*, 18(1), pp. 91 – 105.[Persian]

Azizi, Gholamreza. (1394/2015). "Barresi-ye raftār-hā-ye ettelā'-yābi-ye mohaqqeqān-e morāje'e-konandeh be Āršiv-e Melli-ye Irān" (Information seeking behavior of researchers visiting National Archives of Iran). *Ganjine-ye Asnād*, 25(4), pp. 98 – 110.[Persian]

Casarosa, Vittore; Meghini, Carlo; Gardasevic, Stanislava. (2013). "Improving Online Access to Archival Data". Part of *The Communications in Computer and Information Science book series (CCIS, volume 354)*, pp 153-162.

Chapman, Joyce Celeste. (2010). "Observing users: An empirical analysis of user interaction with online finding aids". Journal of *Archival Organization*, 8(1), pp. 4-30.

Charan, SHIV; & Sharma, Pinki. (2021). "Usability study of AbhilekhPatal, National



- Archives of India (NAI), India". The Journal of *Academic Librarianship*, (47)2, pp. 1-7.
- Duff, Wendy M; &Johnson, Catherine Anne. (2002). "Accidentally found on purpose: Information – seeking Behavior of Historians in Archives". *The Library Quarterly: Information, Community, Policy*, 72(4), pp 472-496.
- Freund, Luanne; &Toms, Elaine G. (2016). "Interacting with Archival Finding Aids". Journal of The *association for Information Science and Technology*, 67(4), pp. 994-1008.
- Jamal, Amr et al. (2021). "Usability analysis of a health sciences digital library by medical residents: Cross-sectional survey". *JMIR Publication*, (5)6, pp. 1-10.
- McGahee, Clayton. (2018). "Making special collections accessible to users: Finding aids". *International Journal of Legal Information*, 46(1), pp. 31-38.
- Najafgholinejad, Azam. (1401/2022). "Kārbord-paziri-ye ketābxāne-ye dijital-e Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān bar asās-e tajrobe-ye kārbar" (Usability of the National Library and Archives of Iran (NLAI) digital library based on user experience). *Motāle'āt-e KetābdārivaSāzmāndehi-ye Ettelā'āt* (Librarianship and Information Organization Studies), 33(2), pp. 67 – 87.[Persian]
- Nokarizi, Mohsen; &Abedini, Tayyebeh. (1391/2012). "Arzeš-yābi-ye kārbord-paziri-ye vebšāyt-e ketābxāne-hā-ye markazi-ye dānešgāh-hā-ye vābasteh be Vezārat-e 'Olum, Tahqiqāt va Fannāvāriāz did-e kārbarān" (Usability evaluation of the central library websites of the universities dominated by the Ministry of Science, Research and Technology). *Pažuheš-nāme-ye KetābdārivaEttelā'-resāni* (Library and Information Science Research Journal), 2(1), pp. 153 – 174.[Persian]
- Noushinfard, Fatemeh; & Ahmadi, Athareh. (1391/2013). "Barresi vaarzyābi-ye Rasā, narm-afzār-e jāme'-e ketābxāneh, markaz-e asnād va aršivdarSāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān az didgāh-e kārbarān" (Evaluation of Rasa software in the National Library of the Islamic Republic of Iran). *Nezām-hāvaXadamāt-e Ettelā'āti* (Journal of Information Systems and Services), 2(1), pp. 13 – 26.[Persian]
- Prom, Christopher J. (2004). "User interactions with electronic finding aids in a con-

trolled setting”. The *American Archivist*, 67(2), pp. 234-268.

Rush, Michael; Holdzkom, Lynn; Backman, Prudence; Santamaria, Daniel A; & Leigh, Andrea. (2008). “Applying DACS to finding aids: Case studies from three diverse repositories”. The *American Archivist*, 71(1), pp. 210-227.

Soheili, Faramarz; Jasri, Sahar; Khaseh, Ali Akbar; & Danesh, Farshid. (1400/2021). “Kārbord-paziri-ye vebšāyt-e mobāyli-ye ketābxāne-hā-ye dānešgāh-hā-ye bartar-e olumpeškidar Irān” (Usability of mobile website of the libraries of top medical sciences universities). *Peyāvard-e Salāmat* (Journal of Payavard Salamat), 15(1), pp. 1 – 13. [Persian]

Walton, Rachel. (2017). “Looking for answers: A usability study of Online Finding Aid Navigation”. The *American Archivist*, 80(1), pp. 30-52.

Dissertations

Adabi Firouzjah, Hossein. (1390/2011). “*Arzyābi-ye kārbord-paziri-ye ketābxāne-hā-ye dijitalidardānešgāh-hā-ye dowlati-ye šahr-e Tehrān*” (Usability Evaluation of Digital Libraries in Tehran Governmental Universities). [Masters’ thesis, Library and information science]. Dānešgāh-e Āllāmeḥ Tabātabāei (Allameh Tabataba’i University), Dāneškade-ye ‘Olum-e Tarbiati va Ravānšenāsi (Faculty of Educational Sciences and Psychology). [Persian]

Fasig, Danielle L. (2013). “Usability evaluation of finding aids for archives”. Master’s dissertation. Chapel Hill, North Carolina.





Table of contents

Ganjineh-Ye Asnad

(Peer-reviewed Journal)

Vol.32, No.4, (Winter 2023)

Ser.No: 128

ISSN: 1023-3652

E-ISSN: 2538-2268

Historical Research

The History and Timing of the Fratarakain Persis: An Analytical Review\

Fazlollah Boraghi, Seyyed Saheb Barzin

6-45(40)

Investigating the process and approaches of holding "Hazara Ferdowsi" ceremony in 1933 in the world\ **Ali-Mohammad Tarafdari**

46-76(31)

The Reasons behind Bushehr's Maritime Trade with India (1927-1972)

Ghulam Hussain Nezami

78-110(33)

Pahlavi Dynasty Museum: Demonstration of Pahlavi State's ideology in the 1960s and 1970s\ **Marzie Bazyar, Asghar Muhammadmoradi,**

Gholamhossein Memarian

112-137(26)

Archival Studies

Ontology researches in the museum domain\

Abdolhossein Farajpahlou1, Farideh Osareh, Zeynab Farizadeh

138-168(31)

The role of archival organizations' investment in social capital on the performance of archivists\ **Zahra Nasrollahi, Nader Naghshineh, Maryam Sarafzadeh**

170-196(27)

English Abstracts \ **Sanaz Baghestani**

Ganjine-ye Asnad

Historical Research & Archival Studies Quarterly

Vol.32, No.4, (Winter 2023)

(128)

E-ISSN: 2538-2268 | ISSN: 1023-3652

A peer-reviewed journal published by the National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran

Editor-in-Chief:

Saeid Rezaei Sharifabadi, PhD srezaei@alzahra.ac.ir

Managing Editor:

Golamreza Azizi, PhD greazizi@gmail.com

Executive Officer: Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli, PhD m.sadat@yahoo.com

Editorial Board:

Terry Eastwood, Professor, University of British Columbia, Canada.

Ray Edmondson, OAM, B.A. Dip Lib Phd, Australia.

Gholamreza Fadaei, Professor, University of Tehran, Iran.

A.Hossein Farajpahlou, Professor, Shahid Chamran University, Iran.

Saeid Rezaei Sharifabadi, Professor, Alzahra University, Iran.

Hossein Mirjafari, Professor, University of Isfahan, Iran.

Morteza Nouraei, Professor, University of Isfahan, Iran.

Mohammad Bagher Vosoghi, Professor, University of Tehran, Iran.

Fariborz Khosravi, Associate Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

Narges Neshat, Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

S. Amirmasoud Shahramnia, Associate Professor, University of Isfahan, Iran.

ganjineh.nlai.ir | Email: ganjinehasnad@gmail.com | Tel: 9821 81625554

Address: Iran National Archives, Kosha St, Haqani High way, Tehran, Iran

Index by: Google scholar, Research gate, ISC, SID & Iran Journal

